قرآن کریم

تدبر و عمل

قرآن کریم

تدبّر و عمل

جهت پیشنهادات و ملاحظات با ما تماس بگیرید

tadabborfarsi@gmail.com

بسم الله الرحمن الرحيم

سورۀ فاتحه

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آنِ الله ـ پروردگار جهانیان ـ است؛ (۲) بخشندۀ مهربان است؛ (۳) مالک روزِ جزاست. (۴) [پروردگارا!] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری [و مدد] می‌جوییم. (۵) ما را به راه راست هدایت فرما [و همواره در این راه، ثابت‌قدم بدار]؛ (۶) راه کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگویان و نیکوکاران] که به آنان نعمت داده‌ای، نه [راه] کسانی که بر آنان خشم گرفته شده است [= یهود] و نه [راه] گمراهان [= نصاری]. (۷)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ۝ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ۝ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ﴾

گویی الله ﷻ می‌فرماید: ای بندگانم! اگر معبودی را به خاطر کمال ذاتی و صفاتی، ستایش می‌کنید و او را بلندمرتبه و بزرگ می‌دانید، مرا حمد و ستایش کنید که قطعا من «الله» هستم، و اگر حمد و سپاس شما به سبب احسان و پرورش و اِنعام است، همانا من «پروردگار جهانیان» هستم، و اگر از روی امید و طمع به آینده است، بدون تردید من «بخشنده و مهربان» هستم، و اگر به سبب ترس است، به‌راستی که من «مالک روز جزا» هستم. آلوسی: ۱/ ۸۶.

پرسش: اوصاف چهارگانه در ابتدای سورۀ «فاتحه» چه دلالتی بر حمد و ستایش الله تعالی دارند؟

❷ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ۝ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ۝ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ۝ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ۝ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾

از آن‌جا که درخواست هدایت به راه مستقیم از الله متعال، از بزرگ‌ترین خواسته‌ها، و رسیدن به آن از بهترین بخشش‌هاست، الله ﷻ شیوۀ درخواست آن را به بندگانش آموخت، و به آنان فرمان داد که پیش از درخواست، حمد و ثنا و تمجید او تعالی را به جای آورند، سپس بندگی و به‌یگانگی عبادت کردن الله توسط آنان را بیان فرمود؛ زیرا این دو امر، اسباب رسیدن به خواسته‌شان است: یعنی توسّل به الله به‌وسیلۀ اسماء و صفاتش، و توسّل به الله به‌وسیلۀ بندگی برای او، که بعید است با وجود این دو، دعا و درخواستی رد گردد. ابن قیّم: ۱/ ۳۶.

پرسش: در آیات فوق، دو وسیله برای پذیرش دعا بیان شد، آن دو وسیله را نام ببرید؟

❸ ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾

استعانت و درخواست کمک، پس از عبادت بیان شد با وجود این‌که از مواردِ عبادت است؛ زیرا بنده در تمامی عباداتش به استعانت از الله تعالی نیاز دارد، و اگر الله به او کمک نکند، نمی‌تواند به خواسته‌اش در انجام دستورات و دوری از نواهی الهی دست یابد. سعدی: ۳۹.

پرسش: استعانت نوعی عبادت است، پس چرا الله تعالی استعانت را جداگانه و پس از بیان عبادت که شامل استعانت و غیر آن می‌شود آورد؟

❹ ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾

عبادت از بالاترین مراحل خضوع بوده و از نظر شرعی و عقلی انجام آن فقط برای الله جایز است؛ زیرا فقط او مستحق آن است، چرا که صاحب و دهندۀ بزرگ‌ترین نعمت‌ها از جمله زندگی و وجود و لوازم آن‌دو الله است. آلوسی: ۱/ ۸۶.

پرسش: چرا عبادت فقط برای الله جایز است؟

❺ ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ۝ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾

در عبارت: ﴿نَعۡبُدُ﴾ آوردن «نون استتباع» بیانگر این مطلب است که نماز مشروع شده است تا دسته‌جمعی خوانده شود. بقاعی: ۱/ ۱۷.

پرسش: چرا صیغۀ عبادت و استعانت و دعا در سورۀ «فاتحه» به صورت جمع آمده است؟

❻ ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾

نیاز به هدایت، مهم‌تر و بزرگ‌تر از نیاز به پیروزی و روزی است؛ و بلکه این دو غیر قابل مقایسه با یکدیگر هستند؛ زیرا وقتی انسان هدایت شود، از پرهیزگاران می‌گردد، و کسی که تقوای الهی را رعایت کند، الله تعالی برایش راه خروج [از هر تنگنا و مشکلی] را قرار می‌دهد و وی را از جایی و به گونه‌ای که گمان نبَرَد روزی می‌دهد. ابن تیمیه: ۱/ ۱۱۶.

پرسش: چرا نیاز به هدایت، مهم‌تر و بزرگ‌تر از نیاز به پیروزی و روزی است؟

❼ ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾

هر اندازه که پایداری بنده بر این راهی که الله آن را برای بندگانش در دنیا قرار داده است بیشتر باشد، به همان اندازه استواری و پایداری وی بر روی پُل صراط که بر روی جهنّم قرار گرفته است بیشتر می‌شود، و به اندازۀ سرعت حرکت و پایداری در راه الله، بر روی آن پُل قرار می‌گیرد و سیر می‌کند؛ که برخی همچون برق، و برخی به اندازۀ یک پلک برهم‌زدن عبور می‌کنند... پس بنده باید با توجّه به پایداری در این راه، استواری و رفتنش بر روی آن پُل را محاسبه کند؛ زیرا مو به مو و به صورت یکسان صورت خواهد گرفت، و جزایی متناسب با عمل خواهد بود. ﴿هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾ [النّمل: ۹۰]؛ «آیا جزایی جز آن‌چه می‌کردید به شما داده می‌شود؟!» ابن قیّم: ۱/ ۳۵.

پرسش: رابطۀ میان پایداری بنده بر راه مستقیم در این دنیا و حرکت او بر روی پُل صراط در آخرت چگونه است؟

سورة (الفاتحة) الجزء (١) صفحة (١)

سُورَةُ الفَاتِحَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١
ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢
ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤
إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا
ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ
عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ
وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِسۡمِ ٱللَّهِ	یعنی قرائتم را با استعانت از الله تعالی آغاز می‌کنم.
يَوۡمِ ٱلدِّينِ	روز جزا و حساب.
غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ	یهود و امثال آنان که به آن‌چه می‌دانستند عمل نکردند.
ٱلضَّآلِّينَ	نصارا و امثال آنان که بدون علم، عمل کردند.

عمل به آیات

۱. الله تعالی را بخوان، و دعا را با حمد و ثنای او تعالی شروع نما، چنان‌که سورۀ «فاتحه» آغاز شد، سپس به همان روشی که الله این سوره را به پایان رسانید آن‌چه را که می‌خواهی از او بخواه: ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾، ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾.

۲. سورۀ «فاتحه» مهم‌ترین سورۀ قرآن است و آن را بیشتر از سایر سوره‌ها تلاوت می‌کنی، تفسیر این سوره را در یکی از تفاسیر مطالعه کن و در آیاتش بسیار تدبّر و دقت نما: ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ۝ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ تا پایان سوره... .

۳. گروهی از افراد نیک و صالح را انتخاب کن و بسیار با آنان نشست و برخاست داشته باش: ﴿صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ﴾.

رهنمودها

۱. این سوره میان الله و بنده‌اش تقسیم شده است؛ ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ﴾ و عبارات پیش از آن برای الله، و ﴿وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾ و آیات بعدی برای بنده است، پس به این مورد دقّت کن: ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾.

۲. هرگز الله را آن‌گونه که باید، عبادت نخواهی کرد مگر این‌که او تعالی تو را بر این کار یاری رساند و توفیق دهد: ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾.

۳. پرهیز از پیمودن شیوۀ یهودیان (ترجیح تمایلات نفسانی بر شریعت) ﴿ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ﴾ و دوری از پیروی‌کردن راه نصارا (عبادت از روی بدعت و جهل) ﴿وَلَا ٱلضَّآلِّينَ﴾.

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٢)

سُورَةُ البَقَرَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى
لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ
وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ
إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤
أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
﴿الٓمٓ﴾	این قرآن متشکّل از حروف مذکور است، اما مخلوقات نمی‌توانند مانند آن بیاورند.
لِّلۡمُتَّقِينَ	کسانی که با انجام اوامر و ترک نواهی، سپری میان خود و عذاب الهی قرار داده‌اند.

عمل به آیات

۱. تقوا بر مخالفت شریعت الله با تمایلات نفسانی تو استوار است تا ایمانت مورد آزمایش قرار گیرد؛ پس کاری را در زندگی خود مشخص کن که گمان می‌کنی در آن، تمایلات خود را بر شریعت الهی ترجیح می‌دهی، آن‌گاه از انجام این کار روی بگردان و از پروردگارت آمرزش بخواه: ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ﴾.

۲. خودت را در مورد نماز مورد حسابرسی قرار بده، و امروز کوتاهی‌هایت را در این کار بررسی نما و آن‌ها را اصلاح کن و نماز را به‌گونه‌ای که از نظر شرعی مطلوب است برپا دار: ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾.

۳. امروز ایمان و یقین خود را نسبت به روز آخرت، با انفاق از ثروتی که الله به تو بخشیده است امتحان کن، و باور داشته باش که الله در دنیا و آخرت عوض آن را به تو خواهد داد: ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾.

رهنمودها

۱. یکی از اسباب حصول هدایت با قرآن کریم، تقوای الهی است؛ پس همواره اراده و خواست الله را بر تمایلات نفسانی خود ترجیح بده: ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ﴾.

۲. سعادت و خوشبختی تو به رستگاری وابسته است و فقط کسی به رستگاری می‌رسد که دارای این صفات باشد: ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾.

۳. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان به این قرار است: پایداری آنان بر ایمان‌شان در نهان و آشکار، و مراقب‌دانستن الله تعالی در تمامی احوال: ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ﴾.

سورهٔ بقره

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف. لام. میم]. (۱) این کتابی است که هیچ تردیدی در [الهی بودنِ] آن نیست و مایهٔ هدایت پرهیزگاران است؛ (۲) همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند؛ (۳) و آن کسانی که به آنچه بر تو و [بر پیامبران] پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند و به روز رستاخیز یقین دارند. (۴) اینان از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند و رستگاران [واقعی] همین‌ها هستند. (۵)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ﴾

دلیل آوردن حروف مقطّعه در ابتدای برخی سوره‌ها این است که بیانگر اعجاز قرآن باشد و این‌که بیان دارد مردم از آوردنِ مانند آن ناتوانند، با وجود این‌که سوره‌های قرآن متشکّل از این حروف مقطعه هستند که مردم به‌وسیلهٔ آن‌ها با یکدیگر سخن می‌گویند... و به همین سبب، هر سوره‌ای که با این حروف آغاز شده است، قطعا پیروزی و اعجاز و عظمت قرآن را بیان می‌کند و این امر از طریق استقرا مشخص است. ابن کثیر: ۱/ ۳۶- ۳۷.

پرسش: چگونه میان حروف مقطّعه و بیان عظمت و اعجاز قرآن ارتباط وجود دارد؟

۲ ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ﴾

الله تعالی نفرمود: قرآن برای فلان کار و مصلحت و فلان چیز هدایت است، زیرا هدف عموم است. و این‌که قرآن کریم هدایتی برای منافع دنیا و آخرت است؛ زیرا راهنمایی برای بندگان در مسایل اصلی و فرعی است و حق را از باطل و صحیح را از ضعیف جدا و متمایز می‌کند، و به آنان نشان می‌دهد که چگونه راه‌هایی را بپیمایند که در دنیا و آخرت برای‌شان فایده دارد. سعدی: ۴۰.

پرسش: چگونه به این آیه استدلال می‌شود که هدایت قرآن منافع دنیوی و اخروی را دربردارد؟

۳ ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

ایمان به غیب، سهم قلب و برپاداشتن نماز، سهم بدن است، و ﴿وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾ سهم مال است. این موضوع روشن و آشکار است. قرطبی: ۱/ ۲۷۴.

پرسش: این آیه سه مورد از موارد تقوا را بیان می‌کند، آن سه مورد را نام ببرید؟

۴ ﴿وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

الله نفرمود: نماز را انجام می‌دهند یا آن را به جای می‌آورند؛ زیرا فقط انجام ظاهری آن کفایت نمی‌کند؛ بنابراین اقامهٔ نماز عبارت است از انجام ظاهریِ آن با تکمیل ارکان و واجبات و شروطش، و نیز اقامهٔ باطنی آن با تحقّق روح و معنویت آن؛ یعنی همان حضور دل در نماز و تدبّر و تفکر در اقوال و اعمالی که در آن صورت می‌گیرد. سعدی: ۴۱.

پرسش: چرا از انجام نماز به اقامه تعبیر شد؟

۵ ﴿وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

حرف «مِن» که دلالت بر تبعیض می‌کند را آورد؛ تا به مردم بفهماند فقط بخش اندکی از اموال‌شان را می‌خواهد انفاق کنند، به گونه‌ای که ضرری به آنان وارد نشود و سنگین و گران هم نباشد، بلکه با انفاق این مقدار از مال، هم خودشان فایده می‌برند و هم به برادران‌شان فایده می‌رسانند. عبارت: ﴿رَزَقۡنَٰهُمۡ﴾ اشاره دارد به این‌که اموالی که در اختیار دارید، با قدرت و تسلّط شما به دست نیامده است، بلکه فقط روزی و عطای الهی است که آن را به شما بخشیده و بر شما انعام کرده است، پس همان‌گونه که بر شما احسان کرد و شما را بر بسیاری از بندگانش برتری داد، با انفاقِ بخشی از آن‌چه به شما بخشیده است، شکر او تعالی را به جای آورید. سعدی: ۴۱.

پرسش: چرا حرف «مِن» که دلالت بر تبعیض دارد، آورده شد؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

دلیلی که ایمان به غیب، منجر به انفاق [در راه الله] می‌گردد، این است که رزق الهی از امور غیبی به شمار می‌رود؛ چون انسان بر تمامیِ روزی‌اش اطلاع ندارد و به همین سبب، روزی‌اش از امور غیبی است، پس زمانی که یقین حاصل کند الله تعالی عوض آن را به او می‌دهد، بیشتر [در راه الله] بخشش می‌کند، و هر گاه که با رزق و اموال، امداد و کمک شود، رزقی جدید جایگزینش می‌شود و بر آن قدرت و اختیار می‌یابد و دروازهٔ امداد الهی با رزق و ثروتی بهتر و کامل‌تر از رزق و روزیِ قبلی برایش گشوده می‌شود. بقاعی: ۱/ ۳۰.

پرسش: دلیلی که ایمان به غیب، منجر به انفاق [در راه الله] می‌گردد چیست؟

۷ ﴿وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ﴾

یقین بالاترین درجهٔ علم و آگاهی است و امکان ندارد که تردیدی در آن راه داشته باشد. ابن عطیّه: ۱/ ۸۶.

پرسش: هر اندازه که علم نسبت به آخرت بیشتر شود، عمل برای آن نیز بیشتر می‌شود، این مطلب را با توجّه به آیهٔ مذکور توضیح بده.

ترجمه آیات

قطعاً برای کسانی که [آگاهانه و از روی دشمنی] کفر می‌ورزند، تفاوتی ندارد که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی؛ [در هر حال] ایمان نمی‌آورند. (۶) [چون] الله بر دل‌ها و گوش‌هایشان مُهر [غفلت] زده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای است و عذاب بزرگی [در پیش] دارند. (۷) برخی از مردم [= منافقان] می‌گویند: «به الله و روز قیامت ایمان آورده‌ایم»؛ در حالی که ایمان ندارند. (۸) آنان [گمان می‌کنند] الله و مؤمنان را فریب می‌دهند؛ در حالی که فقط خود را فریب می‌دهند؛ ولی نمی‌فهمند. (۹) در دل‌هایشان بیماری [= شکّ و نفاق] است و الله بر بیماری آنان افزوده است و به خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند عذاب دردناکی [در پیش] دارند. (۱۰) هر گاه به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» [به دروغ] می‌گویند: «ما خود اصلاح‌گریم». (۱۱) آگاه باشید! که آنان [تبهکار و] مفسد هستند؛ ولی نمی‌فهمند. (۱۲) و هنگامی که به آنان گفته شود: «شما نیز همچون مردم [منصِف و واقع‌بین] ایمان بیاورید»، می‌گویند: «آیا [انتظار دارید] همچون کم‌خردان ایمان بیاوریم؟» آگاه باشید! خودشان کم‌خرد هستند؛ ولی [این را] نمی‌دانند. (۱۳) و هنگام ملاقات با مؤمنان می‌گویند: «ما [نیز همچون شما] ایمان آورده‌ایم» و هنگامی که با بزرگان شیطان‌صفتِ خود خلوت می‌کنند می‌گویند: «ما با شما هستیم و فقط [آنان را] مسخره می‌کنیم». (۱۴) الله آنان را مسخره می‌کند و مهلت‌شان می‌دهد [تا] در طُغیانشان سرگشته بمانند. (۱۵) آنان کسانی هستند که گمراهی را به [بهایِ] هدایت خریدند؛ پس تجارتشان سودی نداد و هدایت‌یافته نبودند. (۱۶).

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ﴾

وقتی گناهان پی‌درپی بر دل‌ها وارد شوند، آن‌ها را می‌بندند و زمانی که گناهان باعث بسته‌شدن دل‌ها شوند، الله تعالی بر آن‌ها مُهر می‌زند و در نتیجه، ایمان راهی برای نفوذ به دل‌ها پیدا نمی‌کند و چاره‌ای برای جدایی کفر از آن‌ها وجود ندارد. این است همان مُهرزدنی که الله متعال می‌فرماید: ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ﴾. ابن کثیر: ۱/ ۴۵.

پرسش: چگونه بر دل‌ها مُهر زده می‌شود؟

۲ ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ﴾

سپس الله موانعی را که باعث می‌شود آن‌ها ایمان نیاورند بیان کرد و فرمود: ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ﴾؛ یعنی به گونه‌ای بر آن دل‌ها مُهر می‌زند که ایمان واردشان نمی‌شود و نفوذ نمی‌کند، بنابراین آن‌چه را که برای‌شان فایده دارد نمی‌فهمند و آن‌چه را که به نفع‌شان است نمی‌شنوند. ﴿وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ﴾؛ یعنی پرده و پوششی که باعث می‌شود آن‌چه را که برای‌شان مفید است نبینند. به عبارتی دیگر، راه‌های علم و نیکی بر روی‌شان بسته شده است؛ پس هیچ امیدی به آنان نیست و هیچ خیری از آنان انتظار نمی‌رود. فقط به سبب کفر و انکارشان، از این موارد بازداشته شدند و دروازه‌های ایمان بر روی‌شان بسته شد. (سعدی: ۴۲)

پرسش: چرا اعضای مذکور به صورت خاص بیان شد که مُهر بر آن‌ها زده می‌شود و پرده و پوشش بر آن‌ها قرار می‌گیرد؟

۳ ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾

مقدّم‌کردن گوش بر چشم [= شنیدن بر دیدن] در آیات قرآن، نشان می‌دهد که فایدهٔ گوش برای انسان بیشتر از چشم است؛ زیرا مقدّم‌کردن چیزی، بیانگر اهمیتِ موردِ مقدّم‌شده است؛ چرا که گوش وسیلهٔ دریافت معارفی است که عقل با آن‌ها به کمال می‌رسد، و نیز وسیله‌ای کامل‌تر از چشم برای رسیدن دعوت پیامبران به ذهن و فکر مردم است. ابن عاشور: ۱/ ۲۵۸.

پرسش: تأثیر وسایل شنیداری بر مردم بیشتر است یا تأثیر وسایل دیداری؟

۴ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ﴾

ابتدا صفات مؤمنان در ابتدای سوره با آوردن چهار آیه بیان گشت، سپس الله تعالی با آوردن دو آیه، ویژگی‌های کافران را بیان فرمود. در ادامه، او تعالی احوال منافقان را توصیف می‌فرماید که در ظاهر ایمان دارند و در باطن کفر می‌ورزند، و از آن‌جا که حالت و حقیقت آنان بر بسیاری از مردم مبهم و پوشیده است، با آوردن صفاتی متعدّد توصیف آنان را طولانی کرد. ابن کثیر: ۱/ ۴۵.

پرسش: چرا الله تعالی در ابتدای سورهٔ «بقره» با آوردن ۴ آیه احوال مؤمنان، و با دو آیه، شرایط کافران و با آوردن ۱۳ آیه، ویژگی‌های منافقان را بیان فرمود؟

۵ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ﴾

الله ﷻ ویژگی‌های منافقان را گوشزد کرد که مؤمنان فریب ظاهرشان را نخورند؛ تا مبادا بر اثر دوری‌نکردن از آنان و باور به ایمان‌شان در حالی که حقیقتاً کافرند، فساد بسیاری برپا شود، که این یکی از موارد ممنوع است. ابن کثیر: ۱/ ۴۶.

پرسش: چرا شناخت احوال منافقان برای مسلمانان اهمّیت دارد؟

۶ ﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ﴾

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ﴾؛ یعنی به این سبب که به دنیا دل بسته‌اند و از آخرت غافل و رویگردان هستند. ﴿فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ﴾؛ یعنی الله آنان را به خودشان واگذار کرده و تمامی همّ و غم دنیا را بر آنان گِرد آورده است؛ در نتیجه، از آن فارغ نمی‌شوند که به دین توجّه کنند. ﴿وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ﴾؛ زیرا آن‌چه باقی است را در عوض آن‌چه فناپذیر است از دست دادند. جنید می‌گوید: بیماری دل‌ها بر اثر پیروی از تمایلات نفسانی است، همان‌گونه که اعضا بر اثر بیماری جسمی، بیمار و ضعیف می‌شوند. قرطبی: ۱/ ۳۰۰.

پرسش: دلیل بیماری دل‌های منافقان چیست؟

۷ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ﴾

یعنی به گمراهی تمایل و گرایش پیدا کردند؛ همان‌گونه که مشتری در عوض کالایی که به آن تمایل دارد، قیمت گزافی پرداخت می‌کند. این مورد یکی از بهترین مثال‌هاست؛ زیرا گمراهی را که نهایت بدی است به منزلهٔ کالا، و هدایت را که نهایت صلاح و خوبی است به منزلهٔ بها قرار داده است. سعدی: ۴۳.

پرسش: چگونه گمراهی در عوض هدایت خریده می‌شود؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٣)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ
لَا يُؤۡمِنُونَ ٦ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ
أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ٨
يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ
وَمَا يَشۡعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ١٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ
لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ
هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ
ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ
أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ ١٣ وَإِذَا لَقُواْ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا
مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ ١٤ ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ
فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٥ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ
بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خَتَمَ ٱللَّهُ	الله تعالی مُهر زده است.
غِشَٰوَةٞۖ	پرده و پوشش.
مَّرَضٞ	تردید و نفاق.
يَعۡمَهُونَ	حیران و سرگردانند و هدایت را نمی‌بینند.

عمل به آیات

۱. خطر و دروغ‌پردازی‌های کسانی را برای اطرافیان خود بیان کن که ادّعا دارند از حقوق زن دفاع می‌کنند، اما در واقع خواهان آزادیِ دست‌درازی به آنان هستند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ﴾.

۲. از شر و بدی نفاق به الله تعالی پناه ببر: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ﴾.

۳. امروز دعا کن که الله تعالی امّت اسلامی را در برابر شرّ منافقان محافظت کند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ﴾.

رهنمودها

۱. گاهی اوقات گناه باعث می‌شود که الله بر دل انسان مُهر زند و در نتیجه، نتواند به حقیقت رسد: ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ﴾.

۲. الله ﷻ ویژگی‌های کافران را در دو آیه، و صفات منافقان را با آوردن ۱۳ آیه بیان فرمود؛ زیرا خطر منافقان بدتر و شدیدتر از خطر کافران است؛ چون عموم مسلمانان، فریب منافقان را می‌خورند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ﴾.

۳. یکی از ویژگی‌های منافقان، تحقیر نیکوکاران و کاستن از مقام و منزلت آنان است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ﴾.

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٤)

مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ
ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ ١٧ صُمُّۢ
بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ١٨ أَوۡ كَصَيِّبٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ
ظُلُمَٰتٞ وَرَعۡدٞ وَبَرۡقٞ يَجۡعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ
ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِۚ وَٱللَّهُ مُحِيطُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩ يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ
يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ
قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي
خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ
بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ
تَعۡلَمُونَ ٢٢ وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ
بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ
ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بُكۡمٌ	حقیقت را بر زبان نمی‌آورند.
كَصَيِّبٖ	همچون بارانی شدید.
أَندَادٗا	همتایان و شریکان.
رَيۡبٖ	شک و تردید.

عمل به آیات

۱. امروز یکی از مثال‌های قرآن را بخوان، و تلاش کن که آن را به خوبی بفهمی: ﴿مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ﴾.

۲. نور دل به دست و اختیار الله است، پس این‌گونه از الله بخواه و بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا» [صحیح بخاری: ۶۳۱۶؛ صحیح مسلم: ۷۶۳] «یا الله! در دلم نور و در دیدگانم نور و در گوشم نوری قرار بده»، ﴿ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ﴾.

۳. به این آیه دقّت کن، سپس نتیجه و فایده‌ای از آن استخراج کن و آن فایده را در قالب یک پیام به دیگری بفرست: ﴿فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ﴾.

رهنمودها

۱. عبادت الله سبحانه و تعالی هدف نهایی وجود و زندگی توست: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ﴾.

۲. تفکّر و اندیشه در مخلوقات الهی، سبب افزایش یقین و ایمان در دل بنده است: ﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ﴾.

۳. یکی از ضعف‌های عقلی و شرعی این است که پروردگار بخشنده به تو انعام و اکرام کند، اما تو دیگران را شریک او قرار دهی: ﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾.

ترجمه آیات

داستان اینان [= منافقان] همانند داستان کسانی است که آتشی بیفروزند؛ و چون آتش، اطراف آنان را روشن سازد، الله نورشان را بگیرد و در تاریکی‌هایی که نمی‌بینند رهایشان کند. (۱۷) [در برابر حقیقت] کر و لال و کورند و [از گمراهیِ خود] بازنمی‌گردند. (۱۸) یا [داستان آنان] همچون [داستان گرفتارشدگان در] بارانِ شدیدی است که از آسمان [فرو می‌ریزد] و دارای تاریکی‌ها و رعد و برق است و آنان از ترسِ مرگ، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان فرو می‌برند تا صدای صاعقه را نشنوند؛ و الله به کافران احاطه دارد [و آنان در قبضه قدرت الله متعال هستند]. (۱۹) نزدیک است که برق، چشمانشان را برباید؛ هرگاه که [برق می‌زند و راه را] بر آنان روشن می‌سازد، گامی در [پرتوِ] آن برمی‌دارند و چون تاریکی آنان را فراگیرد، [حیرت‌زده بر جای خود] بازمی‌ایستند؛ و اگر الله بخواهد، شنوایی و بینایی‌شان را از بین می‌برد؛ زیرا الله بر هر کاری تواناست. (۲۰) ای مردم! پروردگار خویش را عبادت کنید؛ همان ذاتی که شما و پیشینیانتان را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید. (۲۱) همان ذاتی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را [همچون سقفی] بالای سرتان قرار داد و از آسمان، آبی فروفرستاد و به وسیلهٔ آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزیِ شما باشد؛ پس همتایانی برای الله قرار ندهید، در حالی که [حقیقت را] می‌دانید. (۲۲) و اگر دربارهٔ آنچه بر بندهٔ خود [محمد] نازل کرده‌ایم در شک و تردید هستید، اگر راست می‌گویید، سوره‌ای همانند آن بیاورید و گواهان [و یاوران] خود را ـ غیر از الله ـ فراخوانید. (۲۳) پس اگر این کار را نکردید ـ و هرگز قادر بر انجام این کار نخواهید بود ـ از آتشی بترسید که هیزمِ آن، مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است. (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ﴾

منافقان به کسانی تشبیه شده‌اند که آتشی می‌افروزند و الله آن را خاموش می‌گرداند. برای این تشبیه سه وجه تشبیه بیان شده است: نخست: منفعت آنان در دنیا با ادّعای داشتن ایمان، شبیه نور، و عذابشان در آخرت شبیه تاریکی پس از نور است. وجه تشبیه دوم: پنهان‌کردن کفرشان، همچون نور و رسوایی آنان، مانند تاریکی است. وجه سوم: این تشابه، دربارهٔ کسانی از آنان است که ایمان آورده سپس کافر شده‌اند که ایمانشان، همچون نور و کفر پس از آن، به مانند تاریکی است. این فرمودهٔ الله تعالی: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ﴾ [المنافقون: ۳]؛ «این به سبب آن است که آنان ایمان آوردند، سپس کافر شدند»، وجه تشبیه اخیر را ترجیح می‌دهد. ابن جزی: ۱/ ۵۴.

پرسش: وجه تشبیه منافقان به صاحب آتشی که روشن می‌گردد، سپس خاموش و تاریک می‌شود چیست؟

۲ ﴿صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ﴾

الله تعالی دربارهٔ آنان فرمود: ﴿صُمُّۢ﴾؛ یعنی در برابر شنیدن خیر و خوبی، ناشنوا و کر هستند. ﴿بُكۡمٌ﴾؛ یعنی نمی‌توانند خیر و خوبی را بر زبان آورند. ﴿عُمۡيٞ﴾؛ یعنی نمی‌توانند خیر را ببینند، ﴿فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ﴾؛ زیرا حقیقت را پس از این‌که شناختند ترک کردند، پس دوباره به آن باز نمی‌گردند. بر خلاف کسی که حقیقت را از روی جهل و گمراهی ترک کند؛ زیرا چنین فردی نمی‌داند، و احتمال بازگشت وی بیشتر از آنان است. سعدی: ۴۴.

پرسش: چرا الله تعالی در توصیف منافقان فرمود آنان به حقیقت باز نمی‌گردند؟

۳ ﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

در این عبارت، الله متعال از قدرت فراگیرش سخن می‌گوید؛ زیرا منافقان را از خشم و قدرتش برحذر داشته و خبر می‌دهد که بر آنان احاطه و تسلّط دارد و می‌تواند قدرت شنیدن و دیدن آن‌ها را از بین ببرد. ابن کثیر: ۱/ ۵۵.

پرسش: چرا در پایان این آیه بیان شد که الله تعالی بر هر چیزی تواناست؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

﴿ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ﴾: این فرمان، ایمان به الله و یگانه‌دانستن او و اطاعت از او تعالی را شامل می‌شود؛ بنابراین به منکِر و کافر فرمان داده می‌شود که ایمان بیاورد، و به مشرک دستور داده می‌شود که الله را یگانه و بی‌شریک بداند، و به مؤمن فرمان داده می‌شود که از الله اطاعت کند. ابن جزی: ۱/ ۵۶.

پرسش: انواع دعوت‌داده‌شدگان در آیهٔ فوق را بیان کن؟

۵ ﴿فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

این آیه از آیات محکم و قطعی است که تمامی شرایع و کتاب‌ها بر آن توافق و اجماع دارند، و ستون و پایهٔ خضوع و فروتنی و معیار بندگی و فروتنی در برابر الله به شمار می‌رود. بقاعی: ۱/ ۵۹.

پرسش: در این آیه معیاری برای عبادت الله بیان شده است، آن معیار چیست؟

۶ ﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ﴾

یعنی هرگز توان انجام این کار را ندارید، که این خود معجزهٔ دیگری است؛ الله به طور قطع و یقین و بدون هیچ ترس و بیمی خبر داد که تا ابد کسی نمی‌تواند مانند این قرآن بیاورد و در مقابل آن عَرضه کند. این‌گونه هم شد و از زمان نزول قرآن تاکنون کسی نتوانسته است چنین کاری انجام دهد، و در آینده هم امکان نخواهد داشت این امر اتفاق بیفتد. چگونه کسی می‌تواند دست به چنین کاری بزند؟! ابن کثیر: ۱/ ۵۸.

پرسش: این آیه بر معجزه‌ای آشکار برای قرآن کریم دلالت دارد، آن معجزه را توضیح بده؟

۷ ﴿وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ﴾

الله تعالی ابتدا مردم را ذکر فرمود؛ زیرا آنان دردها را احساس می‌کنند، یا به این دلیل که آنان چون دارای پوست و گوشت و چربی هستند، بیش از جمادات باعث برافروخته‌شدن آتش می‌شوند. به‌علاوه، این تقدیم بیشتر باعث ترساندن مردم می‌شود. آلوسی: ۱/ ۱۹۹.

پرسش: چرا نام مردم بر سنگ‌ها در برافروخته‌کردن آتش مقدّم شد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٥)

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ
رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ
وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥ ۞إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ
يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ
إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ
مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ
فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٢٧ كَيۡفَ
تَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمۡ أَمۡوَٰتٗا فَأَحۡيَٰكُمۡۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ
ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٨ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ
لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ
فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٩

ترجمه آیات

[ای پیامبر!] به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده بده که باغ‌هایی [از بهشت] برایشان [در پیش] است که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است. هر زمان که میوه‌ای از آن [باغ‌ها] به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که پیش از این روزیِ ما شده بود»؛ در حالی که شبیهِ آن به آنان داده شده بود؛ و [در آنجا] همسرانی پاک دارند و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۵) الله از اینکه به پشه‌ای ـ یا بالاتر از آن [از نظر کوچکی] ـ مثال بزند، شرم نمی‌کند. کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن [مَثَل] حق و از جانب پروردگارشان است [و از آن پند می‌گیرند]؛ و اما کافران می‌گویند: «هدف الله از این مَثَل چیست؟» [الله با بیان این مَثَل‌ها] گروه بسیاری را [که در آنها تدبر نمی‌کنند، حیران و] گمراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند؛ و تنها [منافقان و] فاسقان را با آن گمراه می‌سازد. (۲۶) [همان] کسانی که پیمان الله را ـ پس از محکم ساختنش ـ می‌شکنند و روابط [نیکوی خویشاوندی] را که الله به برقراریِ آن فرمان داده است قطع می‌نمایند و در زمین فساد برپا می‌کنند. اینان [در دنیا و آخرت] زیانکارانند. (۲۷) چگونه [یگانگیِ] الله را انکار می‌کنید در حالی که وجودی نداشتید و او به شما زندگی بخشید؛ سپس شما را دستخوش مرگ می‌گرداند و دوباره زنده خواهد کرد؛ آنگاه [برای حساب و جزا] به پیشگاهش بازگردانده می‌شوید؟ (۲۸) اوست که همهٔ آنچه را که در زمین است برایتان آفرید؛ آنگاه به [آفرینش] آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان سامان داد و او به همه چیز داناست. (۲۹).

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾

با توجه به آیهٔ فوق نتیجه می‌گیریم که مستحب است با تشویق و بیان پاداش و ایجاد انگیزه برای انجام اعمال نیک به مؤمنان مژده دهیم؛ زیرا با این کار، انجام اعمال نیک آسان و سبک می‌شود. سعدی: ۴۷.

پرسش: بشارت و تشویق چه اهمّیتی در زندگی مؤمنان دارد؟

❷ ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ﴾

معاذ ﷺ می‌گوید: عمل صالح آن است که دارای چهار ویژگی باشد: علم، نیّت، صبر و اخلاص. بغوی: ۱/ ۲۷.

پرسش: عمل صالح چگونه است؟

❸ ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ﴾

یکی از بهترین و کامل‌ترین زیبایی‌های باغ‌های بهشتی، جریان آب در میان آن‌هاست؛ و تمامی انسان‌ها قبول دارند که این مورد یکی از زیباترین و بهترین مناظر است. ابن عاشور: ۱/ ۳۵۴.

پرسش: چرا آیهٔ کریمه، جریان آب از زیر باغ‌های بهشتی را بیان فرمود؟

❹ ﴿وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ﴾

الله تعالی نفرمود: «پاک از فلان‌عیب» تا شامل تمامی انواع پاکیزگی شود؛ پس آنان از لحاظ اخلاقی و آفرینش و زبان و چشم پاک هستند. سعدی: ۴۶.

پرسش: چرا الله تعالی ویژگی «پاک‌بودن» را برای حوران بهشتی به طور مطلق بیان فرمود و آن را مقیّد نکرد؟

❺ ﴿وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾

این به معنای تکمیل خوشبختی و سعادت است؛ زیرا آنان در این نعمت‌ها جاویدان و از مرگ و قطع‌شدن نعمت‌ها ایمن هستند؛ بنابراین هیچ پایان و انتهایی ندارد، بلکه برای همیشه در نعمت‌هایی ابدی هستند. ابن کثیر: ۱/ ۶۱.

پرسش: چرا در پایانِ بیانِ نعمت‌های بهشتیان، این مطلب آمد که بهشتیان در آن جاویدان هستند؟

❻ ﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ﴾

کسی که با [تحریف معانی] قرآن گمراه شود مورد نکوهش قرار گرفته است؛ زیرا فاسق می‌گردد، در حالی که پیش از آن فاسق نبوده است. به همین سبب سعد بن ابی‌وقّاص در تفسیر این آیه، از خوارج نام برد و آنان را این‌گونه دانست و «فاسق» نامید، چون با [تحریف مفاهیم] قرآن گمراه شدند. بنابراین کسی که با [تحریف معانی] قرآن گمراه شود، فاسق است. ابن تیمیّه: ۱/ ۱۷۸.

پرسش: کسی که مفاهیم قرآن را بر خلاف فهم سلف صالح تفسیر کند، فاسق است. این مطلب را با توجه به آیهٔ فوق توضیح بده.

❼ ﴿يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ﴾

یعنی بر اثر برکت اعتقاد و باور آنان به خیر و تسلیم در برابر فرمان الله و سپردن امور به او، پروردگارشان آنان را به ایمان رهنمون می‌سازد و هدف از آن را به آنان می‌فهماند و سینه‌های‌شان را برای معارف آن می‌گشاید؛ در نتیجه، بر ایمان و آرامش و یقین‌شان افزوده می‌شود. در حقیقت افراد هدایت‌شده بسیارند، اما به نسبت گمراهان اندک هستند. بقاعی: ۱/ ۷۷.

پرسش: چه کسی سزاوارتر به هدایت الله برای فهم قرآن است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُتَشَٰبِهٗا	یعنی از لحاظ رنگ و ساختار، نه از نظر طعم و مزّه شبیه یکدیگرند.
ٱسۡتَوَىٰٓ	قصد و اراده کرد.

عمل به آیات

۱. سه ویژگی و نعمت را بنویس که آرزوی داشتن آن‌ها را داری در حالی که قرآن کریم آن‌ها را از جمله نعمت‌های بهشتی معرّفی کرده است: ﴿كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾.

۲. پیمانی را که بر خود لازم کرده‌ای ولی به آن وفا نکرده‌ای به یاد آور، و به سرعت آن را انجام بده: ﴿ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ﴾.

۳. امروز به دیدار یکی از خویشاوندانت برو، یا این‌که هدیه‌ای برای‌شان بفرست یا با آنان تماس بگیر و احوال‌شان را جویا شو: ﴿وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ﴾.

رهنمودها

۱. داشتن محلّ سکونت و روزی و همسر و در امان‌بودن از مرگ، از آرزوهای انسان است، و کمال و دوام آن‌ها فقط در بهشت صورت می‌گیرد: ﴿لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾.

۲. وقتی فرمانی از جانب الله برای فرد مؤمن بیاید، در برابر آن تسلیم و فرمانبردار است، ولی انسان منافق به قصد انجام ندادنش، به جدال و نزاع فراوان دست می‌زند: ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ﴾.

۳. ایمان چنان زیرکی و فراستی به مؤمن می‌بخشد که با آن حق را از باطل تشخیص می‌دهد: ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ﴾.

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٦)

وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗۖ قَالُوٓاْ
أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ
بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَۖ قَالَ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٠ وَعَلَّمَ
ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ
أَنۢبِـُٔونِي بِأَسۡمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣١ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ
لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٣٢ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ
أَنۢبِئۡهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡ قَالَ أَلَمۡ أَقُل
لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَأَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ
وَمَا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٣٣ وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ
فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٤ وَقُلۡنَا
يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ
شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣٥ فَأَزَلَّهُمَا
ٱلشَّيۡطَٰنُ عَنۡهَا فَأَخۡرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ وَقُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ
لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ٣٦ فَتَلَقَّىٰٓ
ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٣٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَسۡفِكُ	می‌ریزد.
نُقَدِّسُ لَكَ	تو را به نیکی می‌ستاییم و از آن‌چه شایستهٔ تو نیست، مبرّا و منزّه می‌دانیم.
رَغَدًا	بهره‌مندشدنی گوارا و گسترده.
فَأَزَلَّهُمَا	آنان را در گناه و اشتباه افکند.

عمل به آیات

۱. برای خودت جدول و برنامه‌ای قرار بده و مهم‌ترین مسایلی را که به آن‌ها نیاز داری بیاموز: ﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسۡمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾.

۲. قصّهٔ آدم ﷺ را با استفاده از کتاب‌های تفسیری و قصص پیامبران مطالعه کن، سپس سه فایده و نتیجه را که در زندگی‌ات مهم است استخراج کن: ﴿وَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾.

۳. گناهی را که از طرف تو یا خانواده‌ات صورت گرفته است به یاد آور، سپس این دعا را بخوان: ﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳]؛ «پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، قطعا از زیان‌کاران خواهیم بود.»

رهنمودها

۱. جایگاه علما را ارج بگذار و در برابر آنان مؤدب باش؛ زیرا الله تعالی به فرشتگان دستور داد که به سبب علم آدم، در برابرش سجده کنند: ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ﴾.

۲. تسبیح یکی از ویژگی‌های فرشتگان است؛ پس خودت را شبیه آنان کن: ﴿وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾.

۳. در برابر الله تعالی فروتن و فرمانبردار باش هر چند به مراحل بالای علمی برسی، و از او بخواه که بر دانشت بیفزاید: ﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾.

ترجمه آیات

و [یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت». [فرشتگان] گفتند: آیا کسی را در آنجا می‌گماری که تبهکاری و خونریزی به راه اندازد؛ در حالی که ما تو را با سپاس به پاکی می‌ستاییم و مقدس می‌داریم؟ الله فرمود: «من [دربارهٔ هدف و مصلحتِ آفرینشِ او] چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید». (۳۰) آنگاه [الله] همهٔ نام‌ها[ی اشیا و موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از نام‌های اینها به من خبر دهید». (۳۱) [فرشتگان] گفتند: «منزّهی تو! ما چیزی جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم. تو دانای حکیمی». (۳۲) فرمود: «ای آدم، آنان را از نام‌هایشان آگاه کن». هنگامی که وی [آدم] آنان را آگاه کرد، [الله خطاب به فرشتگان] فرمود: «آیا به شما نگفتم که من اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و [نیز] از آنچه که آشکار می‌کنید و پنهان می‌داشتید آگاهم؟» (۳۳) [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای [بزرگداشت و احترام، به] آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند جز ابلیس که خودداری کرد و تکبر ورزید و از کافران شد. (۳۴) و گفتیم: «ای آدم! تو و همسرت [حوّا] در بهشت سکونت کنید و از [نعمت‌های] آن ـ از هر جا که می‌خواهید ـ گوارا بخورید؛ اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد». (۳۵) اما شیطان موجب لغزش [و سرپیچیِ] آن دو شد؛ سپس الله آنان را از آنچه در آن بودند [= بهشت] اخراج کرد؛ و [به آن دو و شیطان] گفتیم: «همگی [به زمین] فرود آیید در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود؛ و برایتان در زمین، تا مدتی معیّن قرارگاه و وسیلهٔ بهره‌برداری وجود خواهد داشت». (۳۶) آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فراگرفت [و درخواستِ بخشایش نمود] و الله توبهٔ او را پذیرفت؛ زیرا الله، توبه‌پذیرِ مهربان است. (۳۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗ﴾

این آیه اثبات می‌کند که باید امام و خلیفه‌ای تعیین شود تا مردم سخنش را بشنوند و از وی فرمان ببرند؛ تا اتّحاد مسلمانان حفظ گردد، و از این طریق احکام خلافت اجرا گردد. امّت اسلامی و پیشوایان‌شان هیچ اختلافی در وجوب این کار ندارند. قرطبی: ۱/ ۳۹۵.

پرسش: وجود امّت اسلام بدون امام و خلیفه اشتباهی است که به سبب آن گنهکار می‌شوند؛ زیرا مفاسد زیادی به دنبال دارد، این مطلب را با توجّه به آیه توضیح بده.

۲ ﴿أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ﴾

این دو سبب [= فساد و خونریزی در زمین] که فرشتگان بیان کردند، همان اسبابی هستند که الله تعالی بر بنی‌اسرائیل حکم کرد که [هرگاه مرتکب آن دو شدند] به سبب آن باید کشته شوند. ابن تیمیّه: ۱/ ۱۹۲.

پرسش: دو عامل که وقتی در میان امّت‌ها منتشر و رایج شود، منجر به نابودی و هلاکت آن‌ها می‌گردد، چیست؟

۳ ﴿أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾

فرشتگان این سخن را از روی اعتراض بر الله و نیز بر اثر حسادت به بنی‌آدم نگفتند... بلکه هدف‌شان تحقیق و کشف حکمت این کار بود. ابن کثیر: ۱/ ۶۷.

پرسش: چرا الله تعالی ابلیس را به سبب سؤالش سرزنش کرد، اما فرشتگان را به سبب سؤال‌شان نکوهش نکرد؟

۴ ﴿قَالُوٓاْ أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ﴾

﴿أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا﴾؛ آیا کسی را می‌خواهی در زمین قرار دهی که با انجام گناهان بر روی زمین فساد برپا کند، و ﴿يَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ﴾؛ و خون‌ها بریزد؟! این بیان خاص پس از عام است؛ زیرا می‌خواهد شدت فساد قتل را بیان کند. سعدی: ۴۸.

پرسش: چرا خون‌ریزی به طور جداگانه بیان شد با وجود این‌که فساد شامل آن هم می‌شود؟

۵ ﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

بر کسی که از وی چیزی پرسیده می‌شود و نمی‌داند، واجب است که با پیروی از فرشتگان و پیامبران و عالمان فاضل بگوید: الله داناتر است [والله أعلم] و من نمی‌دانم. امّا پیامبر صادق ﷺ خبر داد که با وفات عالمان، علم گرفته می‌شود، بنابراین مردمی نادان باقی می‌مانند که از آنان سؤال می‌شود و بر اساس رأی و نظر خود فتوا می‌دهند و خودشان گمراهند و دیگران را هم گمراه می‌کنند. قرطبی: ۱/ ۴۲۵.

پرسش: از این سخن فرشتگان چه نتیجه و درسی می‌گیریم: ﴿سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآ﴾؟

۶ ﴿وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

واضح است که نهی از نزدیک‌شدن، شامل نهی از خوردن نیز می‌باشد، و از باب «سدّ ذریعه» نهی شدند که نزدیک به آن درخت نشوند. این آیه دلیل حُجّیت سدّ ذرایع است. ابن جزی: ۱/ ۶۲.

پرسش: بهترین راه در پرهیز از گناهان چیست؟

۷ ﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾

رحمت الهی بر خشم او پیشی گرفته است؛ بنابراین در حالی که بر بنده‌اش خشمگین است، به او رحم می‌کند، همان‌گونه که سقوط آدم را سبب بالارفتنِ جایگاه و منزلتِ وی، و دوری او را باعث قرب و نزدیکی‌اش قرار داد، پس پاک و منزّه است ذات توبه‌پذیری که بسیار بخشنده و پروردگار مهربانی که بسیار بزرگ است! آلوسی: ۱/ ۲۳۸.

پرسش: پس از قصّهٔ آدم ﷺ از رحمت الهی ناامید نمی‌شویم، این موضوع را توضیح بده.

ترجمه آیات

گفتیم: «همگی از آن [= بهشت] فرود آیید و هر گاه از جانبِ من رهنمودی برایتان آمد، کسانی که از آن [هدایت] پیروی کنند، نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند». (۳۸) و[لی] کسانی که کافر شدند و نشانه‌های [قدرت و یگانگیِ] ما را دروغ پنداشتند، آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۹) ای بنی‌اسرائیل [= فرزندانِ یعقوب] نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمانِ [خود با] شما [دربارهٔ نعمت‌های دنیا و آخرت] وفا کنم؛ و تنها از من بترسید. (۴۰) و به آنچه نازل کرده‌ام [= قرآن] ایمان بیاورید که تصدیق‌کنندهٔ همان چیزی است که با شماست؛ و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و تنها از من بترسید. (۴۱) و در حالی که [حقیقت را] می‌دانید، حق را با باطل نیامیزید و آن را کتمان نکنید. (۴۲) و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و با نمازگزاران نماز بخوانید. (۴۳) آیا در حالی که کتاب [تورات] را می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ آیا نمی‌اندیشید؟ (۴۴) و از شکیبایی و نماز یاری جویید؛ و به راستی که آن [= نماز] جز بر فروتنان، دشوار و گران است. (۴۵) همان کسانی که یقین دارند پروردگار خویش را [در آخرت] ملاقات خواهند کرد، و به پیشگاه او بازمی‌گردند. (۴۶) ای بنی‌اسرائیل، نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و [نیز] اینکه شما را [با برخورداری از موهبتِ هدایت] بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم. (۴۷) و از روزی بترسید که کسی ذره‌ای [از عذاب الله] را از دیگری دفع نمی‌کند و از او نه شفاعتی پذیرفته می‌شود و نه غرامت و فِدیه‌ای گرفته می‌شود و نه یاری می‌شوند. (۴۸).

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾

نام پدرشان اسرائیل، یعنی پیامبر الله یعقوب ، را آورد تا آنان را تحریک و تهییج کند؛ یعنی: ای فرزندان بندهٔ صالح و فرمانبردار الله، در پیروی از حق همانند پدرتان باشید. چنان‌که گفته می‌شود: ای پسر کریم فلان کار را انجام بده، ای پسر شجاع با قهرمانان مبارزه کن، ای پسر عالِم در جستجوی علم باش و مانند این موارد. ابن کثیر: ۷۹/۱.

پرسش: چرا الله متعال، یهود را با نسبت دادن آنان به پدرشان اسرائیل (یعقوب) ندا زد؟

۲ ﴿وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلۡتُ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُمۡ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرِۢ بِهِۦۖ﴾

تصدیق تورات و غیر آن توسط قرآن و تصدیق پیامبران و متقدمین توسط محمد ﷺ سه معنا دارد: معنای اول: این‌که آنان از محمد ﷺ خبر داده‌اند، سپس راستی خبرشان آشکار شده است، یعنی راستگویی آنان در خبر دادن از محمد ﷺ آشکار و روشن شده است. معنای دیگر چنین است: پیامبر اسلام ﷺ خبر داده که آنان پیامبر هستند و کتاب‌ها بر آنان نازل شده است و محمد ﷺ تصدیق‌کنندهٔ آنان، یعنی گواه راستگویی‌شان است. معنای سوم: رسول الله ﷺ در مورد توحید و ذکر سرای آخرت و سایر احکام شرایع که در کتاب‌های پیامبران پیشین آمده است با آنان موافقت کرده است؛ یعنی به دلیل اتفاق با آنان در ایمان به این موارد، تصدیق‌کنندهٔ آنان است. ابن جزی: ۶۴/۱.

پرسش: قرآن چگونه تصدیق‌کنندهٔ کتاب‌های آسمانی پیشین است؟

۳ ﴿وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ﴾

این آیه گرچه مخصوص بنی‌اسرائیل است اما هر کسی را که کار آنان را انجام دهد دربرمی‌گیرد؛ بنابراین هر کس برای تغییر یا اِبطال حق رشوه بگیرد، یا از تعلیم آن‌چه که بر او واجب است یا از ادای آن‌چه که می‌داند - در حالی که بر او متعین شده است- خودداری کند تا این‌که در برابر آن مزدی بگیرد، در مقتضای آیه قرار دارد. قرطبی: ۱۱/۲.

پرسش: چگونه انسان آیات الله را در برابر بهایی ناچیز می‌فروشد؟

۴ ﴿وَلَا تَلۡبِسُواْ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُواْ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

به این آیه استدلال شده است که عالِم به حق، در صورت وجود شروطی که نزد علما شناخته شده است، باید حق را آشکار کند و کتمانش بر او حرام است. آلوسی: ۲۴۷/۱.

پرسش: چه حکمی از این آیه استنباط می‌شود؟

۵ ﴿أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ﴾

به سبب امر به نیکی در صورتی که خودشان آن را ترک می‌کنند سرزنش نشدند بلکه به خاطر ترک نیکی سرزنش شده‌اند؛ زیرا امر به معروف، معروف است و بر عالم واجب می‌باشد، اما واجب و اولی این است که عالم هم خودش به معروف عمل و هم دیگران را به آن امر کند و با آن‌ها مخالفت نکند ...؛ زیرا هم امر به معروف واجب است و هم انجام آن، و هیچ یک از این دو با ترک دیگری ساقط نمی‌شود. ابن کثیر: ۱/ ۸۲.

پرسش: گناهکار اگر کسی را دید که گناه را انجام می‌دهد آیا در برابر او سکوت کند؟

۶ ﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ﴾

الله تعالی خبر داد که نماز بسیار سخت و دشوار است مگر بر کسی که صفت مذکور [= فروتنی و خشوع] را داشته باشد. طبری: ۲۲/۱.

پرسش: کدام صفت است که نماز را برای مومن دوست‌داشتنی می‌گرداند و او را به آن تشویق می‌کند؟

۷ ﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ﴾

دلیل سنگین نبودن نماز بر فروتنان این است که آنان نسبت به آن‌چه در نماز به آن می‌رسند آگاه هستند و ثواب آن را که ذخیره می‌شود انتظار می‌کشند؛ بنابراین گفته شده است: کسی که از آن‌چه طلب می‌کند آگاه باشد آن‌چه را که می‌بخشد بر او آسان می‌شود و هر کس به عوض، یقین داشته باشد برای هدیه‌دادن تلاش می‌کند. آلوسی: ۱/ ۲۴۹.

پرسش: چرا نماز بر فروتنان سنگین نیست؟

سورة (البقرة) الجزء (۱) صفحة (۷)

قُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ مِنۡهَا جَمِيعٗاۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَن تَبِعَ
هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٨ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٩
يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِيٓ
أُوفِ بِعَهۡدِكُمۡ وَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ٤٠ وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلۡتُ مُصَدِّقٗا
لِّمَا مَعَكُمۡ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرِۢ بِهِۦۖ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي
ثَمَنٗا قَلِيلٗا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ ٤١ وَلَا تَلۡبِسُواْ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُواْ
ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤٢ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ
وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣ ۞ أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ
وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٤٤
وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ
٤٥ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ٤٦
يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ
عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا
وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا يُؤۡخَذُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَٱرۡهَبُونِ	بترسید.
وَلَا تَلۡبِسُواْ	درنیامیزید.
يَظُنُّونَ	یقین دارند.
عَدۡلٞ	فدیه.

عمل به آیات

۱. امروز نعمت‌های الله را که بر شما بخشیده است و پیرامونت قرار دارد و وجوب شکر آن‌ها را به یاد آور تا این نعمت‌ها ادامه داشته باشد، ﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِيٓ أُوفِ بِعَهۡدِكُمۡ وَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ﴾

۲. امروز در سریع رفتن به نماز جماعت حریص باش و فضیلت آن را به دیگران یادآوری کن و در رکوع بسیار الله را تعظیم کن، ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾

۳. کار اشتباهی را که گاهی نفست تو را بر آن وا می‌دارد و در مورد آن بر تو چیره می‌شود مشخص کن و دیگران را از آن برحذر دار؛ شاید حیا از الله در تو به جوش آید آن‌گاه آن کار اشتباه را برای همیشه ترک کنی، ﴿أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

رهنمودها

۱. پیروی از تعالیم دین باعث کسب امنیت و آرامش و گشایش سینه می‌شود و ترس و تنگنا در دنیا و آخرت را از بین می‌برد، ﴿فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

۲. هدف تو از حفظ و فهم قرآن چیزی از کالاهای زندگی دنیا نباشد، ﴿وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗا﴾

۳. با صبر و نماز، زندگی آسان می‌شود، ﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٨)

وَإِذۡ نَجَّيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ
مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٤٩ وَإِذۡ فَرَقۡنَا بِكُمُ ٱلۡبَحۡرَ فَأَنجَيۡنَٰكُمۡ
وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٠ وَإِذۡ وَٰعَدۡنَا مُوسَىٰٓ
أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ
٥١ ثُمَّ عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٢
وَإِذۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡفُرۡقَانَ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ٥٣
وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِنَّكُمۡ ظَلَمۡتُمۡ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ
ٱلۡعِجۡلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمۡ فَٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ ذَٰلِكُمۡ
خَيۡرٞ لَّكُمۡ عِندَ بَارِئِكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ
ٱلرَّحِيمُ ٥٤ وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ
جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٥ ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم
مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٦ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ
ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ
مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٥٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَرَقۡنَا	[میان آب دریا] فاصله انداختیم.
بَارِئِكُمۡ	آفریدگار.
ٱلۡغَمَامَ	ابر.
ٱلۡمَنَّ	ترنجبین؛ شیره‌ای است مانند عسل.

عمل به آیات

۱. لیستی از بلایا و خطرهایی که الله جامعه را در برابر آن‌ها محافظت کرده است بنویس، سپس آن را به صورت تذکّرنامه‌ای جهت سپاس‌گزاری ارسال کن؛ زیرا الله سپاس‌گزاران را دوست دارد، ﴿ثُمَّ عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾.

۲. به شخص غافلی یادآوری کن که شرط پذیرش توبهٔ گناهکاران بنی‌اسرائیل این بود که خودشان را بکشند اما الله به گناهکاران امت محمد ﷺ تخفیف داد به این صورت که به طلب استغفار و توبهٔ راستین اکتفا شد، ﴿فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمۡ فَٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ عِندَ بَارِئِكُمۡ﴾.

۳. به لیست غذایت مراجعه کن و از غذاهای مشتبه دوری گزین؛ زیرا جایگزین‌های حلال زیادی وجود دارد و بر روزی‌های پاکیزه اکتفا کن، ﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ﴾.

رهنمودها

۱. هرچه ظلم طاغوتی شدت یابد زوال پادشاهی او نزدیک می‌شود، ﴿وَإِذۡ فَرَقۡنَا بِكُمُ ٱلۡبَحۡرَ فَأَنجَيۡنَٰكُمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ﴾

۲. به خاطر گناهان زیادی که انجام داده‌ای ناامید نباش؛ زیرا الله تعالی شرک را – که بزرگ‌ترین گناه است – هنگامی که بنده از آن توبه کند می‌بخشد، پس باید با توبهٔ راستین به الله سبحانه روی آوری، ﴿ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ٥١ ثُمَّ عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

۳. یکی از رحمت‌های الله بر بندگانش این است که به آنان مهلت می‌دهد و کیفرشان را به تعجیل نمی‌اندازد تا شاید به سوی او بازگردند و از او آمرزش بخواهند، آن‌گاه آنان را ببخشد، ﴿ثُمَّ عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

ترجمه آیات

و [نیز به یاد آورید] هنگامی که شما را از چنگال فرعونیان نجات دادیم. [آنان] بدترین [و خفت‌بارترین] عذاب را بر سرتان می‌آوردند: پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را [برای کنیزی] زنده نگه می‌داشتند؛ و در این امر، آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان برای شما بود. (۴۹) و [به یاد آورید] هنگامی که دریا را برایتان شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را ـ در حالی که [عذابِ آنان را به چشمِ خود] می‌نگریستیدـ غرق ساختیم. (۵۰) و [به یاد آورید] هنگامی را که [برای نزولِ تورات] چهل شب با موسی وعده گذاشتیم؛ آنگاه شما در غیابِ او، گوساله را [به عبادت] گرفتید، در حالی که [نسبت به خویشتن] ستمکار بودید. (۵۱) سپس شما را بعد از آن [گناه] بخشیدیم؛ باشد که سپاسگزاری کنید. (۵۲) و [نیز به یاد آورید] هنگامی که به موسی کتاب [تورات] را که جداکنندهٔ [حق از باطل] است عطا کردیم؛ باشد که هدایت شوید. (۵۳) و [به یاد آورید] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله [برای عبادت]، بر خویشتن ستم کرده‌اید؛ پس به سوی آفریدگار خود بازگردید و توبه کنید و [خطاکارانِ] خود را بکشید. این کار، در پیشگاه پروردگارتان برای شما بهتر است». آنگاه الله توبهٔ شما را پذیرفت. به راستی که او توبه‌پذیرِ مهربان است. (۵۴) و [به یاد آورید] هنگامی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه الله را آشکارا ببینیم»؛ پس صاعقه شما را در حالی گرفت که [عذابِ خود را به چشمِ خویش] می‌نگریستید. (۵۵) سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که سپاسگزاری کنید. (۵۶) و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم و تَرَنجَبین و بِلدرچین برایتان فروفرستادیم [و گفتیم]: «از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید» [ولی کفر ورزیدید]. آنان [با ناسپاسی و نافرمانی] به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم روا می‌داشتند. (۵۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ﴾

در حالی که شما می‌نگریستید فرعونیان را غرق کردیم تا این کار برای خنکی دل‌های‌تان و خرسندی از انتقام بهتر و در خوارکردن دشمن‌تان مؤثّرتر باشد. ابن کثیر: ۱/ ۸۷.

پرسش: فرعون مومنان را با به صُلّابه کشیدن تهدید کرد تا از آنان انتقام بگیرد و الله نیز همانند تهدیدش با او رفتار کرد، این موضوع را توضیح دهید.

۲ ﴿وَإِذۡ وَٰعَدۡنَا مُوسَىٰٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ﴾

شب به طور خاص بیان شد تا اشاره‌ای باشد به این‌که مناجات در شب لذت‌بخش‌تر است. بقاعی: ۱/ ۱۳۳.

پرسش: چرا شب بدون روز و به تنهایی برای مناجات ذکر شد؟

۳ ﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِنَّكُمۡ ظَلَمۡتُمۡ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلۡعِجۡلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمۡ﴾

کاری که انجام دادند و با آن به خودشان ستم کردند همان است که الله در موردشان خبر داده است؛ یعنی ارتدادشان به این صورت که بعد از جدایی موسی عليه السلام از آنان، گوساله را به عنوان معبود برگزیدند. طبری. ۲/ ۷۲.

پرسش: غیبت علما و صالحان جامعه را در معرض انحراف قرار می‌دهد، این موضوع را توضیح دهید.

۴ ﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِنَّكُمۡ ظَلَمۡتُمۡ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلۡعِجۡلَ﴾

خودتان را در برابر چیزی که مالک چیزی برای‌تان نیست و از آن شریف‌تر هستید خوار و ذلیل کردید. این بدترین ظلم است؛ زیرا سزاوار نیست که انسان در برابر انسانی دیگر فروتنی و عبادت کند؛ چه رسد به این‌که این کار را در برابر حیوانی انجام دهد و چه رسد به این‌که این کار را در برابر مجسمه حیوانی از جنس طلا که از مواد معدنی است انجام دهد. بقاعی: ۱/ ۱۳۴.

پرسش: بدترین جهل، جهل به ربوبیت است، این موضوع را توضیح دهید.

۵ ﴿وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ﴾

الله تعالی پس از بیان عذاب‌هایی که از آنان دفع کرده است، نعمت‌هایی را که به آنان بخشیده است برای‌شان یادآوری کرده و می‌فرماید: ﴿وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ﴾. ابن کثیر: ۱/ ۹۰.

پرسش: چه رابطه‌ای بین این آیه با آیات قبلی وجود دارد؟

۶ ﴿ظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

آن مقدار ترنجبین و بلدرچین برای‌شان نازل می‌فرمود که آنان را بی‌نیاز و تغذیه می‌کرد. ﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ﴾ یعنی از رزق و روزی‌ای که مانند آن را ساکنان خوشگذران شهرها ندارند بخورید. اما شکر این نعمت را به جای نیاوردند و دل‌های‌شان سخت‌تر شد و گناهان بیشتری انجام دادند. سعدی: ۴۹.

پرسش: سبب تداوم و تشدید کیفرهای بنی‌اسرائیل چه بود؟

۷ ﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

جمع بین دو صیغهٔ ماضی و مستقبل برای دلالت تداوم و استمرار آنان در ظلم است. آلوسی: ۱/ ۲۶۴.

پرسش: چرا از ظلم بنی‌اسرائیل با فعل ماضی و مستقبل تعبیر شد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٩)

وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ
رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ
خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٨ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ
ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَنزَلۡنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ
رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٥٩ ۞ وَإِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰ
مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ فَقُلۡنَا ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنفَجَرَتۡ
مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۖ كُلُواْ
وَٱشۡرَبُواْ مِن رِّزۡقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٦٠
وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصۡبِرَ عَلَىٰ طَعَامٖ وَٰحِدٖ فَٱدۡعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخۡرِجۡ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۢ بَقۡلِهَا وَقِثَّآئِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَاۖ قَالَ أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ
أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ ٱهۡبِطُواْ مِصۡرٗا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلۡتُمۡۗ
وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ
ٱللَّهِۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ
ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٦١

ترجمه آیات

و [به یاد آورید] آنگاه که گفتیم: «به این شهر [= بیت‌المقدس] وارد شوید و از [نعمت‌های] آن ـ از هر جا [و هر وقت] که خواستید ـ بخورید و با فروتنی از دروازه وارد شوید و بگویید: «[پروردگارا، گناهانمان را] فرو ریز»؛ تا گناهانتان را بیامرزیم و [یقیناً] بر [پاداش] نیکوکاران خواهیم افزود. (۵۸) امّا ستمگران این سخن را که به آنها گفته شده بود تغییر دادند [و به جای آن، کلمات تمسخرآمیزی گفتند]؛ پس [ما نیز] به سزایِ این نافرمانی ستمگران، عذابی از آسمان بر آنان نازل کردیم. (۵۹) و [به یاد آورید] هنگامی را که موسی برای قومش آب خواست؛ [به او] گفتیم: «عصایت را بر سنگ بزن»؛ آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید و هر گروهی آبشخورِ خود را دانست [و گفتیم]: «از روزیِ الله بخورید و بیاشامید و[لی] در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید». (۶۰) و [به یاد آورید] زمانی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز تابِ تحملِ یک [نوع] غذا را نداریم؛ از پروردگار خویش برای ما بخواه تا از رویيدنی‌های زمین ـ از سبزی و خیار و گندم و عدس و پیاز ـ برایمان برویانَد». [موسی] گفت: «آیا چیزی را که پست‌تر است جایگزین چیز بهتر می‌کنید؟ پس به شهری فرود آیید که آنچه خواستید در آنجا برایتان وجود دارد»؛ و [اینچنین مُهرِ] ذلت و بینوایی بر آنان زده شد و سزاوار خشمِ الله گردیدند؛ چرا که آنان به آیات الله کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به این سبب بود که [از من] نافرمانی کردند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می‌نمودند. (۶۱)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَقُولُواْ حِطَّةٞ	گناهان‌مان را از ما بزدای.
رِجۡزٗا	عذابی.
وَلَا تَعۡثَوۡاْ	نکوشید.
وَبَآءُو	بازگشتند.

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ﴾

خلاصه این‌که آنان فرمان یافتند هنگام فتح، با فعل و قول در برابر الله تعالی فروتنی کنند و به گناهان‌شان اعتراف و از آن‌ها آمرزش بخواهند و شکر نعمت فتح و پیروزی را به جای آورند ... به همین منظور رسول الله ﷺ هنگام پیروزی، بسیار و آشکارا فروتنی می‌کرد، چنان‌که روایت شده است در روز فتح مکه که از ثنیة‌العلیا وارد مکه شد، برای سپاس‌گزاری این نعمت، هنگام ورود برای پروردگارش تواضع کرد به‌گونه‌ای که حتی ریش مبارکش به قسمت جلوی پالان سواری‌اش برخورد می‌کرد، و پس از این‌که وارد شهر شد، غسل کرد و هشت رکعت نماز خواند. ابن کثیر: ۱/ ۹۴.

پرسش: هنگام پیروزی و فتح بر مسلمانان سزاوار است که چه کاری انجام دهند؟

۲ ﴿قَالَ أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ ٱهۡبِطُواْ مِصۡرٗا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلۡتُمۡۗ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ﴾

این آیه تهدیدی است برای دنیا پرستان این امت که همانند بنی‌اسرائیل حرام و متشابه را که پست‌تر است، جایگزین حلال و پاکیزه که برتر است، نمودند. بقاعی: ۱/ ۱۴۹.

پرسش: امت اسلامی از آن‌چه که برای یهودیان حاصل شد چه فایده‌ای می‌بَرد و چه چیزی برای آنان حاصل می‌شود؟

۳ ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾

از آن‌جا که عمل آنان بزرگ‌ترین دلیل برای کم‌صبری آنان و کوچک شمردن دستورات و نعمت‌های الله از جانب آنان بود الله آنان را از جنس عمل‌شان مجازات کرد، بنابراین فرمود: ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ﴾؛ که بر خواریِ ظاهر بدن‌های‌شان دلالت دارد و فرمود: ﴿وَٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾ که بر خواریِ دل‌های‌شان گواهی می‌دهد. سعدی: ۵۳.

پرسش: چرا خواری و بینوایی، مجازاتی مناسب با گناهان بنی‌اسرائیل بود؟

۴ ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾

معنای لزوم خواری و بینوایی یهودیان این است که نیرو و شجاعت را از دست دادند و با وجود فراوانی نعمت‌هایی که الله به آنان بخشیده بود سیمای فقر و نیاز بر آنان آشکار شد؛ زیرا وقتی از این نعمت‌ها خسته و ملول شدند گویی آن‌ها را نداشتند؛ از این رو حرص و طمع، عادت و خوی ماندگار در نسل‌های بعدی آن‌ها شد. ابن عاشور: ۱/ ۵۲۸.

پرسش: حرص و طمع صفتی یهودی‌ست، آیهٔ کریمه چگونه بر شهرت یهود به این صفت دلالت دارد؟

۵ ﴿وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

﴿ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ﴾ به این‌که نافرمانی الله را مرتکب شدند و ﴿وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾ بر بندگان الله تعدی می‌کردند؛ زیرا گناهان باعث انجام گناهانی دیگر می‌شود. به عبارتی غفلت، گناه کوچک را به دنبال دارد سپس گناه بزرگ از آن سرچشمه می‌گیرد و در ادامه، انواع بدعت‌ها و کفر و سایر موارد را در پی دارد. از الله می‌خواهیم ما را از تمام بلایا مصون دارد. سعدی: ۵۳.

پرسش: اگر شخص غافل در برابر انجام گناهان صغیره تسلیم شود، در گناهان کبیره و سپس در کفر می‌افتد. این موضوع را توضیح دهید.

۶ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

اعتیاد به گناهان باعث غرق‌شدن در آن‌ها و انتقال از کوچک‌ترین گناه به بزرگ‌ترین گناه می‌شود. ابن عاشور: ۱/ ۵۳۰.

پرسش: بنی‌اسرائیل از گناهان صغیره به کفر و قتل پیامبران رسیدند. این مطلب چه نکته‌ای در بردارد؟

۷ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

یعنی آن‌چه که آنان را به کفر بر آیات الله و کشتن پیامبران واداشت، فقط نافرمانی پیشرفته و گسترده آنان و تجاوز و گذشتن آنان از حدود بود. گناه، گناه به همراه دارد. آلوسی: ۱/ ۲۷۷.

پرسش: چه چیزی یهودیان را به کفر بر آیات الله تعالی و قتل پیامبران کشاند؟

عمل به آیات

۱. امروز بر سنن رواتب حریص باش و بر مداومت بر آن‌ها استمرار داشته باش، ﴿وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۲. الفاظ و اذکار صحیحِ وارده در نماز را، از یکی از کتاب‌های مورد اعتمادِ روش نماز با ادلهٔ صحیح بخوان و اشتباهاتت را تصحیح کن، ﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ﴾

۳. نعمتی را که خانواده‌ات آن را اندک می‌شمارند در حالی که بسیاری از خانواده‌ها از آن محروم هستند به آنان یادآوری کن، ﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصۡبِرَ عَلَىٰ طَعَامٖ وَٰحِدٖ فَٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُخۡرِجۡ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۢ بَقۡلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَاۖ﴾

رهنمودها

۱. برحذر باش از این‌که درِ رحمت و عمل صالحی بر رویت گشوده شود اما تو آن را با تفریط تباه کنی، ﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَنزَلۡنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ﴾

۲. رزقی را که الله به تو داده است اندک مشمار که در این صورت الله آن‌چه را که ظاهراً خیر است اما در واقع برایت شر است برای تو جایگزین می‌کند، ﴿أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ﴾

۳. از جمله آثار گناه، خواری و بینواییِ گناهکار و خشم الله بر او است، ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٠)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنۡ
ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ
رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢ وَإِذۡ أَخَذۡنَا
مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم
بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٦٣ ثُمَّ تَوَلَّيۡتُم
مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۖ فَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ
ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٤ وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعۡتَدَوۡاْ مِنكُمۡ فِي ٱلسَّبۡتِ
فَقُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ٦٥ فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا
بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ٦٦ وَإِذۡ قَالَ
مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تَذۡبَحُواْ بَقَرَةٗۖ قَالُوٓاْ
أَتَتَّخِذُنَا هُزُوٗاۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ
٦٧ قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا
بَقَرَةٞ لَّا فَارِضٞ وَلَا بِكۡرٌ عَوَانُۢ بَيۡنَ ذَٰلِكَۖ فَٱفۡعَلُواْ مَا
تُؤۡمَرُونَ ٦٨ قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوۡنُهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ
يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ صَفۡرَآءُ فَاقِعٞ لَّوۡنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ ٦٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلصَّٰبِـِٔينَ	مردمانی که بر فطرت خویش باقی ماندند و دینی نداشتند که از آن پیروی کنند.
فَارِضٌ	کهنسال و فرتوت.
بِكۡرٌ	کوچک و جوان.
عَوَانٌ	متوسط میان کهنسال و کوچک.
فَاقِعٌ	زرد پررنگ.

عمل به آیات

۱. امروز صبح زود برای انجام اعمال دینی و دنیایی‌ات خارج شو و بکوش که بیشتر جدی باشی و همت بیشتری به خرج دهی، آن‌گاه بنگر که چه تفاوتی در نتایج حاصل شده است، ﴿خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

۲. پیامی برای افراد پیرامون خود بفرست و در آن متذکر شو که انجام گناه با حیله‌گری بیشتر از انجام گناه بدون حیله‌گری موجب خشم الله می‌شود، ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعۡتَدَوۡاْ مِنكُمۡ فِي ٱلسَّبۡتِ فَقُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ﴾.

۳. پیامی بفرست و در آن به جامعه متذکر شو که الله سبحانه از تفاوت میان تقوای دروغین و تقوای راستین آگاه است، ﴿قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوۡنُهَاۚ﴾.

رهنمودها

۱. مسلمان باید با قوت و قدرت به دینش چنگ بزند و هنگام نزول حوادث و مصیبت‌ها از هیچ حکمی دینی کوتاه نیاید، ﴿خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ﴾

۲. کیفری که بر دیگران نازل می‌شود پند و اندرزی برای تو دارد، ﴿فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ﴾

۳. فضل و رحمت الله به وسیلهٔ اسلام بر خودت را به یاد آور و شکر او را در قبال این نعمت به جای آور؛ زیرا اگر اسلام نبود قطعاً از زیان‌کاران در دنیا و آخرت بودی، ﴿ثُمَّ تَوَلَّيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۖ فَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾

ترجمه آیات

در حقیقت، کسانی که [به رسالت محمد ﷺ] ایمان آورده و نیز کسانی [از امت‌های پیشین، قبل از بعثت محمد ﷺ از] یهود و نصاری و صابئان [= پیروان برخی پیامبران]؛ هر کس [از آنان] به الله و روز قیامت ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۲) و [به یاد آورید] زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و [کوه] طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم]: «آنچه [از احکام تورات] به شما داده‌ایم با جدیت بگیرید و آنچه را که در آن است به یاد داشته باشید [و به آن عمل کنید]؛ باشد که پرهیزگار شوید». (۶۳) ولی بعد [از آن همه عهد و پیمان] از این [فرمان] روی برتافتید و اگر فضل و بخشش الله بر شما نبود، یقیناً در زمرهٔ زیانکاران بودید. (۶۴) مسلماً از [شرح حال] کسانی از خودتان آگاه شده‌اید که در [مورد حکمِ حرمتِ صید ماهی در روز] شنبه تجاوز کردند؛ پس به آنها گفتیم: «بوزینه‌هایی خوار و رانده‌شده باشید». (۶۵) پس آن [کیفر] را عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های پس از آنان و [همچنین] پند و اندرزی برای پرهیزگاران قرار دادیم. (۶۶) و [به یاد آورید] هنگامی که موسی به قوم خود گفت: «الله به شما دستور می‌دهد که گاوی را ذبح کنید». آنان گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» [موسی] گفت: «[تمسخر کار جاهلان است و] به الله پناه می‌برم از اینکه در زمرهٔ جاهلان باشم». (۶۷) گفتند: «از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن کند که آن چگونه [گاوی] است؟» [موسی] گفت: «[الله] می‌فرماید: "آن گاوی است نه پیر و نه جوان؛ بلکه میانسالی بین این دو است. پس [اکنون] آنچه را که دستور یافته‌اید انجام دهید"». (۶۸) گفتند: «از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن سازد که رنگش چگونه است؟» [موسی] گفت: «[الله] می‌فرماید: "آن گاوِ زرد پررنگی است که [رنگش] بینندگان را خوش آید"». (۶۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
این روش قرآن است که وقتی برای بعضی از مخاطبان اوهام و خیالاتی در مورد سیاق بعضی آیات به وجود می‌آید، دیده می‌شود که [آیات دیگری در پی آن می‌آید و] آن اوهام و خیالات را می‌زداید؛ زیرا از جانب ذاتی نازل شده است که اشیا را قبل از وجود آن می‌داند و رحمتش همه‌چیز را فرا گرفته است، بنابراین وقتی بنی‌اسرائیل و سرزنش‌شدن آنان و گناهان و بدی‌های‌شان را ذکر کرد چه بسا نزد برخی مخاطبان این گمان واقع شود که این سرزنش تمام بنی‌اسرائیل را شامل می‌شود، بنابراین الله تعالی اراده کرد که روشن کند کسانی از آنان که دارای این ویژگی هستند این سرزنش آنان را در بر نمی‌گیرد. همچنین از آن‌جا که فقط بنی‌اسرائیل ذکر شدند این گمان حاصل می‌شود که سرزنش مذکور فقط آنان را در بر می‌گیرد؛ از این رو الله تعالی حکم عامی را بیان فرمود که تمام گروه‌ها را در بر می‌گیرد، تا حقیقت را آشکار کند و توَهّم و اِشکال را برطرف سازد. سعدی: ۵۴.
پرسش: چرا این آیه بعد از بیان بدی‌های بنی‌اسرائیل آمد؟

۲ ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ﴾
منظور از قوه، جدّ و تلاش و عدم تنبلی و سستی است. آلوسی: ۱/ ۲۸۱.
پرسش: گرفتن آن‌چه الله نازل کرده است با قدرت، به چه چیزی اشاره دارد؟

۳ ﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعۡتَدَوۡاْ مِنكُمۡ فِي ٱلسَّبۡتِ فَقُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ﴾
با وجود اینکه گودال‌ها را در روز جمعه، کندند اما آن [حیله و نیرنگ شان در آن روز، در این آیه کریمه، به عنوان] تجاوز و تعدی [از فرمان الله] در روز شنبه قرار داده شد؛ زیرا نتیجهٔ این کارشان عصیان و نافرمانی بود؛ یعنی ورود ماهی‌ها به گودال‌ها در روز شنبه، ناشی از آن [حیله و نیرنگ شان در روز جمعه] بود. ابن عاشور: ۱/ ۵۴۴.
پرسش: چرا تجاوز و ستم یهودیان در روز شنبه قرار داده شد در حالی که آنان گودال‌ها را در روز جمعه حفر می‌کردند؟

۴ ﴿فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ﴾
و اما پند و اندرز فقط به پرهیزگاران فایده می‌رسانَد و دیگران از آیات سود نمی‌برند. سعدی: ۵۴.
پرسش: چرا پند و اندرز فقط به پرهیزگاران اختصاص داده شد؟

۵ ﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تَذۡبَحُواْ بَقَرَةٗۖ﴾
ماوردی می‌گوید: به این علت فرمان یافتند که گاو و نه چیز دیگری را قربانی کنند که گاو از جنس گوساله‌ای است که آن را عبادت کردند، تا آن‌چه را که بزرگ می‌پنداشتند نزدشان خوار کند و با اجابت آنان، عبادتش را که در دل‌های‌شان بود مشخص گردانَد- والله أعلم-. قرطبی: ۲/ ۱۷۷.
پرسش: در این فرمان الله تعالی به بنی‌اسرائیل که گاوی را ذبح کنند چه حکمتی نهفته است؟

۶ ﴿قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوٗاۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ﴾
زیرا تمسخر سزاوار افراد خردمند و فاضل نیست؛ مسخره کردن، نوعی شوخی همراه با تحقیرِ شخصی است که با او شوخی می‌شود، و شوخی در مجامع عمومی و سخنرانی شایسته نیست و چون این امر شایستهٔ جایگاه رسول نیست موسی عليه السلام از آن بیزاری جست. ابن عاشور. ۱/ ۵۴۸.
پرسش: چرا موسی عليه السلام این‌گونه به سوال پاسخ داد: ﴿أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ﴾؟

۷ ﴿قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا فَارِضٞ وَلَا بِكۡرٌ عَوَانُۢ بَيۡنَ ذَٰلِكَۖ فَٱفۡعَلُواْ مَا تُؤۡمَرُونَ ٦٨ قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوۡنُهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ صَفۡرَآءُ فَاقِعٞ لَّوۡنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ﴾
اگر اعتراض نکرده بودند قربانی کردنِ بدترین گاو از جانب آنان کفایت می‌کرد اما آنان سخت گرفتند، پس بر آنان سخت گرفته شد تا این‌که گاوی را که به قربانی کردنش فرمان یافتند نزد شخصی یافتند که فقط همان یک گاو را داشت و گفت: به الله قسم به کمتر از اینکه پوستش را پر از طلا کنید [راضی نخواهم شد و آن را برایتان نمی‌فروشم]. و آنها آن را [با آن قیمت] خریدند و ذبح کردند. ابن کثیر: ۱/ ۱۰۳.
پرسش: سخت‌گیری و خرده‌گیری در دین چه خطری به همراه دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١١)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا
إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ
تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا
الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ
قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ
﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ
فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ
مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ
مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
﴿٧٤﴾ * أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا
خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

ترجمه آیات

گفتند: «از پروردگارت [باز هم] بخواه تا چگونگیِ آن گاو را [از هر جهت] برای ما روشن سازد؛ زیرا [ویژگی‌های] این گاو [هنوز] بر ما مبهم است، و ان شاء الله [با توضیحاتِ تو] هدایت خواهیم شد». (۷۰) [موسی] گفت: «الله می‌فرماید: "آن گاوی است نه چنان رام که زمین را شخم بزند و یا کشتزار آب بدهد؛ بی‌عیب و یکرنگ است، هیچ لکه‌ای در آن نیست"». آنان گفتند: «اینک سخن درستی آوردی»؛ سپس [چنان گاوی را پیدا کردند و] آن را سر بریدند و [البته] نزدیک بود این کار را انجام ندهند. (۷۱) و [به یاد آورید] هنگامی که شخصی را کشتید و دربارهٔ [قاتلِ] او به نزاع پرداختید و الله چیزی را که پنهان می‌کردید آشکار نمود. (۷۲) پس گفتیم: «قسمتی از آن [گاو سر بریده شده] را به آن [مقتول] بزنید[تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند]. الله این گونه مردگان را زنده می‌کند و نشانه‌های [آشکار قدرتِ] خویش را به شما نشان می‌دهد؛ باشد که بیندیشید». (۷۳) پس از آن، [با وجود این معجزه بزرگ] دل‌های شما سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت‌تر؛ زیرا [حال دل‌هایتان هرگز تغییر نمی‌کند؛ اما سنگ‌ها دچار تغییر و تحول می‌شوند؛ چنان که] برخی از سنگ‌ها می‌شکافند و جویبارهایی از آنها جاری می‌شود و برخی می‌شکافند و [چشمه‌های] آب از آنها می‌جوشد و برخی از ترسِ الله [از فرازِ کوهها] فرو می‌افتند؛ و الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۷۴) [ای مؤمنان! حال که حقیقت دشمنیِ یهود برایتان آشکار گردید،] آیا امید دارید که به [آیین] شما ایمان بیاورند، با اینکه گروهی از [علمای] آنان سخنان الله را [در تورات] می‌شنیدند و پس از فهمیدنش [الفاظ و معانیِ] آن را تحریف می‌کردند؛ حال آنکه [از بزرگیِ گناه خویش] اطلاع داشتند؟! (۷۵) و [یک مورد از فریب‌کاری‌هایشان این است که] وقتی با مؤمنان روبرو می‌شوند می‌گویند: «[ما هم] ایمان آورده‌ایم»؛ ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند: «چرا مطالبی را که [دربارهٔ ویژگی‌های پیامبر و حقانیتِ اسلام در تورات آمده و] الله برای شما بیان کرده است به مسلمانان بازگو می‌کنید تا [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان علیه شما به آن استدلال کنند؟ آیا نمی‌فهمید؟» (۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ﴾

اگر قوم استثنا نکرده بودند و نگفته بودند: ﴿وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ﴾ هرگز به آن راه نمی‌یافتند [= گاو را نمی‌شناختند]. ابن کثیر: ۱/ ۱۰۴.

پرسش: استثنای مذکور چه سودی به قوم موسی عليه السلام رساند؟

۲ ﴿قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ﴾

این سخن بر اثر نادانی آنان بود و گرنه موسی عليه السلام حقیقت را همان بارِ اول برایشان آورده بود، یعنی اگر اعتراض نمی‌کردند که چه گاوی باشد مقصود حاصل شده بود اما آنان با سوالات زیاد سخت گرفتند پس الله نیز بر آنان سخت گرفت. سعدی: ۵۵.

پرسش: این سخن قوم موسی عليه السلام که گفتند ﴿الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ﴾ بر چه چیزی دلالت دارد؟

۳ ﴿فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾

نزدیک بود نتوانند این کار را انجام دهند؛ به خاطر نافرمانی و سوالات زیاد آنان، یا به خاطرِ گرانی گاو - زیرا وارد شده که این گاو مال یتیمی بود که آن را در مقابل مقداری طلا به وزن گاو خریدند- یا به خاطر کمیابیِ آن ویژگی؛ زیرا روایت شده است که اگر آنان پست‌ترین گاو را قربانی می‌کردند کفایت می‌کرد؛ اما سخت گرفتند پس بر آنان سخت گرفته شد. ابن جزی: ۱/ ۷۰.

پرسش: تقوای کاذب، سختی و مشقت را برای بنده به همراه دارد برعکسِ تقوای صادق؛ این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۴ ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾

سپس سختی دل‌های‌شان را به سنگ‌ها که از آهن سخت‌تر هستند تشبیه کرد؛ زیرا آهن و سرب برخلاف سنگ‌ها در آتش ذوب می‌شوند. سعدی: ۵۵.

پرسش: چرا دل‌های سخت بنی‌اسرائیل را به سنگ‌ها تشبیه کرد و چرا مثلاً به آهن تشبیه نکرد؟

۵ ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾

قدرت دل، پسندیده اما سختی آن مذموم است. پس شایسته است که دل بدون اجبار، قوی و بدون ضعف، نرم باشد. ابن تیمیه: ۱/ ۲۴۳.

پرسش: چه تفاوتی میان قدرت قلب و سختی قلب وجود دارد؟

۶ ﴿وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾

قطعاً بعضی از سنگ‌ها سودمندتر از دل‌های شما هستند؛ زیرا آب از آن خارج می‌شود و به پایین می‌افتد، مجاهد می‌گوید: سنگ از قلهٔ کوه پایین نمی‌افتد و رود از سنگ نمی‌جوشد و آب از آن خارج نمی‌شود مگر از ترس الله، قرآن بر این مطلب گویاست. قرطبی: ۲/ ۲۰۸.

پرسش: براساس آیه توضیح دهید که چرا بعضی از سنگ‌ها از دل‌های سخت سودمندتر هستند؟

۷ ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

﴿مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ﴾ یعنی آن را شناختند و نسبت به آن علم داشتند. این امر توبیخی برای آنان است، یعنی پدران این یهودیان کارهای بدی انجام می‌دادند و دشمنی داشتند و اینان نیز بر روش آنان عمل می‌کنند، پس چگونه به ایمانِ آنان امید دارید؟! این عبارت همچنین دلالت دارد بر این‌که کسی که حقیقت را می‌شناسد و با آن مخالفت می‌کند از هدایت به دور است؛ زیرا او از وعده و وعید آگاهی دارد و این امر او را از مخالفت و دشمنی باز نداشته است. قرطبی: ۲/ ۲۱۳.

پرسش: کدام یک به هدایت نزدیک‌تر است: جاهل یا عالمِ خودرأی؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا ذَلُولٌ	برای کار کشاورزی رام نشده است.
مُسَلَّمَةٌ	بی‌عیب است.
لَا شِيَةَ فِيهَا	لکه رنگی که مخالف رنگش باشد ندارد.
فَادَّارَأْتُمْ	به نزاع پرداختید، و تهمت قتل را از خود دفع کردید.

عمل به آیات

۱. «ترازوی قلب، تنهایی‌هایش است» با خودت خلوت کن و یکی از عبادات را انجام بده؛ زیرا الله تعالی امور نهان و آشکار را می‌داند، ﴿وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ﴾

۲. سعی کن نرم‌کننده‌های دل را در فواصل زمانیِ کوتاه‌تری انجام دهی. امروز کاری انجام بده که دلت را نرم می‌کند مانند شستن میت یا دفن میت، رفتن به بخش اورژانسِ بیمارستان یا دیدار با یکی از افراد عابد و زاهد، ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾

۳. پیام یا مقاله‌ای از برخی نمونه‌های نفاق معاصر بفرست، ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾

رهنمودها

۱. استجابت دستورات شرعی پس از تکلّف و طرح سوالات زیاد، نوعی خرده‌گیری یا تقوای دروغین است، ﴿فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾

۲. الله تعالی می‌تواند گناهانی را که پنهان می‌کنی آشکار سازد پس او را از کسانی که به تو نگاه می‌کنند کوچک‌تر مپندار، ﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ﴾

۳. گناهان دل را سخت می‌کنند، ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (۱) صفحة (۱۲)

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾
وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ
إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ
ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشْتَرُوا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ
فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ
﴿٧٩﴾ وَقَالُوا۟ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَةً ۚ قُلْ
أَتَّخَذْتُمْ عِندَ ٱللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ ٱللَّهُ عَهْدَهُۥٓ ۖ أَمْ
تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً
وَأَحَٰطَتْ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ
فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا
مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ
إِحْسَانًا وَذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَقُولُوا۟
لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ ثُمَّ
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أُمِّيُّونَ	خواندن و نوشتن نمی‌دانند.
أَمَانِيَّ	روخوانی یا دروغ‌هایی که از علمای‌شان دریافت می‌کنند.
فَوَيْلٌ	هلاکت و تباهی.
مِيثَٰقَ	پیمان محکم.
حُسْنًا	سخن پاکیزه.

عمل به آیات

۱. پیامی در مورد اهمیت اصلاح باطن از متن این آیه بفرست، ﴿أَوَ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾

۲. امروز برنامه‌ای در فهم آیات قرآن از طریق خواندن یکی از تفاسیر آسان آغاز کن تا این‌که از کسانی باشی که کلام الله تعالی را فهمیده‌اند، ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

۳. یکی از این عبادات را انتخاب کن و امروز آن را انجام بده تا این‌که عامل به قرآن باشی و بنگر که قلبت بعد از آن چه حالتی پیدا می‌کند، ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ﴾

رهنمودها

۱. به یاد آور که الله تعالی آن‌چه را که پنهان و آن‌چه را که آشکار می‌کنی می‌داند پس بکوش که در نهان و آشکار فقط خیر از تو ببیند، ﴿أَوَ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾

۲. عذاب را آسان و کوچک مشمار؛ زیرا این کار منجر به سخت‌دلی و انجام گناهان بیشتر می‌شود، ﴿وَقَالُوا۟ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَةً ۚ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ ٱللَّهِ عَهْدًا﴾

۳. الله تعالی حق والدین را در کنار حق خودش قرار داد؛ پس در حق والدین کوتاهی نکن، ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾

ترجمه آیات

آیا نمی‌دانند که الله [تمام] آنچه را پنهان می‌دارند و آشکار می‌سازند [همه را] می‌داند؟ (۷۷) و برخی از آنان بی‌سوادانی هستند که [از] کتابِ [الله، تورات] جز [مُشتی از] دروغ‌های خود بافته، چیزی نمی‌دانند و تنها به پندارهای خویش [که از بزرگانشان فراگرفته‌اند] دل بسته‌اند. (۷۸) پس وای بر کسانی که [کتابی تحریف‌شده] با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب الله است» تا آن را به بهای اندک بفروشند! پس وای بر آنها از آنچه دست‌هایشان نوشته است و وای بر آنان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند! (۷۹) و [یهود] گفتند: «آتش دوزخ جز چند روز محدودی، هرگز به ما نخواهد رسید». بگو: «آیا از نزد الله پیمانی گرفته‌اید؟! – و الله هرگز از پیمانش تخلف نمی‌ورزد– یا چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت می‌دهید؟!» (۸۰) آری، هر کس مرتکب گناه [= کفر و شرک] شود و گناهانش او را احاطه کند، آنان اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند بود. (۸۱) و کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، آنان اهل بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند. (۸۲) و [به یاد آورید] هنگامی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که: «جز الله یگانه را عبادت نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم [سخن] نیک بگویید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید»؛ ولی همهٔ شما ـ جز عدهٔ کمی ـ پشت کردید و رویگردان شدید. (۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

﴿إِلَّآ أَمَانِيَّ﴾ یعنی تلاوت بدون فهم. ابن جزی: ۱/ ۷۲.

پرسش: سرزنش کسی که قرآن را بدون فهم می‌خواند چگونه از این آیه به دست می‌آید؟

۲ ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

این صفت کسی است که کلام الله را بدون این‌که بفهمد می‌خواند و به آن عمل نمی‌کند و فقط به تلاوت اکتفا می‌کند، چنان‌که حسن بصری می‌گوید: قرآن نازل شد تا به آن عمل شود، به آن‌چه تلاوت می‌کنید عمل نمایید. ابن تیمیه: ۱/ ۲۴۷.

پرسش: تدبرنکردن و عمل‌نکردن به قرآن کریم در قرآن سرزنش شده است، این مطلب را توضیح دهید؟

۳ ﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشْتَرُوا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ﴾

این کار را انجام دادند با وجود این‌که علم داشتند (تا بهای ناچیز را در برابر آن بگیرند) در حالی که تمام دنیا از ابتدا تا پایانش بهایی ناچیز است. به عبارتی، باطل خویش را دامی قرار دادند که با آن اموال مردم را شکار می‌کنند. بنابراین از دو وجه بر مردم ستم کردند: از جهت پوشاندن دین‌شان بر آنان، و از جهت گرفتن اموال‌شان به ناحق، بلکه به باطل‌ترین روش؛ زیرا این کار از این‌که اموال مردم با غصب و دزدی و... گرفته شود بدتر است. سعدی: ۵۶.

پرسش: هر کس که متن یا معنای آیات قرآن را تغییر دهد از دو جهت ستمکار است. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾

به بنی‌اسرائیل دستور داد که به پدر و مادر نیکی کنند. الله تعالی در این آیه حق والدین را در کنار توحید قرار داد؛ زیرا خلقت نخستین از جانب الله است و خلقت دوم – یعنی تربیت – از جانب والدین است؛ از این رو، الله تعالی سپاس‌گزاری آن دو را در کنار سپاس‌گزاری از خودش قرارداد. قرطبی: ۲/ ۲۲۹.

پرسش: چرا الله سبحانه حق خودش و حق والدین را یکجا بیان فرمود؟

۵ ﴿وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾

بعد از این‌که به آنان فرمان داد با مردم به نیکی رفتار کنند، شایسته بود که به آنان فرمان دهد با مردم به نیکی سخن بگویند؛ بنابراین نیکی در رفتار و گفتار را با هم آورد. ابن کثیر: ۱/ ۱۱۵.

پرسش: چرا بعد از رفتار نیک، گفتار نیک را بیان فرمود؟

۶ ﴿وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾

نیکی به سایر مردم را با گفتار قرار داد؛ زیرا احسان زبانی برای همگان میسر است و نیز به این دلیل که گفتار اساساً از اعتقاد سرچشمه می‌گیرد، یعنی وقتی آنان به نیکی با مردم سخن گویند در حقیقت در دل نسبت به آنان نیت خیر دارند. ابن عاشور: ۱/ ۵۸۳.

پرسش: چرا الله تعالی نیکی برای سایر مردم را با گفتار قرار داد؟

۷ ﴿وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾

سخن نرم و معاشرت با اخلاق نیکو منظور است. بغوی: ۱/ ۷۲.

پرسش: فضیلت نیکی در گفتار و جایگاهِ آن را در دین بیان کنید؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٣)

وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ لَا تَسۡفِكُونَ دِمَآءَكُمۡ وَلَا تُخۡرِجُونَ
أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ ثُمَّ أَقۡرَرۡتُمۡ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ (٨٤)
ثُمَّ أَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تَقۡتُلُونَ أَنفُسَكُمۡ وَتُخۡرِجُونَ فَرِيقٗا
مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمۡ تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ
وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمۡ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيۡكُمۡ
إِخۡرَاجُهُمۡۚ أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ
فَمَا جَزَآءُ مَن يَفۡعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ إِلَّا خِزۡيٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلۡعَذَابِۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ (٨٥) أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ
ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ
(٨٦) وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَقَفَّيۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ
بِٱلرُّسُلِۖ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ
ٱلۡقُدُسِۗ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ
ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ فَفَرِيقٗا كَذَّبۡتُمۡ وَفَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ (٨٧) وَقَالُواْ قُلُوبُنَا
غُلۡفُۢۚ بَلۡ لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ (٨٨)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تُفَٰدُوهُمۡ	در آزادسازی آنان از اسارت می‌کوشید.
خِزۡيٞ	خواری و رسوایی.
وَقَفَّيۡنَا	پیاپی فرستادیم.
غُلۡفُۢ	در پوشش.

عمل به آیات

۱. در آزادسازی اسیر یا زندانی از طریق واسطه یا تقدیم مال یا دعای صالح در دل شب یا در لحظهٔ اجابت بکوش، ﴿وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمۡ﴾

۲. از یکی از دوستانت بخواه که تو را نصیحتی کند، آن‌گاه اگر حقیقت است از آن استقبال کن و به این سبب که موافق هوای نفست نیست آن را رد نکن، ﴿أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ فَفَرِيقٗا كَذَّبۡتُمۡ وَفَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ﴾

۳. بگو: «رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا» [صحیح مسلم: ۳۸۶] «خوشنودم از این‌که الله پروردگار من، محمد ﷺ پیامبر من و اسلام دین من است». ﴿أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ﴾

رهنمودها

۱. بیندیش که چرا الله تعالی قتل برخی از آنان را توسط برخی دیگر، قتل خودشان نامید؛ زیرا مومن در برابر برادرش همانند یک نَفْس است که هر آن‌چه برادرش را اندوهگین کند سبب اندوهِ او هم می‌شود و هر آن‌چه برادرش را شاد کند سبب شادی او می‌شود، ﴿ثُمَّ أَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تَقۡتُلُونَ أَنفُسَكُمۡ﴾

۲. ایمان به الله تعالی، خوشنودی از تمام دین است؛ اما فروتنی در برابر برخی از احکام و رد برخی دیگر، نوعی نفاق است که از آن به الله پناه می‌بریم، ﴿أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ﴾

۳. یهودیان برای توراتی که در دستان‌شان بود امانت‌دار نبودند پس چگونه در سایر معاهدات و پیمان‌ها امین شمرده می‌شوند، ﴿أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ﴾

ترجمه آیات

و [به یاد آورید] هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمینتان بیرون نکنید؛ سپس شما اقرار کردید و خود [بر آن پیمان] گواهی می‌دهید. (۸۴) [امّا] باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید و به گناه و ستم علیه آنها به یکدیگر کمک می‌کنید؛ و اگر [بعضی از آنان در جنگ با هم‌پیمانانِ عربِ شما گرفتار شوند و به صورت] اسیر نزدتان بیایند، [برای این‌که آنها از بنی‌اسرائیل و هم‌دینِ شما هستند، در برابرِ آزادی‌شان می‌کوشید و] فدیه می‌دهید؛ حال آنکه آواره‌کردن شان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از [دستورات] کتاب [تورات در مورد فدیه دادن] ایمان می‌آورید و به بخشی [که شما را از کشتن و آواره‌کردن هم‌دینانتان منع می‌کند] کافر می‌شوید؟! پس جزای هر کس از شما که چنین [تبعیضی در آیات الله ایجاد] کند، جز رسوایی و خواری در زندگی دنیا نخواهد بود و در روز قیامت به سخت‌ترین عذاب گرفتار می‌شوند؛ و [یقین بدانید که] الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۸۵) اینان کسانی هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند؛ پس عذاب آنها تخفیف داده نمی‌شود و کسی یاری‌شان نخواهد کرد. (۸۶) همانا به موسی کتاب [= تورات] دادیم و پس از او پیامبرانی پی در پی فرستادیم؛ و به عیسی ـ پسر مریم ـ معجزات و دلایل روشن دادیم و او را به وسیلهٔ روح‌القُدُس [= جبرئیل] تقویت کردیم. آیا چنین نیست که هر گاه پیامبری چیزی بر خلافِ هوای نفستان آورد، در برابرش تکبر نمودید و گروهی [از پیامبران] را تکذیب کردید و گروهی را کشتید؟ (۸۷) و [یهود برای پیروی نکردن از محمد ﷺ، از روی تمسخر] گفتند: «دل‌های ما پوشیده و در غلاف است»؛ [چنین نیست؛] بلکه الله آنان را به سزای کفرشان لعنت کرده است؛ پس [به همین سبب است که] بسیار کم ایمان می‌آورند. (۸۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمۡ﴾

آثار زیادی از پیامبر ﷺ وارد شده است که اسیران (مسلمان در دست کفار) را آزاد کرد و به این کار دستور داد، عمل مسلمانان نیز بر این امر جریان داشته و اجماع بر آن منعقد شده است. آزادسازی اسرا از بیت المال واجب است، اما اگر بیت المال نبود این کار بر تمام مسلمانان فرض است و اگر بعضی از آنان این کار را انجام دادند فرض از عهدهٔ سایرین ساقط می‌شود. قرطبی: ۲/ ۲۴۲.

پرسش: چه چیزی در مورد اسیران مسلمان در جهان بر ما واجب است؟

۲ ﴿أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ﴾

این آیه بزرگ‌ترین دلیل است بر این‌که ایمان، انجام اوامر و ترک نواهی را می‌طلبد و این‌که [انجام] دستورات [الهی،] بخشی از ایمان است. سعدی: ۵۸.

پرسش: با این آیه چگونه به کسی که ادعای ایمان دارد اما عمل نمی‌کند پاسخ می‌دهی؟

۳ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ﴾

الله تعالی از سببی که آنان را واداشت که به بخشی از کتاب کفر ورزند و به بخشی دیگر از آن ایمان بیاورند خبر می‌دهد و می‌فرماید: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ﴾. سعدی: ۵۸.

پرسش: چه چیزی باعث می‌شود برخی از مردم به بخشی از قرآن ایمان بیاورند و به بخشی دیگر از آن کفر بورزند؟

۴ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَقَفَّيۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ بِٱلرُّسُلِۖ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ﴾

تایید با روح القدس، همگانی است و هر کسی که به رسولان در برابرِ مشرکان و اهل کتابی که با آنان مخالفت می‌کنند، یاری برساند را در بر می‌گیرد. ابن تیمیه: ۱/ ۲۶۸.

پرسش: الله تعالی چه کسی را با روح القدس یاری می‌رساند؟

۵ ﴿أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ﴾

هوا (هوس) به این سبب هوا نامیده شد که صاحبش را به سوی آتش جهنم می‌کشاند و معمولا در موارد باطل و نامبارک استعمال می‌شود. قرطبی: ۲/ ۲۴۵.

پرسش: هوا و هوس، انسان را به کجا می‌کشاند؟

۶ ﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ﴾

یهودیان گفتند: دل‌های‌مان با پوشش‌های فطری پوشیده شده است که مانع نفوذ آن‌چه که آورده‌ای می‌شود. این آیه، امید پیامبر ﷺ به ایمان آوردن آنان را به صورت کلی قطع می‌نماید؛ بنابر این الله تعالی آنان را از رحمتش دور کرده است. آلوسی: ۱/ ۳۱۸.

پرسش: منظور یهودیان از این سخن که گفتند ﴿قُلُوبُنَا غُلۡفُۢ﴾ چه بود و با چه چیزی مجازات شدند؟

۷ ﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ﴾

الله سبحانه با گفتن ﴿بَل﴾ سخن‌شان را رد کرد، یعنی: آن‌گونه نیست که آنان پوشش دل‌های‌شان را امری حقیقی بیان کردند، بلکه الله آنان را لعنت کرده است؛ یعنی پادشاه اعظم آنان را از پذیرش سخن رسول دور کرده است؛ زیرا پس از این‌که الله آنان را بر فطرتِ استوار و راستِ نخستین آفرید و پوششی بر دل‌های‌شان نبود، اهل سعادت نیستند؛ زیرا لعنت، دور ساختن در معنا و جایگاه است. بقاعی: ۱/ ۱۸۲.

پرسش: چرا الله آنان را لعنت و از رحمتش دور کرد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٤)

وَلَمَّا جَآءَهُمۡ كِتَٰبٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ
وَكَانُواْ مِن قَبۡلُ يَسۡتَفۡتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا
جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ
﴿٨٩﴾ بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ
فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ
﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤۡمِنُ بِمَآ أُنزِلَ
عَلَيۡنَا وَيَكۡفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا
مَعَهُمۡۗ قُلۡ فَلِمَ تَقۡتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبۡلُ إِن كُنتُم
مُّؤۡمِنِينَ ﴿٩١﴾ ۞وَلَقَدۡ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ
ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذۡ
أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ
مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا
وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ قُلۡ بِئۡسَمَا
يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٩٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَسۡتَفۡتِحُونَ	با آن خواستار پیروزی بر مشرکان بودند.
فَبَآءُو	بازگشتند.

عمل به آیات

۱. از سرکشی و حسادت به الله پناه ببر، ﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ﴾

۲. از الله سبحانه بخواه که تواضع را به تو روزی دهد و نفست به آن خو بگیرد؛ زیرا تواضع کلید خیرهاست؛ چنان‌که تکبر کلید بدی‌هاست، ﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ﴾

۳. این دعا را بگو و بر آن پایدار باش: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] « یا الله! من از خشم تو به خوشنودی‌ات و از کیفر تو به عَفوَت پناه می‌برم». زیرا الله تعالی وقتی بر یهودیان خشم گرفت عیب‌ها و رازهای‌شان را در برابر دید همگان آشکار کرد، ﴿قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ﴾

رهنمودها

۱. حسادت بر دیگران به خاطر بخششی که الله بر آنان کرده است، خشم الله تعالی و عذاب خوارکننده‌ای در پی دارد، ﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

۲. باید با قدرت به دینت چنگ بزنی؛ زیرا مومن قوی که به دین چنگ می‌زند از مومن ضعیف بهتر است، ﴿خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ﴾

۳. پافشاری بر دشمنی و عناد باعث می‌شود که قلب معاند به آن خو بگیرد و آن را همانند حقیقتی بپندارد، ﴿قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ قُلۡ بِئۡسَمَا يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

ترجمه آیات

و هنگامی که از جانب الله کتابی [= قرآن] برای آنان آمد که تصدیق‌کنندهٔ مطالبی [= تورات] بود که با خود داشتند و [به انتظار رسیدن این کتاب] از قبل به خود نوید پیروزی بر کافران را می‌دادند، با این همه، وقتی آن کسی را که از پیش شناخته بودند [= محمدﷺ] نزدشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت الله بر کافران بادا! (۸۹) به چه بهای بدی خود را فروختند که از روی حسد [و برتری‌خواهی] به آنچه الله فرستاده بود کافر شدند که چرا الله از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که می‌خواهد [وحی] نازل می‌کند. پس [به خاطرِ این حسادت] بیش از پیش به خشم [الهی] گرفتار شدند؛ و عذابی خفت‌بار برای کافران [در پیش] است. (۹۰) و چون به آنان گفته شود: «به آنچه الله نازل کرده است ایمان بیاورید»، می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خودِ ما نازل شده است»، و به غیرِ آن، کافر می‌شوند، در حالی که آن [قرآن، سخنِ] حق و تصدیق‌کنندهٔ مطالبی است که با خود دارند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر [راست می‌گویید] و مؤمن هستید، پس چرا پیامبرانِ الله را پیش از این می‌کشتید؟». (۹۱) و به راستی موسی معجزه‌ها و نشانه‌های روشنی برایتان آورد؛ اما شما پس از وی، در حالی گوساله را [برای عبادت] برگزیدید که [به خاطر این شرک‌ورزی، نسبت به خود] ستمکار بودید. (۹۲) و [به یاد آورید] هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم [که از اوامر الهی و رهنمودهای موسی پیروی کنید] و [کوه] طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم]: «آنچه [از احکام تورات] به شما داده‌ایم محکم بگیرید و [به کلام الله] گوش فرادهید». گفتند: «[با گوش‌هایمان] شنیدیم و[لی با رفتارمان] نافرمانی کردیم»؛ و به سبب کفرشان، [محبتِ] گوساله در دل‌هایشان جای گرفت. [ای پیامبر! به آنان] بگو: «اگر [واقعاً] مؤمن هستید، ایمانتان چه فرمان بدی به شما می‌دهد!». (۹۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

کفر آنان فقط به سبب عناد و سرکشی بود که نتیجه حسادت است و نه نادانی. این کار سزاوار سرزنش بیشتری است؛ زیرا جاهل گاهی معذور است. آلوسی: ۱/ ۳۲۲.

پرسش: سبب کفر یهودیان چه بود؟

❷ ﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

از آن‌جا که سبب کفرشان سرکشی و حسادت بود و منشأ آن تکبر است، در دنیا و آخرت با خواری و تحقیر روبه‌رو شدند. ابن کثیر: ۱/ ۱۲۰.

پرسش: جزا از جنس عمل است، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

❸ ﴿فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ﴾

پس به سبب کفرِ زیاد و تردیدها و شرک پیاپی آنان، الله آنان را لعنت کرد و پیاپی بر آنان خشم گرفت. سعدی: ۵۹.

پرسش: چرا یهودیان پیاپی به خشم الهی باز می‌گشتند؟

❹ ﴿وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَهُمۡۗ﴾

چرا به آن‌چه که بر شما نازل شده است ایمان می‌آورید و به همانند آن کفر می‌ورزید؟ آیا این امر دلیلی جز تعصب و پیروی از هوای نفس دارد؟ سعدی: ۵۹.

پرسش: قرآن کریم بیان فرمود که سبب کفر یهودیان به قرآن فقط تعصب و پیروی از هوای نفس است، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

❺ ﴿قُلۡ فَلِمَ تَقۡتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبۡلُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

اضافه کردن انبیا به نامِ الله، شرافت بزرگِ آنان را می‌رساند و اعلامی است برای این‌که هر کس از جانب الله تعالی می‌آید شایسته است که بزرگ داشته شود و حمایت و یاری شود نه این‌که به قتل برسد. آلوسی: ۱.۳ ۳۲۴.

پرسش: نسبت دادن نام یکی از مخلوقات به اسم الله تعالی بر چه امری دلالت دارد؟

❻ ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ﴾

﴿وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ﴾: کوه بزرگ که آن را برای بازداشتن شما از رضایت بر ماندن در باتلاق جهل و برای بالابردن به قلهٔ علم قرار دادیم... کسی که بشنود اما نپذیرد مانند کسی است که نمی‌شنود. فرمود: ﴿وَٱسۡمَعُواْ﴾ «خوب بشنوید»، وگرنه شما را زیر آن دفن می‌کنیم؛ این در حالی است که دیگران با بالابردن شلاق برای فراگیری، ادب می‌شوند. بقاعی: ۱/ ۱۹۸.

پرسش: دشمن به اندازهٔ دشمنی‌اش ادب می‌شود، تأدیب یهودیان به چه سطحی رسید؟

❼ ﴿خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ﴾

یعنی شنیدنی که پذیرش و طاعت و استجابت به همراه داشته باشد. سعدی: ۵۹.

پرسش: شنیدنی که الله تعالی از ما برای قرآن کریم خواسته است چه ویژگی‌هایی دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٥)

قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن
دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ۝٩٤ وَلَن
يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ
۝٩٥ وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۚ
يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ
ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ۝٩٦ قُلۡ مَن
كَانَ عَدُوّٗا لِّجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ
ٱللَّهِ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ
۝٩٧ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ
وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ ۝٩٨ وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ
إِلَيۡكَ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ وَمَا يَكۡفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقُونَ ۝٩٩
أَوَكُلَّمَا عَٰهَدُواْ عَهۡدٗا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ
لَا يُؤۡمِنُونَ ۝١٠٠ وَلَمَّا جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ
لِّمَا مَعَهُمۡ نَبَذَ فَرِيقٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ كَأَنَّهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ۝١٠١

ترجمه آیات

بگو: «[ای قوم یهود!] اگر نزد الله، سرای آخرت ویژهٔ شماست نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید، آرزوی مرگ کنید [تا هر چه زودتر به این جایگاه دست یابید]». (۹۴) ولی آنان به خاطر آنچه [که از کفر و تکذیب و تحریف] پیش فرستاده‌اند هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و الله به [احوال] ستمکاران داناست. (۹۵) [ای پیامبر!] قطعاً اینان [= یهود] را حریص‌ترین مردم بر زندگی خواهی یافت؛ [حتی] حریص‌تر از مشرکان. هر یک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند؛ در حالی که [حتی] اگر این عمر [دراز] به او داده شود، [باز هم طول عمرش] او را از عذاب دور نمی‌کند؛ و الله به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (۹۶) بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد، [در حقیقت، دشمنِ الله است؛ زیرا] او به فرمان الله قرآن را بر قلب تو نازل کرده است که [کتاب‌های آسمانی] پیش از خود را تصدیق می‌کند و برای مؤمنان، هدایت و بشارت است». (۹۷) هر کس دشمنِ الله و فرشتگان او و پیامبرانش و جبرئیل و میکائیل باشد، [بداند که] الله دشمنِ کافران است. (۹۸) [ای پیامبر،] به راستی که ما نشانه‌های روشنی بر تو نازل کردیم و جز منحرفان [از دین،] کسی به آنها کفر نمی‌ورزد. (۹۹) آیا چنین نیست که هر گاه [یهود] پیمانی [با الله و رسول] بستند، گروهی از آنان آن را دور افکندند [و پیمان شکستند]؟ آری، بیشترشان ایمان نمی‌آورند. (۱۰۰) و وقتی فرستاده‌ای از جانب الله برایشان آمد -که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌کرد-، گروهی از کسانی که به آنها کتاب [= تورات] داده شده بود، کتابِ الله را پشت سر افکندند؛ گویی [از آن هیچ] نمی‌دانند. (۱۰۱)

نکته‌های قابل تدبّر

1. ﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

زیرا کسی که اعتقاد داشته باشد بهشتی است، حتما مرگ برای او از زندگی در دنیا دوست‌داشتنی‌تر خواهد بود؛ زیرا مرگ او را به نعمت‌های بهشت می‌رساند و آزار و اذیت‌های دنیا را از او دور می‌سازد. قرطبی: ۲/ ۲۵۷.

پرسش: چرا الله تعالی به یهودیان فرمان داد که مرگ را آرزو کنند؟

2. ﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

آرزوی دیدار با الله، بیانگر رابطهٔ خوب او با پروردگارش و اشتیاق به دیدار او تعالی است؛ .... با این‌که نفس از مرگ می‌رمد، اما با این شناخت که به دیدار پروردگارش می‌رود آرام می‌گیرد و دیدار پروردگارش را آرزو می‌کند و هر کس دیدار پروردگارش را دوست داشته باشد الله نیز دیدار با او را دوست دارد، و هر کس دیدار پروردگارش را نپسندد الله دیدارش را نمی‌پسندد. بقاعی: ۱/ ۲۰۰.

پرسش: آرزوی دیدار الله بر چه چیزی دلالت دارد؟

3. ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۚ يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ﴾

آنان را به خاطر تمایل بر ماندن در دنیا در هر حالتی که باشد سرزنش کرد، با علم به این‌که - حتی اگر در بدترین احوال باشند- برای‌شان بهتر است از آن‌چه که بعد از مرگ رخ می‌دهد. بقاعی: ۱/ ۲۰۲.

پرسش: چرا یهودیان حرص و طمع دارند که در هر حالتی در دنیا بمانند؟

4. ﴿وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ﴾

﴿وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ﴾ دور کنندهٔ او، ﴿مِنَ ٱلۡعَذَابِ﴾ از آتش جهنم، ﴿أَن يُعَمَّرَ﴾ یعنی عمر درازش او را نجات نمی‌دهد. بغوی: ۱/ ۷۹.

پرسش: آیا عمر طولانی، بنده را از عذاب الله تعالی نجات می‌دهد؟

5. ﴿قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ﴾

قلب را به طور خاص بیان کرد؛ زیرا محل عقل و علم و دریافت معارف است. قرطبی: ۲/ ۲۶۳.

پرسش: توضیح دهید که چه چیزی بر اهمیت و جایگاه بالای قلب دلالت دارد؟

6. ﴿فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ﴾

هرکس که با دوست الله دشمنی کند در واقع با الله دشمنی کرده است، و هر کس که با الله دشمنی کرده است الله دشمن اوست و هر کس که الله دشمنش باشد قطعاً در دنیا و آخرت زیان‌دیده است. ابن کثیر: ۱/ ۱۲۷.

پرسش: دشمنی با دوستان الله تعالی چه خطری دارد؟

7. ﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ نَبَذَ فَرِيقٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ كَأَنَّهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

سفیان بن عیینه می‌گوید: کتاب الله را در پارچه‌های ابریشمی قرار دادند و با طلا و نقره آراستند اما هرگز به آن عمل نکردند که این کار دور افکندن کتاب توسط آنان به شمار می‌رود. بغوی: ۱/ ۸۲.

پرسش: اکرام حقیقی و دور افکندن حقیقی کتاب الله تعالی چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِمُزَحۡزِحِهِۦ	دورکننده‌اش.
نَبَذَهُۥ	آن را دور افکند.

عمل به آیات

۱. برنامه‌ای برای زندگی‌ات طرح کن و در آن عمل صالح و بزرگی که تو را به آخرت مشتاق می‌کند قرار بده، ﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

۲. از الله تعالی سرانجام نیکو و اشتیاق دیدار با او را بدون سختی‌ای زیان‌رسان و بدون فتنه‌ای گمراه‌کننده را بخواه، ﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

۳. به فهرست یاران و دوستانت مراجعه کن و بکوش کسی را که گمان می‌کنی از دوستان الله تعالی است در میان آنان قرار دهی، ﴿مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. هر اندازه که گناهان بنده بیشتر شود غفلتش از مرگ و یاد آن بیشتر می‌شود، ﴿وَلَن يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۲. هر کس که الله او را دوست داشته باشد فرشتگان او را دوست دارند، ﴿قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ﴾

۳. برحذر باش از این‌که دشمنِ دوستان الله باشی؛ زیرا او تعالی با کسی که با دوستانش دشمنی کند دشمنی می‌ورزد، ﴿مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٦)

وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ
سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ
ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ
وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا
تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ
وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ
وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ
ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ
أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ
لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٣
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا
وَٱسۡمَعُواْۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٠٤ مَّا يَوَدُّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ
أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ
بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ١٠٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱشۡتَرَىٰهُ	آن را برگزیند.
خَلَٰقٍ	سهم.
رَٰعِنَا	واژه‌ای است که یهودیان به قصد دشنام و نسبت‌دادن حماقت به پیامبر ﷺ، به او می‌گفتند.

عمل به آیات

۱. از شر حسود هنگامی که حسد ورزد و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دمند به الله پناه ببر، ﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ﴾

۲. در سازش بین دو نفر به خصوص این‌که دو زوج باشند بکوش و بدان که شیطان و لشکریانش برای برپایی فساد بین مردم و ازواج می‌کوشند، پس تو اصلاحگر باش، ﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦ﴾

۳. جامعه را از وجود ساحران در آن برحذر دار و خطر آنان بر جامعه و وجوب تلاش و همکاری برای کندن شرّ آنان را آشکار ساز، ﴿وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. کفر ساحر و تحریم آموختن و استعمال سحر، ﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ﴾

۲. هر کس که به الله وابسته باشد الله در برابر هر شری برایش کافی است، ﴿وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ﴾

۳. بیماری حسادت، عنصری تأثیرگذار در روابط میان اهل کتاب و مسلمانان است، ﴿مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ﴾

ترجمه آیات

و [یهود] از آنچه شیاطین در [عهدِ] فرمانروایی سلیمان [از علم سحر بر مردم] می‌خواندند پیروی کردند [و مدعی شدند که سلیمان پادشاهی خویش را با سحر استوار کرده است]؛ و [حال آنکه] سلیمان [هرگز دست به سحر نیالود و] کافر نشد؛ ولی شیاطین [که] کفر ورزیدند، به مردم سحر می‌آموختند؛ و [نیز] از آنچه بر دو فرشته «هاروت» و «ماروت» در بابِل نازل شده بود [پیروی کردند]؛ و[لی آن دو فرشته] به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر اینکه [قبلاً از روی خیرخواهی به او] می‌گفتند: «ما وسیلهٔ آزمایش هستیم؛ پس [با به کار بستن سحر] کافر نشو». [یهودیان] از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که [بتوانند] توسط آن میان مرد و همسرش جدایی افکنند؛ هر چند بدون اجازهٔ الله نمی‌توانستند به وسیلهٔ آن به کسی زیان برسانند؛ و چیزی می‌آموختند که [فقط] به آنان زیان می‌رساند و [هیچ] سودی به آنان نمی‌بخشید؛ و قطعاً [یهودیان] می‌دانستند که هر کس [مشتاق و] خریدارِ آن [جادوها] باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. اگر [حقیقت را] می‌دانستند، [متوجه می‌شدند که] چه بد و زشت بود آنچه خود را به آن فروختند! (۱۰۲) و اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، اگر آگاهی داشتند [درمی‌یافتند که] پاداشی که نزد الله وجود دارد برایشان بهتر است. (۱۰۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [هنگامی که از پیامبر برای درک آیات قرآن درخواست مهلت می‌کنید] نگویید: «راعِنا» [زیرا علاوه بر معنای اصلی‌اش، مفهوم توهین‌آمیز «نادانی» را می‌رساند] بلکه بگویید: «اُنظُرنا» [= کمی به ما فرصت بده] و [آنگاه به آیات قرآن] گوش کنید و [یقین بدانید که] کافران [و تمسخرکنندگانِ پیامبر،] عذابی دردناک [در پیش] دارند. (۱۰۴) کافران ـ چه اهل کتاب و چه مشرکان ـ دوست ندارند که از جانب پروردگارتان خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که الله، رحمت خود را به هر کس که بخواهد اختصاص می‌دهد؛ و الله دارای فضل بزرگ است. (۱۰۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ﴾
در فراگیریِ سِحر از نزدیکی‌جستن به شیطان از طریق ارتکاب امور زشت و ناپسند یاری گرفته می‌شود. این کار می‌تواند به صورت گفتاری باشد؛ مانند رقیه‌هایی که الفاظ شرک‌آلود و ستایش شیطان و رام کردن او در آن است. یا به صورت عملی باشد مانند عبادت ستارگان و پایبندی به جنایت و سایر گناهان. آلوسی: ۱/ ۳۳۸.

پرسش: سِحر فقط از طریق شرک و کفر آموخته می‌شود، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ﴾
چنان‌که فرشتگان فقط به مردم نیکوکار که در گفتار و عمل در مراقبت بر عبادت و تقرب به الله تعالی همانند آنان هستند یاری می‌رسانند، شیاطین نیز فقط به کسانی که در گفتار و عمل و اعتقاد، شبیه آنان در خباثت و نجاست هستند یاری می‌رسانند. از این طریق، ساحر از پیامبر و ولی متمایز می‌گردد. آلوسی: ۱/ ۳۳۸.

پرسش: چه رابطه‌ای میان فرشتگان و شیاطین با انسان‌ها وجود دارد؟

۳ ﴿وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ﴾
این آیه و آیات مشابه دلالت دارند بر این‌که اسباب هرچند تأثیری قوی داشته باشد باز هم تابع قضا و قدر است و مستقلا تاثیرگذار نیست. سعدی: ۶۱.

پرسش: دیدگاه صحیحی که شخص مسلمان باید در مورد اسباب داشته باشد چیست؟

۴ ﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ﴾
از این دو فرشته، سحری را می‌آموختند که به آنان زیان دینی می‌رساند و سودی در آخرت‌شان برای آنان نداشت. طبری: ۲/ ۴۵۰.

پرسش: منظور از نفع نفی‌شده در آیه چیست؟

۵ ﴿وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾
سحر در آخرت سود نمی‌رساند و سبب نزدیکی به الله نمی‌شود و هر کس آن را برگزیند هیچ بهره‌ای در آخرت ندارد؛ زیرا بر شرک و دروغ و ستم استوار است و هدف صاحبش ستم و فواحش است. ابن تیمیه: ۲/ ۲۸۷.

پرسش: چرا سحر، سود نمی‌رساند و سبب نزدیکی به الله تعالی نمی‌شود؟

۶ ﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾
﴿لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ﴾. نفرمود: «لَمَثُوبَةُ الله» تا نکره، خبر از تقلیل داشته باشد، یعنی مقدار اندکی از پاداش الله تعالی در آخرتِ همیشگی، بهتر است از پاداش زیاد در دنیای فانی؛ پس چگونه خواهد بود وقتی که پاداش الله تعالی بسیار و همیشگی باشد؟! آلوسی: ۱/ ۳۴۷.

پرسش: چرا واژهٔ ﴿مَثُوبَةٞ﴾ به صورت نکره آمد و به لفظ جلاله اضافه نشد؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا وَٱسۡمَعُواْ﴾
مسلمانان هنگامی که رسول الله ﷺ برای آموختن احکام دین آنان را مورد خطاب قرار می‌داد می‌گفتند: ﴿رَٰعِنَا﴾ یعنی رعایت حال ما را بکن و از این لفظ، معنایی صحیح قصد می‌کردند. اما یهودیان که معنای فاسدی را قصد می‌کردند، فرصتی به دست آورده و با آن رسول را مورد خطاب قرار می‌دادند و همان معنای فاسد را اراده می‌کردند، بنابراین الله تعالی برای بستن این باب، مومنان را از گفتن واژهٔ مذکور نهی فرمود. از این مطلب به دست می‌آید که وقتی امری جایز، وسیله‌ای برای حرامی قرار گیرد باید از آن نهی شود. سعدی: ۶۱.

پرسش: یکی از آداب اسلامی هنگام خطاب قرار دادن دیگران، از این آیه استنباط می‌شود. آن را نام ببرید؟

ترجمه آیات

هر آیه‌ای را نسخ کنیم یا [از دل مردم بزداییم و] از یادها ببریم، بهتر از آن یا همانندش را می‌آوریم. [ای پیامبر،] آیا نمی‌دانی که الله بر هر چیزی تواناست؟ (۱۰۶) آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است و شما جز الله [هیچ] دوست و یاوری ندارید [که کارسازتان باشد]؟ (۱۰۷) [ای مؤمنان،] آیا می‌خواهید از پیامبر خود [موارد نامعقولی را] درخواست کنید که پیش از این از موسی خواسته شد؟ کسی که کفر را به [جای] ایمان برگزیند، مسلماً راهِ راست را گم کرده است. (۱۰۸) بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار گردید، به خاطرِ حسادتی که در وجودشان است آرزو دارند که شما را بعد از ایمانتان به حالِ کفر بازگردانند؛ پس شما عفو کنید و [از آنان] درگذرید تا الله فرمان خویش را [برای جهاد با آنان] صادر نماید. همانا الله بر هر چیزی تواناست. (۱۰۹) و نماز برپا دارید و زکات بپردازید؛ و [بدانید که] هر کار نیکی که برای خود پیش می‌فرستید، [پاداشِ] آن را نزد الله خواهید یافت. یقیناً الله به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۱۱۰) [اهل کتاب] گفتند: «جز یهودی یا نصرانی، [هیچ کس] هرگز وارد بهشت نخواهد شد. این آرزوهای [واهی و باطلِ] آنهاست. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید». (۱۱۱) آری، کسی که روی خود را مخلصانه تسلیم الله کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش [محفوظ] است و [چنین کسانی] نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. (۱۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ﴾
آشنایی با مبحث نسخ ضروری است و فایدهٔ بزرگی دارد، علمای اسلامی از آن بی‌نیاز نیستند و فقط افراد جاهل و نادان این موضوع را انکار می‌کنند؛ زیرا شناخت احکام مسائلِ جدید و تشخیص حلال از حرام بر آن استوار است. قرطبی: ۲/ ۳۰۰.

پرسش: شناخت و مطالعهٔ مبحث نسخ در شریعت برای کسی که خواهان استنباط احکام شرعی است چه اهمیتی دارد؟

۲ ﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ﴾
هر کس بداند الله دوست و یاور اوست– که در واقع نیز دوست و یاوری جز او تعالی نیست– قطعاً می‌داند هر کاری که الله برایش مقدّر کند قطعاً برایش خیر است؛ بنابراین کارش را به الله تعالی واگذار می‌کند. آلوسی: ۱/ ۳۵۴.

پرسش: ایمان به دوستی و نصرت الله تعالی چه فایده‌ای دارد؟

۳ ﴿أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُ﴾
از طرح سوال‌هایی که به منظور آزاررساندن و اعتراض مطرح می‌شوند نهی شده است... اما سوال برای دانستن و کسب هدایت، کار پسندیده‌ای است که الله به آن فرمان داده است. سعدی: ۶۲.

پرسش: سوال‌های شرعی در چه صورتی پسندیده و در چه صورتی ناپسند هستند؟

۴ ﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ﴾
﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ﴾ یعنی آرزو دارند. این آیه در مورد حُیی بن أخطَب و برادرش ابی‌یاسر و یهودیانِ شبیه این دو نازل شد، کسانی که به سبب حسادت اشتیاق داشتند مسلمانان را در فتنه بیندازند و از اسلام بازگردانند. ابن جزی: یک/ ۷۸.

پرسش: در مورد کسانی که دشمنی اهل کتاب با مسلمانان را دست کم می‌گیرند و مسلمانان را به توهّم توطئه متهم می‌کنند چه دیدگاهی داری؟

۵ ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ﴾ می‌فرماید: برای الله خالص گرداند... ﴿وَهُوَ مُحۡسِنٞ﴾ یعنی در این کار از رسول الله ﷺ پیروی کند؛ زیرا برای پذیرش عمل دو شرط وجود دارد، شرط اول این‌که خالص برای الله باشد، و شرط دوم این‌که صحیح و موافق شریعت باشد. پس اگر خالص باشد اما به صورت صحیح انجام نگیرد پذیرفته نمی‌شود. ابن کثیر: ۱/ ۱۴۷.

پرسش: شروط پذیرش عمل چیست و چه دلیلی بر آن وجود دارد؟

۶ ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ﴾ یعنی اعمالش را خالص برای الله قرار دهد در حالی که قلبش به سوی او تعالی روی آورده است. ﴿وَهُوَ مُحۡسِنٞ﴾ در عبادت پروردگارش؛ یعنی الله را از طریق شریعتش عبادت کند، که فقط چنین کسانی بهشتی هستند ... از این مطلب دانسته می‌شود که هر کس این‌گونه نباشد جهنمی و نابود است؛ بنابراین فقط کسانی نجات می‌یابند که خالص برای معبود و پیرو رسول باشند. سعدی: ۶۴.

پرسش: چرا اعمال ریایی و بدعت‌ها نزد الله تعالی مردود و غیر قابل پذیرش هستند؟

۷ ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
فقط کسی وارد بهشت می‌شود که ﴿أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ﴾ یعنی دینش را خالص برای الله قرار دهد. بنابر قولی، عبادتش را خالص برای الله قرار دهد و بنابر قولی دیگر در برابر الله فروتنی و تواضع کند. اصل اسلام، تسلیم‌شدن و فروتنی است. به این دلیل وجه را به طور خاص بیان کرد زیرا کسی‌که در سجده چهره‌اش را بر زمین می‌گذارد از به کار بردن بقیه اعضا در عبادت الهی امتناع نمی‌ورزد. بغوی ۱/ ۹۳.

پرسش: چه کسی به فضل و کرم الهی، مستحق ورود به بهشت است؟

سورة (البقرة) الجزء (۱) صفحة (۱۷)

۞ مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ
أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٠٦ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ
ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ
ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ
كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ
فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١٠٨ وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ
لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا
مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ
وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
قَدِيرٞ ١٠٩ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ
لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ
بَصِيرٞ ١١٠ وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا
أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡۗ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ١١١ بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ
أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَنسَخۡ	برطرف کنیم و از بین ببریم.
نُنسِهَا	آن را از دل‌ها بزداییم.
سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ	راه میانه، یعنی راه راست.

عمل به آیات

۱. از حسادت به الله پناه ببر و از حسودان برحذر باش، ﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم﴾

۲. با ارسال یک پیام یا با نوشتن یک مقاله، توضیح بده که بسیاری از یهودیان و نصارا دوست دارند مسلمانان از دین خود منحرف شوند؛ چنان‌که قرآن کریم از این امر خبر داده است: ﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم﴾

۳. در ادای نمازهای پنج‌گانه در وقتش شتاب کن، ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ﴾

رهنمودها

۱. نسخ احکام، نوعی تدریج در تشریع و رحمتی از جانب الله تعالی به مومنان است، ﴿مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ﴾

۲. یقین داشته باش خیر در آن چیزی قرار دارد که الله برگزیده و شر در همان چیزی است که الله آن را حرام گردانیده است، ﴿مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ﴾

۳. عفو و بخشش یکی از خصلت‌های بزرگ و پسندیدهٔ مسلمانان است، فرقی ندارد که در برابر مسلمانان یا غیر مسلمانان باشد، ﴿فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ﴾

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٨)

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ
لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۗ كَذَٰلِكَ
قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ (١١٣) وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن
مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ
أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي
ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ (١١٤) وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ
وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ (١١٥)
وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ بَل لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ (١١٦) بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ
وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (١١٧) وَقَالَ
ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞۗ
كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّثۡلَ قَوۡلِهِمۡۘ تَشَٰبَهَتۡ
قُلُوبُهُمۡۗ قَدۡ بَيَّنَّا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يُوقِنُونَ (١١٨) إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ
بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۖ وَلَا تُسۡـَٔلُ عَنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ (١١٩)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَٰنِتُونَ	فروتنان، فرمانبرداران.
بَدِيعُ	پدیدآورنده بدون نمونۀ قبلی.

عمل به آیات

۱. با برادران مسلمانت در مرتب کردن مسجد و آماده‌سازی اسباب تشویق بر انجام این کار همکاری کن که این امر تعظیم شعایر الله به‌شمار می‌رود، ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾

۲. در مسجد بنشین و الله تعالی را از نماز تا نمازی دیگر یاد کن، ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ﴾

۳. سنت را احیا کن و در ماشین یا هواپیما یا کشتی‌ای که سوار آن هستی به هر جهتی که در حال حرکت است نماز نافله بگزار، ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. گمراه و بدعتگذار نامیدن دیگران، باید بر اساس ادلۀ صحیح باشد، ﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡۚ﴾

۲. برحذر باش از این‌که مانع برپایی یکی از طاعات در خانه‌های الله شوی که این کار شدیدترین ستم است، ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ﴾

۳. رسول گرامی اسلام هم بشارت‌دهنده بود و هم انذاردهنده؛ بنابراین هر کس فقط به بشارت‌ها اهمیت دهد و نیز هر کس که فقط به انذارها اهمیت دهد قطعاً به خطا رفته و هر کس که هر دو مورد را در نظر داشته باشد راه صحیح را در پیش گرفته است، ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا﴾

ترجمه آیات

یهود گفتند: «نصاری بر حق نیستند [و آیین صحیحی ندارند]» و نصاری [نیز] گفتند: «یهود بر حق نیستند [و آیین صحیحی ندارند]»؛ در حالی که [هر دو گروهِ] آنان کتاب [آسمانی] را می‌خوانند؛ همچنین کسانی [مانند مشرکان] که [از پیام الهی هیچ] نمی‌دانند، [سخنی] همانند آنان گفتند. پس الله روز قیامت، در مورد آنچه با هم اختلاف داشتند، میانشان داوری خواهد کرد. (۱۱۳) کیست ستمکارتر از آن کس که از بردنِ نام الله در مساجد جلوگیری کند و در ویرانی آنها بکوشد؟ شایسته نیست که آنان جز با حالِ وحشت و ترس وارد این مساجد شوند. بهرۀ آنان در دنیا، خواری و رسوایی است و در آخرت [نیز] عذاب بزرگی [در پیش] دارند. (۱۱۴) مشرق و مغرب، از آنِ الله است؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا وجه الله [= قبله] است. همانا الله گشایشگرِ داناست. (۱۱۵) [اهل کتاب و مشرکان] گفتند: «الله [برای خود] فرزندی برگزیده است». او [از چنین نسبت‌هایی] منزّه است. [الله نه تنها نیازی به فرزند ندارد] بلکه [هر] آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست [و] همه فرمانبردارِ او هستند. (۱۱۶) [او] پدیدآورندۀ آسمان‌ها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید، فقط به آن می‌گوید: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] به وجود می‌آید. (۱۱۷) کسانی که [از اهل کتاب و مشرکان هستند و از آیین الهی چیزی] نمی‌دانند گفتند: «چرا الله با ما سخن نمی‌گوید؟ یا [چرا] معجزه و نشانه‌ای برای ما نمی‌آید؟» کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مانند همین سخن را می‌گفتند. [افکار و] دل‌هایشان، همانندِ یکدیگر است. بی‌تردید، ما نشانه‌ها[ی یگانگی و قدرتِ خویش] را برای گروهی که یقین دارند، آشکار و روشن ساخته‌ایم. (۱۱۸) [ای پیامبر،] ما تو را به‌حق فرستادیم تا بشارت‌بخش و بیم‌دهنده باشی و [تو هرگز در آخرت] دربارۀ [کفر و بی‌دینیِ] دوزخیان بازخواست نخواهی شد. (۱۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَ﴾

آنان- چنان‌که امام احمد گفته است-: «در کتاب [آسمانی] با هم اختلاف دارند، با کتاب دشمنی می‌کنند و بر دوری از آن با هم متحد هستند». در حقیقت از هر دو صفتِ اختلاف که الله آن را در کتابش سرزنش کرده است برخوردارند؛ زیرا الله تعالی کسانی را که با پیامبران مخالفت کنند و نیز کسانی را که در مورد پیامبران اختلاف داشته باشند سرزنش کرده است. ابن تیمیه: ۱/ ۳۱۱.

پرسش: یهودیان و نصارا از هر دو صفتِ اختلاف برخوردارند، این دو صفت را نام ببرید؟

❷ ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾

حال که هیچ‌کس ستمکارتر از آن کسی نیست که نگذارد نام الله در مساجد الله تعالی یاد شود، کسی یافت نمی‌شود که ایمانی قوی‌تر از آن کسی داشته باشد که در آبادانی حسی و معنوی مساجد می‌کوشد، چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [التوبة: ۱۸] «مساجد الله را فقط کسی آباد می‌کند که به الله و روز آخرت ایمان آورده است...». سعدی: ۶۳.

پرسش: هم آبادانی مسجد و هم تخریب آن، موضوع بسیار بزرگی نزد الله تعالی است. این مطلب را توضیح دهید.

❸ ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾

یکی از نشانه‌های قیامت، ویرانی مساجد است؛ بنابراین هر ملت و هر قبیله و شخصی که جنایتی انجام دهد که موجب خالی شدن مسجد گردد، الله تعالی او را با ترس و وحشتی که در دنیا به او می‌رسد مجازات می‌کند. بقاعی: ۱/ ۲۲۵.

پرسش: یکی از نشانه‌های برپایی قیامت ویرانی مساجد است، ویرانی مسجد چگونه انجام می‌شود؟

❹ ﴿وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾

﴿وَسَعَىٰ﴾ یعنی تلاش و کوشش کنند ﴿وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾ تخریب حسی و معنوی منظور است. تخریب حسی، همان نابودی و تخریب و آلوده‌کردن مسجد است. تخریب معنوی نیز عبارت است از بازداشتن یادکنندگان نام الله در مساجد. این حکم عام است و شامل تمام کسانی می‌شود که این ویژگی را دارند. سعدی: ۶۳.

پرسش: انواع تخریب مساجد را نام ببرید. کدام نوع امروزه در میان امت اسلامی گسترش یافته است؟

❺ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞ﴾

آنان آیاتی برای عیب‌جویی و آزاررسانی می‌خواستند نه برای هدایت‌شدن، و قصد آشکار شدن حقیقت را نداشتند؛ زیرا رسولان آیاتی آوردند که انسان‌ها به چنین آیاتی ایمان می‌آورند. سعدی: ۶۴.

پرسش: چرا الله تعالی آیاتی را که کافران خواستند نازل نفرمود؟

❻ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّثۡلَ قَوۡلِهِمۡۘ تَشَٰبَهَتۡ قُلُوبُهُمۡ﴾

﴿تَشَٰبَهَتۡ قُلُوبُهُمۡ﴾ این ضمیر بازمی‌گردد به کسانی که نمی‌دانند و کسانی که قبل از آنان بودند و دل‌های‌شان در کفر یا در خواستن آن‌چه که خواستنش صحیح نیست شبیهِ هم است. ابن جزی/ ۸۱.

پرسش: دل‌های کسانی که نمی‌دانند در چه موردی با دل‌های پیشینیان شباهت دارد؟

❼ ﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۖ وَلَا تُسۡـَٔلُ عَنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ﴾

منظور این است که: ما تو را فرستادیم تا فرمانبرداران را بشارت دهی و نافرمانان را بترسانی، نه به این منظور که بر ایمان‌آوردن مجبور سازی؛ پس اگر پافشاری یا لج‌بازی کنند چیزی بر عهدۀ تو نیست. آلوسی: یک/ ۳۷۰.

پرسش: دعوتگر چه فایده‌ای از این آیه می‌برد؟

ترجمه آیات

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه از آیین آنان پیروی کنی. بگو: «بی‌تردید، هدایت [راستین]، هدایتِ الله است»؛ و [یقین بدان] اگر پس از دانشی که به تو رسیده است از هوس‌های آنان پیروی کنی، در برابرِ الله هیچ دوست و یاوری نخواهی داشت. (۱۲۰) کسانی که کتاب آسمانی [= تورات و انجیل] به آنها داده‌ایم [و] آن را چنان که شایسته است می‌خوانند، به [مطالبِ] آن [که دربارهٔ حقانیت محمد ﷺ و رسالتش است] ایمان می‌آورند؛ و کسانی که به او [و آیینش] کافر شوند آنانند که زیانکارند. (۱۲۱) ای بنی‌اسرائیل، نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و اینکه شما را [به دلیل برخورداری از پیامبران متعدد و حقِ فرمانروایی،] بر مردم [زمان خودتان] برتری بخشیدم. (۱۲۲) از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند و هیچ تاوان و فدیه‌ای از او پذیرفته نمی‌شود و هیچ شفاعتی سودی برایش ندارد و [انسان‌ها] یاری نمی‌شوند. (۱۲۳) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که الله ابراهیم را با سخنانی [مشتمل بر احکام و تکالیف شرعی] آزمود و او همه را به خوبی به انجام رساند. [الله به وی] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم». [ابراهیم] گفت: «[پروردگارا] از فرزندانم [نیز پیشوایانی قرار بده تا مردم به آنان اقتدا کنند]». [الله] فرمود: «عهد و پیمانِ من [با تو در مورد پیشواییِ دین]، به ستمکاران نمی‌رسد». (۱۲۴) و [یاد کن از] هنگامی که خانهٔ [کعبه] را محلِ بازگشت [حاجیان مشتاق] و [مکانِ] امنی برای مردم قرار دادیم و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل وحی کردیم که: «خانهٔ مرا برای طواف‌کنندگان و مُعتکفان و رکوع و سجده‌کنندگان [= نمازگزاران] پاک و پاکیزه کنید». (۱۲۵) و [یاد کن از] هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین مکه] را شهری امن بگردان و اهل آن را ـ [یعنی] کسانی از ایشان را که به الله و روز قیامت ایمان آورده‌اند ـ از میوه‌های [گوناگون] روزی ده». [الله] فرمود: «هر کس کافر شود، اندکی بهره‌مندش می‌سازم، سپس او را به عذابِ آتش [دوزخ] می‌کشانم؛ و چه بد سرانجامی است!». (۱۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡ﴾

پس آن‌چه که یهود و نصارا را خوشنود سازد و موافق خواسته‌های‌شان باشد نخواه و در دعوت آنان به حقیقتی که الله تو را با آن فرستاده است، خوشنودی او تعالی را جستجو کن. ابن کثیر: ۱/ ۱۵۵.

پرسش: حال که یهودیان و نصارا از ما خوشنود نخواهند شد، چه رفتاری باید در برابر آنان داشته باشیم؟

۲ ﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡ﴾

ای محمد هدف آنان از آیاتی که پیشنهاد می‌دهند این نیست که ایمان بیاورند، بلکه اگر تمام آن‌چه را که می‌خواهند نزدشان بیاوری باز هم از تو راضی نخواهند شد و فقط زمانی از تو خوشنود می‌شوند که اسلام را رها و از آنان پیروی کنی. قرطبی: ۲/ ۳۴۵.

پرسش: یهودیان و نصارا در خواسته‌های‌شان از مسلمانان چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

۳ ﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾

منظور از تلاوت قرآن، پیروی از آن است؛ چنان‌که ابن مسعود ﷺ دربارهٔ این آیه می‌گوید: حلال آن را حلال و حرام آن را حرام می‌دانند، به متشابه آن ایمان می‌آورند و به محکم آن عمل می‌کنند. ابن تیمیه: ۱/ ۳۳۹.

پرسش: قرآن در چه صورتی آن‌گونه که سزاوارش است تلاوت می‌شود؟

۴ ﴿وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

گروهی از علما به این آیه استدلال کرده‌اند که امام افزون بر این‌که باید عادل و نیکوکار و بخشنده باشد، توانایی انجام امامت را نیز باید داشته باشد ... اما گناهکاران و ستمکاران اهل امامت نیستند؛ زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ﴾. قرطبی: ۲/۳۷۰.

پرسش: رهبر مسلمانان چه شرایطی باید داشته باشد؟

۵ ﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا﴾

﴿مَثَابَةٗ﴾ یعنی بازگشتگاهی که با تمام وجود به آن بازمی‌گردند؛ هرگاه که از آن جدا شدند هم خودشان و هم دیگران به آن اشتیاق پیدا می‌کنند. این امر، نشانه‌ای بر بازگشت آنان از دنیا به سوی پروردگارشان است. بقاعی: ۱/ ۲۳۹.

پرسش: عبارت ﴿مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ﴾ چه دلالتی دارد؟

۶ ﴿أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾

﴿وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾ رکوع و سجده را به این سبب بیان فرمود که نزدیک‌ترین احوال بنده به سوی الله تعالی، و دو رکن اعظم نماز هستند و در مواضع بسیاری به صورت کنایی با نام آن‌دو از نماز یاد شده است. آلوسی: ۱/ ۳۸۱.

پرسش: چرا رکوع و سجده نسبت به سایر اعمال نماز اهمیت بیشتری دارند؟

۷ ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

در این آیه آموزش داده شده است که دعای رزق و روزی همه را در برگیرد و هیچ‌کس از طلبِ بخشش و احسان محروم نشود [= الله تعالی در دنیا به تمام مخلوقاتش روزی می‌دهد]، گویی ابراهیم عليه السلام روزی را بر امامت قیاس کرد اما الله تعالی او را آگاه کرد که رزق و روزی رحمتی دنیوی است که به مومن اختصاص ندارد، برخلاف امامت. آلوسی: ۱/ ۳۸۲.

پرسش: آیا الله در دنیا فقط به مومنان روزی می‌دهد؟

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (١٩)

وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ
إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي
جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٢٠ ٱلَّذِينَ
ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن
يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٢١ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ
ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢٢ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا
لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا تَنفَعُهَا
شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ١٢٣ ۞ وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ
فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ
لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ ١٢٤ وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ
وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ
وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ
١٢٥ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ
مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ
فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٢٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَثَابَةٗ	بازگشتگاهی که به سوی آن می‌آیند، سپس نزد خانواده‌های‌شان بازمی‌گردند.
أَضۡطَرُّهُۥٓ	او را جای می‌دهم.
ٱلۡمَصِيرُ	بازگشتگاه و جایگاه.

عمل به آیات

۱. پیام یا مقاله‌ای بنویس و در آن با استدلال به این آیه و وقایع معاصر، دشمنی زیاد عموم یهودیان و نصارا را توضیح بده که هدف نهایی آنان این است که مسلمانان دین‌شان را رها کنند، ﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ﴾

۲. هنگام تلاوت یا حفظ قرآن کریم بر این برنامه پایبند باش که عملی از آیات استخراج کنی و آن را پیاده سازی، ﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾

۳. بگو: ﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴]؛ «پروردگارا! از همسران‌مان، و فرزندان‌مان مایهٔ روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده»، ﴿قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

رهنمودها

۱. ممکن نیست که مسلمان رضایت کامل غیرمسلمانان را کسب کند مگر این‌که دین آنان را بپذیرید؛ پس فقط خوشنودی الله را جستجو کن، ﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ﴾

۲. هیچ هدایتی نیست مگر در کلام الله و کلام رسولش، پس با دقت در کلام الله و رسولش بیندیش، ﴿إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰ﴾

۳. ابراهیم عليه السلام امام و پیشوای مصلحان و هدایت‌یافتگان بود؛ به این صورت که شریعت الله را کامل انجام می‌داد؛ پس هر کس می‌خواهد پیشوای دیگران قرار گیرد باید همانند ابراهیم عليه السلام عمل کند، ﴿وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗا﴾

سورة (البقرة) الجزء (١) صفحة (٢٠)

وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ
مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ
لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ
إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ
يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ
وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ
إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ
وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذۡ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسۡلِمۡۖ
قَالَ أَسۡلَمۡتُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ
وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ
ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ
إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا
وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ
وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡقَوَاعِدَ	بنیان‌ها.
وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا	نشانه‌های عبادت ما را که برای تو به جای می‌آوریم به ما نشان بده.
وَيُزَكِّيهِمۡ	آن‌ها را از شرک و اخلاق بد پاکیزه می‌کند.
يَرۡغَبُ	اعراض می‌کند و روی می‌گرداند.
سَفِهَ نَفۡسَهُۥ	نادان، جاهل.

عمل به آیات

۱. کارهای خیری را که انجام داده‌ای به یاد بیاور و با یادآوری هر عمل، این قول را تکرار کن: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

۲. امروز برای خود و فرزندانت دعای خیری کن، ﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾

۳. در کنار پایداری بر تلاوت قرآن کریم، تلاش کن که امروز خواندن مطالب کتاب‌های روایی به خصوص صحیح بخاری و صحیح مسلم را آغاز کنی، ﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡ﴾

رهنمودها

۱. دعای اصلاح و استقامت برای فرزندان، عادت پیامبران و صالحان بعد از آنان است، ﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾

۲. پس از انجام هر عبادتی برای الله، این دعا را بگو: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

۳. پیامبران از الله تعالی درخواست پذیرش توبه می‌کردند، ما سزاوارتر از آنان بر انجام این کار هستیم، ﴿وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾

ترجمه آیات

و [یاد کن از] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [و می‌گفتند]: «پروردگارا، [اعمالِ نیک ما ـ از جمله بنای این خانهٔ مقدس را] از ما بپذیر که بی‌تردید، تو شنوای دانایی. (۱۲۷) پروردگارا! ما را [تسلیم و] فرمانبردارِ خود قرار بده و از نسل ما [نیز] امتی فرمانبردارِ خود [پدید آور] و آداب عبادتمان را به ما نشان بده و توبهٔ ما را بپذیر. حقا که تو توبه‌پذیرِ مهربانی. (۱۲۸) پروردگارا، در میان آنان [= مردم مکه] پیامبری از خودشان [از نسلِ اسماعیل] برانگیز تا آیاتِ تو را بر آنان بخوانَد و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و [از شرک و نادانی] پاکیزه‌شان گردانَد. همانا که تو پیروزمندِ حکیمی». (۱۲۹) و چه کسی جز آن که خود را به [سبکسری و] نادانی می‌اندازد از آیین ابراهیم رویگردان می‌گردد؟ و به راستی که ما او را در دنیا برگزیدیم و بی‌تردید، در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. (۱۳۰) آنگاه که پروردگارش به او فرمود: «[خالصانه] تسلیم شو» [و او در پاسخ] گفت: «تسلیمِ پروردگار جهانیان شدم». (۱۳۱) و ابراهیم و یعقوب فرزندانشان را به این [آیین] سفارش کردند [و هر یک به آنان می‌گفتند]: «ای فرزندان من، الله این آیین را برای شما برگزیده است [پس به آن بگروید] و از دنیا نروید مگر اینکه تسلیم [فرمانِ حق] باشید». (۱۳۲) آیا هنگامی که مرگِ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندانش گفت: «بعد از من چه چیز را عبادت می‌کنید؟» گفتند: «معبودِ تو و معبودِ پدرانت ـ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق ـ الله یکتا را عبادت می‌کنیم و ما تسلیم او هستیم». (۱۳۳) آنان امتی بودند که درگذشتند؛ آنچه که [از نتیجهٔ اعمالشان] کسب کرده‌اند، از آنِ خودشان است و آنچه شما کسب کرده‌اید از آنِ خودتان است؛ و شما دربارهٔ آنچه [آنان] انجام می‌دادند بازخواست نخواهید شد. (۱۳۴)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآ﴾

﴿تَقَبَّلۡ مِنَّآ﴾ یعنی با فضل خویش با ما رفتار نما و عمل ما را رد نکن. این عبارت، اعتراف به تقصیر است؛ چون بنده- هر اندازه که تلاش کند- در مقابل بزرگی مولایش، بی‌نهایت کوچک و ناچیز است. بقاعی: ۱/ ۲۴۲.

پرسش: چرا ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دعا کردند الله کارشان را بپذیرد؟

❷ ﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

با وجود این‌که این قصه مربوط به گذشته است اما برای یادآوری این امر، صیغه مضارع انتخاب کرد تا مردم با اقتدا به ابراهیم ؑ، پس از انجام طاعات دشوار با تضرع و زاری به درگاه الله دعا کنند تا طاعات‌شان را بپذیرد، و نیز به این هدف که از بزرگی این خانهٔ بناشده آگاه گردند و آن را بزرگ دارند. آلوسی: ۱/ ۳۸۳.

پرسش: چرا با وجود این‌که قصه مربوط به زمان گذشته است فعل ﴿يَرۡفَعُ﴾ با صیغهٔ مضارع آمد؟

❸ ﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾

از آن‌جا که بنده- هر مقامی که داشته باشد- ناگزیر مرتکب تقصیر می‌شود و نیاز به توبه دارد، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام گفتند: ﴿وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾. سعدی: ۶۶.

پرسش: چرا ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام با وجود این‌که جایگاه والایی در دین داشتند از الله سبحانه و تعالی تقاضای بخشش کردند؟

❹ ﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآ﴾

توبه با تفاوت توبه کنندگان متفاوت می‌شود: یعنی توبهٔ عموم مسلمانان به این قرار است: پشیمانی، تصمیم بر بازنگشتن به گناه، رد مظالم در صورت امکان و نیت رد در صورتی که امکان نداشته باشد. توبهٔ خواص چنین است: بازآمدن از افکار بد و ناپسند و از سستی در اعمال و از ناقص اداکردنِ عبادت. توبهٔ خواصِ خواص نیز برای بالا بردن درجه و پیشرفت در مقامات است. آلوسی: ۱/ ۳۸۶.

پرسش: آیا توبه به سبب تفاوت اشخاص متفاوت می‌شود؟ توضیح دهید.

❺ ﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾

حکمت عبارت است از: شناخت دین و درک عمیق در تاویل، و فهمی که خصلت و نوری از جانب الله تعالی است. قرطبی: ۲/ ۴۰۳.

پرسش: ابراهیم ؑ چه حکمتی از الله تقاضا کرد؟

❻ ﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

منظور از حکمت همان سنت است؛ زیرا الله به همسران پیامبرش فرمان داد که کتاب و حکمت را که در خانه‌های‌شان تلاوت می‌شود یاد کنند. کتاب که همان قرآن است و غیر از قرآن، هر آن‌چه که رسول بیان می‌کند سنت به شمار می‌رود. ابن تیمیه: ۱/ ۳۴۵.

پرسش: منظور از حکمت چیست؟ چرا؟

❼ ﴿فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾

یعنی آن را برپا دارید و به احکام آن متصف شوید و به اخلاقش آراسته گردید تا بر آن پایدار بمانید، در نتیجه زمانی که مرگ به سراغتان می‌آید بر آن باشید؛ زیرا هر کس که بر چیزی زندگی کند، بر همان چیز می‌میرد و هر کس که بر چیزی بمیرد بر همان چیز برانگیخته می‌شود. سعدی: ۶۷.

پرسش: چرا به آنان فرمان داد که در حال اسلام بمیرند با این‌که انسان مالک حالت مرگش نیست؟

وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ
حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٣٥ قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ
أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ
وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن
رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ١٣٦
فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ
فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ
١٣٧ صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ
عَٰبِدُونَ ١٣٨ قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ
وَلَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُخۡلِصُونَ ١٣٩
أَمۡ تَقُولُونَ إِنَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ
وَٱلۡأَسۡبَاطَ كَانُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ
ٱللَّهُۗ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٠ تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ
وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤١

ترجمه آیات

و [اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «[نه از آیین شما] بلکه از آیین ابراهیم [پیروی می‌کنیم] که حقگرا بود و هرگز در زمرهٔ مشرکان نبود». (۱۳۵) [ای مؤمنان، به اهل کتاب] بگویید: «ما به الله ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید و [همچنین] به آنچه که به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه که به پیامبران [دیگر] از طرف پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همهٔ آنان ایمان می‌آوریم] و میان هیچ یک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما [همگی] تسلیمِ الله هستیم». (۱۳۶) پس اگر آنان [نیز] به آنچه شما ایمان آورده‌اید ایمان آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند؛ و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که قطعاً سرِ ستیز [و جدایی] دارند؛ پس [ای پیامبر، پروردگار یکتا برای حمایتِ تو کافی است و] به زودی الله [شرِّ] آنها را از تو دفع خواهد نمود و او شنوای داناست. (۱۳۷) رنگِ الهی [و دینِ او را بپذیرید و به آن پایبند باشید] و چه کسی خوش‌نگارتر از الله است؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (۱۳۸) [ای پیامبر، به اهل کتاب] بگو: «آیا دربارهٔ الله با ما مجادله می‌کنید؟! در حالی که او پروردگارِ ما و شماست و کردار ما از آنِ ما و کردار شما از آنِ شماست؛ و ما او را با اخلاص عبادت می‌کنیم». (۱۳۹) [آیا] می‌گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] یهودی یا نصرانی بودند [در حالی که یهودیّت و نصرانیّت پس از این پیامبران به‌وجود آمده‌اند]؟» بگو: «شما داناترید یا الله؟» و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی را که از [جانب] الله [در کتاب‌های آسمانی دربارهٔ این پیامبران آمده و] نزد اوست کتمان می‌کند؟ و [یقین بدانید که] الله از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۱۴۰) [به هر حال،] آنان امتی بودند که درگذشتند؛ آنچه که [از نتیجهٔ اعمالشان] کسب کرده‌اند، از آنِ خودشان است و آنچه شما کسب کرده‌اید از آنِ خودتان است؛ و شما دربارهٔ آنچه [آنان] انجام می‌دادند بازخواست نخواهید شد. (۱۴۱)

نکته‌های قابل تدبّر

١ ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ﴾

یعنی با زبان‌های‌تان در حالی که دل‌های‌تان با آن موافق است، این سخن کاملی است که ثواب و جزا بر آن مترتب می‌شود، یعنی همان‌گونه که گفتن با زبان بدون اعتقاد قلبی نفاق و کفر به‌شمارمی‌رود، گفتار بدون عمل - عمل قلبی - بی‌تاثیر و کم‌فایده است. سعدی: ۶۷.

پرسش: آیا منظور از ایمان، فقط ایمان زبانی است؟

٢ ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ﴾

ایمان به الله را مقدم فرمود؛ زیرا تمام شریعت‌ها در آن متفق و مشترک هستند؛ سپس ایمان به شریعت‌های نازل‌شده را بیان کرد. ابن عاشور: ۱/ ۷۳۹.

پرسش: چرا ایمان به الله تعالی را بر ایمان به شرایع مقدم کرد؟

٣ ﴿وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ﴾

این عبارت، دلالت دارد بر این‌که هدیه و نعمت دین، هدیه‌ای حقیقی است که انسان را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند؛ هرگز به ما دستور نداده است که به پادشاهی و مال و چنین مواردی که به پیامبران داده شده است ایمان بیاوریم، بلکه به ما دستور داده به کتاب‌ها و شریعت‌هایی که به آنان نازل شده است ایمان بیاوریم. سعدی: ۶۸.

پرسش: چه کسی بهرهٔ بیشتری از عطا و بخشش‌های الله تعالی می‌برد؟

٤ ﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

﴿فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُ﴾ وعده‌ای است که محقق گردید، چنان‌که بنی‌قریظه را به قتل رساند، بنی‌نضیر را تبعید کرد و مواردی از این قبیل. ابن جزی: ۱/ ۸۵.

پرسش: سه مورد از مواضعی را که الله تعالی در آن‌ها پیامبرش را در مقابل آزار و اذیت‌های کفار حفظ کرد برشمار؟

٥ ﴿صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ﴾

یعنی به رنگ الله که همان دینش است پایبند باشید، و آن را به صورت کامل و با تمام اعمال ظاهری و باطنی‌اش و تمام عقاید آن در تمام اوقات برپا دارید، تا این‌که این کار، رنگ شما و یکی از صفات‌تان گردد؛ این حالت، فرمانبرداری داوطلبانه و مورد محبت و علاقهٔ شما از دستورات الله را برای شما در پی دارد و دین، خوی و عادت طبیعی شما می‌شود؛ همانند رنگ کامل برای لباس که صفت لباس شده است، آن‌گاه سعادت دنیا و آخرت را برای شما به ارمغان می‌آورد. سعدی: ۶۸.

پرسش: چرا دین، رنگ الله نامیده شد؟

٦ ﴿وَنَحۡنُ لَهُۥ مُخۡلِصُونَ﴾

سعید بن جبیر می‌گوید: اخلاص این است که بنده دین و عملش را فقط برای الله قرار دهد، یعنی هیچ‌کس را در دین خود با الله شریک نگرداند و در عمل خویش ریا به خرج ندهد. فضیل می‌گوید: ترک عمل به خاطر مردم ریا است، عمل به خاطر مردم شرک است، و اخلاص این است که الله تعالی شخص را از این دو مورد سالم نگه دارد. بغوی: ۱/ ۱۱۳.

پرسش: معنای واقعی اخلاص برای الله تعالی چیست؟

٧ ﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

این آیه را تکرار نمود؛ زیرا متضمن تهدید است؛ یعنی وقتی پیامبران با وجود امامت و فضیلتی که دارند در برابر اعمال‌شان جزا داده می‌شوند ما برای این کار سزاوارتر هستیم. قرطبی: ۲/ ۴۲۵.

پرسش: این آیه تکرار آیهٔ (۱۳۴) است، چرا تکرار شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡأَسۡبَاطِ	پیامبرانی که از نسل یعقوب عليه السلام و در میان قبایل بنی‌اسرائیل بودند.
شِقَاقٖ	اختلافی شدید.
صِبۡغَةَ ٱللَّهِ	به دین و فطرت الله پایبند باشید.

عمل به آیات

۱. همیشه هدایت را از الله تعالی تقاضا کن، ﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۲. در رکعت اول نماز سنت صبح این آیه را بخوان: ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ﴾

۳. حق را برای مردم اعلان کن و پایبندی خود را به آن آشکار گردان؛ زیرا این کار سبب پایداری بر حق و پذیرش آن از جانب مردم می‌شود، ﴿قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ وَلَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُخۡلِصُونَ﴾

رهنمودها

۱. مومن نباید برای شعارها و ادعاها اهمیت قایل شود و فریب سخنان را بخورد، بلکه باید در جستجوی حقایقی باشد که مورد تایید ادلهٔ صحیح هستند، ﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۲. هیچ هدایت و هیچ سعادتی در دنیا و آخرت حاصل نمی‌شود مگر با اسلام، ﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۳. مسلمان باید عقیده صحیح خود را آشکار کند و فریاد بزند و به سوی آن دعوت دهد؛ زیرا این کار اصل و اساس دین است، ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ﴾

۞ سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ
عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٖ ١٤٢ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ
شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ وَمَا
جَعَلۡنَا ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ
مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ
هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ
بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٤٣ قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ
فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ١٤٤ وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبۡلَتَهُمۡۚ
وَمَا بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ
بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ	از دینش بازمی‌گردد.

عمل به آیات

۱. ایجاد بحران‌ها و بزرگ‌نماییِ حوادث، عادت منافقان و کافران است. جامعه را با پیامی حاوی سه مورد که رسانه‌ها آن را بزرگنمایی کرده‌اند، برحذر بدار ﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَا﴾

۲. فتنه‌ای را که باعث شده حقیقت بر مسلمانان مشتبه شود مشخص کن و هدایت و موفقیت در آن را از الله تعالی بخواه، ﴿يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾

۳. یکی از کسانی را که در نماز کوتاهی می‌کنند نصیحت کن و به او بگو الله نماز را ایمان نامیده است و حقیقت هر مسلمانی با نماز نوشته شده است تا در برابر آن مورد محاسبه قرار گیرد، ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. سفیه و نادان همان کسی است که بر حکم الله تعالی اعتراض می‌کند، ﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَا﴾

۲. آزمایش ایمانت این است که به آن‌چه الله تعالی تو را به آن دستور داده است در حالی عمل کنی که تسلیم الله و خوشنود از حکم او هستی؛ فرقی نمی‌کند که حِکمتِ عمل را بدانی یا ندانی، ﴿وَمَا جَعَلۡنَا ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ﴾

۳. به‌دست آوردن دل دعوت‌شدگان یک مقوله‌ای است و پیروی از هوای نفس آنان به بهای نارضایتی الله مقوله‌ای دیگر، ﴿وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

ترجمه آیات

به زودی گروهی از مردم کم‌خرد [یهودی] خواهند گفت: «چه چیزی آنها [=مسلمانان] را از قبله‌شان [= بیت‌المقدس] که بر آن بودند [به سوی کعبه] بازگرداند؟» [ای پیامبر،] بگو: «مشرق و مغرب از آنِ الله است؛ هرکس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند». (۱۴۲) همان‌گونه [که قبله‌ای پسندیده برای شما برگزیدیم] شما را نیز، امتی میانه[رو و اهل اعتدال] قرار دادیم تا [در روز قیامت] بر مردم گواه باشید [که پیامبران الهی پیامشان را به درستی ابلاغ کردند]؛ و پیامبر بر شما گواه باشد [که کلام الله را به شما رسانده است]؛ و ما قبله‌ای را که پیشتر بر آن بودی [= بیت‌المقدس، قبله] قرار ندادیم، مگر به این هدف تا کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند، از کسی که به عقب بازمی‌گردد [و از اطاعت الله و رسولش رویگردان می‌شود] مشخص کنیم. مسلّماً این [حکم،] جز بر کسانی که الله هدایتشان کرده باشد، سنگین و دشوار است. الله هرگز ایمان [و نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند. به راستی که الله نسبت به مردم، دلسوز و مهربان است. (۱۴۳) [ای پیامبر،] به راستی که ما گرداندنِ رویت به [سوی] آسمان را [که در انتظار وحی الهی برای تغییر قبله هستی] می‌بینیم. اکنون تو را به [سوی] قبله‌ای بازمی‌گردانیم که به آن راضی شوی؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و [شما نیز ای مؤمنان، برای ادای نماز] هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. کسانی که کتاب [آسمانی] به آنها داده شد، به خوبی می‌دانند که این [تغییر قبله، فرمانی] حق [و] از جانب پروردگارشان است؛ و الله از آنچه می‌کنند غافل نیست. (۱۴۴) اگر برای کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است هر گونه نشانه [و دلیلی برای حقانیتِ تغییر قبله] بیاوری، [باز هم] از قبلهٔ تو پیروی نمی‌کنند و تو [نیز] از قبلهٔ آنان پیروی نخواهی کرد و برخی از آنان نیز از قبلهٔ برخی دیگر پیروی نمی‌کنند؛ و اگر پس از آنکه علم و دانش به تو رسیده است، از خواسته‌های [نفسانیِ] آنان [در مورد قبله و سایر احکام] پیروی کنی، مسلماً از ستمکاران خواهی بود. (۱۴۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَا﴾
انسان عاقل و خردمند به اعتراض سفیه و نادان اهمیت نمی‌دهد و ذهنش را با سخنان او مشغول نمی‌سازد. این آیه دلالت دارد بر این‌که فقط انسان سفیه و نادان و ستیزه‌جو، بر احکام الله تعالی اعتراض می‌کند، اما شخص رشید مومن و عاقل، احکام پروردگارش را می‌پذیرد و بر آن‌ها عمل می‌کند؛ چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡ﴾ [الأحزاب: ۳۶]؛ «و برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می‌دهند، (در اجرای آن فرمان،) اختیاری داشته باشد». و ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ﴾ [النساء: ۶۵]؛ «نه، سوگند به پروردگارت که آن‌ها ایمان نمی‌آورند، مگر این‌که در اختلافات خویش تو را داور قرار دهند». سعدی: ۷۰.
پرسش: مومن واقعی چه موضعی در برابر احکام شرعی می‌گیرد؟

۲ ﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَا﴾
خبر دادن از حادثه قبل از این‌که به وقوع بپیوندد، به این منظور است که نفس در برابر حادثه آماده شود؛ زیرا اگر امری ناخوشایند به صورت ناگهانی بر انسان وارد شود دردناک‌تر است، و آگاهی از آن قبل از این‌که اتفاق بیفتد بی‌قراری و پریشانی کمتری به همراه دارد. و نیز به این دلیل که این کار باعث آماده‌سازی پاسخ می‌شود و پاسخ آماده قبل از این‌که به آن نیاز شود در برابر دشمن قاطع‌تر است. آلوسی: ۲/۲.
پرسش: چرا قبل از وقوع پیشامد، از سخن آنان خبر داد؟

۳ ﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُ﴾
سفیه خواندن این افراد و بی‌توجهی به سخنانشان برای رد کافی بود، اما الله تعالی با این وجود، این شبهه را رها نکرد بلکه آن را برطرف و آشکار گرداند تا باعث اعتراض برخی افراد نشود، بنابراین فرمود در پاسخ به آنان بگو: ﴿لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُ﴾. سعدی: ۷۰.
پرسش: آیا برای رد اعتراض و سخنان معترضان بر احکام شرعی، همین اندازه کافی است که به سفاهت و نادانی توصیف شوند؟

۴ ﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا﴾
وسط در این‌جا به معنای برگزیده و برتر است ... چون الله تعالی امت اسلامی را امت وسط قرارداد، کامل‌ترین شریعت و استوارترین روش و روشن‌ترین مذهب را به این امت اختصاص داد. ابن کثیر: ۱/ ۱۸۱.
پرسش: آیه چگونه بر برتری دین اسلام بر سایر ادیان دلالت دارد؟

۵ ﴿وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَ﴾
اگر هر دلیلی بر درستی آن‌چه نزدشان آورده‌ای برای آنان اقامه کنی از تو پیروی نخواهند کرد و از خواهشات نفسانی خود دست نخواهند کشید، چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٩٦ وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٩٧﴾ [یونس: ۹۶-۹۷]؛ «بی‌گمان کسانی‌که فرمان پروردگارت بر آن‌ها تحقق یافته، ایمان نمی‌آورند، هر چند که هر گونه آیه (و معجزه)ای برای آنان بیاید، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند». بنابراین در این‌جا فرمود: ﴿وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَ﴾. ابن کثیر: ۱/ ۱۸۴.
پرسش: هدایت، نعمتی از جانب الله تعالی است و فقط با قناعت عقلی حاصل نمی‌شود، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبۡلَتَهُمۡۚ وَمَا بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖ﴾
بیانی است برای سرسختی‌شان در هواپرستی و دشمنی، مبنی بر این‌که این مخالفت و دشمنی فقط به تو اختصاص ندارد بلکه در میان خودشان نیز چنین حالتی دارند، بنابراین اعتراض آنان بر این امر ناشی از دشمنی و سرسختی زیاد است. آلوسی: ۲/ ۱۲.
پرسش: آیا مواضع و شبهات کافران و منافقان از اندیشه‌ای منطقی یا علمی سرچشمه می‌گیرد؟ توضیح دهید.

۷ ﴿وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾
سپس الله تعالی از مخالفت با حقیقتی که عالم از آن آگاهی دارد و رفتن به سوی هواپرستی، برحذر داشت؛ زیرا حجت بر عالم بیشتر از دیگران اقامه شده است. ابن کثیر: ۱/ ۱۸۴.
پرسش: چرا در این‌جا تهدید و وعید را به شرایط علمی منحصر نمود؟

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۲۳)

ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡۖ
وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنۡهُمۡ لَيَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤٦ ٱلۡحَقُّ
مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١٤٧ وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ
هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ
جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨ وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ
فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَۗ
وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٩ وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ
وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ
وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ
ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ
وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٠ كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ
عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ
وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ١٥١ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ
وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ١٥٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٣

ترجمه آیات

کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، او [= محمدﷺ] را چنان می‌شناسند که فرزندان خود را می‌شناسند [و می‌دانند که سخنش برحق است]؛ و[لی] گروهی از آنان ـ در حالی که خود نیز می‌دانند ـ حق را کتمان می‌کنند. (۱۴۶) [ای پیامبر، آنچه بر تو نازل می‌گردد، حکمِ] حق از جانب پروردگارِ توست؛ پس هرگز از تردیدکنندگان مباش. (۱۴۷) هر [امتی] جهتی دارد که [هنگام نماز] به آن رو می‌کند؛ پس [شما ای مؤمنان] در نیکی‌ها [بر یکدیگر] سبقت بگیرید. هر جا که باشید، الله [در روزِ قیامت،] همهٔ شما را حاضر می‌کند. همانا الله بر هر چیزی تواناست. (۱۴۸) [ای پیامبر،] از هر مکانی که [به قصدِ سفر] خارج شدی، [هنگام نماز] روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و به درستی که این [قبله] حق [و] از جانب پروردگارت است؛ و الله از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۱۴۹) و از هر مکانی که بیرون رفتی، [هنگام نماز] روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و [شما ای مؤمنان،] هر جا که بودید، روی خود را به سوی آن [مسجد] کنید تا مردم علیه شما حجتی نداشته باشند [تا با استناد به آنها بهانه‌تراشی کنند]؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند [و همواره دشمنتان خواهند بود]؛ پس از آنان نترسید و از من بترسید [این تغییر قبله به این هدف بود] که نعمتم را بر شما تمام کنم [و شما را متمایز سازم]؛ باشد که هدایت شوید. (۱۵۰) همچنان که [نعمت دیگری نیز به شما ارزانی داشتیم و] پیامبری از خودتان به میانتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می‌خوانَد و شما را [با امر به معروف و نهی از منکر، از پلیدی‌ها] پاک می‌گردانَد و کتاب [= قرآن] و حکمت به شما می‌آموزد و آنچه را [که از امور دین و دنیایتان که] نمی‌دانستید به شما آموزش می‌دهد. (۱۵۱) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا به جای آورید و از من ناسپاسی نکنید. (۱۵۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری بجویید [که] بی‌تردید، الله با شکیبایان است. (۱۵۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾

هر کس در دنیا به سوی کارهای نیک پیشی بگیرد در آخرت پیشی‌گیرنده به سوی بهشت است؛ زیرا سبقت‌گیرندگان در کارهای نیک بالاترین درجه را دارند ... از این آیه بر انجام فضایلی استدلال می‌شود که ویژگیِ خاصِ هر عمل است؛ مانند نماز در اول وقت، مبادرت بر بَری‌نمودن ذمه از روزه، حج، عمره، پرداخت زکات، انجام سنت‌ها و آداب عبادات. چه آیهٔ جامع و سودمندی است!!. سعدی: ۷۳.

پرسش: این آیه الفاظی مختصر اما پرمعنا دارد، این مطلب را به صورت خلاصه توضیح دهید.

۲ ﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ﴾

هر کس در نماز خویش به سوی غیر پروردگارش متوجه شود روی آوردن بدن به سوی قبله هیچ سودی به او نمی‌رساند؛ زیرا حکم مذکور، حکمی حقیقی و مربوط به توجه قلبی است. هر کس که قلب او در نماز متوجه یکی از مخلوقات باشد همانند کسی است که صورتش را از جهت قبله گردانده است. بقایی: ۱/ ۲۷۲.

پرسش: حقیقت روی آوردن به قبله چیست؟ چرا؟

۳ ﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ﴾

هر ذکری خاصیت و ثمرهٔ خودش را دارد؛ ثمرهٔ تهلیل (لا اله الا الله)، توحید خاص است؛ زیرا توحید عام برای هر مومنی حاصل می‌شود. ثمرهٔ تکبیر (الله اکبر)، بزرگداشت و تعظیم ذات بزرگ و باشکوه است. حمد (الحمد لله) و نام‌هایی که معنای احسان و رحمت دارند– مانند رحمان، رحیم، کریم و غفار– سه ثمره به این قرار دارند: شکر، امیدواری زیاد و محبت؛ زیرا نیکوکار قطعاً محبوب است. ابن جزی: ۱/ ۸۸.

پرسش: هر ذکری ثمرهٔ مخصوصی در دل بنده ایجاد می‌کند، این مطلب را با ذکر مثال توضیح دهید.

۴ ﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ﴾

هر ذکری خاصیت و ثمرهٔ خودش را دارد. ثمرهٔ نام‌هایی که به معنای اطلاع و ادراک هستند– مانند علیم، سمیع، بصیر و قریب– مراقبت و تقواست. ثمرهٔ درود فرستادن بر پیامبر ﷺ محبت زیاد به او و محافظت بر پیروی از سنت‌هایش است. ثمرهٔ استغفار، پایداری بر تقوا و محافظت بر شروط توبه همراه با شکستگی و فروتنی قلب به سبب گناهان گذشته است. ابن جزی: ۱/ ۸۸.

پرسش: اثر ذکر پروردگار با صفات سمیع و بصیر و قریب توسط بنده چیست؟

۵ ﴿وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ١٥٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

الله تعالی پس از این‌که دستور به سپاس‌گزاری داد، صبر و ارشاد و یاری گرفتن از صبر و نماز را بیان فرمود؛ زیرا بنده یا در نعمت است که باید شکر آن را به جای آورَد و یا در رنج و سختی است که باید در برابر آن شکیبایی به خرج دهد. ابن کثیر: ۱/ ۱۸۷.

پرسش: بنده از دو حالت خارج نیست. این دو حالت چیست؟ و بنده در هر یک از آن دو چه وظیفه‌ای دارد؟

۶ ﴿ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِ﴾

اگر نماز، به صورت کامل و با تمام شرایط و آداب و با حضور قلب انجام گیرد، قطعاً بیش از هر امر دیگری کمک می‌کند؛ زیرا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد، و نیز به این سبب که این حضور در نماز، صفت و انگیزه‌ای در قلب بنده ایجاد می‌کند که او را بر انجام دستورات و ترک نواهیِ پروردگارش فرا می‌خواند. چنین نمازی است که الله تعالی به ما دستور داده در هر کاری از آن یاری بگیریم. سعدی: ۷۵.

پرسش: نماز چگونه بنده را در انجام دستورات و ترک نواهیِ پروردگار یاری می‌رساند؟

۷ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

این معیت و همراهی، خاص و مقتضی محبت و یاری و امداد و نزدیکی الله است. صابران در این‌جا ستایش بزرگی شده‌اند؛ زیرا اگر صابران هیچ فضیلتی نداشته باشند جز این‌که به این معیت و همراهی الله دست یافته باشند همین یک مورد برای فضیلت و شرف آنان کافی است. سعدی: ۷۵.

پرسش: این معیت و همراهی مخصوص، مقتضی چه امری است؟ چه کسانی شایستگی آن را دارند؟ با توجه به آیه توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡمُمۡتَرِينَ	تردیدکنندگان

عمل به آیات

۱. امروز برای حضور در صف اول نماز پیشی بگیر، یا نخستین کسی باش که صدقه‌ای می‌دهد، یا اولین شخصی باش که مقداری از قرآن را می‌خواند؛ زیرا پیشی گیرندگان جایگاهی بالاتر از دیگران دارند، ﴿فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾

۲. بگو: «رَبِّ زِدْنِي زَكَاةً وَ عِلْمًا وَ حِكْمَةً»؛ «پروردگارا! بر پاکیزگی و علم و حکمتم بیفزا»، ﴿وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ﴾

۳. بر اذکار صبحگاه و شامگاه و اذکار پس از نمازها مواظبت کن و آن‌ها را به دیگران نیز بیاموز، ﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ﴾

رهنمودها

۱. هر کس به حد اقلّ کارهای نیک بسنده کند، شور و اشتیاقش تا حد ناتوانی و کسالت ضعیف می‌شود، و هر کس خودش را بر پیشی‌گرفتن از دیگران پایبند گرداند ثابت‌قدم می‌گردد و جایگاه او نزد پروردگارش بالا می‌رود، ﴿فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾

۲. بنده هرگز نباید گمان کند که می‌تواند با کارگیری اسباب، از قدرت الله بگریزد؛ زیرا الله تعالی در هر حالی و در هر مکانی بر او تواناست، ﴿أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

۳. بهترین چاره هنگام نزول بلایا و سختی‌ها، یکی صبر و دیگر نماز است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٢٤)

وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن
لَّا تَشۡعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ
وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾
ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ
﴿١٥٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ ۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ
فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ
وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ
لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ
﴿١٥٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَبَيَّنُواْ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيۡهِمۡ
وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ
كُفَّارٌ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةُ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ
﴿١٦١﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾
وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَلۡعَنُهُمُ	آن‌ها را طرد می‌کند.

عمل به آیات

۱. با قلبی پاک و ساده، شهادت را از الله تعالی تقاضا کن، ﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ﴾

۲. اگر خبری در مورد مصیبت مسلمانان شنیدی بگو: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾

۳. سلامتی را از الله بخواه و این دعا را که گفتن آن هنگام نزول مصیبت مستحب است حفظ کن: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ مَا أَمَرَهُ اللهُ: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶]، اللَّهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَخْلَفَ اللهُ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا» [صحیح مسلم: ۹۱۸] «هر کس که مصیبتی به او رسد آن‌گاه بگوید: "ما همه از آنِ الله هستیم و به سوی او تعالی بازمی‌گردیم، یا الله! در مصیبتم به من پاداش عطا گردان و بهتر از آن را برایم جایگزین کن." الله بهتر از آن‌چه را که به او رسیده است نصیبش می‌گرداند».

رهنمودها

۱. مومن گاهی با وقوع مصیبت در جان و خانواده و مال آزمایش می‌شود که در برابر آن‌ها صبر پیشه می‌کند و درجه‌اش بالاتر می‌رود و مقام بالاتری نزد الله پیدا می‌کند، ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

۲. سرانجامِ کتمان علم و حقیقت، لعنت و دوری از رحمت الله تعالی است، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ﴾

۳. تمام لعنت‌کنندگان عالِم بد را لعنت می‌کنند و تمام آمرزش‌خواهان برای عالِم واقعی طلب آمرزش می‌کنند، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ﴾

ترجمه آیات

و به کسانی که در راه الله کشته می‌شوند، مُرده نگویید؛ بلکه آنان [نزد پروردگارشان] زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌فهمید. (۱۵۴) و قطعاً شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی [= قحطی] و زیان مالی [= نابودی یا دشواریِ کسبِ آن] و جانی [= مرگ و میر یا شهادت] و زیان محصولات [کشاورزی] می‌آزماییم؛ و [ای پیامبر،] شکیبایان را [به آنچه در دنیا و آخرت برایشان فراهم می‌آید] بشارت بده؛ (۱۵۵) همان کسانی که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد [از روی رضایت و تسلیم] می‌گویند: «به راستی که ما از آنِ الله هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم». (۱۵۶) اینها هستند که درودها و رحمتی از پروردگارشان برایشان است و همینان هدایت‌یافتگانند. (۱۵۷) «صفا» و «مروه» از نشانه‌های [ظاهریِ شریعتِ] الله است؛ پس هر کس که حج خانه [کعبه] یا عمره به جای می‌آورد بر او گناهی نیست که طواف [= سعی] بین آن دو را [نیز] انجام دهد [و این کار، از رفتارهای جاهلیت تلقی نمی‌گردد]؛ و کسی که به میلِ خود کارِ نیکی انجام دهد، [بداند که] بی‌تردید، الله سپاس‌گزار و داناست. (۱۵۸) کسانی که دلایلِ روشن و هدایتی را که نازل کرده‌ایم ـ پس از آنکه در کتاب [= تورات و انجیل] برای مردم بیان نمودیم ـ پنهان می‌دارند، الله آنان را لعنت می‌کند و لعنت‌کنندگان [ـ اعم از فرشتگان و مؤمنان ـ نیز] بر آنان لعنت می‌کنند؛ (۱۵۹) مگر کسانی که توبه کنند و [کارهای ناشایستِ خود را] اصلاح نمایند و [حقیقت را] آشکار سازند؛ اینان هستند که توبه‌شان را می‌پذیرم و من توبه‌پذیرِ مهربانم. (۱۶۰) کسانی که کفر ورزیدند [و به انکار حق کوشیدند] و در حال کفر مُردند، لعنتِ الله و فرشتگان و همهٔ مردم بر آنها خواهد بود. (۱۶۱) در آن [لعنت و عذاب] جاودانه باقی می‌مانند و نه از عذابشان کاسته می‌شود و نه مهلت [عذرخواهی] می‌یابند. (۱۶۲) [ای مردم،] معبودِ شما معبودی یگانه است [که] جز او [هیچ] معبودی [به‌حق] نیست؛ [او] بخشندهٔ مهربان است. (۱۶۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾ وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ﴾
اشاره دارد به این‌که این امر که الله همراه آنان است مانع از این نیست که برخی از آنان شهید شوند؛ بلکه شهادت یکی از ثمرات همراهی الله با صابران است؛ یعنی افرادی از آنان که شهید شوند به سعادت آخرت و کسانی از آنان که باقی بمانند به سعادت هر دو سرا دست یافته‌اند. بقایی: ۱/ ۲۷۹.
پرسش: آیا همراهی الله با مجاهدان صابر، مانع از شهادت آنان می‌شود؟

۲ ﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ﴾
مسلماً انسان عاقل، محبوب خود را رها نمی‌کند مگر به خاطر محبوبی بزرگ‌تر و بهتر از آن، بنابراین الله تعالی خبر داد که هر کس در راه او کشته شود- یعنی در راه الله بجنگد به این هدف که سخن الله برتر باشد و دین او تعالی آشکار گردد، و هیچ هدف دیگری نداشته باشد- چنین شخصی زندگی محبوب خویش را از دست نداده، بلکه زندگی‌ای بزرگ‌تر و کامل‌تر از آن‌چه که می‌پندارید و گمان می‌کنید به دست آورده است. سعدی: ۷۵.
پرسش: انسان چه زمانی از محبوب خویش دست می‌کشد؟

۳ ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾
بنابر قولی به این موارد مبتلا شدند تا نشانه‌ای برای مردم بعدی باشد تا بدانند هنگامی که حق برای آنان واضح گشت، بر آن پایداری نمودند. بنابر قولی دیگر آنان را از این موضوع آگاه کرد تا از جانب او یقین داشته باشند آنان را به مصیبت گرفتار می‌سازد، تا خود را در برابر آن آماده سازند و به این ترتیب بی‌قراری کمتری به خرج دهند، و نیز دلالت دارد بر اعطای پاداش الهی در قبال عزم و آمادگی. قرطبی: ۲/ ۴۶۲.
پرسش: چرا الله تعالی بندگانش را آگاه کرد از این‌که به مصیبت و بلا گرفتار می‌شوند؟

۴ ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ﴾
اگر مومنان همیشه در گشایش باشند و به مصیبت و بلا گرفتار نیایند قطعاً اختلاطی که همان فساد است حاصل خواهد شد. حکمت الله تعالی اقتضا می‌کند اهل خیر و اهل شر از یکدیگر متمایز گردند. این جداسازی، ثمرهٔ آزمایش‌ها و مصیبت‌هاست، نه از بین بردن ایمان مومنان و نه بازگرداندن آنان از دین‌شان؛ زیرا الله تعالی بر آن نیست که ایمان مومنان را تباه سازد؛ به همین منظور در آیه خبر داد که بندگانش را به مقدار اندکی ترس از دشمنان و مقدار اندکی گرسنگی مبتلا خواهد کرد؛ زیرا اگر آنان را با ترس کامل یا گرسنگی کامل مبتلا کند قطعاً از بین خواهند رفت، در حالی که محنت‌ها و مصیبت‌ها برای آزمون و پاکیزه‌ساختن نازل می‌شوند نه برای نابودکردن. سعدی: ۷۶.
پرسش: چرا ابتلا با اندکی از ترس و گرسنگی صورت می‌گیرد نه با ترس و گرسنگی کامل؟

۵ ﴿ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾
یعنی بردگان الله تعالی که تحت تدبیر امر و تصرف او قرار دارند؛ پس ذره‌ای از جان و اموال‌مان از آنِ خودمان نیست و هرگاه در بخشی از آن‌ها مبتلا شویم در واقع ذات ارحم الراحمین در بردگان خود و اموال آنان تصرف کرده و هیچ اعتراضی بر او وارد نیست. سعدی: ۷۶.
پرسش: چرا هر کس که به مصیبتی گرفتار می‌شود باید بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾
لام در ﴿إِنَّا لِلَّهِ﴾ لام ملکیت است و مالک، هر کاری را بخواهد در ملک خویش انجام می‌دهد. ﴿رَٰجِعُونَ﴾: آخرت را به یاد می‌آورند تا مصیبت‌های دنیا بر آنان آسان گردد. در حدیث صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ مَا أَمَرَهُ اللهُ: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶]، اللَّهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَخْلَفَ اللهُ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا» [صحیح مسلم: ۹۱۸] «هر کس که مصیبتی به او رسد آن‌گاه بگوید: "ما همه از آنِ الله هستیم و به سوی او تعالی بازمی‌گردیم. یا الله! در مصیبتم به من پاداش عطا گردان و بهتر از آن را برایم جایگزین کن." الله بهتر از آن‌چه را که به او رسیده است نصیبش می‌گرداند». ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: هنگامی که شوهرم ابوسلمه از دنیا رفت این دعا را خواندم، الله تعالی رسول الله ﷺ را به جای آن برایم جایگزین کرد. ابن جزی: ۱/ ۸۹.
پرسش: گفتنِ چه دعایی هنگام نزول مصیبت مستحب است؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾
این کلمات پناهگاهی برای مصیبت‌زدگان و محافظی برای امتحان‌شدگان است؛ زیرا مضامین پربرکتی را در خود جمع کرده که عبارتند از: یگانگی الله، اقرار به عبودیت برای او، برانگیخته‌شدن از قبرها و یقین به این امر که تمام امور به سوی الله بازمی‌گردد؛ چنان‌که این امر شایسته و سزاوار او تعالی است. سعید بن جبیر می‌گوید: این کلمات به هیچ پیامبری قبل از پیامبر ما داده نشده است و اگر یعقوب علیه السلام آن‌ها را می‌دانست نمی‌گفت: ﴿يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ﴾ [یوسف: ۸۴] «ای وای بر من! بر فراق یوسف!». ابن عطیه: ۱/ ۲۲۸.
پرسش: بیان دعای مذکور هنگام نزول مصیبت چه حکمتی دارد؟

ترجمه آیات

به راستی، در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گذرِ شب و روز و کشتی‌هایی که برای بهره‌برداریِ مردم در دریا روانند و آبی که الله از آسمان نازل نموده است که با آن زمین را پس از مردنش [و نابود شدن گیاه آن] زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن پراکنده است و [همچنین] در تغییر مسیرِ بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین به خدمت [انسان] گماشته شده‌اند، برای کسانی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [واضح از قدرت پروردگار] است. (۱۶۴) [با وجود این آیات روشن،] برخی از مردم، همتایانی غیر از الله را [برای عبادت] برمی‌گزینند و آنها را همچون الله دوست می‌دارند؛ و[لی] کسانی که ایمان آورده‌اند الله را بیشتر دوست دارند؛ و کسانی که [با ارتکاب شرک و گناهان، بر خود] ستم کردند، هنگامی که عذاب [قیامت] را ببینند، [خواهند دانست] که تمام قدرت از آنِ الله است و اینکه الله سخت‌کیفر است. (۱۶۵) آنگاه که رهبران [گمراهگر،] از پیروان خود بیزاری می‌جویند و عذاب را می‌بینند و اسباب [و تمام روابطی که موجب نجاتشان می‌شد، همگی] قطع شود. (۱۶۶) و [در آن هنگام،] کسانی که [در دنیا از رهبران گمراهگر] پیروی کرده بودند می‌گویند: «کاش بازگشتی [به دنیا] برای ما بود تا همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنها بیزاری می‌جستیم». الله اینچنین رفتارشان را که مایهٔ حسرتشان است به آنان نشان می‌دهد و [کافران] هرگز از آتش [دوزخ] بیرون نخواهند آمد. (۱۶۷) ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از [راه‌ها و] گام‌های شیطان [که به وسیلهٔ آنها به تدریج شما را به سوی عذاب می‌کشد] پیروی نکنید که به راستی او دشمنِ آشکارِ شماست. (۱۶۸) [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و اینکه [بر آن می‌دارد تا] آنچه را که نمی‌دانید به الله نسبت دهید. (۱۶۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ﴾

نشانه بودن کشتی‌ها: رام کردن آن‌ها توسط الله تعالی است تا این‌که بر روی آب حرکت کنند و با وجود این‌که سنگین هستند بر روی آب بایستند. قرطبی: ۲/ ۴۹۴.

پرسش: منظور آیه از بیان این‌که کشتی‌ها در دریاها روان هستند چیست؟

۲ ﴿وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

﴿وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ﴾ ارسال بادها از جهات مختلف است- یعنی از جهات چهارگانه و میان آن‌ها- و با صفات مختلف؛ چنان‌که برخی از بادها درختان را بارور می‌سازند، برخی عقیم هستند، برخی سرد، برخی برای نصرت و برخی برای نابودی هستند. ابن جزی: ۱/ ۹۱.

پرسش: عظمت و قدرت الله تعالی در وزانیدن انواع بادها را توضیح دهید؟

۳ ﴿وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

بنابر قولی منظور از تصریف بادها این است که گاهی نرم، گاهی تند، گاهی گرم و گاهی سرد هستند. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: باد و آب بزرگ‌ترین لشکریان الله هستند. بغوی: ۱/ ۱۳۲.

پرسش: بزرگ‌ترین لشکریان الله چیست؟

۴ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾

بدان که اگر محبت الله در دل جای گیرد آثار آن بر جوارح آشکار می‌گردد که برخی از این آثار عبارتند از: فرمانبرداری بیشتر از الله، نشاط در خدمت او تعالی، اشتیاق برای کسب خوشنودی او سبحانه، لذت‌بردن از مناجات با او، رضایت از قضا و قدرش، شوق به دیدار او، انس گرفتن با ذکرش، رمیدن از غیر او، فرار از مردم، عبادت در خلوت‌ها، خروج دنیا از دل، محبت هر آن‌چه که الله دوست دارد و ترجیح الله بر هر آن‌چه غیر اوست. ابن جزی: ۱/ ۹۲.

پرسش: نشانهٔ جای گرفتن محبت در دل چیست؟

۵ ﴿إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ﴾

گمان کردند که این شریکان و پیشوایان مالک چیزی هستند و این‌که آنان را به الله نزدیک و به او می‌رسانند؛ اما این گمان‌شان تباه شد، تلاش آنان باطل گشت و عذابی سخت بر آنان محقق گردید؛ در حالی که شریکان‌شان ذره‌ای از این عذاب را از آنان برطرف نساختند و ذره‌ای سود به آنان نرساندند، بلکه از جانب شریکان و پیشوایان زیان دیدند؛ چون گمان داشتند که آنان سود می‌رسانند. پیشوایان از پیروان بیزاری جستند و پیوندی که در دنیا میان آنان بود گسست؛ زیرا برای غیر الله و بدون فرمان الله بسته شده بود. سعدی: ۸۰.

پرسش: روز قیامت پیشوایان چه موضعی در برابر پیروان اتخاذ می‌کنند؟

۶ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ﴾

اعمال‌شان که آرزو داشتند به آنان فایده برساند و نتیجه‌ای برای‌شان داشته باشد، مایهٔ حسرت و پشیمانی‌شان شد ... در این هنگام پیروان آرزو می‌کنند که به دنیا بازگردند تا از پیشوایان بیزاری بجویند به این نحو که شرک به الله را رها کرده و به خالص‌گردانیدن عمل برای او تعالی روی آورند. سعدی: ۸۰.

پرسش: کافران و مشرکانی که پیرو بوده‌اند چه زمانی به اعمال اشتباه خود پی می‌برند؟

۷ ﴿كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ﴾

سدی می‌گوید: بهشت برای‌شان نمایش داده می‌شود آن‌گاه به بهشت و خانه‌های بهشتی‌شان که اگر از الله فرمانبرداری می‌کردند به آنان داده می‌شد می‌نگرند، سپس آن منازل میان مومنان تقسیم می‌شود؛ در این هنگام است که پشیمان می‌شوند. این اعمال از آن جهت به آنان نسبت داده شد که آنان مامور به انجام آن‌ها بوده‌اند ... حسرت بالاترین درجه پشیمانی بر چیزی است که از دست رفته است. قرطبی: ۳/ ۱۱.

پرسش: کافران در روز قیامت چگونه به درجهٔ حسرت می‌رسند؟

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٢٥)

إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ
وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا
مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ
ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥
إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ ١٦٦ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ
لَنَا كَرَّةٗ فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ
أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ١٦٧
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ ١٦٨ إِنَّمَا يَأۡمُرُكُم
بِٱلسُّوٓءِ وَٱلۡفَحۡشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ١٦٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡفُلۡكِ	کشتی‌ها.
وَبَثَّ	پراکنده کرد.
وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ	گرداندن و هدایت بادها.
ٱلۡأَسۡبَابُ	رابطه‌ها.
حَسَرَٰتٍ	افسوس‌ها.

عمل به آیات

۱. یکی از مخلوقات مذکور در آیه را برگزین سپس سه فایده را که دلالت بر قدرت و حکمت الله دارد استخراج کن، ﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ﴾

۲. سه عملی را که الله آن‌ها را دوست دارد از قرآن استخراج و امروز به آن‌ها عمل کن، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾

۳. یک نوع خوردنی را که علما به تحریم آن فتوا داده‌اند اما مردم در آن کوتاهی می‌کنند همراه فتوای یکی از علما بنویس و آن را در پیامی برای یکی از آشنایان بفرست، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ﴾

رهنمودها

۱. محبت مخلوقات اگر از حد خودش فراتر رود گاهی به شرک در محبت منجر می‌شود؛ بنابراین مخلوقات هر جایگاهی که دارند در محبت آن‌ها از حد خارج نشو، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِ﴾

۲. ذکر زیاد محبوب بر محبت زیاد او دلالت دارد؛ بنابراین ذکر زیاد پروردگار توسط بنده، محبت زیاد بنده به پروردگار را می‌رساند، ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾

۳. یکی از اولین گام‌های شیطان خوردن حرام است؛ چنان‌که این کار توسط پدرمان آدم علیه السلام انجام شد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٢٦)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ أَلۡفَيۡنَا
عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا
يَهۡتَدُونَ (١٧٠) وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِي يَنۡعِقُ
بِمَا لَا يَسۡمَعُ إِلَّا دُعَآءٗ وَنِدَآءٗۚ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ
(١٧١) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ
وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ (١٧٢) إِنَّمَا حَرَّمَ
عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ
ٱللَّهِۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٞ رَّحِيمٌ (١٧٣) إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلۡكِتَٰبِ وَيَشۡتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ مَا يَأۡكُلُونَ
فِي بُطُونِهِمۡ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٧٤) أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡعَذَابَ بِٱلۡمَغۡفِرَةِۚ فَمَآ
أَصۡبَرَهُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ (١٧٥) ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّۗ
وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ (١٧٦)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَنْعِقُ	فریاد می‌زند.
وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ	آن‌چه که هنگام ذبحش، نام غیر الله تعالی برده شود.
غَيْرَ بَاغٍ	در خوردن از آن بیش از نیازش ستمکار نباشد.
وَلَا عَادٍ	از حدودی که برایش مباح شده است نگذرد.
شِقَاقٍ بَعِيدٍ	نزاع، و اختلافی دور از حقیقت.

عمل به آیات

۱. پیامی بفرست و در آن ترک تقلید کورکورانه و اشتیاق بر پیروی از دلیل صحیح را برای برادران مسلمانت متذکر شو، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ﴾

۲. پس از غذاخوردن شکر الله تعالی را به جای بیاور؛ زیرا افراد بسیاری هستند که آرزوی داشتن غذایی مانند غذای تو را دارند اما آن را نمی‌یابند، ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا رَزَقْنَـٰكُمْ وَٱشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾

۳. پیامی بفرست و در آن نام غذاهای مشتبه و نیز نام غذاهای حلالی را که جایگزین این غذاهای مشتبه هستند بنویس، ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا رَزَقْنَـٰكُمْ﴾

رهنمودها

۱. مؤمن بر پیروی از دلیل صحیح از کتاب و سنت مشتاق است، و از سخن هیچ‌کس بدون دلیل صحیح پیروی نمی‌کند، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ﴾

۲. سپاس‌گزاری عبادت است، پس بر انجام آن کوشا باش، ﴿وَٱشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾

۳. یکی از مظاهر رحمت الله این است که اصل در غذاها مباح‌بودن است، و فقط انواع محدودی از آن‌ها را حرام قرار داده است، ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ﴾

ترجمه آیات

و هنگامی که به آنان [= کافران] گفته شود: «از آنچه الله نازل کرده است پیروی کنید»، می‌گویند: [نه،] بلکه ما از چیزی که پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. آیا اگر پدرانشان [از حقیقت] چیزی نفهمیده و هدایت نیافته باشند [باز هم کورکورانه از آنان پیروی می‌کنند]؟ (۱۷۰) مَثَل [دعوت تو ـ ای محمد ـ برای هدایتِ این] کافران، همچون کسی است که چهارپایی را صدا می‌زند ولی آن [چهارپا] چیزی جز صدا و آوایی نمی‌شنود؛ [و حقیقت آن را درک نمی‌کند. این کافران نیز چنین‌اند که در مواجهه با حق،] کر و لال و کور هستند و از این رو نمی‌اندیشند. (۱۷۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزیِ شما کرده‌ایم بخورید و شکرِ الله را به جای آورید اگر تنها او را عبادت می‌کنید. (۱۷۲) به تحقیق، [الله] مُردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام ذبح،] نامِ غیر الله بر آن برده شود بر شما حرام کرده است؛ پس هر کس [برای حفظ جان خود، به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که سرکش و زیاده‌خواه نباشد، بر او گناهی نیست. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۷۳) کسانی که آنچه را الله در کتاب [تورات دربارهٔ نبوت محمد ﷺ] نازل کرده است کتمان می‌کنند و آن را [برای کسبِ مال و مقامِ دنیا] به بهای اندکی می‌فروشند، [در حقیقت] جز آتش در شکم‌هایشان فرو نمی‌برند و الله روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و [از پلیدیِ گناه] پاکشان نمی‌کند و عذاب دردناکی خواهند داشت. (۱۷۴) اینان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت و عذاب را به [بهای] آمرزش خریدند؛ پس بر [تحمّل] آتش [دوزخ] چه شکیبا هستند! (۱۷۵) این [مجازات بر کتمان حق،] به خاطر آن است که الله کتاب[های آسمانی] را به‌حق نازل کرده است و کسانی که در آن اختلاف کردند، دشمنی بسیار دور و درازی [با حقیقت] دارند. (۱۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَنِدَآءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾

به سبب اصرار در تقلید و میل به گمراهی، گوش‌های‌شان را به آن‌چه که بر آنان خوانده می‌شود نمی‌سپارند و در آن‌چه که در حضور آنان بیان می‌شود تأمل نمی‌کنند؛ آنان در این مورد مانند چهارپایانی هستند که بر آنان بانگ زده می‌شود اما چیزی جز صداهای بلند و نامفهوم نمی‌شنوند. آلوسی: ۲/ ۴۲.

پرسش: الله چرا کافران را با صفات مذکور توصیف فرمود؟

۲ ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا رَزَقْنَـٰكُمْ وَٱشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾

امر به سپاس‌گزاری پس از بیان نعمت، به این دلیل است که سپاس‌گزاری، نعمت‌های موجود را حفظ و نعمت‌های نیامده را می‌آورد؛ چنان‌که کفر نعمت‌های نیامده را دور می‌سازد و نعمت‌های موجود را از بین می‌برد. سعدی: ۸۱.

پرسش: چه رابطه‌ای میان سپاس‌گزاری و نعمت‌ها وجود دارد؟

۳ ﴿وَٱشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾

حقیقت شکر عبارت است از بخشش چیز پاکیزه؛ بنابراین شکر هر نعمتی اعم از مال، جایگاه، علم، خوردنی، نوشیدنی یا سایر موارد، عبارت است از: اهمیت‌دادن به آن در حدی که اهمیت دارد، بخشیدن مازادش، قانع بودن به کمترین مقدارش، تجارت با مقدار مازادش به امید کسب سود، و رساندن آن به صاحبانش به هدف ادای امانت؛ زیرا دستان بندگان، خزینه‌های پادشاه سخاوتمند هستند. بقاعی: ۱/ ۳۱۶.

پرسش: حقیقت شکر چیست؟

۴ ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

از آن‌جا که اسلام دین آسانی است و سختی و حرج و مانعی در آن وجود ندارد، حکم تحریم مذکور از شخص مضطر برداشته شده است. بقاعی: ۱/ ۳۱۸.

پرسش: شریعت اسلام برای هر زمان و هر مکانی مناسب است؛ زیرا تمام احوال را مد نظر داشته است، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلْكِتَـٰبِ وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا أُوْلَـٰٓئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

﴿وَلَا يُزَكِّيهِمْ﴾ چنان‌که با آن هر یک از بندگانش را که بخواهد پاک می‌کند؛ زیرا چیزی را از بندگان کتمان کردند که آنان را پاکیزه می‌سازد، این بیان، بزرگ‌بودن گناه کتمان علم را می‌رساند ﴿وَلَهُمْ﴾ افزون بر این عذاب ﴿عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ عذابی دردناک دارند؛ زیرا چیزی را از مردم کتمان کردند که آنان را در راه روشن و آسان قرار می‌دهد و به این ترتیب، آنان را در رنج و سختی قرار دادند. بقاعی: ۱/ ۳۲۹.

پرسش: سبب نفی تزکیه از کسانی که آن‌چه را الله نازل کرده است کتمان می‌کنند چیست؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلْكِتَـٰبِ وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا أُوْلَـٰٓئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا ٱلنَّارَ﴾

به سبب مدت موقت و سرانجام بدش آن را قلیل نامید. بنابر قولی به این سبب آن را قلیل نامید که رشوه‌ای که می‌گیرند اندک است. این آیه هر چند در مورد احبار نازل شده است اما مسلمانانی را نیز که حقیقت را به سبب کالایی دنیایی کتمان می‌کنند در بر می‌گیرد ... ذکر شکم‌ها نیز بر حرص و طمع آنان اشاره دارد، و این‌که آخرت خویش را در برابر سهم‌شان از غذایی که هیچ ارزشی ندارد فروختند. قرطبی: ۳/ ۴۸- ۴۹.

پرسش: منظور از وجه عموم این آیه چیست و ذکر شکم‌ها چه دلالتی دارد؟

۷ ﴿فَمَآ أَصْبَرَهُمْ عَلَى ٱلنَّارِ﴾

یعنی چه اندازه بر انجام گناهانی که آنان را به جهنم می‌رساند پایدار هستند. ابن کثیر: ۱/ ۱۹۶.

پرسش: چرا به صبر در برابر آتش جهنم توصیف شدند در حالی که هنوز وارد آن نشده‌اند؟

ترجمه آیات

نیکی [فقط] این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را ـ با وجود دوست داشتنش ـ به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان و درخواست‌کنندگان [= گدایان] و در [راه آزادیِ] بردگان ببخشد و نماز برپا دارد و زکات بپردازد؛ و [نیز] کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمانشان وفا می‌کنند و [کسانی که] در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام [شدت گرفتنِ] نبرد، [پایداری و] شکیبایی می‌کنند؛ آنان [که به این ویژگی‌ها آراسته‌اند] کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگارانند. (۱۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در [مورد] کشتگان[ی که از روی عمد به قتل رسیده‌اند، حکمِ] قصاص بر شما مقرر گشته است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن. پس اگر کسی از جانب برادر [دینی]اش [یعنی ولیّ مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [از سوی عفو کننده] باید خوشرفتاری شود [و سختگیری و بدرفتاری نشود، و از سوی قاتل نیز به ولی مقتول] پرداختِ [دیه] با نیکی انجام گیرد [و در آن کم و کاست نباشد]. این [حکم،] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان؛ پس اگر کسی بعد از آن [گذشت و قبول دیه] تجاوز کند، عذابی دردناک [در انتظار] دارد. (۱۷۸) ای خردمندان، در قصاص برای شما [تداوم] زندگی است؛ باشد که تقوا پیشه کنید. (۱۷۹) بر شما مقرر شده است که هر گاه زمانِ مرگِ یکی از شما فرا رسید، اگر مالی از خود به جای گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشاوندان، به شیوه‌ای شایسته وصیت کند. این [کار،] حقی است بر پرهیزگاران [که باید انجام دهند]. (۱۸۰) پس هر کس آن [وصیت] را پس از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [عهدهٔ] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند. به راستی که الله شنوای داناست. (۱۸۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِى ٱلرِّقَابِ﴾

﴿ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ﴾ و موارد بعدی، به ترتیبِ اهمیت و برتری بیان شده‌اند؛ زیرا صدقه دادن به خویشاوند، هم صدقه و هم صلهٔ رحم به شمار می‌رود؛ بر خلاف اصناف بعدی، سپس یتیمان به خاطر کوچک بودن و نیازشان ذکر شدند، سپس مساکین به سبب نیاز خاصی که دارند و مسافر غریب. بنابر قولی مسافر ضعیف، و گدایان حتی اگر نیازمند نباشند. ابن جزی: ۱/ ۹۵.

پرسش: در آیه به اولویت‌ها و رعایت ترتیب بر اساس اهمیت توجه شده است، این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ﴾

هر کس با وجود این‌که مالش را دوست دارد آن را برای تقرب به الله تعالی انفاق کند، کار او بر ایمانش دلالت دارد. یکی از وجوه انفاق مال با وجود دوست داشتنش این است که انسان از مال اندک خود صدقه بدهد، در حالی که آرزوی ثروت دارد و از فقر می‌ترسد. همچنین اگر صدقه از مال اندک باشد بهتر است؛ زیرا در این حالت شخص دوست دارد مال را صدقه ندهد چون از نداری و فقر می‌ترسد. همچنین است انفاق مالِ نفیس و مالی که صاحبش آن را دوست دارد. سعدی: ۸۳.

پرسش: بخشی از صورت‌های انفاق مال با وجود دوست داشتنش را بیان کن؟

۳ ﴿وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُوا۟ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا۟ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ﴾

یعنی اینان که صفات مذکور را دارند همان کسانی هستند که در ایمان‌شان صادق بودند؛ زیرا ایمان قلبی را در گفتار و رفتار محقق کردند، پس اینان همان کسانی هستند که راست گفتند و اینان همان پرهیزگارانند؛ زیرا از حرام‌ها پرهیز کردند و طاعات را انجام دادند. ابن کثیر: ۱/ ۱۹۸.

پرسش: نشانهٔ ایمان راستین چیست؟

۴ ﴿وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا۟ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ﴾

این امر از باب پیشرفت در صبر از سخت به سخت‌تر است؛ زیرا صبر در برابر بیماری فراتر از صبر در برابر نداری است و صبر در پیکار فراتر از صبر در برابر بیماری است. آلوسی: ۲/ ۴۸.

پرسش: آیا تفاوتی میان درجات صبر وجود دارد؟

۵ ﴿فَمَنْ عُفِىَ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ فَٱتِّبَاعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَٰنٍ﴾

عفوکننده توصیه شده که در طلب دیه بر عفوشده سخت نگیرد و اگر تنگدست است به او مهلت بدهد و بیشتر از دیه از او نگیرد. عفوشده نیز توصیه شده که در پرداخت دیه به عفوکننده، تاخیر نکند و چیزی از دیه نکاهد و در صورت امکان آن را بپردازد. آلوسی: ۲/ ۵۰.

پرسش: الله تعالی طرفین را هنگام گرفتن دیه یا عفو به چه امری توصیه فرمود؟

۶ ﴿وَلَكُمْ فِى ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

عبارت ﴿وَلَكُمْ فِى ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ﴾ به معنای این سخن است که گفته می‌شود: قتل، قتل را از بین می‌برد. یعنی قصاص مردم را از قتل باز می‌دارد. بنابر قولی به این معناست که قصاص کمترین قتل است؛ زیرا در قصاص یک نفر در برابر یک نفر کشته می‌شود برخلاف آن‌چه که در جاهلیت وجود داشت که قبیلهٔ قاتل و مقتول با هم می‌جنگیدند و به سبب آن گروهی کشته می‌شدند. ابن جزی: ۱/ ۹۶.

پرسش: چگونه قصاص سبب زندگی است؟

۷ ﴿فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ﴾

هر کس وصیت را تغییر دهد و تحریف کند، یعنی حکم آن را تغییر دهد و در آن بیفزاید یا از آن بکاهد- کتمان وصیت به طریق اولی در این مفهوم داخل است- گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند. ﴿فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ﴾ از چند نفر از جمله ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفته‌اند: «اجر میت بر عهدهٔ الله قرار گرفته است و گناه بر عهدهٔ کسانی است که وصیت را تغییر داده‌اند». ابن کثیر: ۱/ ۲۰۱.

پرسش: انتخاب ناظر نیک بر وصیت، بسیار اهمیت دارد، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٢٧)

۞ لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ
وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ
وَٱلْكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّۦنَ وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ
وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُوا۟
وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
صَدَقُوا۟ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُتِبَ
عَلَيْكُمُ ٱلْقِصَاصُ فِى ٱلْقَتْلَى ٱلْحُرُّ بِٱلْحُرِّ وَٱلْعَبْدُ بِٱلْعَبْدِ وَٱلْأُنثَىٰ
بِٱلْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِىَ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ فَٱتِّبَاعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ وَأَدَآءٌ
إِلَيْهِ بِإِحْسَٰنٍ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ
بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِى ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُو۟لِى
ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ
أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ
بِٱلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ
فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلْبِرَّ	فراخی در کار خیر و طاعت.
وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ	مسافر نیازمندی که از خانواده‌اش جدا افتاده است.
وَفِى ٱلرِّقَابِ	در راه آزادسازی بردگان و اسرا.
ٱلْبَأْسَآءِ	فقر.
وَٱلضَّرَّآءِ	بیماری.
وَحِينَ ٱلْبَأْسِ	هنگام سختی نبرد.
إِن تَرَكَ خَيْرًا	اگر مال فراوانی به جای گزارده است.

عمل به آیات

۱. جدولی زمان‌بندی شده برای توزیع صدقات و دادن هدیه از آن‌چه که دوست داری بر گروه‌های مذکور در آیه ترسیم کن، ﴿وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ﴾

۲. زود به نماز برو، ﴿وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

۳. پس از مشورت با کسی که آگاهی دارد بر نوشتن وصیت مبادرت کن، ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ﴾

رهنمودها

۱. برخی اعمال قلبی را گرد آور، سپس از چگونگی تحقق آن‌ها در قلبت آگاهی پیدا کن، ﴿لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ﴾

۲. مومن به عهد خویش وفا می‌کند و در آن خلاف نمی‌ورزد، بلکه بیش از همه‌کس بر وفای به عهد مشتاق است. فقط منافق پیمان را می‌شکند، ﴿وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُوا۟﴾

۳. قصاص، یکی از اسباب استقرار و امنیت جوامع است، ﴿وَلَكُمْ فِى ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٢٨)

فَمَنۡ خَافَ مِن مُّوصٖ جَنَفًا أَوۡ إِثۡمٗا فَأَصۡلَحَ بَيۡنَهُمۡ فَلَآ إِثۡمَ
عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٨٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ
عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ
لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن كَانَ
مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ وَعَلَى
ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا
فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥۚ وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ
١٨٤ شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ
ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ
مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ
ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا
هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٨٥ وَإِذَا سَأَلَكَ
عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ
فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
جَنَفًا	انحراف از حق از روی خطا و جهل.
تَطَوَّعَ خَيۡرٗا	در فدیهٔ بدل از روزه بیفزاید.
فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي	پس باید از من فرمانبرداری کنند.
يَرۡشُدُونَ	هدایت شوند.

عمل به آیات

۱. امروز میان دو دشمن، یا میان طلبکار و بدهکار سازش برقرار کن و اهمیت صلح را برای‌شان متذکر شو، ﴿فَمَنۡ خَافَ مِن مُّوصٖ جَنَفًا أَوۡ إِثۡمٗا فَأَصۡلَحَ بَيۡنَهُمۡ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

۲. خودت را بر گرفتن سه روز روزه در هر ماه حتی به صورت پراکنده پایبند کن؛ زیرا این کار برای اصلاح قلب و افزایش تقوا ضروری است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

۳. هدف بزرگی را که در زندگی به آن امید داری مشخص کن، سپس یک روز روزه بگیر، و در آن بسیار و با فروتنی به درگاه الله دعا کن، و گمان خویش را نسبت به الله تعالی نیکو گردان، ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

رهنمودها

۱. یکی از حکمت‌های روزه، یاری‌گرفتن و تمرین بر تقوای الله تعالی است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

۲. روزه- واجب باشد یا مستحب- خیرهای فراوانی برای مومن دارد، چه خودش از آن‌ها آگاه باشد یا نه، ﴿وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

۳. از طریق دعا، هدایت و راهنمایی حاصل می‌شود، ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ﴾

ترجمه آیات

اما کسی که از بی‌عدالتی [و تمایل بی‌جای] وصیت‌کننده [نسبت به بعضی ورثه] یا از گناه او [در وصیت نامشروع] بترسد و [با اصلاحِ وصیت] میان آنان [= وارثان]، سازش برقرار کند، بر او گناهی نیست [و مشمولِ حکم تبدیلِ وصیّت نمی‌باشد]. همانا الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۸۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید. (۱۸۳) روزهایی معین [را روزه‌داری کنید]؛ و هر کس از شما که بیمار یا مسافر باشد، [به اندازهٔ آن روزهایی که نتوانسته است روزه بگیرد] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]؛ و بر کسانی که توانایی آن را ندارند، لازم است فدیه بدهند [و آن، به ازای هر روز،] خوراک‌دادن به یک مسکین است؛ و هر کس به میلِ خود [بیشتر] نیکویی کند، آن [افزون‌بخشی، به سودِ اوست و] برایش بهتر است؛ و اگر [فضیلت روزه‌داری را] بدانید، روزه برایتان بهتر [از افطار و پرداختِ فدیه] است. (۱۸۴) ماه رمضان، [ماهی] است که قرآن در آن نازل شده است؛ [کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است. پس هر یک از شما [که مُقیم و سالم است و] این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد و هر کس که بیمار یا در سفر باشد، [باید به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است] روزهای دیگری [را روزه بگیرد]. الله [با بیان این احکام،] برایتان آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد تا [بتوانید روزه ماه رمضان] را کامل کنید و الله را برای آنکه شما را هدایت کرده است، به بزرگی یاد کنید؛ باشد که شکر گزارید. (۱۸۵) و [ای پیامبر،] هرگاه بندگانم دربارهٔ من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را ـ هنگامی که مرا بخوانَد ـ اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند. (۱۸۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖ﴾

هدف از بیان ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ﴾ و ﴿أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖ﴾ آسان‌سازی روزه بر مسلمانان است و نرمش و ملاطفتی زیبا در آن وجود دارد. ابن جزی : ۱/ ۹۵.

پرسش: الله سبحانه حکمت و رحمت را در شریعت خود جمع کرده است، این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ﴾

زیرا روزه از احکام و عواملی است که در هر زمانی برای مردم مصلحت است و محرکی است برای امت اسلامی مبنی بر این‌که سزاوار است آنان در تکمیل اعمال و شتافتن به سوی خصلت‌های نیکو از دیگران پیشی بگیرند، و این‌که روزه از امور سنگینی نیست که به شما اختصاص یافته باشد. سعدی: ۸۶.

پرسش: خبر دادن از این‌که روزه بر امت‌های پیشین نیز فرض بوده است چه فایده‌ای دارد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

یعنی تا این‌که از گناهان پرهیز کنید؛ زیرا روزه شهوت را که مادر گناهان است از بین می‌برد یا آن را می‌شکند ... رسول الله ﷺ به ما فرموده است: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ» [صحیح بخاری: ۵۰۶۶؛ صحیح مسلم: ۱۴۰۰] «ای گروه جوانان هر یک از شما که توانایی ازدواج دارد ازدواج کند؛ زیرا ازدواج بهتر از هر چیزی چشم را [از حرام] می‌پوشاند و بهتر از هر چیزی عورت را [از حرام] محافظت می‌کند، و هر کس توانایی ازدواج ندارد باید روزه بگیرد؛ چون روزه شهوت جنسی او را کم می‌کند». آلوسی: ۲/ ۵۷.

پرسش: روزه چگونه به تقوا منجر می‌شود؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

«الله تبارک و تعالی می‌فرماید: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّوْمَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ» [صحیح بخاری: ۵۹۲۷] «تمام اعمال آدمیزاد برای خودش است مگر روزه که برای من است و خودم مزد آن را می‌دهم». روزه به دو سبب که آن را از سایر عبادات متمایز می‌سازد به الله اختصاص داده شد- هرچند تمام عبادات برای الله است-؛ سبب اول این‌که: روزه از آن دسته از خوشی‌ها و شهوات نفسی باز می‌دارد که فقط نماز از میان سایر عبادات از آن‌ها باز می‌دارد. سبب دوم این‌که: روزه رازی است میان بنده و پروردگارش که فقط آن را برای او آشکار می‌سازد، بنابراین روزه به الله اختصاص داده شد. سایر عبادات آشکار هستند که چه بسا بنده آن‌ها را ساختگی و از روی ریا انجام دهد؛ بنابراین روزه را از سایر عبادات جدا کرد و به خودش اختصاص داد. قرطبی: ۳/ ۱۲۳.

پرسش: فضیلت عبادت روزه بر سایر عبادات را بیان کن؟

۵ ﴿وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ﴾

از بزرگ‌ترین اسرار گفتن تکبیر در این زمان آن است که عید زمان شادی و سرور است و نفس طبیعتاً به دنبال تجاوز از حدود است و این امر سبب جلب شر می‌شود- که گاهی این امر از روی غفلت و گاهی از روی سرکشی اتفاق می‌افتد- پس فرمان به تکبیر را صادر کرد. بقاعی: ۱/ ۳۴۵.

پرسش: چرا الله تعالی به تکبیر در شب عید رمضان فرمان داد؟

۶ ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

در این آیه فرمود الله تعالی نزدیک است و دعای دعا کننده را اجابت می‌کند، اما در آیه‌ای دیگر اجابت دعا را به اراده و مشیت خودش معلق کرد، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿فَيَكۡشِفُ مَا تَدۡعُونَ إِلَيۡهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوۡنَ مَا تُشۡرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۴۱]؛ «اگر او بخواهد مشکلی را که برای آن، او را خوانده‌اید، برطرف می‌سازد، و آن‌چه را شریک او قرار می‌دهید فراموش خواهید کرد». برخی گفته‌اند: معلق کردن به مشیت الهی مربوط به دعای کافران است چنان‌که ظاهر سیاق آیه این امر را می‌رساند، اما وعدهٔ مطلق مربوط به دعای مومنان است؛ یعنی دعای مومنان رد نمی‌شود بلکه یا خواستهٔشان به آنان داده می‌شود یا بهتر از آن برای‌شان ذخیره می‌گردد یا آسیبی که برای‌شان مقدر شده است از آنان دفع می‌گردد. شنقیطی: ۱/ ۷۴.

پرسش: چه تفاوتی میان دعای مومن و دعای کافر از جهت اجابت وجود دارد؟

۷ ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ﴾

این آیه اشاره دارد به این‌که روزه‌دار به اجابت امیدوار است، امید به اجابت در دعاهای ماه رمضان وجود دارد و دعا هنگام پایان هر روز ماه رمضان مشروع است. ابن عاشور: ۲/ ۱۷۹.

پرسش: چه حکمتی در ذکر آیهٔ دعا میان آیات روزه وجود دارد؟

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] آمیزش با همسرانتان در شب[های] روزه، بر شما حلال گردیده است. آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان [= مایه آرامش و سبب پاکدامنی یکدیگر] هستید. الله می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید [و با آنکه در اوایل اسلام، آمیزش پس از نماز عشاء در شب روزه حرام بود، شما به آن بی‌توجه بودید]؛ پس توبه‌تان را پذیرفت و از شما درگذشت؛ پس اکنون [در شب‌های روزه می‌توانید] با آنان آمیزش کنید و آنچه را که الله برایتان مقرر داشته است [از ایشان] طلب کنید. بخورید و بیاشامید تا رشتهٔ سپیدِ صبح [= فجرِ صادق] از رشتهٔ سیاه [شب] برایتان آشکار گردد؛ آنگاه روزه را تا شب به پایان برسانید؛ و در حالی که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید. این مرزهای [احکامِ] الهی است؛ پس به آنها نزدیک نشوید. الله اینچنین آیات [و احکام] خود را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پرهیزگار شوند. (۱۸۷) و اموالتان را بین خود به باطل [و ناحق] نخورید و برای آنکه بخشی از مال مردم را به گناه بخورید، قضیه را به حاکمان ارجاع ندهید، در حالی که خودتان می‌دانید [که این کار، گناه است]. (۱۸۸) [ای پیامبر،] از تو دربارهٔ هلال‌ها[ی ماه] می‌پرسند؛ بگو: «آنها بیان اوقات [و تقویم طبیعی] برای مردم و [وسیلهٔ تعیینِ وقتِ] حج هستند». نیکوکاری آن نیست که [مانند دوران جاهلیت، در حال احرام،] از پشت خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی آن است که شخص تقوا پیشه کند؛ [پس پرهیزگار باشید] و به خانه‌ها از درهایشان وارد شوید و از الله بترسید؛ باشد که رستگار شوید. (۱۸۹) و در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و[لی با مُثله‌کردن و کشتن کودکان و زنان و کهنسالان] از حد تجاوز نکنید [که] به راستی، الله تجاوزگران را دوست ندارد. (۱۹۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِ﴾

جواز خوردن تا طلوع فجر، بر استحباب سحری‌خوردن دلالت دارد؛ زیرا از باب رخصت است که عمل به آن پسندیده است. ابن کثیر: ۱/ ۲۱۰.

پرسش: آیه چگونه بر استحباب سحری خوردن دلالت دارد؟

۲ ﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِ﴾

آمدن اعتکاف پس از روزه اشاره دارد به این‌که اعتکاف در روزه یا در آخر ماه روزه انجام می‌گیرد. ابن کثیر: ۱/ ۲۱۳.

پرسش: آمدن اعتکاف بعد از روزه بر چه امری دلالت دارد؟

۳ ﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِ﴾

به اتفاق علما اعتکاف فقط در مساجد انجام می‌شود؛ چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِ﴾. اعتکاف نه در خلوت و تنهایی است و نه در غیر خلوت، نه در غاری، نه کنار قبری و نه سایر اماکنی که گمراهان به قصد اعتکاف به آن‌جا سفر می‌کنند، مانند اعتکاف مشرکان در کنار نمادها و بت‌های‌شان. ابن تیمیه: ۱/ ۴۴۸– ۴۴۹.

پرسش: آیا اعتکاف در غیر مساجد صحیح است؟ دلیل پاسخ را از آیه استخراج کنید.

۴ ﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَا﴾

عبارت ﴿فَلَا تَقۡرَبُوهَا﴾ از (فلا تفعلوها) رساتر است؛ زیرا نهی از نزدیکی به حرام، شامل نهی از انجام خود حرام و نهی از مقدمات و اسبابش می‌شود. بنده مأمور است تا حد امکان محرمات و اسباب آن‌ها را ترک کند و از آن‌ها دوری گزیند. سعدی: ۸۷ – ۸۸.

پرسش: الله تعالی چرا به جای نهی از انجام حرام‌ها، از نزدیک‌شدن به حدود حرامش نهی فرمود؟

۵ ﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

الله سبحانه پس از ذکر روزه و مباحث مربوط به آن، از خوردن حرام که موجب عدم پذیرش روزه و اعتکاف می‌شود نهی فرمود. آلوسی: ۲/ ۶۹.

پرسش: چه رابطه‌ای میان نهی از خوردن حرام با روزه وجود دارد؟

۶ ﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

با اموال خود حاکمان را فریب و به آن‌ها رشوه ندهید به این منظور که بیشتر از مال‌تان برای شما حکم صادر کنند ... اهل سنت اتفاق دارند بر این‌که هر کس چیزی که نام مال بر آن قرار گرفته است– کم باشد یا زیاد– [رشوه] بگیرد با این کار فاسق شده است و چنین کاری بر او حرام است. قرطبی: ۳/ ۲۲۶.

پرسش: یکی از راه‌های محافظت روزه‌دار از روزه‌اش دوری از رشوه است، این مطلب را با توجه به سیاق آیات توضیح دهید.

۷ ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

هر کس تقوای الله تعالی را پیشه کند، چشمه‌های حکمت از قلبش می‌جوشد و اسرار و نکات ظریف، بر اساس تقوایش برای او آشکار می‌گردد. آلوسی: ۲/ ۷۴.

پرسش: ثمرهٔ تقوا چیست؟

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۲۹)

أُحِلَّ لَكُمۡ لَيۡلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمۡۚ هُنَّ
لِبَاسٞ لَّكُمۡ وَأَنتُمۡ لِبَاسٞ لَّهُنَّۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ
تَخۡتَانُونَ أَنفُسَكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ وَعَفَا عَنكُمۡۖ فَٱلۡـَٰٔنَ
بَٰشِرُوهُنَّ وَٱبۡتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ
حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ
ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ
عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ١٨٧ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ
أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ
لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ
١٨٨ ۞يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّۗ
وَلَيۡسَ ٱلۡبِرُّ بِأَن تَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ
مَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِنۡ أَبۡوَٰبِهَاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٨٩ وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ
يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ١٩٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلرَّفَثُ	جماع.
لِبَاسٞ	مایهٔ آرامش و پوشیده‌شدن از گناه.
تَخۡتَانُونَ أَنفُسَكُمۡ	خیانت می‌کنید، آن‌گاه در گناه می‌افتید.
بَٰشِرُوهُنَّ	با آنان نزدیکی کنید.
حُدُودُ ٱللَّهِ	محرمات و مناهی الله تعالی.
وَتُدۡلُواْ	پرداخت کنید.

عمل به آیات

۱. پنج مورد از زبان‌های رشوه بر فرد و جامعه را بنویس و آن را در پیامی به دیگران بفرست، ﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

۲. برای استرداد حق مسلمانی که به سبب رشوه گرفته شده است، با دیگران همکاری کن، ﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

۳. مسلمانی را که در مورد او اشتباه کرده‌ای به یاد بیاور، و به هر روشی که شده، حتی با ارسال پیامی، از او عذرخواهی کن، تا مورد محبت الله سبحانه قرار گیری، ﴿وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ﴾

رهنمودها

۱. هدف نهایی از نزول شرایع و وضع قوانین، تقوای الله تعالی است، ﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ﴾

۲. به شبهات نزدیک نشو که در حرام می‌افتی، ﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَا﴾

۳. از خوردن اموال مردم به باطل برحذر باش، ﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣٠)

وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ
أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ
فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٩٢﴾ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ
ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩٣﴾ ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ
بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ
عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ
ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ
وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ
فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ
ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ
مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ
فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ
وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ثَقِفۡتُمُوهُمۡ	آن‌ها را یافتید.
ٱلۡفِتۡنَةُ	آزاررساندن به مسلمانان، یا شرک به الله.
وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ	خودتان را نیندازید.
ٱلتَّهۡلُكَةِ	هلاکت به سبب نرفتن به جهاد یا هزینه‌نکردن در آن.
أُحۡصِرۡتُمۡ	به سبب بیماری یا دشمن بازداشته شدید.
ٱلۡهَدۡيِ	چهارپایانی که به بیت‌الله برده می‌شوند.
نُسُكٖ	ذبیحه: گوسفندی که برای فقرای حرم قربانی می‌شود.
حَاضِرِي	ساکنان.

عمل به آیات

۱. به خانوادهٔ یکی از کسانی که در خدمت دین اسلام قرار دارد هدیه‌ای تقدیم کن، ﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۲. امروز به یک فقیر یا درمانده‌ای نیکی کن؛ زیرا الله تعالی دوست دارد این کار را انجام دهی، ﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۳. با استعانت از الله تعالی، برنامه‌ای مالی و زمان‌بندی‌شده - هر چند طولانی- برای تأمین هزینه‌های حج یا عمره بریز، ﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِ﴾

رهنمودها

۱. انفاق در راه الله، سبب امنیت فرد و جامعه، و خودداری از انفاق، سبب نابودی است، ﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾

۲. اعمال خیری را که انجام می‌دهی با قدرت ادامه بده تا به محبت الله تعالی دست یابی، ﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۳. به اخلاص عبادت برای الله تعالی اهتمام داشته باش، ﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِ﴾

ترجمه آیات

و آنان [= مشرکان] را هر کجا یافتید، بکشید و از آنجا [= مکه] که شما را بیرون کرده‌اند اخراجشان کنید؛ زیرا فتنه [کفر و شرک و آزار رساندن به مسلمانان،] بدتر از قتل است؛ و [با وجود این،] در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر [در آنجا] با شما جنگیدند، آنان را بکشید [که] سزای کافران چنین است. (۱۹۱) پس اگر [از کفرشان] دست برداشتند [از نبرد دست بکشید که] بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۹۲) و با آنها بجنگید تا فتنه [= شرک] باقی نمانَد و دین، [خالصانه] از آنِ الله گردد. پس اگر دست برداشتند، [ستم نکنید که] ستم، جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۳) [این] ماه حرام [(سال هفتم هجری) که امکان عمره‌گزاردن یافتید]، در برابر ماه حرام [سال گذشته] است [که مشرکان شما را از ادای حج بازداشتند] و [هتکِ] حُرمتها[ی سرزمین و ماه حرام] قصاص دارد؛ پس هرکس که دشمنی کرد، همان گونه که بر شما دشمنی کرده است، با او دشمنی نمایید و از الله پروا کنید؛ و بدانید که الله با پرهیزگاران است. (۱۹۴) و در راه الله انفاق کنید و [با فرار از میدان جهاد و ترک انفاق،] خود را با دست خویشتن به هلاکت نیفکنید؛ و نیکی کنید [که] به راستی الله نیکوکاران را دوست دارد. (۱۹۵) و حج و عمره را برای الله به پایان رسانید و اگر [به سبب مانعی مانند ترس از دشمن یا ابتلا به بیماری از این کار] بازماندید، آنچه از قربانی [اعم از شتر، گاو یا گوسفند] میسر شد [ذبح کنید و آنگاه از احرام خارج شوید] و سرهایتان را نتراشید تا قربانی به جایگاهش [در قربانگاه] برسد؛ و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی‌ای در سر داشت [که ناچار بود به سبب آن، در حال احرام سرش را بتراشد،] فدیه بدهد؛ از [قبیل: سه روز] روزه یا صدقه [= خوراک دادن به شش مسکینِ حرم] یا قربانی کردن گوسفندی [که میان فقرای حرم تقسیم شود]. پس هنگامی که در امان بودید، هر کس از عمره بهره‌مند گردید و سپس [اعمال] حج را آغاز کرد، آنچه از قربانی [برایش] میسر شد [ذبح کند]؛ و هر کس [قربانی] نیافت، [باید] سه روز در [ایام] حج و هفت روز [دیگر] هنگامی که [به خانه] بازگشتید روزه بگیرد. این، ده [روزِ] کامل است. این [حکم] برای کسی است که خانواده‌اش ساکن مسجدالحرام [= مکه و اطراف آن] نباشد؛ و از الله پروا کنید و بدانید که الله سخت‌کیفر است. (۱۹۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِ﴾

یعنی گمراه شدن مومن از دین، از قتل او برایش سخت‌تر است. بنابر قولی: کفر کافران سخت‌تر از کشته‌شدن آنان در جهاد توسط مومنان است. ابن جزی: ۱/۱۰۰.

پرسش: چگونه به این آیه استدلال می‌شود بر این‌که حفظ دین مهم‌ترین مقصد شریعت است؟

۲ ﴿وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِ﴾

از آن‌جا که در جهاد افراد کشته می‌شوند الله تعالی هشدار داد که کفر و شرک به الله و بازداشتن از راه او توسط آنان، سخت‌تر و بزرگ‌تر و منفورتر از قتل است؛ از این رو فرمود: ﴿وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِ﴾. ابن کثیر: ۱/ ۲۱۵- ۲۱۶.

پرسش: منظور از فتنه و منظور از قتل در آیه چیست؟ کدام یک از این دو سخت‌تر است؟

۳ ﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِ﴾

الله تعالی هدف از جنگیدن در راه خودش را بیان کرد و فرمود هدف از این کار ریختن خون کافران و گرفتن اموال‌شان نیست، بلکه هدف این است که دین (طاعات و عبادات) برای الله باشد؛ تا دین او تعالی بر سایر ادیان پیروز گردد و شرک و سایر امور معارض با آن از بین برود. سعدی: ۸۹.

پرسش: این آیه بر منظور واقعی از پیکار با کافران و دفع توهّم بعضی از مردم دلالت دارد، این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ﴾

از آن‌جا که وقتی اجازهٔ قصاص- برای طلب تشفی خاطر- به مردم داده شود غالباً از حد خویش فراتر می‌روند، الله تعالی فرمان داد که به تقوای او که همان ایستادن در برابر حدودش و نگذشتن از آن‌هاست، پایبند باشند. سعدی: ۹۰.

پرسش: چرا الله تعالی فرمان داد هنگام قصاص، تقوا پیشه شود؟

۵ ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ﴾

از آن‌جا که این تقوا دربردارندهٔ گذشتن از سهم خویش است، به آنان خبر داد به سبب این‌که تقوا پیشه کردند و بر آن پایدار ماندند تا این‌که تقوا یکی از صفات‌شان شد الله تعالی عوضی به آنان داد و این عوض، همراهی الله با آنان است. بقاعی: ۱/ ۳۶۷.

پرسش: سبب همراهی الله با پرهیزگاران در آیه چیست؟

۶ ﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾

ابو ایوب ﷺ می‌گوید: این آیه در مورد ما گروه انصار نازل شد. زمانی که الله تعالی دینش را عزت بخشید و رسولش را پیروز گرداند، به یکدیگر گفتیم: ما خانواده و اموال‌مان را رها کردیم تا این‌که اسلام گسترش یافت و الله پیامبرش را پیروز گرداند، خوب است نزد خانواده و اموال‌مان بازگردیم و در میان آن‌ها بمانیم و آن‌چه را که تباه شده است بهبود بخشیم، آن‌گاه الله تعالی این آیه را نازل فرمود؛ پس ﴿ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾ عبارت است از ماندن میان خانواده و مال و نرفتن به جهاد. بغوی: ۱/ ۱۷۱.

پرسش: منظور از ﴿ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾ چیست؟

۷ ﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

چون انفاق یکی از بزرگ‌ترین ستون‌های جهاد است و زندگی در صدر اسلام سخت، و مال اندک بود، هر کس هر چه را داشت به این گمان که سبب نجاتش می‌شود نگه می‌داشت و گمان می‌کرد اگر مالش را انفاق کند نابود می‌شود؛ به آنان خبر داد امر این‌گونه نیست که شیطان القا می‌کند: ﴿ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ﴾ [البقرة: ۲۶۸]؛ «شیطان شما را (هنگام انفاق می‌ترساند و) وعدهٔ تهی‌دستی می‌دهد». بقاعی: ۱/۳۶۷.

پرسش: هنگامی که دعوتگر جهاد به سوی جهاد فرا می‌خوانَد چه چیزی سبب نجات و چه چیزی سبب نابودی است؟

ترجمه آیات

[موسمِ] حج ماه‌های مشخصی است [از آغاز شوال تا دهم ذیحجه]؛ پس کسی که در این ماه‌ها حج را [بر خود] واجب گرداند، [باید بداند که] در حج، آمیزش جنسی و [ارتکابِ] گناه و درگیری [و جدال، روا] نیست؛ و هر کار نیکی که انجام دهید، الله آن را می‌داند؛ و [خوراک و پوشاک مورد نیاز حج را برای خود فراهم کنید و] توشه برگیرید [ولی به یاد داشته باشید که] به راستی، بهترین توشه، پرهیزگاری است؛ و ای خردمندان، از من پروا کنید. (۱۹۷) گناهی بر شما نیست که [در ایام حج، با خرید و فروش] از فضل پروردگارتان [منفعت و روزی] طلب کنید؛ و هنگامی که [روز نهم، پس از وقوف] از عرفات کوچ کردید، الله را در «مَشعَر الحرام» یاد کنید؛ و او را یاد کنید، زیرا شما را که پیشتر از گمراهان بودید [به ادای مناسک حج و دیگر اعمال عبادی] هدایت کرد. (۱۹۸) سپس از همانجا که مردم [= پیروان ابراهیم] روانه می‌شوند [شما نیز از عرفات به سوی مِنی] حرکت کنید و از الله آمرزش بخواهید [زیرا] بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۹۹) پس چون مناسک [حج] خود را به جای آوردید، همان گونه که پدرانتان را [با فخر و غرور] یاد می‌کردید ـ بلکه [بهتر و] بیشتر از آن ـ الله را یاد کنید؛ و برخی از مردم [کافرانی] هستند که می‌گویند: «پروردگارا، در دنیا [مال و فرزند] به ما عطا کن». این شخص در آخرت بهره‌ای [از نعمت‌های الهی] ندارد. (۲۰۰) و برخی [دیگر] از ایشان [مؤمنانی] هستند که می‌گویند: «پروردگارا، در دنیا نیکی [= روزی، سلامتی، دانش و ایمان] به ما عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی [عطا فرما] و ما را از عذاب آتش نگه دار». (۲۰۱) اینانند که از دستاوردشان بهره‌ای دارند؛ و الله در حسابرسی، سریع است. (۲۰۲)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّ﴾

حسن می‌گوید: حج مبرور آن است که حاجی در حالی از حج بازگردد که زاهد دنیا و مشتاق آخرت باشد. قرطبی: ۳/ ۳۲۴.

پرسش: حج مومن چگونه مبرور می‌شود؟

❷ ﴿فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُ﴾

تحریک و تشویقی است برای گفتن سخن نیکو به جای سخنان زشت و فحاشی، و نیکی و تقوا در اخلاق به جای ارتکاب گناه و جدال. قرطبی: ۳/ ۳۲۸.

پرسش: توجه قرآن کریم به سخن پاکیزه و دوری از سخن زشت را توضیح بده.

❸ ﴿وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

الله تعالی خردمندان را به صورت خاص ذکر کرد؛ زیرا آنان هستند که حق را از باطل تشخیص می‌دهند و با تفکر صحیح، حقیقت اشیا را از راه عقل و خرد می‌فهمند؛ پس جاهلان، مخاطب این بیان قرار نگرفتند. طبری: ۴/ ۱۶۱.

پرسش: چرا الله تعالی فقط به خردمندان فرمان داد تقوایش را رعایت کنند؟

❹ ﴿وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

این آیه در مورد گروهی از عرب‌ها نازل شد که بدون توشه به حج آمده بودند و برخی از آنان می‌گفتند: ما توکل کرده‌ایم. بعضی از آن‌ها می‌گفتند: چگونه حج خانهٔ الله را به جای آوریم و او به ما روزی ندهد؟ به این ترتیب باری بر دوش مردم قرار گرفتند؛ از این رو از کارشان نهی شدند و فرمان یافتند که توشه برگیرند. ابن عطیه: ۱/ ۲۷۳.

پرسش: هر کس اسباب را به کار نگیرد توکل‌کننده به شمار نمی‌رود، این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

❺ ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ﴾

چون از جدال در حج نهی فرمود، این احتمال می‌رود که از تجارت در حج نیز نهی شده باشد؛ زیرا تجارت غالباً به نزاع بر سر کمی یا زیادی قیمت منجر می‌شود؛ از این رو، حکم تجارت را در ادامه ذکر کرد. آلوسی: دو/ ۸۷.

پرسش: چرا الله تعالی پس از نهی از جدال، جواز تجارت در حج را بیان فرمود؟

❻ ﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا﴾

الله تعالی ذکر را در کنار دعا آورد تا اشاره کند به این‌که ذکر، زمانی معتبر است که با حضور قلب و توجه باطن صورت گیرد؛ چنان‌که دعا کننده هنگام خواستنِ نیازش چنین حالتی دارد، نه این‌که فقط زبانش را تکان دهد ... الله تعالی ابتدا ذکر را آورد زیرا ذکر، کلید اجابت است. سپس فرمود آنان در خواستن از الله تعالی به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ یک گروه کسانی هستند که محبت دنیا بر آنان غلبه یافته است و فقط آن را می‌خواهند و گروهی دیگر حال نیکو در دنیا و آخرت را می‌جویند. آلوسی: ۲/ ۹۰.

پرسش: چرا الله تعالی ذکر و دعا را کنار هم قرارداد؟ و چرا ابتدا ذکر را بیان فرمود؟

❼ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

از علی ﷺ سوال شد: الله چگونه مردم را با وجود فراوانی آنان مورد محاسبه قرار می‌دهد؟ پاسخ داد: همان‌گونه که آنان را با وجود فراوانی‌شان روزی می‌دهد. ابن کثیر: ۱/ ۱۰۳.

پرسش: الله تعالی چگونه مردم را با وجود این‌که شمار زیادی هستند محاسبه می‌کند؟

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣١)

ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا
رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ
خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ
وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٧ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ
أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ
عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ
وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ
لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ١٩٨ ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ
ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٩
فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ
ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ
رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ
٢٠٠ وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ
وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١ أُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٢٠٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞ	یعنی: شوّال، ذوالقعده و ده روز اوّل ذوالحجّه.
رَفَثَ	جماع و مقدمات گفتاری و رفتاری آن.
فَضۡلٗا	روزی از طریق تجارت.
أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ	برای رجوع از عرفات، پس از غروب خورشید بازگشتید.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی یاری بخواه و برنامه‌ای مالی و زمان‌بندی‌شده که نیازهای مالی‌ات را در آن جمع می‌کنی بریز، و از این طریق، خودت را از خواری گدایی بازدار، و بکوش که این برنامه تو را از انجام اوامر الله بازندارد، ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ﴾

۲. امروز برای اعتراف به کوتاهی و جبران آن، بعد از هر عبادت و عمل نیکی که انجام می‌دهی، آمرزش بخواه، و تلاش کن بر این کار عادت کنی، ﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

۳. امروز این دعا را که در قرآن کریم وارد شده است بسیار بخوان: ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾

رهنمودها

۱. کسانی که به مقاصد عبادات را می‌فهمند علم و تربیت و اخلاق بهتری دارند، ﴿فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّ﴾

۲. همان‌گونه که به اسباب مادی – مانند آب و غذا – اهمیت می‌دهی، به اسباب شرعی مانند اصلاح و تقوای قلب نیز اهمیت بده، ﴿وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

۳. هیچ کار نیکی را هر چند کوچک باشد خوار مشمار؛ زیرا گاهی چیزی را ناچیز می‌پنداری اما نزد الله سبحانه بزرگ است، ﴿وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُ﴾

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۳۲)

۞وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي
يَوۡمَيۡنِ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۖ لِمَنِ
ٱتَّقَىٰۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ
۲۰۳ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ۲۰۴
وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ
وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ ۲۰۵ وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ
أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُۖ وَلَبِئۡسَ
ٱلۡمِهَادُ ۲۰۶ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ
مَرۡضَاتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ۲۰۷ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ
ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ۲۰۸ فَإِن زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ
مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
۲۰۹ هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِي ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ۲۱۰

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ	بسیار دشمن و ستیزه‌جو.
فَحَسۡبُهُۥ	برایش کافی است.
ٱلۡمِهَادُ	فرش و بستر.
ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ	پاره‌هایی از ابر.

عمل به آیات

۱. در ارزیابی و قضاوت دیگران یا کوتاهی می‌کنیم یا زیاده‌روی به خرج می‌دهیم؛ پس با اطرافیانت مشورت کن، سپس قواعدی مفید در ارزیابی دیگران بنویسید، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ﴾

۲. شخصی معاصر را که گمان می‌کنی جان خویش را در جستجوی خوشنودی الله فروخته است مشخص کن، سپس در سیره و راه او بیندیش، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ﴾

۳. گناهی را که بیش از یک بار از تو سرزده است به یاد بیاور، سپس وسوسه‌های شیطان در آن گناه را که بر تو القا کرده مشخص کن تا از همان اول از وسوسه‌هایش برحذر باشی، ﴿وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ﴾

رهنمودها

۱. کبر، مانع پذیرش نصیحت است؛ بنابراین از آن بسیار به الله پناه ببر و متکبر نباش، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِ﴾

۲. از کسانی باش که جان و وقت خویش را برای جستجوی خوشنودی الله و اشتیاق به بهشت او می‌فروشند، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ﴾

۳. از شیطان و وسوسه‌هایش برحذر باش، و همیشه به یاد داشته باش که شیطان گام‌ها و برنامه‌هایی برای گمراه‌کردن مومن دارد؛ از این‌رو، از شر شیطان، بسیار به الله تعالی پناه ببر، ﴿وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ﴾

ترجمه آیات

الله را در روزهای معیّن [= سه روز ایام تشریق (یازدهم تا سیزدهم ذی‌حجه)] یاد کنید؛ پس کسی که شتاب کند و طی دو روز [اعمال را انجام دهد،] گناهی بر او نیست؛ و کسی که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد،] گناهی بر او نیست. [این حق اختیار،] برای کسی است که تقوا پیشه کند؛ و [ای مؤمنان،] از الله پروا کنید و بدانید که به سوی او محشور خواهید شد. (۲۰۳) و [ای پیامبر،] از مردم کسی هست که گفتارش در [مورد] زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر [ایمان قلبی و] آنچه در دلش دارد گواه می‌گیرد [تا جایی که او را راستگو می‌پنداری] و حال آنکه او [در زمرهٔ] سرسخت‌ترینِ دشمنان [و بدخواهانِ اسلام و مسلمین] است. (۲۰۴) او هنگامی که [از تو] روی برمی‌گرداند و [از نزدت] می‌رود [یا به ریاستی می‌رسد،] در راهِ فساد در زمین می‌کوشد و [محصولات] کشاورزی و چهارپایان را نابود می‌سازد؛ و الله فساد و [تباهکاری] را دوست ندارد. (۲۰۵) و هنگامی که به او گفته می‌شود: «از الله بترس»، خودبزرگ‌بینی [و غرور] او را به [استمرار بر انجام] گناه می‌کشانَد؛ پس [آتش] جهنم برایش کافی است و چه بد جایگاهی است! (۲۰۶) و از مردم کسی [نیز] هست که جان خود را برای کسبِ خشنودی الله می‌فروشد؛ و الله نسبت به بندگان مهربان است. (۲۰۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اسلام [و اطاعتِ الله] درآیید و از [راه‌ها و] گام‌های شیطان پیروی نکنید. به راستی که او دشمن آشکار شماست. (۲۰۸) و اگر پس از آنکه نشانه‌های روشن و آشکار برایتان آمد، لغزش کردید و [منحرف شدید]، بدانید که الله شکست‌ناپذیر حکیم است. (۲۰۹) آیا انتظارِ [پیروان شیطان] غیر از این است که الله [در روز قیامت، برای داوری] در سایبان‌هایی از ابرها به سویشان بیاید و فرشتگان [نیز برای اجرای عذاب الهی آنان را احاطه کنند] و کار یکسره شود؟ و [آگاه باشید که همهٔ] کارها به سوی الله بازگردانده می‌شود. (۲۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ﴾
آیه این پند را در بر دارد که خصومت و ستیزه‌جویی، ناپسند است. از پیامبر ﷺ روایت است که می‌فرماید: «أَبْغَضُ الرِّجَالِ إِلَى اللهِ الأَلَدُّ الخَصِمُ» [صحیح بخاری: ۲۴۵۷] «منفورترین انسان نزد الله، انسان سرسخت و ستیزه‌گر است». ستیزه‌جویی، صفت منافقان است؛ زیرا آنان دنیا را دوست دارند و به خاطر آن زیاد ستیزه‌جویی می‌کنند. آلوسی: ۲/ ۹۵.
پرسش: خصومت جایز است، اما شدت در آن ناپسند است؛ این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ۝ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ﴾
این آیه دلالت دارد بر این‌که سخنان اشخاص، دلیل بر صدق و کذب یا نیکی و صلاح و تبهکاری‌شان نیست؛ مگر این‌که عمل آنان، سخنان‌شان را تصدیق یا تأیید کند؛ و این‌که شایسته است حال شاهد و حق‌دار و حق‌ندار، از طریق اعمال‌شان و بر اساس قراین احوال‌شان، بررسی شود، و فریب تلبیس و ادعای‌شان را نخورد. سعدی: ۹۴.
پرسش: آزمایش واقعی برای پذیرش سخن مردم چیست؟

۳ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ﴾
این آیه، دلیل و هشداری است بر احتیاط در امور دین و دنیا، و تحقیق در احوال شهود و قضات، و این‌که حاکم بر اساس ظاهر احوال مردم و ایمان و صلاح آنان عمل نکند تا این‌که از باطن‌شان جستجو به عمل آورد؛ زیرا الله تعالی بیان فرمود که برخی از مردم سخن زیبا و نیکو می‌گویند، اما نیت بدی دارند. قرطبی: ۳/ ۳۸۳.
پرسش: سبب بسیاری از اشتباهات، خطا در ارزیابی مردم است که آیه ما را از این مورد برحذر داشته است. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ﴾
﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ﴾ از کسی که او را با سخنش فریب داده است روی برمی‌گرداند، ﴿سَعَىٰ﴾ روی زمین راه می‌افتد تا با ایجاد شبهه در دل‌های مسلمانان، و ارائهٔ حیله‌ها برای تقویت کفر، بر روی زمین فساد برپا کند. قاسمی: ۱/ ۸۲.
پرسش: چه ارتباطی میان سخن و رفتار فرد وجود دارد؟ بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾
﴿ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ﴾ یعنی تمام احکام دین را به‌جا آورید، و هیچ‌یک از احکامش را رها نکنید، و جزء کسانی نباشید که هوای نفس‌شان را معبود خویش قرار داده‌اند: اگر حکم شرعی موافق هوای نفس‌شان باشد آن را انجام می‌دهند، اما اگر با هوای نفس‌شان مخالف باشد آن را رها می‌کنند. در صورتی که هوای نفس باید تابع دین باشد و انسان هر کار خیری را که می‌تواند انجام دهد. سعدی: ۹۴.
پرسش: چرا فرمان یافتیم کاملاً در اسلام وارد شویم؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾
ورود کامل در اسلام، فقط از طریق مخالفت با راه‌های شیطان ممکن و متصور است؛ بنابراین فرمود: ﴿وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾. سعدی: ۹۴.
پرسش: چرا پس از امر به ورود کامل در اسلام، به پیروی‌نکردن از گام‌های شیطان فرمان داد؟

۷ ﴿فَإِن زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾
آیه دلالت دارد بر این‌که کیفر گناه عالِم، سخت‌تر از کیفر گناه جاهل است. قرطبی: ۳/ ۳۹۵.
پرسش: عبادت و معصیت عالم، از عبادت و معصیت دیگران بزرگ‌تر است؛ این مطلب را توضیح دهید.

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] از بنی‌اسرائیل بپرس [که] چه اندازه نشانه‌های آشکار به آنها داده‌ایم؛ و کسی که نعمتِ الله را ـ پس از آنکه نصیبش شدـ [به کفر و ناسپاسی] تبدیل کند، [عذاب سختی خواهد داشت و باید بداند که] الله سخت‌کیفر است. (۲۱۱) زندگی دنیا برای کافران آراسته شده است و [آنان] مؤمنان را مسخره می‌کنند؛ و [حال آنکه] پرهیزگاران در روز قیامت بالاتر از آنان هستند؛ [زیرا در بهشت جاودانند] و الله هر کس را بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد. (۲۱۲) [در آغاز،] مردم یک امت [و پیرو یک دین] بودند [اما پس از آنکه اختلاف کردند]؛ آنگاه الله پیامبران را بشارت‌بخش و بیم‌دهنده برانگیخت و همراه با آنان کتاب [آسمانی] را به‌حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کنند؛ و فقط کسانی که [تورات] به آنان داده شده بود ـ پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنها رسیدـ به خاطر ستم و حسادتی که بینشان بود، در مورد آن اختلاف کردند؛ پس الله به فرمانِ خویش کسانی را که ایمان آورده بودند، به حقیقتی که در آن اختلاف داشتند هدایت نمود؛ و الله هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. (۲۱۳) [ای مؤمنان،] آیا پنداشته‌اید که وارد بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سرِ] پیشینیان شما آمد، بر [سرِ] شما نیامده است؟ دشواری و زیان به آنان رسید و [چنان سختی کشیدند و] به لرزه افتادند که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند گفتند: «یاریِ الله کی فرا خواهد رسید؟» آگاه باشید! بی‌تردید، یاریِ الله نزدیک است. (۲۱۴) [ای پیامبر، یارانت] از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؛ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، باید به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و درراه‌ماندگان باشد؛ و هر کار نیکی که می‌کنید، الله به آن داناست». (۲۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۭ بَيِّنَةٖۗ وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

اصل این تبدیل چنین است: رد علم عالم بر او، و رد صلاح صالح به خودش، و عدم اقتدا به علم عالم و هدایت‌نیافتن به صلاح صالح. بقاعی: ۱/ ۳۹۰.

پرسش: اصل تبدیل در آیه چیست؟

۲ ﴿وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

کسی که الله نعمتی دینی یا دنیوی به او داده باشد اما شکر آن را به جای نیاورَد، و حقوق واجبش را ادا نکند، آن نعمت نابود و تباه و تبدیل به کفر و معاصی می‌شود؛ یعنی کفر جایگزین نعمت می‌گردد. اما کسی که شکر الله تعالی را به جای آورد و حقوق نعمت را ادا گرداند؛ نعمتش مستقر و پایدار می‌ماند و الله بر آن می‌افزاید. سعدی: ۹۵.

پرسش: سبب ثبات و نابودی نعمت چیست؟

۳ ﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

کسانی را که به تو ایمان آورده و تو را تصدیق کرده‌اند، به این سبب مسخره می‌کنند که در کسب دنیا و اسباب و اموالش از یکدیگر سبقت نمی‌گیرند و بر آن فخرفروشی نمی‌کنند تا به ریاست برسند، و در عوضِ ترکِ دنیا و زینتش، مزدی را که نزد من است می‌خواهند. طبری: ۴/ ۲۷۳.

پرسش: معیارهای دنیادوستان در رستگاری و کامیابی چیست؟

۴ ﴿فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ﴾

از عایشه رضی الله عنها روایت است که: «اللَّهُمَّ رَبَّ جَبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» [صحیح مسلم: ۷۷۰] «یا الله! ای پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل، ای پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین، و آگاه از دنیای پنهان از دیدگان، و مطلّع از جهان عیان، تـو در بین بندگانت در آن‌چه که در آن اختـلاف می‌ورزند، حاکمی، مرا به آن‌چه که از حق در آن اختلاف شده است، با اراده‌ات هدایت فرما؛ زیرا تو هر کس را که بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی». ابن تیمیه: ۱/ ۴۹۳.

پرسش: پیامبر صلی الله علیه وسلم در کدام دعا، هدایت در امور اختلافی را از الله طلب می‌کرد؟

۵ ﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ﴾

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ﴾ این خطاب به مومنان برای تشویق و امر به شکیبایی در برابر سختی‌هاست.

﴿وَلَمَّا يَأۡتِكُم﴾ یعنی وارد بهشت نخواهید شد تا این‌که آن‌چه را که به پیشینیان رسد به شما برسد. ابن جزی: ۱/ ۱۰۷.

پرسش: آیه چه شرطی را برای ورود به بهشت قرار داده است؟

۶ ﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ﴾

آیه اعلام می‌کند که پیامبران و همراهیان آنان وقتی که با غیر الله قطع رابطه کنند، الله سبحانه و تعالی برای‌شان گشایش حاصل می‌کند؛ تا دل‌های‌شان را برای تقوا و پرهیزگاری پاکیزه و خالص نماید؛ آن‌گاه باطن آنان از تمایل به هیچ یک از مخلوقات پاک می‌شود، و دل‌های‌شان فقط به الله تعالی وابسته می‌گردد. بقاعی: ۱/ ۳۹۷.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که چرا گاهی پیروزی به تأخیر می‌افتد؟

۷ ﴿يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ﴾

به سبب ورود خلل بر نیات هنگام انفاق، آیه را با علم به پایان برد؛ زیرا انفاق یکی از شدیدترین مواردی است که نفس به آن مباهات می‌کند؛ یعنی نزدیک است که انفاق شخص پذیرفته نشود مگر آن انفاقی که دست چپ انفاق‌دهنده از آن باخبر نشده باشد. بقاعی: ۱/ ۴۰۰.

پرسش: به پایان‌رساندن آیه با صفت علم الله سبحانه، چه دلالتی دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣٣)

سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۭ بَيِّنَةٖۗ وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ
ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢١١ زُيِّنَ
لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ
ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ
٢١٢ كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ
فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ
مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ
إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ ٢١٣ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا
يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ
وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ
ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ ٢١٤ يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ
مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ
وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٢١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡبَأۡسَآءُ	فقر.
ٱلضَّرَّآءُ	بیماری.

عمل به آیات

۱. پیامی بنویس و در آن بیان کن که لباس بدن‌نمای زنان، ناسپاسی نعمت است، ﴿وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

۲. از الله تعالی به خاطر نزول و حفاظت قرآن بسیار سپاس‌گزاری کن؛ زیرا با حفظ قرآن، دین ثابت می‌ماند و مانند سایر ادیان دچار تحریف نمی‌شود، ﴿وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ﴾

۳. به دیدار مسلمانی مصیبت‌زده برو و به او بگو فقط مومن مورد ابتلا قرار می‌گیرد و سرانجامِ ابتلا و آزمایش، بهشت است، ﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ﴾

رهنمودها

۱. پایداری در دین و ارزش‌ها و اصول، امنیت فرد و جامعه را به همراه دارد، ﴿وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

۲. آغاز خواری و زیان و نابودی امت، این است که به خاطر ریاست و عمل به خواهشات و تعصب‌ها، در کتاب و دین خویش اختلاف کنند، ﴿وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡ﴾

۳. باید از محبت بیش از حد به زینت زندگی دنیا و غالب‌شدن آن بر قلب برحذر بود، ﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣٤)

كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ
شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ
لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٢١٦ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ
ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ
أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ وَلَا يَزَالُونَ
يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْۚ وَمَن
يَرۡتَدِدۡ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ
حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢١٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ
هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ
ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢١٨ ۞ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ
قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثۡمُهُمَآ أَكۡبَرُ
مِن نَّفۡعِهِمَاۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلِ ٱلۡعَفۡوَۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡفِتۡنَةُ	شرک.
وَٱلۡمَيۡسِرِۖ	قمار؛ یعنی گرفتن یا دادن مال از طریق مسابقاتی که عوضی از هر دو طرف در آن قرار دارد.

عمل به آیات

۱. چیزی را به یاد بیاور که آن را دوست داری اما الله آن را از تو بازداشته است، یا آن را نمی‌پسندی اما الله آن را برایت مقدّر کرده است، و شکر الله را به جای بیاور؛ شاید خیری در آن برایت وجود دارد، ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۲. سه نکته از این آیهٔ بزرگ قرآنی بنویس، ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡ﴾

۳. امروز این دعا را تکرار کن: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دین خویش پایدار بدار»، ﴿وَمَن يَرۡتَدِدۡ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾

رهنمودها

۱. جهاد در راه الله از ابتدا وجود داشته و حکم آن، تا روز قیامت باقی است، ﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

۲. مسلمان صادق کارش را به الله می‌سپارد، حتی اگر حکم الله مخالف هوای نفسش باشد، ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡ﴾

۳. نخستین و اساسی‌ترین سبب جنگ علیه سرزمین‌های اسلامی، دین است؛ هر چند بهانه‌ای دیگر را عنوان کنند، ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْ﴾

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] جهاد [در راه الله] بر شما واجب شده است، در حالی که [به سبب هزینهٔ مالی و جانی] برایتان ناخوشایند است. چه بسا از چیزی خوشتان نیاید، حال آنکه برایتان بهتر است و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه برایتان شرّ است؛ و الله [خیر و شرِّ امور را] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۱۶) [ای پیامبر،] دربارهٔ [حکم] جنگ در ماه حرام [= محرم، رجب، ذی‌قعده و ذی‌حجه] از تو می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در این [ماه‌ها، گناهی] بزرگ است و بازداشتن از راه الله و کفر ورزیدن به او و [جلوگیری از ورود مردم به] مسجدالحرام و بیرون راندن اهلش از آنجا، نزد الله [گناهی] بزرگ‌تر است؛ و فتنه[ی شرک] از قتل بزرگ‌تر است». و [ای مؤمنان، مشرکان] پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند؛ و کسانی از شما که از دینشان بازگردند و در حال کفر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه می‌گردد و اینان اهلِ آتشند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۷) کسانی که ایمان آوردند و کسانی که [برای برپاییِ دین حق] هجرت نمودند و در راه الله جهاد کردند، آنان به رحمتِ الله امیدوارند و الله [نسبت به اینان] آمرزندهٔ مهربان است. (۲۱۸) [ای پیامبر، اصحابت] دربارهٔ شراب و قمار، از تو می‌پرسند؛ بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ و [نیز] سودهایی برای مردم وجود دارد؛ ولی گناهِ آن دو، از سودشان [بیشتر و] بزرگ‌تر است»؛ و از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «مازاد [از نیازمندی خود را]». الله اینچنین آیات [خود] را برای شما روشن می‌سازد؛ باشد که بیندیشید. (۲۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡ﴾

این نفرت به سبب بیزاری سرشت از پیکار است؛ زیرا پیکار، سبب مصرف مال و سختی نفس و به خطر انداختن جان است؛ نه این‌که فرمان الله تعالی را نمی‌پسندند. بغوی: ۱/ ۲۰۳.

پرسش: پیکار در راه الله تعالی از چه نظر برای مومنان ناپسند است؟

۲ ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

زیرا پیکار، پیروزی و غلبه بر دشمنان، و تسلط بر سرزمین و اموال و نسل و فرزندان‌شان را در پی دارد. ابن کثیر: ۱/ ۲۳۹.

پرسش: پیکار چرا با وجود سختی و درد ظاهری‌اش، خیر به‌شمار می‌رود؟

۳ ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡ﴾

تخلف از جهاد، گاهی پیروزی و استیلای دشمن بر سرزمین و حکومت را به دنبال دارد. ابن کثیر: ۱/ ۲۳۹.

پرسش: جامعه گاهی از ترک جهاد خوشحال است، اما این امر برایش بد است؛ چرا؟

۴ ﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِ﴾

هر چند کشتن انسان‌ها، کار بد است؛ اما فتنهٔ حاصل از کفر و پیروزی کافران، از آن بدتر است؛ بنابراین از میان دو فساد، فساد بزرگ‌تر با پذیرش فساد کوچک‌تر، دفع می‌شود. ابن تیمیه: ۱/ ۵۰۱.

پرسش: حرکت جامعه به سوی کفر، خسارت بیشتری به همراه دارد یا حرکت جامعه به سوی جهاد؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ﴾

بر اساس این آیه، سزاوار نیست که بنده به اعمالی که انجام داده، تکیه و اعتماد کند؛ بلکه باید به رحمت پروردگارش و پذیرش اعمال خویش و آمرزش گناهانش و پوشیده‌شدن عیوبش امیدوار باشد. سعدی: ۹۸.

پرسش: آیه هشدار بزرگی بر اصحاب اعمال صالح دارد، این هشدار بزرگ چیست؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

در حالی که قبلاً آنان را ستوده است، ﴿يَرۡجُونَ﴾ را به این دلیل ذکر فرمود که هیچ‌کس در این دنیا نمی‌داند وارد بهشت می‌شود حتی اگر در طاعت الله به اوج رسیده باشد؛ به دو دلیل: یکی این‌که نمی‌داند چه سرانجامی خواهد داشت، و دوم این‌که بر عملش تکیه نکند. قرطبی: ۳/ ۴۳۲.

پرسش: چرا الله سبحانه ﴿يَرۡجُونَ﴾ - را که صیغه‌ای احتمالی است- آورد، در حالی که آنان اعمال بزرگی دارند؟

۷ ﴿كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ﴾

یعنی در آیات بیندیشید. آن‌گاه احکام را از آن‌ها استنباط کنید، و مصالح و منافع منوط به آن‌ها را بشناسید؛ امید است که با تفکر آیات برایتان واضح و آشکار گردد. سپس به بهترین دیدگاه عمل کنید و از آن‌چه که به شما زیان می‌رساند و سودی نمی‌بخشد، یا زیان آن از سودش برای شما بیشتر است، پرهیز کنید. آلوسی: ۲/ ۱۱۶.

پرسش: تفکر در آیات قرآن چه فایده‌ای دارد؟

ترجمه آیات

دربارهٔ دنیا و آخرت [بیندیشید]؛ و [ای پیامبر،] از تو در مورد [نحوهٔ سرپرستی‌شان بر] یتیمان می‌پرسند؛ بگو: «اصلاحِ [کار و پرهیز از درآمیختن اموالِ] آنان بهتر است؛ و اگر با [تجمیع اموال آنان با داراییِ خود، در هزینه‌های زندگی و مسکن با] آنان همزیستی کنید، [ایرادی در این کار نیست؛ زیرا] آنها برادرانِ [دینی] شما هستند». و الله تبهکار را از درستکار می‌شناسد؛ و اگر الله می‌خواست، [در مورد یتیمان سخت‌گیری می‌کرد و] شما را به زحمت می‌انداخت. به راستی که الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۲۰) و [ای مؤمنان] با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید؛ و بی‌گمان، کنیزِ مؤمن، از زنِ [آزادِ] مشرک بهتر است؛ گرچه [زیبایی یا دارایی‌اش] مورد پسندتان واقع گردد؛ و [زنان مسلمان را] به ازدواج مردان مشرک درنیاورید، مگر آنکه ایمان بیاورند؛ و قطعاً بردهٔ مؤمن، از مردِ [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه شیفتهٔ [دارایی و موقعیتِ] او شده باشید. آنان به سوی آتش [دوزخ] فرا می‌خوانند و الله به فرمان [و توفیق] خویش به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیات [و احکام] خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پند گیرند. (۲۲۱) و [ای پیامبر،] از تو دربارهٔ حیض [= عادت ماهانهٔ زنان] می‌پرسند؛ بگو: «آن پلید و زیانبار است؛ پس در حالت قاعدگی از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند [و غسل کردند،] از همان جا که الله به شما فرمان داده است [یعنی از راه قُبُل و نه از راه دُبُر] با آنان آمیزش کنید. به راستی که الله توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را [نیز] دوست دارد». (۲۲۲) زنان شما، [در حُکمِ] کشتزاری برای شما هستند؛ پس هر گونه که می‌خواهید به کشتزار [= رَحِمِ همسرِ] خود درآیید، و [توشه‌ای همچون فرزند صالح] برای خود پیش بفرستید و از الله پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و [ای پیامبر، دربارهٔ نعمت‌های الهی] به مؤمنان بشارت بده. (۲۲۳) و الله را دستاویز سوگندهایتان قرار ندهید تا [به این بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و آشتی‌دادن میان مردم [دست بردارید]؛ و [بدانید که] الله شنوای داناست. (۲۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ﴾

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ﴾ یعنی در اقوال یا افعال و احوال‌شان؛ پس هر کس با آنان معاشرت کند در معرض خطر قرار دارد. این خطر دنیوی نیست؛ بلکه بدبختی همیشگی را به دنبال دارد. از تعلیل آیه، نهی از معاشرت و دوستی با هر مشرک و بدعتگذاری به دست می‌آید؛ زیرا وقتی که چنین ازدواجی جایز نباشد، در حالی که ازدواج مصالح زیادی دارد، معاشرت محض از باب اولی مجاز نخواهد بود، به‌خصوص معاشرتی که سبب برتری مشرک و مانند آن بر مسلمان باشد. سعدی: ۹۹.

پرسش: خطر معاشرت مسلمان با بدعتگذاران و مشرکان چگونه از آیه به دست می‌آید؟

۲ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ﴾

منظور آیه این است که مؤمن باید از آن‌چه که در آخرت به او زیان می‌رساند دوری کند و پیرامون منطقهٔ ممنوع نچرخد و از امور محتمل بپرهیزد، با توجه به این‌که نفس و شیطان انجام آن‌چه را که سبب ورود به جهنم می‌شود آسان می‌سازند. آلوسی: ۲/ ۱۲۰.

پرسش: مسلمان چه زمانی بیشتر در معرض نابودی قرار دارد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ﴾

این آیه کسانی را که پس از توبه، دوباره مرتکب گناه شده‌اند تشویق و دلگرم می‌کند که بعد از ارتکاب گناه برای بار دوم [یا بیشتر] نیز به توبه روی آورند؛ زیرا گناهکار می‌ترسد که اگر پس از توبه دوباره مرتکب گناه شود، دروغی در نامهٔ اعمالش درج گردد و مسخره‌کننده به شمار آید؛ در نتیجه از نظر الله بیفتد و الله اهمیتی به او ندهد، و این کار او را از توبه بازدارد. بقاعی: ۱/ ۴۲۲.

پرسش: چرا واژهٔ ﴿ٱلتَّوَّٰبِينَ﴾ که خبر از استمرار می‌دهد بیان شد؟

۴ ﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

بیان نشد که بشارت به چه چیزی؟!؛ تا بر عموم دلالت کند و نیز بشارت در دنیا و آخرت را شامل شود؛ پس این بشارت، شامل هر کسب خیر و هر دفع ضرری است که به سبب ایمان باشد. سعدی: ۱۰۰.

پرسش: چرا الله تعالی در این آیه «مورد بشارت» را بیان نفرمود؟

۵ ﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ﴾

یعنی: زیاد به الله سوگند یاد نکنید؛ که این کار برای قلب رعب‌آور است. الله تعالی فرمود: ﴿وَٱحۡفَظُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ﴾ [المائدة: ۸۹] «و سوگندهای‌تان را حفظ کنید (و نشکنید)»؛ و کسی را که زیاد سوگند یاد می‌کند این‌گونه سرزنش فرمود: ﴿وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ﴾ [القلم: ۱۰] «و از هر فرومایه‌ای که بسیار سوگند (دروغ) یاد می‌کند، اطاعت مکن». قرطبی: ۴/ ۱۳.

پرسش: قسم و سوگند کم، چه فایده‌ای دارد؟

۶ ﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

الله تعالی آنان را نهی کرد از این‌که سوگند به الله را مانع انجام کاری که به آن فرمان داده است قرار دهند؛ تا از طاعت او تعالی به سبب سوگندی که یاد کرده‌اند خودداری نکنند. ابن تیمیه: ۱/ ۵۱۷.

پرسش: سوگند و قسم چه زمانی ناپسند هستند؟

۷ ﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

آیه را با دو نام نیکوی سمیع و علیم به پایان رساند. یعنی تمام صداها را می‌شنود و به اهداف و نیت‌ها آگاه است. از جمله این‌که سخن سوگندیادکنندگان را می‌شنود و از اهداف آنان آگاه است که خیر است یا شر. در ضمن آیه، از کیفر او تعالی برحذر داشته شده است، و این‌که الله تعالی از اعمال و نیت‌های‌تان آگاهی کامل دارد. سعدی: ۱۰۰- ۱۰۱.

پرسش: پایان آیه، بزرگی و اهمیت سوگند را بیان می‌کند، این مطلب را توضیح دهید.

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣٥)

فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ
خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ
ٱلۡمُصۡلِحِۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ
٢٢٠ وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ
خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ
حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ
أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ
بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٢١
وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي
ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ
مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ
٢٢٢ نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ وَقَدِّمُواْ
لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٢٣ وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ
وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٢٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَأَعۡنَتَكُمۡ	بر شما سخت می‌گرفت.
حَرۡثٞ لَّكُمۡ	کشتزار شما، که نطفه را در آن می‌ریزید سپس باردار می‌شوند.
أَنَّىٰ	به هر حالتی که خواستید، به شرط این‌که در محل کشت، یعنی فرج باشد.
عُرۡضَةٗ	مانعی.

عمل به آیات

۱. یتیمی را اکرام کن، یا در کفالت او بکوش، ﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ﴾

۲. الله سبحانه هر جامعه‌ای را با ایجاد دعوتگرانِ به سوی خیر و دعوتگرانِ به سوی شر می‌آزماید، پس در جامعهٔ خویش دعوتگران به سوی خیر را مشخص گردان و در یاری آنان بکوش و برای‌شان دعا کن، ﴿أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦ﴾

۳. امروز برای هر نمازی وضویی جدید بگیر، حتی اگر قبلا وضو داشته باشی، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ﴾

رهنمودها

۱. سوال افراد مورد اعتماد دربارهٔ احکام اموال و حفظ حقوق، یکی از نشانه‌های پرهیزگاران رستگار است، ﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞ﴾

۲. الله سبحانه به انسان مؤمن توصیه فرموده که در جستجوی همسری مومن و دیندار باشد، ﴿وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡ﴾

۳. اسلام، سَنبل نظافت و پاکیزگی است، و ظریف‌ترین نکات پاکیزگی در قرآن کریم بیان شده است، ﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٣٦)

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ
قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ﴿٢٢٥﴾ لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ
أَرۡبَعَةِ أَشۡهُرٖۖ فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنۡ عَزَمُواْ
ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢٧﴾ وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ
ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ
إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي
ذَٰلِكَ إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗاۚ وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ
وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ
فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَأۡخُذُواْ
مِمَّآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ شَيۡـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۖ
فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَا فِيمَا ٱفۡتَدَتۡ
بِهِۦۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا
غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن
يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۗ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ	سوگند بیهوده، یعنی سوگندی که سوگندخورنده آن را قصد نمی‌کند.
يُؤۡلُونَ	سوگند یاد می‌کنند که با زنان‌شان نزدیکی نکنند.
تَرَبُّصُ	انتظار.
فَآءُو	بازگشتند.
يَتَرَبَّصۡنَ	انتظار بکشند.
ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖ	سه حیض.

عمل به آیات

۱. امروز برای بزرگداشت الله تعالی سوگند نخور، ﴿لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡ﴾

۲. امروز هدیه‌ای به همسرت تقدیم کن، یا آن را به پدرت بده تا آن را با نام خودش به مادرت تقدیم کند، ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

۳. طی یک پیامی در مورد تحریف حقوق زنان و سوء استفاده منافقان و فریب‌خوردگان از این قضیه، به منظور به فساد کشاندن زنان، هشدار بده، ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞ﴾

رهنمودها

۱. یکی از حکمت‌های نگه‌داشتن عده این است که زوجین در مدت عده، عواطف و مصالح خودشان را قبل از جدایی بیازمایند، ﴿وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖ﴾

۲. هر یک از زوجین حقوق و وظایفی دارند و خانواده فقط در صورتی خوشبخت می‌شود که تمام این حقوق و وظایف محقق گردد، ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

۳. مرد جایگاهی افزون بر زن دارد؛ پس هر کس بپندارد که مرد و زن مساوی هستند اشتباه کرده و با کلام آفریدگارِ مرد و زن که از حال‌شان آگاه است مخالفت ورزیده است، ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞ﴾

ترجمه آیات

الله شما را به خاطر سوگندهایی که بیهوده و بدون قصد یاد می‌کنید، مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی به خاطر آنچه دل‌هایتان [عمداً] کسب کرده است [و سوگندهای دروغی که آگاهانه بر زبان آورده‌اید] بازخواست می‌کند؛ و [اگر توبه کنید،] الله آمرزندۀ بردبار است. (۲۲۵) برای کسانی که [به رسم جاهلیت] بر ترک آمیزش با زنان خود سوگند یاد کنند [= ایلاء می‌کنند] چهار ماه انتظار [و مهلت] است. پس اگر [در مدت چهار ماه یا کمتر، پشیمان شدند و به زنانشان] بازگشتند، [بدانند که] الله آمرزندۀ مهربان است. (۲۲۶) و اگر [بر ترک زنانشان پافشاری کردند و] تصمیم به طلاق گرفتند، [بدانند که] همانا الله شنوای داناست. (۲۲۷) زنان مطلّقه [پیش از ازدواج مجدد] باید به مدت سه بار پاکی [= دیدن سه بار عادت ماهیانه] انتظار بکشند؛ و اگر به الله و روز قیامت ایمان دارند، بر آنان روا نیست که آنچه را الله در رحِم‌هایشان آفریده است کتمان کنند؛ و اگر شوهرانشان خواهان آشتی هستند، برای بازگرداندن آنان [به زندگی زناشویی] در این [مدت، از دیگران] سزاوارترند؛ و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهده مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امرِ طلاق] بر آنان برتری دارند؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۲۸) طلاق [رجعی] دو بار است؛ پس [از آن، مرد یا باید همسرش را] به طرزی شایسته نگاه دارد یا به نیکی رها کند؛ و [ای مردان مسلمان،] برایتان حلال نیست که [ذره‌ای] از آنچه را به آنان داده‌اید [= مهریه و مانند آن] پس بگیرید؛ مگر آنکه [زن و شوهر] بترسند که نتوانند [حقوق زناشویی و] حدود الهی را بر پا دارند؛ پس [حل اختلاف را به خویشاوندان یا دوستان خود می‌سپارند؛ و شما ای مؤمنان] اگر ترسیدید که [ممکن است زوجین] حدود الهی را برپا ندارند، گناهی بر آن دو نیست که زن [برای کسب رضایت مرد به طلاق و آزاد کردن خود، مهریه‌اش را ببخشد یا به او] فدیه‌ای بپردازد [و طلاق خُلع بگیرد]. اینها حدودِ [احکامِ] الهی است؛ پس از آنها تجاوز نکنید؛ و هر کس از حدود الله تجاوز کند، ستمکار است. (۲۲۹) اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق داد، پس از آن، [زن] برایش حلال نیست؛ مگر اینکه [به قصد ازدواج حقیقی و نه برای حلال‌شدن] با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با وی همبستر شود. در این صورت،] اگر [شوهر دوم فوت کرد یا] او را طلاق داد، اگر [آن دو زوجِ سابق] می‌پندارند که حدود [احکامِ] الله را برپا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که [با ازدواج مجدد،] به یکدیگر بازگردند. اینها حدود الله است که آنها را برای مردمی که می‌دانند [و به اسلام ایمان دارند] بیان می‌کند. (۲۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ﴾

شارع فقط اقوال و افعال محسوسی را که قلب کسب می‌کند مورد مؤاخذه قرار می‌دهد؛ چنان‌که فرمود: ﴿وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡ﴾ اقوال و افعالی که قلب از آن‌ها آگاهی نداشته و آن‌ها را قصد نکرده است مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند. همچنین سخن شخص با خودش [و تصمیمی که با خود گرفته] مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد مگر آن‌چه که بگوید یا انجام دهد. ابن تیمیه: ۱/ ۵۱۷.

پرسش: چه زمانی انسان در قبال سخنان و رفتارهایش مؤاخذه می‌شود؟ بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ﴾

بر سوگندهای غیر عمدی کیفر نمی‌دهد. حلم عبارت است از بردباری کردن کسی که بالاترین مرتبه را دارد در برابر آزار کسی که در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد. بقاعی: ۱/ ۴۲۶

پرسش: به پایان‌رسانیدن آیه با صفت حلیمِ الله سبحانه چه دلالتی دارد؟

۳ ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: همان‌گونه که همسرم دوست دارد خودش را برای من بیاراید، من نیز دوست دارم خودم را برای او بیارایم؛ چون الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾. بغوی: ۱/ ۲۲۵.

پرسش: شریعت فقط دفع اسباب طلاق را نخواسته، بلکه خوشبختی میان زوجین را اراده کرده است. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

حقوقی که بر اثر عقد ازدواج برای هر یک از زوجین بر عهدۀ دیگری قرار می‌گیرد، مقدار مشخصی ندارد؛ بلکه عرف در این مورد معتبر است. آیات قرآن بر این مطلب دلالت دارد؛ از جمله: ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾. ابن تیمیه: ۱/ ۵۲۳.

پرسش: اندازۀ حقوق زوجیت بر چه اساسی مشخص می‌شود؟

۵ ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞ﴾

برتری مردان بر زنان، بر هیچ انسان خردمندی پوشیده نیست؛ حد اقلش این است که زن از مرد آفریده شده است؛ یعنی مرد اصل زن است، و می‌تواند زن را از تصرف در کارهایش بدون کسب اجازه منع کند، حتی زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر روزه [نفلی یا قضای رمضان] بگیرد، و نمی‌تواند بدون اذن او حج برود. قرطبی: ۴/ ۵۳.

پرسش: کافران و منافقان ندای تساوی میان مرد و زن را سر می‌دهند، چه پاسخی بر این ادعا داری؟

۶ ﴿ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ﴾

زیرا کسی که بیش از دو بار طلاق دهد؛ یا بر انجام حرام گستاخ و جسور شده است یا رغبتی به نگهداری همسرش ندارد؛ بلکه هدفش آزاررسانی است. سعدی: ۱۰۲.

پرسش: چرا طلاق رجعی فقط در دو مرتبه محصور شد؟

۷ ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ﴾

این آیه دلالت دارد بر این‌که هر گاه انسان قصد انجام کاری، مخصوصاً مسئولیت‌های کوچک و بزرگ را دارد، باید به خودش بنگرد، اگر در خودش قدرت انجام کار را می‌بیند و به خود اعتماد دارد، پیش رود و گرنه عقب نشیند. سعدی: ۱۰۳.

پرسش: انسان با مسئولیت‌هایی که به او سپرده می‌شود باید چگونه برخورد کند؟

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۳۷)

وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ
أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖۚ وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْۚ وَمَن
يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗاۚ
وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ
يَعِظُكُم بِهِۦۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿۲۳۱﴾ وَإِذَا
طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ
أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ
مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ وَٱللَّهُ
يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿۲۳۲﴾ ۞ وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ
كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ
وَكِسۡوَتُهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ
وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ ذَٰلِكَۗ فَإِنۡ
أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٖ مِّنۡهُمَا وَتَشَاوُرٖ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَاۗ وَإِنۡ
أَرَدتُّمۡ أَن تَسۡتَرۡضِعُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ
ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿۲۳۳﴾

ترجمه آیات

و هنگامی که زنان را طلاق [رجعی] دادید و به پایان [روزهای] عدهٔ خویش رسیدند، آنان را به شایستگی نگه دارید یا به نیکی و خوبی رهایشان سازید؛ و [همچون دوران جاهلیت،] آنان را به قصد [آزار و] زیان‌رساندن نگه ندارید تا [به حقوقشان] تجاوز کنید؛ و هر کس چنین کند، قطعاً بر خویشتن ستم کرده است؛ و آیات الله را به مسخره نگیرید و نعمتِ الله را بر خود و آنچه را که از کتاب [= قرآن] و حکمت بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می‌دهد به یاد بیاورید و از الله پروا داشته باشید و بدانید که الله به همه چیز داناست. (۲۳۱) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و [مدت] عدهٔ خود را به پایان رساندند، [شما ای سرپرستان،] آنان را بازنداریدکه اگر [بر اساس موازین شرعی] به طرز پسندیده‌ای بین خویش به توافق رسیده بودند، با شوهران [سابق] خود ازدواج کنند. این [دستوری است] که هر یک از شما که به الله و روز قیامت ایمان دارد، به آن [حکم] پند داده می‌شود؛ و این [دستور،] برایتان پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر است؛ و الله [خیر و صلاح شما را] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۲) و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این دستور،] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی [فرزندش] را تکمیل کند؛ و بر صاحبِ فرزند [= پدر] لازم است خوراک و پوشاک آنان [= مادران] را [در مدت شیردادن] به طور شایسته‌ای [فراهم کند]. هیچ کس جز به اندازهٔ توانایی‌اش مکلف نمی‌شود؛ نه مادر باید به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه پدر به سبب فرزندش. [اگر پدر کودک فوت کرده بود و مالی هم نداشت] مانند همین [تعهدات پدر] بر وارث [نیز] لازم است؛ پس اگر آن دو [= پدر و مادر] با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند [کودک را زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست؛ و اگر خواستید که برای فرزندانتان دایه‌ای بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه [از حقوق و دستمزد] مقرر کرده‌اید، به طور شایسته بپردازید؛ و از الله پروا کنید و بدانید که الله به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۳۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا﴾

به این نحو که از آیات الله روی بگردانید و در مراقبت از آن‌ها سستی کنید؛ پس با جدیت آن‌ها را بگیرید و به مفاد آن‌ها عمل کنید، و چنان‌که سزاوار است حق آن‌ها را به جای آورید. آلوسی: ۲/ ۱۴۳.

پرسش: بازیچه قرار دادن احکام ازدواج، به بازی گرفتن احکام طلاق و تمسخر احکام شریعت منجر می‌شود. این مطلب را توضیح دهید.

❷ ﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا﴾

استهزای دین الله گناهی کبیره است. استهزا عبارت است از مسخره‌کردن، یعنی حمل اقوال و افعال به شوخی و بازی. ابن تیمیه: ۱/ ۵۴۳.

پرسش: تمسخر دین الله تعالی چه حکمی دارد؟

❸ ﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

این آیه در مورد مردی نازل شده است که یک یا دو بار زنش را طلاق داده و عدهٔ زنش سپری شده است، سپس به نظرش می‌رسد که با او ازدواج و به او رجوع کند، و زن نیز با این کار موافق باشد؛ اما اولیای زن، مانعِ او از انجام این کار شوند. الله آنان را از این‌که او را منع کنند نهی فرمود... این آیه دلالت دارد بر این‌که زن نمی‌تواند خودش را به ازدواج درآورد، و ولیِ او باید هنگام عقدِ ازدواج حاضر باشد. ابن کثیر: ۱/ ۲۶۷.

پرسش: این آیه چگونه بر شرط حضورِ ولیِ زن هنگام نکاح دلالت می‌کند؟

❹ ﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

﴿ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ﴾ عدم ممانعت زنان از ازدواج اشاره دارد. (أزکی و أطهر) یعنی: برای نفس، پاکیزه‌تر و برای آبرو و دین بهتر است؛ به سبب روابطی که میان ازواج وجود دارد، که چه بسا «ولی» از آن‌ها آگاه نباشد؛ در نتیجه منع ازدواج، و رابطهٔ نامشروع منجر می‌شود، و الله تعالی در این مورد چیزهایی می‌داند که انسان‌ها از آن‌ها آگاه نیستند. ابن عطیه: ۱/ ۳۱۰.

پرسش: ورود شخص ثالث در مسایل زناشویی، چه زمانی به زیان زوجین است؟

❺ ﴿ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾

این عبارت، اعلام می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند امر مذکور را تصور کند، بلکه برای تصور آن، به مؤیّدی از جانب الله نیاز است، ﴿يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾: مومن به الله و روز آخرت را به طور خاص بیان کرد؛ زیرا چنین کسی، برای بزرگداشت الله تعالی و ترس از کیفرش، به فرمانبرداری از او تعالی می‌شتابد. آلوسی: ۲/ ۱۴۵.

پرسش: چرا این پند و اندرز را به مومن به الله و روز قیامت اختصاص داد؟

❻ ﴿وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ﴾

دلالت دارد بر این‌که در این مدت، شیرخوارگی به پایان می‌رسد، و پس از آن، شیر حکم غذاهای دیگر را دارد. ابن تیمیه: ۱/ ۵۵۳.

پرسش: پایان شیرخوارگی چه زمانی است؟

❼ ﴿لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ ذَٰلِكَ﴾

مادر به این هدف که به پدر طفل زیان برساند یا بیشتر از حد معمول مزد طلب کند، از شیردادن به طفل خودداری نکند، و برای پدر نیز حلال نیست که مادر را در صورتی که مایل به شیردادن است از این کار بازدارد. قرطبی: ۴/ ۱۱۶.

پرسش: هر یک از مادر و پدر چگونه در امر شیرخواری به دیگری زیان می‌رسانند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ضِرَارًا	برای آسیب‌رساندن.
تَعۡضُلُوهُنَّ	آن‌ها را منع کنید.
فِصَالًا	از شیر گرفتن کودک.

عمل به آیات

۱. پیامی بفرست و در آن بیان کن هر کس با احکام ازدواج بازی کند با احکام طلاق نیز بازی خواهد کرد، و این امر، تمسخر حدودِ الله به شمار می‌رود، ﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا﴾

۲. صبحگاه بگو: «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ» «یا الله! هر نعمتی که من و دیگران داریم تنها از جانب توست که بی‌شریک هستی پس تمام حمد و سپاس‌ها نیز سزاوار توست». و شامگاه بگو: «اللَّهُمَّ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ» ﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ﴾

۳. خانوادهٔ دو زوجی را که با هم اختلاف دارند و یا از هم جدا شده‌اند برای تسهیلِ بازگشت به زندگی مشترک، نصیحت کن، ﴿فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

رهنمودها

۱. مرد بزرگوار و دارای اخلاق والا، رفتار نیکی با همسرش دارد، چه او را دوست داشته باشد یا دوست نداشته باشد، ﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖ﴾

۲. خشم و اختلاف، تمسخر احکام شریعت را مباح نمی‌کند، ﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا﴾

۳. پند و اندرز را حتی از جانب کسی که از تو کوچک‌تر است پذیرا باش، و بسیار در آن تأمل کن؛ زیرا این امر بر ایمان تو به الله و روز آخرت دلالت دارد، ﴿ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۳۸)

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ
أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ
فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ
٢٣٤ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ
أَوۡ أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ سَتَذۡكُرُونَهُنَّ
وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗاۚ
وَلَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُۥۚ
وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ
أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ٢٣٥ لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ
مَا لَمۡ تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى
ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٣٦ وَإِن طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدۡ
فَرَضۡتُمۡ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ فَنِصۡفُ مَا فَرَضۡتُمۡ إِلَّآ أَن يَعۡفُونَ
أَوۡ يَعۡفُوَاْ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ ٱلنِّكَاحِۚ وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ
وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٣٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَرَّضۡتُم	با کنایه گفتید.
أَكۡنَنتُمۡ	پنهان دارید.
عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ	عقد ازدواج.
تَفۡرِضُواْ	مشخص کردید.
فَرِيضَةٗ	مهریه‌ای.
مَتِّعُوهُنَّ	مقداری مال برای دلداری دادن به آنان بدهید.

عمل به آیات

۱. امروز در تنهایی و در جمع، خود را عادت بده که فقط به خیر فکر کنی، ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُ﴾

۲. از گناهان پنهانی، به سوی الله تعالی توبه کن، ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ﴾

۳. یکی را که در حق تو خطا کرده است به یاد بیاور، و او را ببخش با امید به این‌که پروردگارت به جای آن، تقوای قلب به تو عطا کند، ﴿وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰ﴾

رهنمودها

۱. تسلیم‌شدن در برابر افکار بد، آغاز گناه است پس به قدر امکان آن را از خود دور کن، ﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُ﴾

۲. به مردم بخشش و نیکی کن، ﴿وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡ﴾

۳. اسلام بر پایبندی به احسان و نیکوکاری توصیه کرده است؛ زیرا این کار به بخشش مردم بهتر کمک می‌کند، ﴿وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

ترجمه آیات

و افرادی از شما که می‌میرند و همسرانی [غیرباردار از خود] باقی می‌گذارند، [آن زنان برای ازدواج مجدد] باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند [و عده نگه دارند] و هنگامی که مدت عدهٔ خود را به پایان رساندند، در مورد آنچه آنان به طور شایسته [و مشروع] دربارهٔ [زندگیِ] خود انجام دهند، گناهی بر شما [سرپرستان] نیست؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۲۳۴) و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، از زنانی [که در عده وفات یا عده طلاق بائن قرار دارند] خواستگاری کنید و یا در دل [بر این کار] تصمیم بگیرید [بدون اینکه آن را بیان کنید]. الله می‌دانست که شما به زودی به یاد آنان خواهید افتاد؛ ولی پنهانی به آنها وعدهٔ [زناشویی] ندهید مگر اینکه [به کنایه و اشاره] سخنی پسندیده بگویید و [همچنین] تصمیم به عقد ازدواج نگیرید تا مدت مقرر [= عدّه] به سرآید؛ و بدانید که الله آنچه را که در دل‌های شماست می‌داند؛ پس از [مخالفت با] او پروا کنید و بدانید که به راستی الله آمرزندهٔ بردبار است. (۲۳۵) اگر زنان را قبل از آمیزش و قبل از تعیین مهریه، [به دلایلی] طلاق دادید، گناهی بر شما نیست و [در این صورت، دلجویی کنید و] آنان را [با اهدای هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازید؛ توانگر به اندازهٔ توانش و تنگدست به اندازهٔ توانش. [اجرای این حُکم،] بر نیکوکاران [حقی ثابت و] الزامی است. (۲۳۶) اگر پیش از نزدیکی با آنان، خواستید طلاقشان بدهید و مهریه‌ای برایشان تعیین کرده بودید، نصف آنچه را که تعیین کرده‌اید [به آنان بپردازید]؛ مگر اینکه [حق خود را] ببخشند یا [شوهر، یعنی] کسی که [تصمیم‌گیری در مورد] پیوند ازدواج با اوست، گذشت کند [و تمام مهریه را بپردازد]. گذشتِ شما [و بخشیدن تمام مهریه به زنان] به پرهیزگاری نزدیک‌تر است. [ای مؤمنان، هنگام پرداخت حقوق، آسان‌گیری و] نیکی را میان خود فراموش نکنید [و بدانید که] به راستی الله به آنچه می‌کنید بیناست. (۲۳۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗا﴾

إحداد، یعنی این‌که زن تا پایان عده، تمام زینت‌ها شامل لباس، خوشبویی، زیورآلات، سرمه و حنا کردن را ترک کند؛ زیرا زینت انگیزه و باعث ازدواج می‌شود. بنابراین برای بستن اسباب این کار و جلوگیری از آلوده‌شدن به محرمات، از این کار نهی شده است. قرطبی: ۴/ ۱۳۳.

پرسش: یکی از حکمت‌های شرع در احداد زن [= ترک آرایش زن پس از مرگ شوهرش] را بیان کنید.

۲ ﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗا﴾

سعید بن مسیب می‌گوید: حکمت این انتظار آن است که در مدت مذکور، روح در جنین دمیده می‌شود، و گفته می‌شود: جنین در شکم مادر حرکت می‌کند. بغوی: ۱/ ۲۳۸.

پرسش: حکمت تعیین مدت حِداد به چهار ماه و ده روز را بیان کنید.

۳ ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

این آیه دلالت دارد بر این‌که ولی (=قَیِّم) با نگریستن به امور زن، او را از انجام کارهای ناجایز بازمی‌دارد، و بر انجام کارهای واجب مجبور می‌کند. ولی (قَیِّم)، مورد خطاب این سخن است و این کار بر او واجب است. سعدی: ۱۰۵.

پرسش: ولی (قَیِّم) در مقابل دختر یا فرزند تحت قیمومتش، چه وظیفه‌ای دارد؟

۴ ﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَا لَمۡ تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾

الله تبارک و تعالی به طلاق زن بعد از عقد و قبل از دخول اجازه داده است... و چون این کار سبب شکستن قلب زن می‌شود، الله تعالی فرمان داد که شوهر برای جبران، او را از چیزی بهره‌مند سازد. این بهره‌مندسازیِ زن به حال مرد بستگی دارد که توانگر به مقدار توانش و تنگدست به مقدار توانش می‌پردازد. ابن کثیر: ۱/ ۲۷۲.

پرسش: چرا الله تعالی فرمان داد به زن مطلّقه‌ای که با او نزدیکی نشده است مُتعه داده شود؟

۵ ﴿وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

رفتار مردم با یکدیگر دو درجه دارد؛ یا عدل و انصاف است که این درجه واجب است؛ یعنی گرفتن واجب و اعطای واجب. یا فضل و احسان است، یعنی اعطای چیزی که واجب نیست و آسانگیری در حقوق و چشم‌پوشی از خواهشات. انسان باید این درجه را هر چند در بعضی از اوقات رعایت کند. سعدی: ۱۰۵.

پرسش: الله تعالی ما را از فراموش‌کردن فضل (احسان به یکدیگر) نهی فرمود؛ منظور از این نهی چیست؟

۶ ﴿وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

فضل به معنای احسان است؛ یعنی احسانی را که قبلا میان شما بود فراموش نکنید، باید آن را به یاد داشته باشید؛ تا این‌که هر کسی در مقابل احسانی که به او می‌شود به عفو و بخشش تشویق گردد. آلوسی: ۳/ ۱۵۵.

پرسش: چرا از زوجین خواسته شده که احسان میان یکدیگر را به یاد داشته باشند؟

۷ ﴿وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

یکی از حقوق زوج که فضیلت مردانگی را دارد، بخشندگی است، و این‌که منتظر عفو از جانب زن نباشد، از این رو، در خطاب به زنان، امر و تشویقی نیامده است. پس یکی از ناپسندترین امور این است که مرد آن‌چه را که به زن داده است بازپس بگیرد..... پس شایسته است که این نیکی و احسان را فراموش نکنید. بقاعی: ۱/ ۴۸۸.

پرسش: ﴿وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡ﴾ چه دلالتی دارد؟

ترجمه آیات

[ای مسمانان،] بر [ادای] همه نمازها و [به خصوص] نماز عصر کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید. (۲۳۸) اگر [از خطر] ترسیدید، در حال پیاده یا سواره [یا حتی با ایما و اشاره نماز را به جای آورید] و چون ایمن شدید، الله را [چنان که به شما آموخته است] یاد کنید [و شکر او تعالی را به جای آورید] که آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد داد. (۲۳۹) کسانی از شما که مرگشان فرامی‌رسد و همسرانی [از خود] به جا می‌گذارند، باید به نفع همسرانشان وصیت کنند که [وارثان] تا یک سال آنان را [با پرداختن هزینهٔ زندگی] بهره‌مند سازند، بدون آنکه [آنان را از خانهٔ شوهر] بیرون کنند. اما اگر [به میل خود، پیش از پایان یک سال، خانه را ترک کنند و] بیرون بروند، دربارهٔ آنچه که نسبت به [ظاهر و زندگی] خود به طور شایسته [و مشروع] انجام می‌دهند [از قبیل زینت‌کردن و ازدواج مجدد] گناهی بر شما نیست؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۴۰) و برای زنان مطلّقه، هدیه‌ای مناسب و شایسته لازم است [که از طرف شوهر پرداخت شود تا دلشکستگی‌اش جبران گردد. اجرای این حکم،] حقی است بر مردان پرهیزگار. (۲۴۱) [ای مؤمنان،] الله اینچنین آیات خویش را [که مشتمل بر حدود و احکام است] به روشنی برایتان بیان می‌کند؛ باشد که بیندیشید. (۲۴۲) [ای پیامبر،] آیا نمی‌دانی [داستانِ] افرادی [از بنی‌اسرائیل] را که هزاران نفر بودند و از ترسِ [بیماری و] مرگ از خانه‌هایشان فرار کردند؟ آنگاه الله به آنان فرمود: بمیرید؛ [پس مُردند.] سپس الله آنها را زنده کرد [تا برایشان روشن گرداند که تمام کارها به دست اوست]. به راستی که الله نسبت به بندگانش صاحب بخشایش است؛ ولی بیشتر مردم شُکر [نعمت‌هایش را] به جای نمی‌آورند. (۲۴۳) و [ای مؤمنان،] در راه الله بجنگید و بدانید که بی‌تردید، الله شنوای داناست. (۲۴۴) کیست که به الله قرض دهد؛ قرضی نیکو [و از اموالش در راه خشنودیِ پروردگار انفاق کند] تا [الله] آن را برایش چندین برابر کند؟ و الله است که [از روی حکمت و عدالت، در روزیِ بندگانش] تنگی و گشایش پدید می‌آورد؛ و [همگی در آخرت] به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۴۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾

الله سبحانه و تعالی دنیا را با نیت آخرت می‌بخشد و ابا دارد از این‌که آخرت را با نیت دنیا بدهد؛ خلل در دنیا و معاد شخص، از خلل در دینش نشأت می‌گیرد، و ملاک و اساس دین او، ایمان و نمازش است؛ بنابراین هر کس بر نمازها مراقبت کند، الله تعالی دنیا و آخرتش را اصلاح می‌گرداند. بقاعی: ۱/ ۴۵۰.

پرسش: با بیان آیهٔ نماز میان آیات طلاق، به رابطهٔ میان صلاح خانواده و نماز اشاره فرمود، این رابطه چیست؟

۲ ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾

برخی گفته‌اند: منظور از نماز وسطی، یکی از نمازهای پنج‌گانه به صورت نامشخص است؛ که الله تعالی برای تشویق بندگان به مراقبت بر ادای تمام نمازها، آن را مبهم گذاشت؛ چنان‌که شب قدر در ماه رمضان، و لحظهٔ اجابت دعا در روز جمعه را پوشیده نگه داشت، و نیز نام اعظم خویش را مخفی داشت تا تمام نام‌های نیکش مد نظر و ورد زبان باشد. بغوی: ۱/ ۲۵۲.

پرسش: گاهی عبادتی فضیلت می‌یابد اما به صورت مشخص تعیین نمی‌شود؛ حکمت این امر چیست؟

۳ ﴿فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗا﴾

از این عبارت لازم می‌آید که نماز رو به قبله یا غیر آن [=در صورت عذر] ادا شود؛ این امر تاکید زیاد بر مراقبت بر نماز در وقتش را می‌رساند؛ زیرا هر چند این شرایط موجب اخلال در بسیاری از ارکان و شروط می‌شود اما به این کار فرمان داد، و این‌که تاخیر نماز از وقتش جایز نیست حتی در این شرایط سخت. بنابراین نماز شخص در این صورت بهتر و بافضیلت‌تر، و بلکه از نماز آرام و مطمئن در خارج وقت، واجب‌تر است. سعدی: ۱۰۶.

پرسش: امر به نماز به صورت پیاده یا سواره در حال ترس بر چه چیزی دلالت دارد؟

۴ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡ﴾

این آیهٔ کریمه مومنان را به پیکار تشویق می‌کند و به آنان اعلام می‌دارد که فرار از مرگ، سبب نجات‌شان نیست؛ پس اگر انسان بداند که فرار از مرگ یا قتل، جانش را از نجات نمی‌دهد، مبارزه در کنار هم‌رزم‌ها و پیشروی در میدان بر او آسان می‌گردد. شنقیطی: ۱/ ۱۵۲.

پرسش: هدف آیهٔ کریمه چیست؟

۵ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡ﴾

الله تعالی این قصه را که سبب تحریک مسلمانان به جهاد، روی‌آوردن به شهادت، تشویق بر توکل، و تسلیم‌شدن در برابر قضا و قدر می‌شود، مقدمهٔ این عبارت قرار داد که می‌فرماید: ﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾. آلوسی: ۲. ۱۶۲.

پرسش: الله تعالی چرا این قصه را قبل از امر به جهاد بیان فرمود؟

۶ ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ﴾

﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾ یعنی به امید پاداش و با رضایت قلبی. ابن مبارک می‌گوید: «یعنی از مال حلال». بنابر قولی: یعنی بدون منت و آزار. بغوی: ۱/ ۲۵۲.

پرسش: قرض مورد نظر، چگونه نیکو می‌شود؟

۷ ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا﴾

این استفهام، برای طلب و تشویق بر انفاق است و واژهٔ قرض را برای نزدیک‌کردن به ذهن بیان فرمود؛ زیرا انفاق‌کننده منتظر ثواب است همان‌گونه که وام‌دهنده منتظر بازگشت طلبش است. ابن جزی: ۱/ ۱۱۸.

پرسش: چرا در تشویق بر انفاق، از تعبیر «قرض» استفاده می‌شود؟

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (۳۹)

حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ
قَٰنِتِينَ ٢٣٨ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ
فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ
٢٣٩ وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا
وَصِيَّةٗ لِّأَزۡوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلۡحَوۡلِ غَيۡرَ إِخۡرَاجٖۚ فَإِنۡ
خَرَجۡنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِي مَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ
مِن مَّعۡرُوفٖۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٤٠ وَلِلۡمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ٢٤١ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ
ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢٤٢ ۞ أَلَمۡ تَرَ
إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ
فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ
عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٢٤٣
وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٤٤ مَّن
ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا
كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٤٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ	نماز عصر.
قَٰنِتِينَ	فروتن و فرمانبردار.
فَرِجَالًا	پیاده.

عمل به آیات

۱. زود به نماز عصر برو، ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾

۲. حال کسانی را که قبرها و نمادها (بت‌ها) را سجده و برای‌شان قربانی و پیرامون آن‌ها طواف می‌کنند مجسم کن، سپس شکر الله تعالی را به خاطر نعمت هدایت به جای آور، ﴿فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ﴾

۳. قرضی نیکو به پروردگارت بده؛ زیرا هنگام وفا بسیار به آن نیاز پیدا می‌کنی، ﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ﴾

رهنمودها

۱. آمدن نماز در لابه‌لای آیات طلاق بر این امر دلالت دارد که محافظت خانواده بر نماز یکی از مهم‌ترین اسباب استقرار و سعادت آن است، ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾

۲. بر ادای تمام نمازها در وقتش، به‌خصوص نماز عصر، مراقبت کن، ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾

۳. اسباب، قضا و قدر را بازنمی‌گرداند، پس در کنار به‌کارگیری اسباب، باید تسلیم قضا و قدر نیز بود، ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡ﴾

سورة (البقرة) الجزء (۲) صفحة (٤٠)

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰٓ إِذۡ
قَالُواْ لِنَبِيّٖ لَّهُمُ ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ
قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُواْۖ
قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا
مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ
إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمۡ
نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ بَعَثَ لَكُمۡ طَالُوتَ مَلِكٗاۚ
قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ
بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةٗ مِّنَ ٱلۡمَالِۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ
ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِۖ
وَٱللَّهُ يُؤۡتِي مُلۡكَهُۥ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٤٧﴾
وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ءَايَةَ مُلۡكِهِۦٓ أَن يَأۡتِيَكُمُ
ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَبَقِيَّةٞ مِّمَّا
تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحۡمِلُهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
هَلۡ عَسَيۡتُمۡ	آیا امر آن‌گونه است که انتظار دارم؟
بَسۡطَةٗ	گشایش.
ٱلتَّابُوتُ	صندوقی که تورات در آن بود.

عمل به آیات

۱. آرزوی رویارویی با دشمن را نداشته باش، اما اگر با دشمن رو در رو شدی شکیبایی کن و پایدار بمان، ﴿قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡ﴾

۲. با اصرار در دعا از الله بخواه تو را از کسانی قرار دهد که پروردگارمان سبحانه آنان را در دنیا و آخرت برگزیده است، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ﴾

۳. امروز این دعا را زیاد تکرار کن: «رَبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا»: «پروردگارا! بر دانشم بیفزا»، ﴿وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِ﴾

رهنمودها

۱. مؤمنان هنگام مصیبت، پایدار و استوار می‌مانند، ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾

۲. الله گاهی از میان بندگانش، علما، دعوتگران، عبادت‌پیشگان، فقرا، تجار و پادشاهانی برمی‌گزیند، پس نسبت به هیچ‌یک از آنان حسادت نکن، ﴿قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةٗ مِّنَ ٱلۡمَالِ﴾

۳. از دستیابی به مناصب برای ارضای نفست برحذر باش که فتنه است و اگر پست و مقامی به تو واگذار شد در مورد آن از الله یاری بخواه، و بیشتر به الله تقرب بجوی، ﴿قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] آیا [از داستان] گروهی از [اشراف و بزرگان] بنی‌اسرائیل پس از موسی خبر داری که به پیامبر خود گفتند: «فرمانروایی برایمان انتخاب کن تا [به دستورش] در راه الله بجنگیم»؟ [پیامبرشان] گفت: «شاید اگر جهاد بر شما مقرر شود، [سرپیچی کنید و] جهاد نکنید»؛ گفتند: «چرا در راه الله جهاد نکنیم، در حالی که از خانه‌هایمان رانده شده‌ایم و پسرانمان [را به اسارت برده‌اند]؟» اما هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد ـ جز عدهٔ کمی از آنان ـ [همگی] سرپیچی کردند؛ و الله به [حالِ پیمان‌شکنان و] ستمکاران داناست. (۲۴۶) پیامبرشان به آنان گفت: «الله طالوت را به فرمانروایی شما برگزیده است». [آنان] گفتند: «چگونه او بر ما فرمانروایی کند در حالی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم و از مال [دنیا نیز] بهرهٔ چندانی [به وی] داده نشده است؟» [پیامبرشان] گفت: «به راستی که الله او را بر شما برگزیده و دانش و نیروی جسمی‌اش را فزونی بخشیده است؛ و الله فرمانرواییِ خود را به هر کس بخواهد می‌دهد و الله گشایشگرِ داناست». (۲۴۷) پیامبرشان به آنها گفت: «نشانهٔ [راستی و درستیِ] فرمانرواییِ او، این است که صندوق [عهد] به شما می‌رسد که مایهٔ آرامشی از سوی پروردگارتان است و بازماندهٔ میراث خاندان موسی و هارون [همچون عصا و برخی الواح تورات] در آن قرار دارد و در حالی [می‌رسد] که فرشتگان آن را حمل می‌کنند. اگر مؤمن باشید، مسلماً در این [امر،] نشانه‌ای [در مورد حقانیتِ طالوت] برایتان وجود دارد». (۲۴۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾

مطلب عبرت‌آموز آیه، هشدار از قرارگرفتن در حالتی است که بعد از شروع قتال، یا بعد از وجوب قتال داشتند. ابن عاشور: ۲/ ۴۸۴.

پرسش: مطلب عبرت‌آموز این آیه چیست؟

۲ ﴿قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾

این آیه به امت اسلامی اعلام می‌دارد که در ابتدا جنگ را درخواست نکنند؛ بلکه فقط در مقابل کسانی که آنان را از برپایی دین‌شان بازمی‌دارند دفاع کنند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾﴾ [الحج: ۳۹]؛ «به کسانی که با آنان جنگ می‌شود، اجازهٔ (جهاد) داده شده است، از آن روی که مورد ستم قرار گرفته‌اند». بنابراین مومن باید از جنگ ابا داشته باشد و آن را طلب نکند؛ زیرا اگر خواهان جنگ باشد، همانند اینان که همگی جز شمار اندکی پشت کردند، ناتوان می‌ماند. بقاعی: ۱/ ۴۷۰.

پرسش: اصل این است که با دعوت آغاز کنیم، پس جهاد در چه حالتی مشروع است؟

۳ ﴿قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَا﴾

الله سبحانه و تعالی خبر داد که آنان انگیزهٔ جنگ شان را که خشم بخاطر اخراج شدن [از سرزمین‌های شان] بود جهاد در راه الله دانستند، در حالی که جهاد در راه الله آن است که شخصی فقط به هدف غالب نمودن دین الله، جهاد کند. بقاعی: ۱/ ۴۷۲.

پرسش: یکی از اسباب عدم یاری الله سبحانه به مبارز، این است که نیتش برای الله سبحانه نباشد؛ این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾

وقتی جهاد بر آنان فرض گردید و واقعیت و جنگ را رویاروی خویش مشاهده کردند ﴿تَوَلَّوۡاْ﴾ یعنی: نیت‌های‌شان آشفته و عزم‌های‌شان سست شد. این خصلتِ امت‌های مرفّه و خوشگذران است که در هنگام آسایش و راحتی، آرزوی جنگ می‌کنند اما هنگام وقوع جنگ، سست شده و از طبع خویش اطاعت می‌کنند. ابن عطیه: ۱/ ۳۳۱.

پرسش: تربیت جامعه بر ناز و نعمت و ثروت‌اندوزی، چه خطری به همراه دارد؟

۵ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِ﴾

یعنی کامل‌تر از شما در علم و قامت؛ بنابراین زمامدار شایسته است که عالم، خوش‌قیافه و صاحب جسم و روانی قوی باشد. ابن کثیر: ۱/ ۲۸۵.

پرسش: در این آیه برخی صفات لازم زمامدار بیان شده است؛ آن‌ها را نام ببرید.

۶ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِ﴾

با مقدم‌کردن گشایش علمی بر گشایش جسمی، اشاره دارد به این که فضایل نفسانی برتر و نیکوتر از فضایل جسمانی است؛ بلکه بهتر است گفته شود قابل مقایسه نیستند. آلوسی: ۱۶۷/۲.

پرسش: چرا توان علمی بر توان جسمی مقدم شد؟

۷ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِ﴾

زمامداری او بر خودتان را به سبب فقرش و پایین‌تربودن نَسَبش از نسب شما، عجیب و بعید نپندارید؛ زیرا اول این‌که برگزیدن از جانب الله تعالی معیار است، که او را برگزیده و انتخاب کرده است، و او تعالی به مصالح شما داناتر است. دوم این‌که علم زیاد برای توانایی بر شناخت امور سیاسی، یک رکن است، و بزرگی جثه برای ایجاد ابهت بیشتر در دل‌ها، و نیز قوی‌تر بودن در رویارویی با دشمن و سختی‌های جنگ، اصل و اساس است. آلوسی: ۲/ ۱۶۷.

پرسش: چه تفاوتی میان معیارهای ربانی و معیارهای بشری در انتخاب افراد وجود دارد؟

ترجمه آیات

پس هنگامی که طالوت با لشکریان رهسپار شد، به آنان گفت: «الله [شکیبایی] شما را به وسیلهٔ یک نهر [آب] آزمایش می‌کند؛ هر کس از آن بنوشد، از [یاران] من نیست و هر کس از آن ننوشد، قطعاً از [یاران] من است؛ مگر کسی که با دست خود مُشتی [از آن آب] برگیرد [و به اندازهٔ کف دستی بیاشامد]». پس جز عدهٔ کمی، همگی از آن [آب] نوشیدند؛ و هنگامی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از آن [نهر] گذشتند [از کمیِ افراد خود ناراحت شدند و برخی] گفتند: «امروز ما توانایی [مقابله] با جالوت و سپاهیانش را نداریم». [در این هنگام،] کسانی که به دیدار الله [در آخرت] یقین داشتند گفتند: «چه بسا گروه کوچکی که به فرمان الله بر گروهی بسیار پیروز شدند و [بدانید که همواره] الله همراه شکیبایان است». (۲۴۹) و هنگامی که [طالوت و همراهانش] برای [مبارزه] با جالوت و سپاهیانش به میدان آمدند، گفتند: «پروردگارا، بر [دل‌های] ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان». (۲۵۰) پس به فرمان الله، آنها را شکست دادند و داود [= جوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود] جالوت را کشت و الله فرمانروایی و نبوت را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او آموخت؛ و اگر الله [فتنهٔ] برخی از مردم را توسط برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید؛ ولی الله نسبت به جهانیان فضل [و بخشش] دارد. (۲۵۱) [ای پیامبر،] اینها، آیات الله است که آن را به‌حق بر تو می‌خوانیم و به راستی، تو از پیامبران هستی. (۲۵۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةًۢ بِإِذْنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

آیه تشویقی است بر پیکار و دعوت به صبر و اقتدا به کسی که با پروردگارش صادق بوده است. می‌گویم: ما باید این‌گونه باشیم و به همین ترتیب عمل کنیم؛ اما اعمال ناپسند و نیات فاسد مانع این کار شده تا جایی که شمار فراوانی از ما در برابر شمار اندکی از دشمن در هم می‌شکنند و بارها شاهد این امر بوده‌ایم. این وضعیت، به سبب اعمالی است که انجام می‌دهیم. ابودرداء می‌گوید: شما فقط بر اساس اعمال‌تان می‌جنگید. قرطبی: ۴/ ۲۴۵.

پرسش: یکی از اسباب پیروزی بر دشمنان در آیه ذکر شده است، آن سبب چیست؟

۲ ﴿وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

بزرگ‌ترین سبب همراهی الله، صبر بنده به خاطر الله است. سعدی: ۱۰۸

پرسش: بزرگ‌ترین سبب همراهی الله با بنده چیست؟

۳ ﴿وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

ترتیبی نیکو در آیه آمده است؛ در مرحلهٔ اول خواستند که هنگام رویارویی با دشمن، صبر بر دل‌های‌شان سرازیر شود. در مرحلهٔ دوم، ثابت‌قدمی و قدرت را در برابر مقاومت دشمن تقاضا کردند؛ چون گاهی صبر برای کسی حاصل می‌شود که مقاومتی ندارد. در مرحلهٔ سوم پیروزی بر دشمن که اساس و هدفِ پیکار است را تقاضا کردند. آلوسی: ۲/ ۱۷۲.

پرسش: بهترین دعا این است که تمام نیازهای بنده را دربرگیرد. این مطلب را با توجه به آیه توضیح دهید.

۴ ﴿فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ ٱللَّهِ﴾

انسان عاقل که به جهل خویش نسبت به عواقب و جامعیت قدرت پروردگارش اعتقاد دارد، نباید در هیچ موردی بر نفس خویش اعتماد کند، بلکه باید همیشه نفسش را ناتوان برشمارد هر چند نفس، ادعایی خلافِ آن داشته باشد، و از نیرو و قدرت خویش به نیرو و قدرت مولایش پناه ببرد، و همیشه بخشش و سلامتی را از او تقاضا کند. بقاعی: ۱/ ۴۸۳.

پرسش: کدام نوع از اعتماد به نفس، پسندیده و کدام نوع از آن، مذموم است؟

۵ ﴿وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ﴾

هشداری است بر فضیلت حکومت، و این‌که اگر حاکم نباشد کار جهان استقرار نمی‌یابد؛ از این رو گفته شده است: دین و حکومت در کنار یکدیگر قرار دارند؛ یعنی سرافرازی هر یک از این دو، سرافرازی دیگری را به همراه دارد؛ زیرا دین، پایه و اساس؛ و حکومت نگهبان است، و هر کس اساسی نداشته باشد ویران است و هر کس نگهبانی نداشته باشد تباه است. آلوسی: ۲/ ۱۷۴.

پرسش: اهمیت حکومت را بر اساس آیه بیان کنید.

۶ ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ ٱلْأَرْضُ﴾

الله تعالی در این آیه خبر داده است که اگر در طول تاریخ، کافران را به وسیلهٔ مومنان دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین فاسد و تباه می‌شد؛ زیرا کفر در تمام کرانه‌های زمین عملی می‌گشت و استمرار می‌یافت، اما الله تعالی تاریخ را از برپادارندهٔ حق و دعوتگر به سوی الله و مجاهد در راه خویش، خالی نگذاشته، و این امر در امت محمد ﷺ تا برپایی قیامت نیز ادامه دارد. تمام ستایش‌ها از آنِ او تعالی است. ابن عطیه: ۱/ ۳۳۷.

پرسش: چرا الله تعالی مبارزهٔ همیشگی میان مومنان و کافران تا روز قیامت را برقرار داشته است؟

۷ ﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

فضل و احسان الله تعالی بر جهانیان، اول با ایجاد [=آفرینش] محقق شد، دوم با دفاع؛ یعنی او تعالی ستم ستمکاران را بازمی‌دارد؛ یا به این صورت که آنان را به جان یکدیگر می‌اندازد، یا این‌که به‌وسیلهٔ صالحان – که اندک نیز هستند–، ستم‌شان را دفع می‌کند، و نیز سایر نعمت‌های ظاهری و باطنی که بر آنان سرازیر کرده است. بقاعی: ۱/ ۴۸۱.

پرسش: برخی از بخشش‌های الله تعالی بر جهانیان را بیان کنید؟

سورة (البقرة) الجزء (٢) صفحة (٤١)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلْجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبْتَلِيكُم
بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ
فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ إِلَّا مَنِ ٱغْتَرَفَ غُرْفَةًۢ بِيَدِهِۦۚ فَشَرِبُواْ مِنْهُ
إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦۚ
قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ
قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةًۢ بِإِذْنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ
ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ
رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا
عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ ٱللَّهِ
وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ
وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ
بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ ٱلْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو
فَضْلٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا
عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَظُنُّونَ	یقین داشتند.

عمل به آیات

۱. قصهٔ طالوت را از یکی از کتاب‌های تفسیر بخوان، سپس سه نکته از آن استخراج کن، ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلْجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ﴾

۲. برای ثبات و پایداری، بسیار دعا کن و امروز خودت را به ترک محبوبی مباح عادت بده؛ مثلا یک روز روزهٔ نافله بگیر تا این‌که هنگام مصیبت در هم نشکنی، ﴿فَشَرِبُواْ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْۚ﴾

۳. امروز این دعا را برای خودت بخوان، و مصیبت‌زدگان را با آن نصیحت کن: ﴿رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. فقط ذات الله سبحانه است که صبر را فرو می‌ریزد، گام‌ها را استوار می‌گرداند و در برابر کافران یاری می‌رساند، ﴿قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

۲. دعا هنگام سختی‌ها و اظهار فقر و نیاز در برابر الله، از مهم‌ترین اسباب پیروزی است، ﴿قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ ٱللَّهِ﴾

۳. تفکر زیاد در مورد آخرت، ثبات و یقین به الله و یاری او تعالی را به همراه دارد، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةًۢ بِإِذْنِ ٱللَّهِ﴾

سورة (البقرة) الجزء (۳) صفحة (۴۲)

۞ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللَّهُ ۖ
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن
بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا
فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا
مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا
شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا
بِمَا شَاءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۖ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ
الْغَيِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خُلَّةٌ	دوستی.
ٱلْقَيُّومُ	برپادارندۀ همه‌چیز.
سِنَةٌ	چُرت.
كُرْسِيُّهُ	محل قدم‌های پروردگار سبحانه.
يَـُٔودُهُۥ	بر او سنگین و دشوار است.

عمل به آیات

۱. امروز صدقه‌ای - هر چند اندک - بده که نزد الله به آن نیازمند می‌شوی در روزی که: ﴿لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ﴾.

۲. آیة الکرسی را بعد از نمازهای فرض بخوان؛ زیرا در این صورت میان تو و بهشت فاصله‌ای نیست مگر مرگ. ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾

۳. آیة الکرسی را هنگام صبح و شام و قبل از خواب بخوان، الله با آن تو را از شیطان محافظت می‌کند. ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسباب جنگ و پیکار، اختلاف ناشی از هوس یا جهل است. ﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُوا۟ فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ﴾

۲. روز قیامت فقط عمل صالح بنده به او نفع می‌رساند، و یکی از بزرگ‌ترین اعمال صالح، صدقه است. ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ﴾

۳. یادآوری همیشگی این نکته که الله در نهان و آشکارا مراقب توست و امور نهان و آشکار تو را می‌داند، کمک می‌کند کمتر گناه کنی. ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾

ترجمه آیات

این پیامبران [که نام برخی از آنان گذشت] برخی از آنان را [در دریافت وحی و تعداد پیروان] بر برخی دیگر برتری دادیم. از [میان] اینان کسی [مانند موسی] بود که الله با او سخن گفت و درجات برخی [دیگر] از آنان را بالا برد؛ و به عیسی - پسر مریم- نشانه‌های روشنی [بر اثبات نبوتش] دادیم و او را توسط روح القُدُس [= جبرئیل] تأیید [و تقویت] کردیم؛ و اگر الله می‌خواست، کسانی که بعد از آنها آمدند پس از آن [همه] نشانه‌های روشنی که برایشان آمد، با یکدیگر نمی‌جنگیدند؛ ولی [با هم] اختلاف کردند و برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند؛ و اگر الله می‌خواست، [هرگز] با هم نمی‌جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می‌خواهد، انجام می‌دهد. (۲۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه خرید و فروشی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و کافران [به سببِ کفرشان] همان ستمکارانند. (۲۵۴) الله [معبودِ راستین است]؛ هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ زندۀ پاینده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا می‌گیرد و نه خوابی سنگین؛ [و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند]؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آیندۀ آنان [= بندگان] را می‌داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی‌یابند، مگر آنچه خود [الله] بخواهد. کرسیِ او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتنِ آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او بلندمرتبه [و] بزرگ است. (۲۵۵) در [پذیرش] دین، هیچ اجباری نیست؛ به راستی که راه راست [و هدایت] از راه انحراف [و گمراهی] روشن شده است؛ پس هر کس به طاغوت [= هر آنچه به جای الله عبادت می‌شود] کفر بورزد و به الله ایمان بیاورد، قطعاً به محکم‌ترین دستاویز چنگ زده است که هرگز نخواهد گسست؛ و الله شنوای داناست. (۲۵۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ ۖ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ﴾
مسلماً برخی از رسولان بر برخی دیگر برتری دارند؛ این برتری یا در کتاب‌های نازل‌شده بر آنان است، یا در آیات و معجزات دلالت‌کننده بر راستگویی‌شان، یا در احکام و علم و عمل، و یا در امت‌های‌شان. ابن تیمیه: ۱/۵۷۸-۵۷۹.

پرسش: برخی از وجوه تفاوت درجه میان رسولان را بیان کنید؟

۲ ﴿وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾
عطاء بن دینار می‌گوید: سپاس برای الله که فرمود: ﴿وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾ و نفرمود: «والظالمون هم الکافرون». قرطبی: ۴/ ۲۶۲.

پرسش: روش تدبر عطاء بن دینار در این آیه را بیان کنید؟

۳ ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾
الله تعالی خواب را از خویشتن نفی کرد؛ زیرا خواب، آفت به شمار می‌رود و او تعالی از آفات منزه است. بغوی: ۱/ ۲۶۹.

پرسش: چرا الله تعالی کمترین مدت خواب را از خویشتن نفی کرد؟

۴ ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ﴾
این آیه، به سبب این‌که امور بزرگ و صفات برگزیده‌ای در بردارد، باعظمت‌ترین و برترین و ارزشمندترین آیۀ قرآن کریم است؛ از این‌رو، احادیث زیادی به خواندن آن تشویق کرده‌اند و آن را وردی برای انسان در صبح و شام و هنگام خواب و پس از نمازهای فرض قرار داده‌اند. سعدی: ۱۱۰.

پرسش: چرا خواندن آیة الکرسی در اوقات مختلف شب و روز مشروع شد؟ چرا این آیه باعظمت‌ترین آیۀ قرآن کریم است؟

۵ ﴿مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ﴾
به سبب بزرگی و عظمت و جبروت الله تعالی، هیچ‌کس جرأت ندارد نزد او برای کسی شفاعت کند مگر این‌که اجازۀ شفاعت را به او داده باشد. ابن کثیر: ۱/ ۲۹۲.

پرسش: شرط قرار دادنِ اجازۀ الله سبحانه و تعالی برای کسی که قصد شفاعت دارد بر چه امری دلالت می‌کند؟

۶ ﴿لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ﴾
نیازی به اجبار بر پذیرش دین نیست؛ زیرا اکراه و اجبار در امری صورت می‌گیرد که نشانه‌هایش پنهان و آثارش پیچیده است، یا امری که نفس به شدت از آن متنفر است؛ اما این دینِ استوار و راه راست، نشانه‌هایش را برای خردمندان مشخص کرده، راه‌هایش را آشکار گردانیده، امرش را واضح ساخته و هدایت را از گمراهی متمایز کرده است؛ پس انسانِ موفق اگر کوچک‌ترین نگاهی به این دین بیندازد، آن را ترجیح داده و برمی‌گزیند؛ اما کسی که قصدی بد، اراده‌ای فاسد و نفسی ناپاک دارد، حق را می‌بیند اما باطل را بر آن ترجیح می‌دهد، نیکو را می‌بیند اما به سوی ناپسند میل می‌کند؛ بنابراین الله تعالی نیازی به اجبار چنین کسی بر دین ندارد؛ زیرا این کار هیچ نتیجه و فایده‌ای ندارد؛ و ایمان شخص مجبور، صحیح نیست. سعدی: ۱۱۱.

پرسش: چرا نیازی به اجبار مردم بر پذیرش دین نیست؟

۷ ﴿فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾
از آن‌جا که کفر به طاغوت و ایمان به الله از مواردی است که زبان، آن‌ها را جاری می‌سازد و قلب به آن‌ها اعتقاد دارد، صفت ﴿سَمِيعٌ﴾ به خاطر سخن، و صفت ﴿عَلِيمٌ﴾ به خاطر باور و اعتقاد، به درستی ذکر شد. قرطبی: ۴/ ۲۸۵.

پرسش: به پایان رسانیدن آیۀ کریمه با دو صفت ﴿سَمِيعٌ﴾ و ﴿عَلِيمٌ﴾ الله تعالی، چه رازی در بر دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٣)

ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ
وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ
ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا
خَٰلِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ
أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ
وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُۖ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأۡتِي
بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي
كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوۡ كَٱلَّذِي
مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ
هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ
قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل
لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ
وَٱنظُرۡ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى
ٱلۡعِظَامِ كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا
تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٥٩﴾

ترجمه آیات

الله یاور [و کارسازِ] کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌بَرد؛ و کسانی که کافر شدند، [کارساز و] یاورشان طاغوت است [که] آنان را از نور [ایمان و علم] به سوی تاریکی‌ها[ی کفر و نادانی] بیرون می‌بَرد. آنان اهل آتش هستند [و] در آن جاودانند. (۲۵۷) [ای پیامبر،] آیا [داستان] آن شخص [= نمرود] را ندانسته‌ای که از [سرمستیِ] آنکه الله به او فرمانروایی بخشیده بود با ابراهیم دربارۀ پروردگارش مجادله می‌کرد؟ هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگار من ذاتی است که زنده می‌کند و می‌میراند». [نمرود] گفت: «من [نیز] زنده می‌کنم و می‌میرانم». ابراهیم گفت: «الله خورشید را از مشرق [بیرون] می‌آورَد؛ پس تو آن را از مغرب بیاور». [آنگاه] آن کس که کفر ورزیده بود، مبهوت شد [و از ارائه دلیل ناتوان ماند]؛ و الله ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۲۵۸) یا همچون آن کس که از شهری [ویران و متروک] که سقف‌ها و دیوارهایش فروریخته بود گذشت، [و با خود] گفت: «چگونه الله [اهالی] این [دیار] را پس از مرگشان زنده می‌کند؟» پس الله او را [به مدت] صد سال میراند سپس او را زنده کرد [و به او] فرمود: «چه مدت [در این حال] مانده‌ای؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز [در این حال] مانده‌ام». فرمود: «چنین نیست؛ صد سال [در چنین حالی] مانده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی‌ات بنگر که [رنگ و طعم آن] با گذشت زمان دگرگون نشده است و به اُلاغِ خود بنگر [که چگونه متلاشی شده است. ما چنین کردیم تا به سؤالت پاسخ گوییم] و تو را برای مردم نشانه‌ای [در مورد معاد] قرار دهیم. [اکنون] به استخوان‌های آن [مرکب سواری خود] نگاه کن که چگونه آنها را برداشته و به هم پیوند می‌دهیم و سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم». پس هنگامی که [قدرت الهی بر زنده کردن مردگان] برایش آشکار شد، گفت: «[به یقین]می‌دانم که الله بر هر کاری تواناست». (۲۵۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾

یعنی مددکار و یاورشان است. بنابر قولی: دوستدار آنان، بنابر قولی: متولی امورشان است که آنان را به دیگران وانمی‌گذارد. حسن می‌گوید: ضامن هدایت‌شان است. بغوی: ۱/ ۲۷۳.

پرسش: الله تعالی چه نوع ولایتی بر مومنان دارد؟

۲ ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ﴾

الله تعالی واژۀ نور را به صورت مفرد و ظلمات را به صورت جمع آورد؛ زیرا حق یکی است، و کفر انواع متعددی دارد که همگی باطل هستند. ابن کثیر: ۱/ ۲۹۵.

پرسش: چرا الله تعالی واژۀ نور را به صورت مفرد و ظلمات را به صورت جمع آورد؟

۳ ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾

آنان را از تاریکی‌های کفر و گناهان و جهل، به سوی نور ایمان و طاعت و علم بیرون آورد، پاداش آنان بر این کار، آن بود که آنان را از تاریکی‌های قبر و حشر و قیامت، به سوی نعمت‌های جاویدان و رفاه و گشایش و سُرور برد. سعدی: ۱۱۱.

پرسش: منظور از تاریکی‌هایی که مومن به سبب ایمانش از آن‌ها بیرون برده می‌شود و منظور از نوری که به آن می‌رسد چیست؟

۴ ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ﴾

کفر به سبب مشتبه‌بودن راهش، تاریکی نامیده شد، و اسلام به سبب راه روشنش، نور نام گرفت. بغوی: ۱/ ۲۷۳.

پرسش: چرا الله تعالی کفر را تاریکی و اسلام را نور نامید؟

۵ ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ﴾

الله تعالی بر هدایت کسانی که هدایت شده‌اند می‌افزاید؛ زیرا پیروی آنان از اسلام، راه‌های یقین را برای‌شان مهیا و هموار می‌سازد؛ و آنان روز به روز در آن نفوذ می‌کنند. بر عکس، کسانی که کفر را بر اسلام ترجیح دادند، این انتخاب آنان، بر خوردن مُهر بر خِرَدهای‌شان دلالت دارد، بنابراین هدایت نیافته‌اند و روز به روز بر گمراهی‌شان افزوده می‌شود. ابن عاشور: ۳/ ۳۰.

پرسش: انسان ناگزیر پیش می‌رود، یا در خیر یا در شر. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ﴾

إلکیا می‌گوید: آیه بر جواز استدلال و مباحثه در دین دلالت دارد. آلوسی: ۳/ ۱۹.

پرسش: آیا مباحثه و جدال در دین جایز است؟

۷ ﴿رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ﴾

یعنی تمام تصرفات را به تنهایی انجام می‌دهد. زنده‌کردن و میراندن را به این دلیل به صورت خاص ذکر کرد که بزرگ‌ترین انواع تدبیر هستند. سعدی: ۱۱۱.

پرسش: چرا ابراهیم عليه السلام فقط زنده‌گردانیدن و میراندن را بیان کرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَبُهِتَ	متحیّر گشت و نتوانست دلیل بیاورد.
عُرُوشِهَا	سقف‌هایش.
يَتَسَنَّهۡ	تغییر می‌کند.
نُنشِزُهَا	آن را بلند می‌کنیم و اجزایش را به یکدیگر پیوند می‌زنیم.

عمل به آیات

۱. سه عمل را که الله آن‌ها را دوست دارد مشخص و به آن‌ها عمل کن، سپس بگو: «اللَّهُمَّ تَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ» [صحیح؛ ابن ماجه: ۱۱۷۸؛ ابوداود: ۱۴۲۵؛ ترمذی: ۴۶۴؛ نسایی: ۱۷۴۵ و ۱۷۴۶] «یا الله! مرا جزء کسانی بگردان که دوست خود قرار داده‌ای»، ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾

۲. سه مورد از آداب گفتگو و مناظره را از قصۀ ابراهیم عليه السلام استخراج کن، ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ يَا مُعَلِّمَ إِبْرَاهِيمَ عَلِّمْنِي، وَ يَا مُفَهِّمَ سُلَيْمَانَ فَهِّمْنِي»؛ «یا الله! ای معلم ابراهیم به من تعلیم ده، ای فهمانندۀ سلیمان به من بفهمان»، ﴿قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأۡتِي بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

رهنمودها

۱. ایمان و عمل صالح، دوستی با الله سبحانه را برایت محقق می‌گرداند؛ و فسق و غفلت از یاد الله، دوستی شیطان را برایت جلب می‌کند، پناه بر الله، ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ﴾

۲. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الله بر دوستانش این است که آنان با نور الله می‌بینند، ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾

۳. نعمت‌های دنیوی اگر با ایمان به الله همراه نباشند، باعث رنج و عذاب و گناه بیشترِ انسان می‌شوند، ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٤)

وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِي كَيۡفَ تُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ قَالَ أَوَلَمۡ
تُؤۡمِنۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِيۖ قَالَ فَخُذۡ أَرۡبَعَةٗ مِّنَ
ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا
ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ
(٢٦٠) مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ
أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ
يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ (٢٦١) ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ
أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ
أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ (٢٦٢) ۞قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ
يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ (٢٦٣) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ
رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ
صَفۡوَانٍ عَلَيۡهِ تُرَابٞ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٞ فَتَرَكَهُۥ صَلۡدٗاۖ لَّا يَقۡدِرُونَ
عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّمَّا كَسَبُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ (٢٦٤)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ	آن‌ها را نزد خود مخلوط و تکه تکه کن.
صَفۡوَانٍ	سنگی سخت و صاف.
وَابِلٞ	بارانی فراوان.
صَلۡدٗا	سنگی صاف که خاک بر روی آن نباشد.

عمل به آیات

۱. امروز صدقه‌ای بده که هیچ انسانی از آن باخبر نشود، ﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾

۲. در کتب تفسیر جستجو کن که رازِ ختمِ آیهٔ تشویق به صدقه، با دو صفت ﴿وَٰسِعٌ﴾ و ﴿عَلِيمٌ﴾ چیست، ﴿وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾

۳. امروز با یک نیازمند دیدار کن، سخن نیکویی به او بگو، برایش دعا کن، به او تبسّم کن و صدقه‌ای به او بده تا مزدت مضاعف شود، ﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. اگر انفاق با رضایت و فروتنی باشد و آزار و منتی به همراه نداشته باشد، ترس و اندوه در دنیا و روز آخرت را از صاحبش دور می‌کند، ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

۲. سخن پاکیزه و عفو دیگران بهتر است از صدقه‌ای که منت و آزاری به همراه دارد، ﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ﴾

۳. ریا، بر ضعف ایمان صاحبش به الله و روز آخرت دلالت دارد، ﴿كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾

ترجمه آیات

و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» [الله] فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «بله؛ ولی [می‌خواهم] قلبم آرام بگیرد». فرمود: «پس چهار پرنده بگیر [و آنها را ذبح] و ریزه‌ریزه کن [و درهم بیامیز]، سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را بگذار [و] آنگاه آنها را [به سوی خود] فراخوان؛ [خواهی دید که زنده می‌شوند و] شتابان به سوی تو می‌آیند؛ و [ای ابراهیم،] بدان که الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است». (۲۶۰) مَثَل [اجر و ثواب] کسانی که اموال خود را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویانَد که در هر خوشه یکصد دانه است؛ و الله برای هر کس بخواهد [پاداش او را] چند برابر می‌کند و الله گشایشگرِ داناست. (۲۶۱) کسانی که اموالشان را در راه الله می‌بخشند و در پیِ بخشش خود، منّت و آزار روا نمی‌دارند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۶۲) سخنی پسندیده [در برخورد با نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندیِ آنان]، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری در پی دارد؛ و الله بی‌نیازِ بردبار است. (۲۶۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید همچون کسی که مال خود را برای نمایش دادن به مردم انفاق می‌کند و به الله و روز قیامت ایمان ندارد؛ پس مَثَل او همچون مَثَل سنگ صافی است که بر روی آن [اندکی] خاک نشسته است؛ آنگاه بارانِ تندی بر آن می‌زند [و همهٔ خاک‌ها را از سنگ می‌شوید] و آن را صاف [و بدون خاک] رها می‌کند. آنان [= ریاکاران] از آنچه که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۲۶۴)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿قَالَ فَخُذۡ أَرۡبَعَةٗ مِّنَ ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ﴾

به نظر می‌رسد حکمت تعدد و احتمالاً اختلاف پرندگان، این است که ثابت شود زنده‌گردانیدن بعضی از انواع، آسان‌تر از انواع دیگر نیست. ابن عاشور: ۳/ ۳۹.

پرسش: چرا پرندگان مذبوح بیش از یک عدد، و احتمالاً بیش از یک نوع انتخاب شدند؟

۲ ﴿وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُ﴾

بر اساس حالت و اخلاص و صدقِ انفاق‌کننده، و بر اساس حالت و حلال‌بودن و نفع نفقه و وقوع آن در وقتش، الله تعالی بر ثواب نفقه می‌افزاید. سعدی: ۱۱۳.

پرسش: چه اسبابی اجر نیکی را مضاعف می‌سازند؟

۳ ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

منت‌نهادن به خاطر صدقه به این سبب آن را فاسد می‌کند و حرام است که تمام نعمت‌ها و نیکی‌ها فقط از جانب الله تعالی است؛ پس بنده نباید به سبب نعمت و احسان و فضل الله تعالی منت نهد. به‌علاوه، منت‌گذار کسی را که بر او منت نهاده است خوار و ذلیل می‌کند، در حالی که خواری و بندگی فقط در برابر الله تعالی جایز است. سعدی: ۱۱۳.

پرسش: چرا منت‌نهادن صدقه را فاسد می‌کند؟

۴ ﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ﴾

﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ﴾ یعنی گفتن سخنی نیکو در پاسخ به گدا؛ مثل این‌که شخص برای گدا دعا کند و با او دمساز گردد. ﴿وَمَغۡفِرَةٌ﴾ یعنی بخشش گدا اگر جفایی از او دید. بنابر قولی، آمرزشی از جانب الله به سبب پاسخ نیکو. ابن جزی: ۱/ ۱۷۲.

پرسش: در این آیه یکی از صورت‌های اخلاق والا در اسلام آمده است. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ﴾

﴿حَلِيمٞ﴾ یعنی در مورد نافرمانش عجله نمی‌کند، بلکه به او روزی و یاری می‌دهد، در حالی که او از الله نافرمانی می‌کند و به او تعالی کفر می‌ورزد. بقاعی: ۱/ ۵۱۷.

پرسش: به پایان رسانیدن آیه با صفت حلیم برای الله تعالی چه دلالتی دارد؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾

آیه اشاره دارد به این‌که ریا و منت و آزار پس از انفاق، صفت کافران است و مومنان باید از این امور بپرهیزند. آلوسی: ۳/ ۳۵.

پرسش: چه تفاوتی میان صدقهٔ مخلص و صدقهٔ ریاکار وجود دارد؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ﴾

بر اساس این آیه، اعمال بد، اعمال صالح را باطل می‌کند... چنان‌که نیکی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برند؛ بدی‌ها نیز در مقابل، نیکی‌ها را نابود می‌کنند. سعدی: ۱۱۳.

پرسش: آیه بر خطر زیاد اعمال بد دلالت دارد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٥)

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ
وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَـَٔاتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ۗ
وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُۥ
جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ لَهُۥ
فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٌ
ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ ۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا
لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا۟ ٱلْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ
وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ
وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ
﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٦٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِرَبْوَةٍ	زمینی مرتفع.
فَطَلٌّ	بارانی سبک.
تَيَمَّمُوا۟	قصد کنید.
تُغْمِضُوا۟	از بدی و عیب آن چشم‌پوشی کنید.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ» [الدعاء طبرانی: ۶۳۲] «یا الله! استقامت در کار و استواری بر هدایت و بهره‌مندی از تمام نیکی‌ها را از تو تقاضا می‌کنم»، ﴿وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾

۲. صدقه‌ای را که در آن دو دل بودی به یاد بیاور، و برای خوار و ذلیل کردنِ شیطان، امروز آن صدقه را بده، ﴿ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾

۳. از الله بخواه حکمت به تو روزی دهد، ﴿يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

رهنمودها

۱. بر استفاده از ضرب‌المثل کوشا باش؛ زیرا معانی را به ذهن نزدیک می‌سازد، ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ﴾

۲. امر به انفاق، برای آزمایش توست؛ بنابراین از مال بد انفاق نکن و از مال خوب انفاق کن، ﴿وَلَا تَيَمَّمُوا۟ ٱلْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ﴾

۳. ترس از فقر، وسوسه‌ای شیطانی است؛ بنابراین فقر را بهانهٔ ترک انفاق و اعمال صالح قرار نده، ﴿ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾

ترجمه آیات

و مَثَل کسانی که اموال خود را در طلب رضایت الله و به خاطر باوری که در دل‌هایشان [به پاداشِ الله] دارند انفاق می‌کنند، همچون باغی بر بالای تپه‌ای است که باران فراوانی بر آن ببارد و حاصلی دو چندان دهد؛ و اگر باران فراوانی هم به آن نرسد، بارانی سبک [نیز برایش کافی است و زمین پاکش را پرثمر می‌سازد]؛ و الله از آنچه می‌کنید آگاه است. (۲۶۵) آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها جویبارها[ی گوارا] روان است و هر گونه میوه برایش به بار می‌آوَرَد و[لی] در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی [خردسال] و ناتوان دارد، ناگهان گردبادی آتشین در آن زنَد و [همهٔ باغ] بسوزد؟ [حالِ کسانی که صدقه‌های خود را با منت و آزار و ریا باطل می‌کنند نیز چنین است]. الله بدین گونه آیات [خود] را برای شما روشن می‌سازد؛ باشد که بیندیشید. (۲۶۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما برآورده‌ایم، انفاق کنید؛ و به سراغ [مالِ] ناپاک نروید که از آن انفاق نمایید؛ در حالی که خودتان حاضر به پذیرفتنش نیستید، مگر با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن؛ [پس چگونه چیزی را که برای خود نمی‌پسندید، برای الله روا می‌دارید؟] و بدانید که الله بی‌نیاز [و در ذات و صفات و افعالش] ستوده است. (۲۶۷) شیطان، شما را [به هنگام انفاق می‌ترساند و] وعدهٔ فقر [و تنگدستی] می‌دهد و شما را به زشتی‌ها [= ارتکاب گناه] امر می‌کند؛ ولی الله از جانب خود به شما وعدهٔ آمرزش و افزونی [نعمت] می‌دهد و الله گشایشگرِ داناست. (۲۶۸) [الله] به هر کس بخواهد حکمت [= راستی در گفتار و کردار] می‌دهد و بی‌تردید، به هر کس حکمت داده شود، یقیناً خیرِ فراوانی [به او] عطا شده است؛ و جز خردمندان، کسی [از آیات الهی] پند نمی‌گیرد. (۲۶۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾

هر کس نفسش را به بخشش مال- که برادرِ جان است- راضی کند و نفسش از او فرمانبرداری کند، و طمع نفس در پیروی انسان از شهوات کم شود، واداشتن نفسش بر سایر عبادات بر او آسان می‌شود. اما اگر نفسش را آزاد بگذارد- در حالی که نفس برای اخلاق ناپسند سرشته شده است- بر طمعش در پیروی از شهوات و ماندن در فرومایگی‌ها افزوده می‌شود. بقاعی: ۱/ ۵۱۸.

پرسش: بر اساس آیه، اهمیت تربیت نفس بر انفاق و بخشش را بیان کنید؟

۲ ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾

زیرا دو آفت بر نفقه عارض می‌شود: یا هدف انسان از صدقه، ستایش و مدح مردم است، که این کار ریا به شمار می‌رود، یا با سستی و تردید و نیت ضعیف، صدقه می‌دهد. افراد مورد نظر آیه از این دو آفت رهایی یافته‌اند؛ یعنی فقط برای خوشنودی الله نه برای هیچ هدف دیگری و به سبب باور و یقینی که دارند انفاق کردند. سعدی: ۱۱۴.

پرسش: چه آفاتی هنگام انفاق مسلمان بر او عارض می‌شود؟

۳ ﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَـَٔاتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ﴾

یعنی زکات را در حالی می‌پردازند که دل‌های‌شان به کسب ثواب یقین دارد و وعدهٔ الله را تصدیق می‌کند؛ در حالی که می‌دانند آن‌چه را پرداخت کرده‌اند برای‌شان بهتر است از آن‌چه که پرداخت نکرده‌اند. بنابر قولی: یقین دارند بر این‌که الله عوض زکات را برای‌شان می‌دهد. بغوی: ۱/ ۲۸۶.

پرسش: مؤمن هنگام پرداختِ زکات یا صدقه چه حالی دارد؟

۴ ﴿ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ﴾

وعدهٔ شیطان بر فرمانش مقدم شد؛ زیرا از طریق وعده، اعتماد و ایمان به او حاصل می‌شود، و وقتی که اطمینان انسان به شیطان حاصل شد و از فقر ترسید، شیطان با امر و فرمان، بر او مسلط می‌گردد. آلوسی: ۳/ ۴۰.

پرسش: چرا وعدهٔ شیطان به فقر، زودتر از امر او به فحشا آمد؟

۵ ﴿ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ﴾

شیطان دروازه‌ای برای بازداشتن انسان از انفاق در راه الله دارد، و با این وجود، به فحشا، یعنی گناهان و انفاق در آن امر می‌کند. قرطبی: ۴/ ۳۵۴.

پرسش: مومن وقتی قصد صدقه‌دادن دارد، شیطان چه عملی انجام می‌دهد؟

۶ ﴿يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

برخی حکما گفته‌اند: کسی که علم و قرآن به او داده شده، سزاوار است که خودش را بشناسد، و به خاطر دنیا در برابر دنیاداران فروتنی نکند. چیزی بهتر از آن‌چه که به دنیاداران داده شده به او داده شده است؛ زیرا الله تعالی دنیا را کالایی اندک ﴿قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ (نساء: ۷۷) و علم و قرآن را ﴿خَيْرًا كَثِيرًا﴾ نامید. قرطبی: ۴/ ۳۵۷.

پرسش: کسی که علم و قرآن به او عطا شده است چه جایگاهی دارد؟

۷ ﴿يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾

صلاحیت و شایستگیِ قلب و هدف از آفرینش آن، این است که: اشیا را بفهمد؛ نه این‌که فقط آن‌ها را بداند؛ زیرا امکان دارد کسی چیزی را بداند اما آن را نفهمیده باشد و از آن غافل باشد و به آن نیندیشد. اما کسی چیزی را می‌فهمد که آن را به یاد آورَد و حفظ و تحلیل و بررسی نماید و در قلبش ثبت کند. در نتیجه هنگام نیاز به آن چیز، بی‌نیاز است؛ یعنی رفتار او مطابق گفتارش و باطن او موافق ظاهرش است. حکمت به چنین انسانی داده شده است. ابن تیمیه: ۱/ ۵۹۹.

پرسش: چه رابطه‌ای بین عقل و حکمت وجود دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٦)

وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ
يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ ٢٧٠ إِن تُبۡدُواْ
ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا
ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن
سَيِّـَٔاتِكُمۡۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٧١ ۞ لَّيۡسَ
عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۗ وَمَا
تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلِأَنفُسِكُمۡۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا
ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ
وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٢ لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ
يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم
بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ
خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ٢٧٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم
بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ
رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أُحۡصِرُواْ	به خاطر جهاد، از طلب روزی بازداشته شده‌اند.
بِسِيمَٰهُمۡ	با نشانه‌های‌شان، و آثار نیاز در آنان.
إِلۡحَافٗا	اصرار در گدایی.

عمل به آیات

۱. مردمی را مشخص کن که آثار غفلت را در آنان مشاهده می‌کنی، سپس با اصرار از الله بخواه آنان را هدایت بفرماید، امید است الله اجر هدایت‌شان را برایت بنویسد، ﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ﴾

۲. گناهی را که مرتکب شده‌ای به یاد بیاور، سپس صدقه‌ای بده، امید است الله گناهت را ببخشد، ﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمۡ﴾

۳. عمل خیری را که مردم برای انجام داوطلبانهٔ آن درنگ می‌کنند جستجو کن، سپس به سرعت آن را انجام بده و صدقه‌ات را اعلان کن، تا مزد پیروی دیگران از تو، برایت حاصل شود، ﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

رهنمودها

۱. سرّی و آشکارا انجام دادن اعمال صالح، با اختلاف مصلحتی که از هر یک امید می‌رود متغیر است، ﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

۲. دعوتگر برای رساندن دعوت به وجه مطلوب اهتمام می‌ورزد، و مکلّف نیست که مردم دعوتش را اجابت کنند، ﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ﴾

۳. خودت را به خویشتن‌داری و گدایی نکردن از مردم و طلب نکردن نیازها از آنان عادت بده؛ زیرا هر کس به خاطر الله از دیگران بی‌نیازی بجوید الله او را بی‌نیاز می‌سازد، ﴿يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗا﴾

ترجمه آیات

هر نفقه‌ای [کم یا زیاد] انفاق کنید یا هر نذری که [با خود] عهد کنید، قطعاً الله آن را می‌داند. [هر کس از اجرای اوامر الهی جلوگیری کند، ستمکار است] و ستمکاران [در آخرت،] هیچ یاوری ندارند. (۲۷۰) اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، چه نیکوست! و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بدهید، برایتان بهتر است و [این گونه صدقهٔ خالصانه و پنهانی، بخشی] از گناهانتان را می‌زداید؛ و [بدانید که در هر حال،] الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۲۷۱) [ای پیامبر،] هدایتِ آنان بر عهدهٔ تو نیست؛ بلکه الله هر کس را بخواهد هدایت می‌کند؛ و [ای مؤمنان،] آنچه از مال [خود] انفاق می‌کنید، به سودِ خودتان است و [به یاد داشته باشید که] جز برای رضایت الله انفاق نکنید؛ و آنچه از مال انفاق می‌کنید، [پاداش آن] به طور کامل و تمام به شما داده می‌شود و [هرگز] به شما ستم نخواهد شد. (۲۷۲) [صدقات شما] برای افراد تنگدستی است که خود را وقف [جهاد] در راه الله کرده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه‌های زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت [نجابت و] خویشتنداری، افرادِ بی‌اطلاع [از حالشان]، آنان را بی‌نیاز می‌پندارند. اینان را از نشانه‌هایشان [که در لباس و وضعیت ظاهری‌شان آشکار است، به وضوح] می‌شناسی [و آنان هرگز] با اصرار [چیزی] از مردم نمی‌خواهند؛ و آنچه از مال انفاق می‌کنید، قطعاً الله از آن آگاه است. (۲۷۳) کسانی که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ﴾

ساختار بیان آیه می‌رساند که انسان سخاوتمند و بخشنده هر بار که بلغزد الله دستش را می‌گیرد، یعنی یاوری برایش وجود دارد، اما انسان ستمکار که به جای نیکی، مرتکب جور و ستم شده، هیچ یاوری ندارد. بقاعی: ۱/ ۵۲۵.

پرسش: چرا پس از تشویق بر انفاق، آیه با عبارت ﴿وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ﴾ به پایان رسید؟

۲ ﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که صدقهٔ پنهانی بر فقیر، از صدقهٔ آشکار بهتر است، اما اگر صدقات فقرا داده نشود، مفهوم آیه این می‌شود که پنهانی از آشکارا بهتر نیست؛ یعنی برتری هر یک از این دو روش، به مصلحت بازمی‌گردد: اگر آشکارکردن صدقه، باعث اظهار شعایر دین و سبب اقتدا و تشویق می‌شود، صدقهٔ آشکار از صدقهٔ پنهانی بهتر است. سعدی: ۱۱۶.

پرسش: کدام صدقه بهتر است، پنهانی یا آشکارا؟

۳ ﴿وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که پنهان کردن صدقه، از آشکارکردنش بهتر است؛ زیرا دورتر از ریا است. ابن کثیر: ۱/۳۰۵.

پرسش: چرا مخفی‌کردن صدقه از آشکار کردن آن بهتر است؟

۴ ﴿وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِ﴾

فقط به خاطر طلب خوشنودی الله تعالی انفاق کنید؛ نه به قصد آزاررساندن و نه منت‌گذاشتن و نه از روی ریا و نه این‌که از مال ناپاک انفاق کنید. آلوسی: ۳/ ۴۶.

پرسش: انواع آفاتی که صدقه را باطل می‌کنند یا از اجرش می‌کاهند نام ببرید.

۵ ﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ﴾

یعنی کسی که آنان را نشناسد گمان می‌کند بی‌نیاز هستند؛ چون بسیار اندک سوال (گدایی) می‌کنند. منظور از تعفف در این‌جا آن است که از طلب‌کردن، خودداری می‌کنند. ﴿تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ﴾: نشانهٔ صورت‌های‌شان؛ یعنی نمایان‌بودنِ رنج و نیاز و آسایش اندک. بنابر قولی یعنی خشوع، بنابر قولی دیگر یعنی سجده. ﴿لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗا﴾: الحاف به معنای اصرار در گدایی است؛ یعنی اگر گدایی کنند با نرمی این کار را انجام می‌دهند و اصرار نمی‌ورزند. بنابر قولی: هم نفی گدایی و هم نفی اصرار، هر دو با هم منظور است. ابن جزی: ۱/ ۱۲۷.

پرسش: الله تعالی در این آیه مومنان فقیر را با چه صفاتی ستود؟

۶ ﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ﴾

به این سبب فقرای مهاجرین را به صورت خاص بیان کرد که کسی غیر از آنان آن‌جا نبود، آنان اهل صُفّه و حدود چهارصد مرد بودند. در حالی نزد رسول الله ﷺ آمدند که فقیر و بدون خانواده و مال بودند، بنابراین صُفّه (ایوانی) در مسجد رسول الله ﷺ برای‌شان ساخته شد و به این سبب اهل صُفّه نام گرفتند. قرطبی: ۴/ ۳۷۱.

پرسش: سبب فقر اهل صُفّه چه بود؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

به سبب مزیتی که عمل پنهانی بر عمل آشکارا دارد، شب بر روز، و پنهانی بر آشکارا مقدم شد. آلوسی: ۳/ ۴۷.

پرسش: چرا شب بر روز، و پنهانی بر آشکارا مقدم شد؟

ترجمه آیات

کسانی که ربا می‌خورند [روز قیامت از قبر] برنمی‌خیزند؛ مگر مانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است [و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند]. این، به خاطر آن است که آنان [= رباخواران] گفتند: «داد و ستد نیز مانند رباست [و هر دو، مال را افزون می‌کند]»؛ در حالی که الله، داد و ستد را حلال و ربا را حرام نموده است. پس هر کس که از [جانب] پروردگارش پندی به او برسد و [از رباخواری] دست بردارد، آنچه گذشته و [سودهایی که قبل از نزولِ حکمِ ربا دریافت کرده است] از آنِ اوست و [در مورد آینده نیز] کارش به الله واگذار می‌شود؛ و[لی] کسانی که [به رباخواری] بازگردند، اهل آتش [دوزخ] هستند و در آن جاودانند [= مدت طولانی در آن خواهند بود]. (۲۷۵) الله ربا را نابود [و بی‌برکت] می‌گرداند و صدقات را [با افزودن بر ثوابش] افزایش و [برکت] می‌دهد؛ و الله هیچ کافرِ لجوج و گناهکاری را دوست ندارد. (۲۷۶) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند و نماز برپا داشته‌اند و زکات پرداخته‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید و اگر مؤمن هستید، آنچه را که از [مطالبات] ربا باقی مانده است رها کنید. (۲۷۸) اگر [چنین] نکردید، بدانید که الله و رسولش با شما پیکار خواهند کرد؛ و اگر توبه کردید، اصلِ سرمایه‌هایتان از آنِ شماست؛ نه [با گرفتنِ سودِ سرمایه‌تان به کسی] ستم می‌کنید و نه [با چشم‌پوشی از آن سودِ حرام] بر شما ستم می‌رود. (۲۷۹) و اگر [شخصِ بدهکار،] تنگدست بود، تا [هنگام] گشایش [و توانایی بازپرداخت، به او] مهلت دهید و [اگر توانایی پرداخت نداشت،] بخشیدن آن [بدهی] برایتان بهتر است، اگر [ثواب این کار را] بدانید. (۲۸۰) و از [عذابِ] روزی بترسید که در آن به سوی الله بازگردانده می‌شوید؛ سپس به هر کس [پاداش] آنچه انجام داده است به طور کامل داده می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۲۸۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّ﴾

یعنی مانند دیوانه محشور می‌شود؛ برای مجازات و به این سبب که نزد تمام اهل محشر مبغوض گردد. قرطبی: ۴/ ۳۹۰.

پرسش: رباخوار در روز قیامت چگونه محشور می‌شود؟

۲ ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾

باید مناسبتی میان ختم آیه با این صفت وجود داشته باشد؛ این مناسبت آن است که شخص رباخوار به حلالی که الله نصیبش کرده راضی نیست، و به کسب مباحی که برایش تشریع شده است بسنده نمی‌کند؛ بلکه با انواع درآمدهای ناروا، در خوردن اموال مردم به باطل می‌کوشد؛ بنابراین نسبت به نعمتی که به او داده شده، ناسپاس به شمار می‌رود، و چون اموال مردم را به باطل می‌خورَد، ستمکار و گناهکار است. ابن کثیر: ۱/ ۳۱۲.

پرسش: چرا رباخوار، به عنوان فردی ناسپاس و بزهکار معرفی شد؟

۳ ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ﴾ یعنی: صدقه، جهاد، حج و صلهٔ رحمی با آن مال پذیرفته نمی‌شود. ﴿وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ﴾ یعنی در دنیا ثمره و برکت در آن قرار می‌دهد، و در آخرت بر اجر و ثوابش می‌افزاید. با تحریم ربا ﴿وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ﴾؛ کافر به حرام بودن ربا ﴿أَثِيمٍ﴾ گنهکار با خوردن آن. بغوی: ۱/ ۳۰۲.

پرسش: ربا چه تاثیری بر رباخوار دارد؟

۴ ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ﴾

زیرا جزا از جنس عمل است؛ یعنی رباخوار به مردم ستم کرده و اموال‌شان را به طریق غیر شرعی گرفته است؛ بنابراین با نابودی مالش مجازات می‌شود. اما کسی که با انواع مختلف به مردم نیکی کرده است، الله از او نیکوکارتر است، پس همان‌گونه که او بر بندگان الله نیکی کرده است الله تعالی به او نیکی می‌کند. سعدی: ۱۱۷.

پرسش: چرا مجازات رباخوار این است که مالش از بین برود، و پاداش نیکوکار این است که بر نیکی‌هایش افزوده شود؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

نماز و زکات را به صورت خاص بیان کرد در حالی که در دایرهٔ اعمال صالح قرار دارند؛ تا این دو عبادت را بزرگ برشمارد و بر ارزش آن‌ها تاکید کند؛ زیرا نماز و زکات، رأس اعمال هستند: نماز در میان اعمال بدنی و زکات در میان اعمال مالی. قرطبی: ۴/ ۴۰۳.

پرسش: چرا الله تعالی نماز و زکات را به صورت خاص ذکر فرمود؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

ربا و ایمان یکجا جمع نمی‌شوند، و سبب اکثر بلایای این امت – تا این‌که همانند بنی‌اسرائیل به عذاب سخت و قحطی گرفتار شدند – عمل رباخواران است. بقاعی: ۱/ ۵۴۱.

پرسش: چرا تحریم ربا با تاکید و سختگیری آمد؟

۷ ﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ﴾

کسی که بداند به سوی پروردگارش بازمی‌گردد و الله او را در برابر کوچک و بزرگ و آشکار و مخفی جزا می‌دهد، و این‌که او تعالی ذره‌ای به او ستم روا نمی‌دارد؛ میانِ امید و ترس قرار می‌گیرد. سعدی: ۱۱۷ – ۱۱۸.

پرسش: این‌که انسان بداند به سوی پروردگارش بازمی‌گردد چه فایده‌ای برایش دارد؟

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٧)

ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ
مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ
مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ
عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمۡحَقُ
ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ
﴿٢٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ
وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ
فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ
أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ
ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ
إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى
ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَتَخَبَّطُهُ	او را بر زمین می‌افکند.
ٱلۡمَسِّ	دیوانگی.
يَمۡحَقُ	می‌کاهد و برکت را از بین می‌برد.
يُرۡبِي	می‌افزاید و رشد می‌دهد.
فَأۡذَنُواْ	یقین داشته باشید.

عمل به آیات

۱. پیامی بفرست و در آن از خطر ربا بر صاحبش و بر مسلمانان برحذر دار، ﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّ﴾

۲. بر ادای نمازهای پنج‌گانه با جماعت مواظبت کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

۳. تنگدستی را کمک کن یا وسیلهٔ ادای بدهی‌اش شو، ﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. هر کس که به ربا معامله کند حکمتی که او را به سوی راه حق راهنمایی می‌کند از دست داده است، ﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّ﴾

۲. مال حرام برکت را از بین می‌برد، و به صاحبش ضرر می‌رساند، اما صدقه سبب سعادت در دنیا و آخرت است، ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ﴾

۳. این آیه را باید تکرار کرد تا در دل‌ها جای گیرد، و اثرش بر جوارح نمایان گردد، ﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ﴾

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٨)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى
فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ
كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ
ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ
فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ
أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ
مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ
مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ
إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ
أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ
عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ
تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ
أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ
وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ
ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٨٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَلَا يَأۡبَ	خودداری نکند.
وَلۡيُمۡلِلِ	باید املا و اقرار کند.
يَبۡخَسۡ	می‌کاهد.
سَفِيهًا	محجور، به این سبب که بیهوده خرج می‌کند.
ضَعِيفًا	مانند کودک و دیوانه.
تَسۡـَٔمُوٓاْ	ملول شوید.
وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ	بیشترین کمک را برای ادای شهادت می‌کند.

عمل به آیات

۱. امروز تمام بدهی‌ها و طلب‌هایت را بنویس؛ تا حق خودت و حق وارثانت یا حقوق مردم تباه نشود، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

۲. مبلغی مال به شخصی نیازمند قرض بده و آن را بنویس، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

۳. مهارتی را که الله به تو بخشیده است مشخص کن و آن را برای سپاس‌گزاری از الله، به دیگران بیاموز، ﴿وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِ﴾

رهنمودها

۱. ثبت احکام مربوط به اموال، راهی برای ثبت اعمال دل‌هاست، و ثبت اعمال دل‌ها سبب اصلاح دین و دنیاست، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

۲. هر کس الله نعمتی به او اختصاص داده که مردم به آن نیاز دارند باید آن را به مردم ببخشد؛ زیرا این کار شکرگزاری از الله به خاطر آن نعمت است، ﴿وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ﴾

۳. تقوای الهی اولین سبب کسب علم است، ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ﴾

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر به یکدیگر وامی [پرداختید یا معاملهٔ نسیه‌ای انجام] دادید که سررسیدِ معیّنی داشت، آن را بنویسید؛ و باید نویسنده‌ای [قراردادِ این کار را] بر اساسِ عدالت بین شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتنش خودداری کند، همان‌گونه [و به شکرانهٔ آن] که الله به او آموزش داده است؛ و کسی که وام بر عهدهٔ اوست [= بدهکار] باید املا [و اقرار] کند و او [= نویسنده] بنویسد؛ و باید از الله، که پروردگارِ اوست، بترسد و از [مبلغ و مدتِ] آن [وام] چیزی نکاهد. اگر کسی که وام بر عهدهٔ اوست سَفیه [=کم‌خرد]، یا [به سبب خردسالی یا بیماری یا پیری] ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، باید قَیِّمِ او با [رعایت] عدالت املا کند و دو شاهد از مردانتان را [بر آن قرارداد] گواه بگیرید. اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید] تا اگر یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند؛ و هنگامی که شاهدان [برای ادای شهادت] دعوت شدند، نباید [از آمدن] خودداری کنند. و از نوشتن [بدهی] تا سررسیدش [سستی نکنید و] دلگیر نشوید خواه [مبلغ آن] کم باشد خواه زیاد. این [کار،] در نزد الله به عدالت نزدیک‌تر و برای گواهی‌دادن، استوارتر است و برای آنکه [در مقدار و مدتِ وام] دچار تردید نشوید، [به احتیاط] نزدیک‌تر است؛ مگر اینکه داد و ستدی نقدی باشد که بین خود دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید؛ و هنگامی که داد و ستد [نقدی] کردید، گواه بگیرید و [در این میان] نباید به نویسنده و گواه [هیچ] رنج و زیانی برسد؛ و اگر [چنین] کنید بی‌شک [بیانگر] نافرمانیِ شما خواهد بود؛ و [ای مؤمنان،] از الله پروا کنید [و معاملات را به همان شکلی که امر می‌کند انجام دهید]. الله [آنچه را که برای دنیا و آخرتتان سودمند است] به شما آموزش می‌دهد و الله به همه چیز داناست. (٢٨٢)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

امر به نوشتن، برای حفظ اموال و زدودن تردید، مستحب است و حتی اگر بدهکار پرهیزگار باشد نوشتن، زیانی به او نمی‌رساند. قرطبی: ۴/ ۴۳۱.

پرسش: چرا الله تعالی فرمان داد بدهی و سایر معاملات نوشته شود؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

امر به نوشتن تمام معاملات نسیه... به سبب نیاز شدید به نوشتن آن‌هاست؛ زیرا بدون نوشتن، اشتباه و فراموشی و نزاع و مشاجره در آن راه می‌یابد که شر بزرگی به همراه دارد. سعدی: ۱۱۸.

پرسش: چرا شریعت اسلام به نوشتنِ دیون فرمان داد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ﴾

خرید و فروش به صورت نسیه، یکی از بزرگ‌ترین اسباب گسترش معاملات است؛ زیرا گاهی کسی که توانایی رشد و افزودن در مال را دارد از مال بی‌بهره است و ناگزیر باید به این کار روی بیاورد تا استعداد خویش را در تجارت یا صنعت یا کشاورزی آشکار کند؛ و نیز گاهی مال شخصی ثروتمند، در دستش آسیب می‌بیند و برایش هزینه دارد؛ و اگر این کار را انجام ندهد، نظام مالی‌اش مختل می‌گردد. ابن عاشور: ۳/ ۹۸.

پرسش: جواز معامله به نسیه در اسلام چه حکمتی دارد؟

۴ ﴿وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِ﴾

نویسنده باید به نوشتن وثیقه‌ها، تعهدات هر یک از طرفین و موردی که در قبال آن وثیقه گرفته شده است آشنا باشد؛ چون در غیر این صورت عدالت حاصل نمی‌شود. سعدی: ۱۱۸.

پرسش: کاتب معتبر در نوشتن دیون، کیست؟

۵ ﴿فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ﴾

عدالت شرط است؛ یعنی شاهد از گناهان کبیره بپرهیزد و بر گناهان صغیره اصرار نداشته باشد. مُرُوّت شرط است؛ یعنی موارد مربوط به آداب نفس که مشخص می‌شود تارک این آداب، حیای اندکی دارد. این آداب عبارتند از: ظاهر و سیرت و معاشرت و حرفهٔ نیکو. پس اگر شخص، یک مورد از این امور را که امثال او اغلب از اظهار آن‌ها حیا می‌کنند، از خودش آشکار کرد، کم‌مروتی او مشخص می‌گردد و شهادتش پذیرفته نمی‌شود. بغوی: ۱/ ۳۰۹.

پرسش: منظور از دو صفت مروت و عدالت چیست؟

۶ ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ﴾

الله تعالی وعده داده که هر کس تقوای او را رعایت کند به او علم می‌آموزاند؛ یعنی نوری در قلبش قرار می‌دهد که با این نور، آن‌چه را که بر قلبش القا می‌شود می‌شناسد و گاهی الله از همان ابتدا فرقانی در قلبش قرار می‌دهد؛ یعنی داوری، که با آن میان حق و باطل جدایی می‌اندازد. قرطبی: ۴/ ۴۶۴.

پرسش: بنده چگونه از جانب الله تعالی به علم دست می‌یابد؟

۷ ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ﴾

بعد از امر به تقوا، ختم آیاتِ این معاملات با صفت علم، بیشترین مناسبت را دارد؛ - زیرا طرفین معامله حیله‌هایی به کار می‌برند تا هر یک از آنان سهمی برای خودشان جلب کنند- و تشویقی است برای اجرای دستوراتی که به آنان داده است. بقاعی: ۱/ ۵۴۹.

پرسش: چرا بعد از امر به تقوا، آیات این معاملات با صفت علم به پایان رسید؟

ترجمه آیات

اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید [که سندِ وام را بنویسد، چیزی] گرو بگیرید و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و چیزی گرو نگرفت و نوشته و گواه نیز نداشت]، آن که امین شمرده شده است، باید امانت [و بدهی] خود را بازپس دهد و باید از الله، که پروردگار اوست، پروا کند؛ و شهادت را کتمان نکنید و [بدانید که] هر کس آن را کتمان کند، بی‌شک، قلبش گناهکار است؛ و الله به آنچه می‌کنید، داناست. (۲۸۳) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است. اگر آنچه را در دل خود دارید، آشکار کنید یا پنهانش نمایید، الله شما را بر [اساسِ] آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه [بر اساس بخشش و رحمت خویش] هر کس را بخواهد می‌بخشد و [از روی عدالت و حکمتش نیز] هر کس را بخواهد عذاب می‌کند؛ و الله بر [انجام] هر کاری تواناست. (۲۸۴) رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ [و رسول و مؤمنان گفتند:] «میان هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم [و به همه شان ایمان داریم]. و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست». (۲۸۵) الله هیچ کس را جز به اندازهٔ توانش مکلّف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده است به سودِ اوست و آنچه [بدی] کسب کرده است به زیان اوست. [پیامبران و مؤمنان گفتند:] «پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بار گران [و تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار؛ چنان که آن را [به مجازات گناه و سرکشی،] بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند [= یهودیان] نهادی. پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر [دوش] ما مگذار و از ما درگذر و به ما رحم کن. تو یار [و کارسازِ] مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان». (۲۸۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ﴾

الله سبحانه به پیشه‌کردن تقوا هنگام وفا نیز دستور داد، همان‌گونه که به تقوا هنگام اقرار فرمان داد؛ تا حقوق بندگان، بزرگ داشته شود، و از آن‌چه که موجب فساد می‌گردد پرهیز شود. آلوسی: ۳/ ۶۳.

پرسش: چرا الله سبحانه فرمان داد که هنگام وفا تقوا پیشه شود و برای بار دوم فرمان داد که هنگام اقرار تقوا پیشه گردد؟

۲ ﴿وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ﴾

گناه را به دل نسبت داد؛ زیرا پنهان‌کاری یکی از افعال قلبی است، و نیز قلب تکه‌گوشتی است که اگر اصلاح شود تمام بدن اصلاح می‌گردد. قرطبی: ۴/ ۴۷۸.

پرسش: چرا الله تعالی در این آیه قلب را به طور خاص بیان فرمود؟

۳ ﴿وَإِن كُنتُمۡ عَلَىٰ سَفَرٖ وَلَمۡ تَجِدُواْ كَاتِبٗا فَرِهَٰنٞ مَّقۡبُوضَةٞۖ فَإِنۡ أَمِنَ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥۗ وَلَا تَكۡتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ﴾

این احکام نیکی که الله تعالی بندگانش را به آن‌ها راهنمایی فرمود، حکمت‌هایی بزرگ و مصالحی عمومی در بر دارد؛ که دلالت دارد بر این‌که مردم اگر به راهنمایی الله هدایت یابند، قطعا دنیا و دین‌شان اصلاح خواهد شد؛ چون این احکام دربردارندهٔ عدالت و مصلحت، حفظ حقوق، قطع مشاجرات و نزاع‌ها و سامان‌دادن معاش هستند. سعدی: ۱۱۹- ۱۲۰.

پرسش: چه چیزی دین و دنیای مردم را اصلاح می‌گرداند؟

۴ ﴿وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

شنیدن و فرمانبرداری به این سبب بر طلب آمرزش مقدم شد که تقدم وسیله بر هدف، برای اجابت و پذیرش دعا بهتر است. آلوسی: ۳/ ۶۹.

پرسش: چرا شنیدن و فرمانبرداری را بر طلب آمرزش مقدم کرد؟

۵ ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ﴾

اوامر و نواهی اساساً بر نفس مشقت‌آور نیستند؛ بلکه غذای جان، داروی بدن و سپری در برابر آسیب هستند؛ زیرا الله تعالی از روی رحمت و نیکی، بندگان را به اوامرش فرمان داده است. سعدی: ۱۲۰.

پرسش: تمام تکالیف شریعت، رحمت و احسان است. بر اساس آیه، برای این مطلب دلیل ارائه کن.

۶ ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ﴾

به این دلیل برای نیکی‌ها، ﴿لَهَا﴾ ذکر شد که انسان بر اثر انجام نیکی‌ها شاد و خوشحال می‌شود؛ پس به دارایی‌اش اضافه می‌شود. اما برای بدی‌ها، از آن جهت که بار گران و سنگین و رنج و مصیبت برای انسان هستند، لفظ ﴿عَلَيۡهَا﴾ آمد. چنان‌که گفته می‌شود: «لِي مَال: ثروتی دارم» و «عَلَيَّ دَيْن: وامی بر عهدهٔ من است». قرطبی: ۴/ ۵۰۰.

پرسش: راز تعبیر قرآنی در ذکر نیکی‌ها با ﴿لَهَا﴾، و ذکر بدی‌ها با ﴿عَلَيۡهَا﴾ چیست؟

۷ ﴿وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ﴾

﴿وَٱعۡفُ عَنَّا﴾ یعنی تقصیرات و لغزش‌های‌مان را که میان ما و تو وجود دارد و از آن‌ها آگاهی. ﴿وَٱغۡفِرۡ لَنَا﴾ یعنی آن‌چه که میان ما و میان بندگانت وجود دارد؛ پس آنان را از بدی‌ها و اعمال زشت ما مطلع نکن. ﴿وَٱرۡحَمۡنَآ﴾ یعنی در آینده؛ پس به توفیق خویش، ما را در گناهی دیگر میناداز. بنابراین گفته‌اند: گناهکار به سه امر نیاز دارد: این‌که الله از آن‌چه که میان بنده و او تعالی قرار دارد درگذرد، گناهش را از بندگان بپوشاند، یعنی گناه او را میان بندگان آشکار نکند و امر سوم این‌که از او محافظت کند تا در گناهی دیگر نیفتد. سعدی: ۱/ ۳۲۴.

پرسش: سه امری که گناهکار به آن‌ها نیاز دارد چیست؟

سورة (البقرة) الجزء (٣) صفحة (٤٩)

وَإِن كُنتُمۡ عَلَىٰ سَفَرٖ وَلَمۡ تَجِدُواْ كَاتِبٗا فَرِهَٰنٞ مَّقۡبُوضَةٞۖ
فَإِنۡ أَمِنَ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ
ٱللَّهَ رَبَّهُۥۗ وَلَا تَكۡتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ
ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٢٨٣ لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ
يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ
وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ
مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ
وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ
سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ
ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ
عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا
وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا
وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَرِهَٰنٞ مَّقۡبُوضَةٞ	یعنی این‌که برای تضمین حق طلبکار، چیزی به او داده شود تا این‌که بدهکار بدهی‌اش را بپردازد.
إِصۡرٗا	مشقت و باری سنگین.

عمل به آیات

۱. شب دو آیهٔ پایانی سورهٔ بقره را بخوان؛ زیرا این دو آیه برای خواننده‌اش کفایت می‌کند، ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦ﴾.

۲. امروز پس از هر طاعت و عمل خیری که انجام دادی، از الله آمرزش بخواه، ﴿وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

۳. امروز عمل صالحی با زبانت، یا با مالت یا با جوارحت انجام بده سپس دعا کن؛ زیرا این کار برای پذیرش دعایت موثّرتر است، ﴿وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

رهنمودها

۱. کسی که شهادت را کتمان کند گنهکار است، پس کسی که به دروغ شهادت می‌دهد چه وضعی دارد؟، ﴿وَلَا تَكۡتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥ﴾

۲. شنیدن و فرمانبرداری از الله سبب دستیابی به آمرزش او سبحانه است، ﴿سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ﴾

۳. دوستی با الله سبحانه و تعالی سبب پیروزی بر دشمنان است، ﴿أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾.

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٠)

سُورَةُ آلِ عِمۡرَانَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ﴿٢﴾ نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ
بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ﴿٣﴾ مِن
قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٤﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ
عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ﴿٥﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ
فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٦﴾ هُوَ
ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ
ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ
مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ
إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ
رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ
إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ﴿٨﴾ رَبَّنَآ
إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡقَيُّومُ	برپادارندهٔ همه‌چیز.
مُّحۡكَمَٰتٌ	دارای دلالت واضح.
أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ	اصل قرآن، که هنگام اشتباه به آن رجوع می‌شود.
مُتَشَٰبِهَٰتٞ	پوشیده‌ها، منظور آن‌ها فقط با بازگرداندن‌شان به محکمات مشخص می‌شود.
زَيۡغٞ	بیماری و انحراف.
تَأۡوِيلِهِۦ	تفسیرش یا شناخت حقیقت آن.

عمل به آیات

۱. بر اساس یک برنامه، در سورهٔ آل عمران تدبر کن؛ تا روز قیامت از تو دفاع کند. ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞ﴾

۲. امروز این دعا را زیاد تکرار کن: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»: «پروردگارا! بر دانشم بیفزا»، ﴿وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَا﴾

۳. امروز پایداری بر هدایت و حق را بسیار از الله تقاضا کن، ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ﴾

رهنمودها

۱. برای انجام گناه، آیا مکانی می‌یابی که در آن‌جا از دید الله تعالی پنهان باشی؟ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ﴾

۲. ویژگی‌های ظاهری تو از جانب الله سبحانه و تعالی است، پس به آن‌چه که الله نصیبت کرده است خوشنود باش، ﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُ﴾

۳. بدان که رهاکردن دلیل آشکار و استدلال با لفظ متشابه، روش منحرفان است، ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦ﴾

سورهٔ آل عمران

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف لام میم]. (۱) الله [معبودِ راستین است؛] هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ زندهٔ پاینده [و قائم به ذات] است. (۲) این کتاب [= قرآن] را که تأییدکنندهٔ کتاب‌های [آسمانی] پیشین است، به حق و راستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را (۳) پیش از آن برای هدایت مردم نازل کرد؛ و [نیز] فرقان را [که جداکنندهٔ حق از باطل است] نازل نمود. کسانی که به آیات الله کافر شدند، عذاب سختی [در پیش] دارند؛ و الله شکست‌ناپذیر [و] انتقام‌گیرنده است. (۴) بی‌تردید، هیچ چیز ـ [نه] در زمین و نه در آسمان ـ از الله پوشیده نمی‌مانَد. (۵) اوست که شما را هر گونه که بخواهد در رحِم‌ها شکل می‌دهد. هیچ معبودی [به‌حق] جز آن ذاتِ شکست‌ناپذیرِ حکیم نیست. (۶) [ای پیامبر،] اوست که کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است که آنها اساسِ کتابند و [بخشی] دیگر متشابهات است [که تأویل‌پذیرند]؛ اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی [و گمراه کردن مردم] و به خاطرِ تأویل آن [به دلخواه خود،] از متشابهِ آن پیروی می‌کنند؛ حال آنکه تأویلش را [کسی] جز الله نمی‌داند؛ و راسخان در علم [= علمای دین] می‌گویند: «ما به همهٔ آن [آیات ـ چه محکم و چه متشابه ـ] ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگارِ ماست»؛ و جز خردمندان کسی پند نمی‌گیرد. (۷) آنان می‌گویند: «پروردگارا، بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی، دل‌هایمان را [از راه حق] منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی به ما ارزانی دار [که] بی‌تردید، تو بسیار بخشنده‌ای. (۸) پروردگارا، بی‌شک، تو مردم را برای روزی که در [آمدنِ] آن تردیدی نیست جمع خواهی کرد. قطعاً الله در وعدهٔ [خود] خلاف نمی‌کند». (۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ﴾

فرمود: ﴿وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ﴾ چون تورات و انجیل یکباره نازل شدند؛ اما در مورد قرآن فرمود: ﴿نَزَّلَ﴾ چون قرآن به صورت بخش‌بخش نازل شد، و تنزیل برای تکثیر است. بغوی: ۱/ ۳۲۰.

پرسش: چرا در مورد تورات و انجیل فعل ﴿وَأَنزَلَ﴾ و در مورد قرآن فعل ﴿نَزَّلَ﴾ آورده شد؟

۲ ﴿مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ﴾

از کتاب‌های پیشین؛ یعنی قرآن تزکیه‌کنندهٔ آن‌هاست و مطالبی از کتاب‌های پیشین که قرآن آن‌ها را تصدیق کند مقبول است و مطالبی از آن‌ها را که قرآن رد می‌کند مردود و غیر قابل پذیرش است؛ قرآن در تمام مطالبی که رسولان بر آن اتفاق دارند مطابق کتاب‌های پیشین است و این کتاب‌ها، گواه راستی قرآن هستند؛ بنابراین اهل کتاب اگر به قرآن ایمان نیاورند نمی‌توانند کتاب‌های خودشان را تصدیق کنند؛ زیرا کفر به قرآن، ناقض ایمان آنان به کتاب‌های خودشان است. سعدی: ۱۲۱.

پرسش: این آیه دلالت دارد بر این‌که قرآن حاکم بر سایر کتب آسمانی است. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞ﴾

آیات متشابه را به این سبب نازل فرمود؛ تا فضیلت علما آشکار شود و بر تدبر در قرآن کریم و تحصیل علومی که در استنباط احکام حقیقی به کار می‌روند اشتیاق بیشتری پیدا کنند؛ آن‌گاه با این کار و با به‌کارگیری استعدادها و استخراج مقاصد ناب و خالص و مفاهیم مناسب، به مدارج عالی دست یابند. آلوسی: ۳/ ۸۳.

پرسش: نزول آیات متشابه در قرآن کریم، چه حکمتی دارد؟

۴ ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ﴾

﴿زَيۡغٞ﴾ یعنی گمراهی و خروج از حق به سوی باطل. ﴿فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ﴾ یعنی از قرآن فقط متشابه آن را می‌گیرند، چون می‌توانند آن را بر اساس مقاصد فاسدشان تحریف کنند و بر معنایی که می‌خواهند بازگردانند، اما در لفظ محکم هیچ بهره‌ای برای این کار ندارند؛ زیرا محکم بازدارندهٔ آنان از این کار و حجتی علیه آنان است؛ از این‌رو الله تعالی فرمود: ﴿ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ﴾ یعنی برای گمراه‌ساختن پیروان‌شان؛ در مورد بدعت خویش، آنان را به این گمان می‌اندازند که به قرآن استدلال می‌کنند، در حالی که حجتی علیه آنان است نه به نفع‌شان. ابن کثیر: ۱/ ۳۳۶.

پرسش: بدعتگذاران چه موضعی در برابر آیات متشابه دارند؟

۵ ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦ﴾

الله سبحانه و تعالی بیان فرمود که فقط افراد کج‌مزاج با حرف متشابه گمراه می‌شوند؛ همان کسانی که گام‌های‌شان را در دین استوار نکرده‌اند، و معارف خویش را در علم روشن نگردانیده‌اند. بقاعی: ۲/ ۲۲.

پرسش: چه کسی در متشابه گمراه می‌شود؟

۶ ﴿وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

راسخان در علم به سبب ذهن و دیدگاه نیک‌شان ستوده شدند؛ زیرا خردهای‌شان را از هر آن‌چه که سبب تمایل به سوی خواهشات باطل و کدرکنندهٔ عقل می‌شود خالی کرده‌اند، و آن را برای هدایت‌یافتن به سوی نشانه‌های حقیقت، و صعود بر پله‌های راستی آماده کرده‌اند. آلوسی: ۳/ ۸۳.

پرسش: ﴿وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾ چه دلالتی دارد؟

۷ ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ﴾

یکی از انواع رحمت الله تعالی تمام مردم، نیک و بد و خوشبخت و بدبخت، را در برمی‌گیرد، یکی دیگر از انواع رحمت او تعالی، یعنی رحمت ایمان، مخصوص مومنان است؛ یکی دیگر از انواع رحمت او تعالی، یعنی رحمت طاعت الله تعالی، مخصوص پرهیزگاران است، رحمت ولایت او تعالی مخصوص اولیاست، و رحمت نبوت نیز به پیامبران رسیده است. راسخان در علم نیز می‌گویند: ﴿وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةً﴾. ابن تیمیه: ۲/ ۳۴.

پرسش: انواعی از رحمت الله به مردم را بیان کنید؟

ترجمه آیات

در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، اموال و فرزندانشان چیزی از [عذاب] الله را از آنان دور نخواهد کرد و آنان خود هیزم آتش [دوزخ] هستند. (۱۰) [شیوهٔ این کافران] همچون شیوهٔ خاندان فرعون و [روشِ] کسانی است که پیش از آنها بودند: آیات ما را تکذیب کردند؛ پس الله آنان را به [سزای] گناهانشان عذاب کرد؛ و الله [نسبت به کافران] سخت‌کیفر است. (۱۱) به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «به زودی [از مؤمنان] شکست خواهید خورد و [سپس در قیامت] به سوی جهنم محشور می‌شوید؛ و چه بد جایگاهی است!». (۱۲) قطعاً در [رویاروییِ] دو گروهی که [در بدر] با هم روبرو شدند، [عبرت و] نشانه‌ای برای شما بود؛ یک گروه در راه الله می‌جنگید و [گروهی] دیگر کافر بودند. [مؤمنان] با چشم خود، آنان [=کافران] را دوبرابر خود [و کمتر از تعداد واقعی‌شان] می‌دیدند؛ و الله هر کس را بخواهد با یاری خود تأیید می‌کند. به راستی در این [ماجرا] برای اهل بینش، عبرتی است. (۱۳) دلبستگی به خواستنی‌های [مادی،] از [جمله] زنان و فرزندان و اموال هنگفت ـ از طلا و نقره و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها]ـ برای مردم آراسته شده است. [امّا تمام] این[ها، لذت‌ها و کالای [زودگذرِ] زندگی دنیاست و [حال آنکه] سرانجام نیک، نزد الله است. (۱۴) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «آیا [می‌خواهید] شما را از چیزی آگاه کنم که از این [دارایی‌ها و لذت‌های مادی] بهتر باشد؟» کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی دارند که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است؛ جاودانه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه [و بی‌عیب دارند] و [همچنین از] خشنودی الله [برخوردارند]؛ و الله به [احوالِ] بندگان بیناست. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ﴾

اموال و فرزندان این کافران، آنان را از الله تعالی و تفکر در آن‌چه که سزاوار است بازداشته‌اند؛ گویی اموال و فرزندان‌شان را جایگزین رحمت و طاعت الله تعالی می‌دانند. آلوسی: ۳/ ۹۳.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود اموال و فرزندان کافران سودی به آنان نمی‌رسانند؟

۲ ﴿وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾

یعنی پیروزی به اراده و مشیت الله است؛ نه به کمی، و نه به زیادی؛ زیرا گروه اندک مسلمانان بر گروه بزرگ کافران پیروز شدند. ابن جزی: ۱/ ۱۳۸.

پرسش: آیا معیار پیروزی واقعی، افراد زیاد و تجهیزات قوی است؟ توضیح دهید.

۳ ﴿وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾

اگر بیننده فقط به اسباب ظاهری و افراد و تجهیزات بنگرد، قطعا به این نتیجه خواهد رسید که پیروزی این گروه اندک بر آن گروه بزرگ، محال است؛ اما در پشت این سبب ظاهری، سببی بزرگ‌تر قرار دارد که فقط صاحبان بصیرت و ایمان به الله و توکل بر او تعالی و اطمینان به کفایت او سبحانه، آن را درمی‌یابند. این سبب، یاری‌رساندن و گرامی‌داشتن بندگانِ مومنِ الله توسط او تعالی در برابر دشمنان کافرش است. سعدی: ۱۲۳.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾ به پایان رسید؟

۴ ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَـَٔابِ﴾

فایدهٔ این تمثیل آن است که بهشت فقط با ترک شهوات و دورنگهداشتن نفس از آن‌ها به دست می‌آید. قرطبی: ۵/ ۴۳.

پرسش: چه مناسبتی میان ذکر شهوات و سرانجامِ نیکو وجود دارد؟

۵ ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ﴾

ابتدا زنان را بیان فرمود؛ زیرا فتنهٔ آنان شدیدتر است؛ چنان‌که در حدیث صحیح ثابت است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَا تَرَكْتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ»؛ [صحیح بخاری: ۵۰۹۶] «پس از (مرگ) من، فتنه‌ای زیانبارتر از زنان، برای مردان باقی نمی‌ماند». اما اگر هدف از نزدیکی با زنان، پاکدامنی و فرزندان زیاد باشد، مطلوب و مورد تشویق و مستحب است. ابن کثیر: ۱/ ۳۳۲.

پرسش: چرا فتنهٔ زنان، قبل از سایر شهوات بیان شد؟

۶ ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾

امور مذکور را به صورت خاص بیان کرد؛ زیرا بزرگ‌ترین شهوات دنیا هستند و سایر شهوات تابع آن‌ها هستند. سعدی: ۱۲۴.

پرسش: چرا فقط شهوات مذکور در آیه بیان شد؟

۷ ﴿قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ﴾

الله سبحانه در این آیه، ابتدا قرارگاه یعنی باغ‌ها را بیان فرمود، سپس نعمتی که موجب انس کامل می‌شود، یعنی همسران پاکدامن را بیان کرد؛ و در مرحلهٔ سوم، اکسیر اعظم و مایهٔ شادابی و شادمانیِ دلِ شیفته و مشتاق، یعنی خوشنودی الله تعالی را بیان فرمود. آلوسی: ۳/ ۱۰۱.

پرسش: الله تعالی چه وعده‌ای به پرهیزگاران داده است؟

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم
مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ ١٠ كَدَأۡبِ ءَالِ
فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ
بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١١ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ
سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٢
قَدۡ كَانَ لَكُمۡ ءَايَةٞ فِي فِئَتَيۡنِ ٱلۡتَقَتَاۖ فِئَةٞ تُقَٰتِلُ فِي
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخۡرَىٰ كَافِرَةٞ يَرَوۡنَهُم مِّثۡلَيۡهِمۡ رَأۡيَ
ٱلۡعَيۡنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ١٣ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ
مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ
وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ
مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَـَٔابِ ١٤ ۞ قُلۡ
أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ
جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ
مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
دَأۡبِ	حال و عادت.
وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ	طلا و نقرهٔ فراوان.
ٱلۡمُسَوَّمَةِ	نیکو.
وَٱلۡحَرۡثِ	زمین آماده‌شده برای کشاورزی.
ٱلۡمَـَٔابِ	بازگشتگاه، پاداش.

عمل به آیات

۱. گناهی بزرگ را که انجام داده‌ای به یاد بیاور، و به سرعت از آن استغفار کن، ﴿فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

۲. پیامی بفرست و در آن متذکر شو که در پایان معرکه، سرانجام از آنِ پرهیزگاران است، ﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ﴾

۳. تو که از لذت‌ها و خوشی‌های مباح دنیا بهره می‌بری از الله بخواه که دلت به آن‌ها وابسته نشود، ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ﴾

رهنمودها

۱. عمل صالح سبب ورود به بهشت است نه اموال و فرزندان زیاد؛ پس کاری انجام بده که به تو سود می‌رساند، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا﴾

۲. گناهان سبب عذاب دنیا و آخرت هستند، ﴿فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾

۳. یکی از بهترین وسایل مواجهه با فریبنده‌ها و شهوات به این قرار است: یادآوری آخرت و وعدهٔ الله تعالی برای کسی که در برابر این فریبنده‌ها صبر کند، ﴿قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٢)

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦ ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ
وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ١٧ شَهِدَ ٱللَّهُ
أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا
بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨ إِنَّ ٱلدِّينَ
عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ
بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩ فَإِنۡ حَآجُّوكَ
فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّـۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ
وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٢٠
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ
بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ
ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ
أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡقَٰنِتِينَ	فرمانبردارانِ الله.
قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِ	عدالت‌پیشه در هر کاری.
بَغۡيَۢا	از روی حسادت و دشمنی
حَبِطَتۡ	باطل شده است.

عمل به آیات

۱. محبوبی دنیوی را جستجو کن که دلت به آن وابسته است و تلاش کن که امروز برای تربیت نفست در برابر آن صبر کنی، ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ﴾

۲. حاجتی را که می‌خواهی در دعا از الله طلب کن، و قبل از دعا عملی صالح انجام بده که این کار برای اجابت دعا موثر است، ﴿ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾

۳. امشب رکعاتی گرچه اندک، نماز بگزار، سپس از الله تعالی طلب آمرزش کن، ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾

رهنمودها

۱. در برابر الله تعالی فروتنی کن؛ زیرا هر چه در مقامات بندگی بالا رَوی باز هم در حق الله تعالی کوتاهی کرده‌ای، ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾

۲. علم توحید از مهم‌ترین علوم شرعی است، پس بکوش که اطلاع زیادی در این علم داشته باشی، ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

۳. اهل کتاب به سبب علم اندک و عدم شناخت هلاک نشدند، بلکه تنها سبب نابودی آنان این بود که به سبب حسد، علوم و معارفی را که داشتند برای سرکشی و تجاوز میان یکدیگر به کار گرفتند، ﴿وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡ﴾

ترجمه آیات

[این بهشتیان] کسانی [هستند] که می‌گویند: «پروردگارا، به راستی که ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهانمان را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگه دار». (۱۶) آنان [در برابر مشکلات و در راه اطاعت و ترک گناه] شکیبایی می‌ورزند و [در گفتار و رفتارشان] راستگو هستند و [در برابر اوامرِ الهی] فرمانبردارند و [برای خشنودی باری تعالی] انفاق می‌کنند و در سحرگاهان آمرزش می‌طلبند. (۱۷) الله، که [در جهان هستی] برپادارندۀ عدل است، گواهی داده است که معبودی [به‌حق] جز او نیست و فرشتگان و علما [نیز بر یگانگی و عدالتِ الهی گواهی می‌دهند]. معبودی [به‌حق] جز او نیست [که] شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۱۸) در حقیقت، دین [پسندیده] نزد الله همان اسلام است؛ و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد [و حجت بر آنان تمام شد]. آن [اختلاف و تفرقه] هم به خاطر سرکشی و حسدی [بود] که میانشان وجود داشت؛ و هر کس به آیات الله کفر بورزد، [بداند که] الله در حسابرسی سریع است. (۱۹) [ای پیامبر،] اگر [دربارۀ اسلام و توحید] با تو مجادله کردند، بگو: «من در برابر الله [و اوامر و احکامش] تسلیم شده‌ام و پیروانم [نیز چنین هستند]»؛ و به اهل کتاب [= یهود و نصاری] و مشرکان بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر رویگردان شدند [و سرپیچی کردند، اندوه مدار؛ زیرا] تو وظیفه‌ای جز رساندن [وحی] نداری؛ و الله به [احوال] بندگان بیناست. (۲۰) به راستی، کسانی که به آیات الله کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق [و فقط از روی ستم و دشمنی] می‌کشند و [نیز] کسانی را که به عدالت امر می‌کنند، به قتل می‌رسانند، آنان را به عذابی دردناک بشارت ده! (۲۱) آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده است و [در آخرت] هیچ یاوری ندارند. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾

تخصیص سحرگاهان برای استغفار، به این سبب است که دعا در این وقت، بهتر اجابت می‌شود؛ چون عبادت در این هنگام دشوارتر، نفس زلال‌تر، و قلب فارغ‌تر است. آلوسی: ۳/ ۱۰۲.

پرسش: چرا سحرگاهان برای استغفار اختصاص یافت؟

۲ ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾

شب را با نماز سپری می‌کنند، سپس در سحر برای استغفار می‌نشینند، و قیام شب را با استغفار به پایان می‌رسانند.

پرسش: اکثر عبادات با چه چیزی ختم می‌شوند؟

۳ ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که برترین امور، علم توحید است؛ زیرا الله تعالی خود، به آن گواهی داده، و مخلوقات خاصش را نیز بر آن گواه گرفته است، و این گواهی به منزله دیدن با چشم است و جز از روی علم و یقین نیست. سعدی: ۱۲۵.

پرسش: علم توحید چه جایگاهی دارد؟ و این آیه چگونه بر پاسخ سؤال دلالت می‌کند؟

۴ ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

این آیه از وجوه زیادی بر شرف و فضیلت علم دلالت دارد: وجه اول این‌که الله تعالی گواهی علما را با گواهی خویش و گواهی فرشتگانش یکجا بیان فرمود که این امر برای فضیلت کفایت می‌کند. وجه دوم این‌که الله تعالی علما را گواه و حجتی بر مردم قرار داد، و مردم را ملزم کرد به امری که به آن گواهی داده شده است عمل کنند؛ پس علما سبب این کار هستند و هر کس به آن عمل کند، اجر عمل او به علما نیز می‌رسد. این فضل الهی است که به هر کس که بخواهد می‌بخشد. وجه سوم این است که گواه‌قرارگرفتن علما توسط الله تعالی، متضمن تزکیه و عادل‌دانستن آنان است و این‌که در آن‌چه الله آنان را بر آن نگهبان قرار داده است امین هستند. سعدی: ۱۲۵.

پرسش: آیه از جهات متعددی بر شرف علم و علما دلالت دارد. این جهات را بیان کنید.

۵ ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

سبب اجتماع و اُلفت، پیوندِ دین و عمل به تمام آن است؛ یعنی عبادت پنهانی و آشکار الله به یگانگی و بدون هیچ شریکی، چنان‌که به آن فرمان داده است. سبب تفرقه نیز ترک بخشی از آن‌چه که بندگان به آن فرمان یافته‌اند و حسادت آنان به یکدیگر است. ثمرۀ اجتماع، رحمت و خوشنودی و درود الله تعالی و خوشبختی دنیا و آخرت و سفیدی چهره‌هاست. در مقابل، نتیجۀ تفرقه، عذاب و لعنت الله و سیاهی چهره‌ها و بیزاری رسول الله ﷺ از آنان است. مجموع الفتاوی: ۱/ ۱۷.

پرسش: سبب اجتماع و سبب تفرقه در امت اسلامی چیست؟

۶ ﴿وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

خبر می‌دهد از این‌که آنان بعد از شناخت حقایق، به سبب بغی، یعنی حسادت، با هم اختلاف ورزیدند. ابن جزی: ۱/ ۱۳۹.

پرسش: آیه کدام یک از اسباب اختلاف را بیان می‌کند؟

۷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

این آیه دلالت دارد بر این‌که امر به معروف و نهی از منکر، در امت‌های پیشین واجب بوده است. قرطبی: ۵/ ۷۳.

پرسش: اهمیت حکم امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٣)

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ
ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٣
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ
وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٤ فَكَيۡفَ إِذَا جَمَعۡنَٰهُمۡ
لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ
لَا يُظۡلَمُونَ ٢٥ قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن
تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن
تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦ تُولِجُ ٱلَّيۡلَ
فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ
وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢٧
لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ
وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ
تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨ قُلۡ
إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تُولِجُ	داخل می‌کنی.
تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ	زمانی که ضعیف بودید، برای پرهیز از شرّشان آنان را خوشنود سازید.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه که تو را در کار خیر به کار گیرد؛ زیرا تمام خیرها در دست او تعالی است که آن را بر دست هر یک از بندگانش که بخواهد جاری می‌سازد، ﴿بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

۲. پیامی بنویس و در آن از دوستی با دشمنان الله تعالی برحذر دار، و کسانی را که فریب کافران را خورده‌اند آگاه کن، ﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ﴾

۳. از الله تقاضا کن که اخلاص به تو روزی دهد؛ زیرا او تعالی از آن‌چه که در قلب وجود دارد آگاه است، ﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُ﴾

رهنمودها

۱. یکی از بزرگ‌ترین گناهان این است که مومن به کتاب و سنت دعوت داده شود اما حکم این دو را به خاطر هوای نفسش رها کند، ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ﴾

۲. افترا زدن بر دین، نوآوری و گفتن سخن بدون علم در آن، از بیشترین فاسدکننده‌های دین و عقیده هستند، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ﴾

۳. رزق و روزی فقط در دست الله است و بندگان فقط واسطه‌هایی هستند که الله آن‌ها را وسیلهٔ رسیدن این روزی قرار می‌دهد؛ پس روزی را فقط از الله بخواه، ﴿وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] آیا داستان کسانی را که بهره‌ای از کتاب [تورات] یافته‌اند ندانسته‌ای که چون به [بازگشت به] سوی کتاب الله فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، گروهی از [علما و بزرگان] آنان [که حقیقت را خلاف میل و منفعت خود می‌بینند] به حال سرپیچی روی برمی‌تابند؟ (۲۳) این [رویگردانی از حق،] به سبب آن است که [به خیال خام خود] گفتند: «آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نخواهد رسید»؛ و این [افتراها] و دروغ‌هایی که می‌بافتند آنان را در دینشان فریفته ساخت. (۲۴) پس [حال پشیمانی‌شان] چگونه خواهد بود؟ [آری، در بدترین حال خواهد بود] آنگاه که آنان را برای روزی که [هیچ] تردیدی در [وقوع] آن نیست گرد آوریم و به هر کس [پاداش] آنچه که فراهم کرده است به تمام و کمال داده شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۲۵) [ای پیامبر،] بگو: «بار الها، ای فرمانروایِ هستی، هر کس را بخواهی حکومت می‌بخشی و از هر کس بخواهی حکومت را بازپس می‌گیری؛ و به هر کس بخواهی عزت [و قدرت] می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری. [پروردگارا،] خوبی به دست توست و بی‌گمان، تو بر هر چیزی توانایی. (۲۶) شب را به روز در می‌آوری و روز را به شب در می‌آوری [و از طولِ یکی می‌کاهی و بر دیگری می‌افزایی] و [موجودِ] زنده را از [مادهٔ] بی‌جان بیرون می‌آوری [= رویشِ گیاه از دانه] و [مادهٔ] بی‌جان را از [موجود] زنده خارج می‌سازی [= بیرون آمدنِ تخم از پرندگان] و به هر کس بخواهی، بی‌شمار روزی می‌دهی». (۲۷) مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان، دوست خود بگیرند؛ و هر کس چنین کند، هیچ پیوندی با الله ندارد [و الله از او بیزار است]؛ مگر آنکه [ضعیف باشید و ناچار شوید با نرمی در گفتار و رفتار،] خویشتن را از [آزارِ] آنان در امان دارید [و به خاطر حفظ جانتان احتیاط کنید]؛ و الله شما را از [نافرمانی] خویش برحذر می‌دارد؛ و بازگشت [همه] به سوی الله است. (۲۸) [ای پیامبر، به مؤمنان] بگو: «اگر هر آنچه [از دوستی و محبتِ کافران که] در دل‌هایتان است، پنهان دارید یا آشکارش کنید، الله آن را می‌داند [و نیز] آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و الله بر هر چیزی تواناست». (۲۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ﴾
هر کس که حقیقتی را دانسته انکار کند، الله تعالی علمش را از او سلب می‌کند تا این‌که انکار حقیقت توسط او، به صورت و به صفت کسی که هرگز علمش را نداشته است درمی‌آید. آلوسی: ۳/ ۵۰.
پرسش: توصیف کسانی که کتاب به آنان داده شده است به اعراض و رویگردانی، چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ﴾
توجهی به پیروی از حقیقت نداشتند؛ چون این اعتقاد آنان که در هر حال، از عذاب الله نجات می‌یابند آنان را بر رویگردانی گستاخ کرده بود. ابن عاشور: ۳/ ۲۱۱.
پرسش: از این اعتقادِ متکبران که آتش جهنم فقط چند روز مشخص به آنان می‌رسد چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۳ ﴿وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ﴾
این امر، بزرگ‌ترین دلیل بر قدرت الله است، و این‌که تمام اشیا تحت تسخیر و تدبیر او تعالی هستند، و هیچ تدبیری از خودشان ندارند. به عبارتی، آفرینش اضداد و آفرینش ضد آن توسط الله تعالی، بیانگر مغلوب و مقهور بودن مخلوقات است. سعدی: ۱۲۷.
پرسش: آیه چگونه بر قدرت کامل الله سبحانه و تعالی و ضعف مخلوقات دلالت دارد؟

۴ ﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ﴾
بنابر دیدگاه صحیح، هرچه که عرف، آن را تعظیم برمی‌شمارد و مسلمانان آن را دوستی تلقی می‌کنند مورد نهی قرار گرفته که به کافران، حتی اهل ذمه، اختصاص داده شود؛ به‌خصوص اگر این کار، اثری در دل‌های مومنانِ ضعیف بگذارد. آلوسی: ۳/ ۱۲۰.
پرسش: از کدام نوع دوستی با غیر مسلمانان نهی شده است؟

۵ ﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾
این بیان، نوعی تهدید است؛ زیرا میان تهدیدکننده و تحقق تهدیدش، فقط یکی از این دو امر به عنوان مانع وجود دارد: جهل به جرم مجرم، یا ناتوانی از آن؛ اما وقتی که جامع‌بودن علم و جامع‌بودن قدرتش را برای آنان اعلام کرد، دانستند که الله تعالی آنان را از کیفرش نجات نمی‌دهد. ابن عاشور: ۳/ ۲۲۲.
پرسش: چرا الله سبحانه و تعالی در این آیه علم و قدرت خویش را با هم بیان فرمود؟

۶ ﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾
این آیه، هشداری است از جانب الله تعالی به بندگانش... تا آن‌چه را که آن‌ها را از آن نهی کرده و موجب خشم او تعالی می‌شود انجام ندهند؛ زیرا او تعالی از تمام امورشان آگاه است، و می‌تواند کیفر آنان را به تعجیل اندازد، و اگر به برخی از آنان مهلت می‌دهد، پس از مهلت‌دادن، همانند ذاتی شکست‌ناپذیر و توانا، آن‌ها را می‌گیرد. ابن کثیر: ۱/ ۳۳۸.
پرسش: مسلمان چه فایده‌ای از شناخت علم جامع و قدرت کامل الله تعالی می‌برد؟

۷ ﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾
در این آیه، به پاکیزه‌ساختن دل‌ها و به یاد داشتن علم الله در همهٔ اوقات راهنمایی شده است؛ در نتیجه بنده حیا می‌کند از این‌که پروردگارش قلب او را محلی برای هر فکر پستی ببیند، بلکه افکارش را در راه نزدیکی‌جستن به الله تعالی به کار می‌گیرد؛ یعنی در آیه‌ای از قرآن یا یکی از احادیث رسول الله ﷺ تدبر می‌کند، یا در علمی سودمند تحقیق و بررسی می‌کند، یا در مخلوقات و نعمت‌های الله تعالی می‌اندیشد، یا بندگان الله را پند می‌دهد. سعدی: ۱۲۸.
پرسش: حال که می‌دانی الله تعالی از امور قلبی‌ات آگاه است، چه حالتی باید داشته باشی؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٤)

يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا عَمِلَتۡ
مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ
نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٣٠ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ
فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ٣١ قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢ ۞إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ
وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٣ ذُرِّيَّةَۢ بَعۡضُهَا مِنۢ بَعۡضٖۗ وَٱللَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٣٤ إِذۡ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ عِمۡرَٰنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرۡتُ لَكَ
مَا فِي بَطۡنِي مُحَرَّرٗا فَتَقَبَّلۡ مِنِّيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٥
فَلَمَّا وَضَعَتۡهَا قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي وَضَعۡتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا وَضَعَتۡ
وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰۖ وَإِنِّي سَمَّيۡتُهَا مَرۡيَمَ وَإِنِّيٓ أُعِيذُهَا بِكَ
وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٣٦ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
حَسَنٖ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنٗا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّاۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيۡهَا
زَكَرِيَّا ٱلۡمِحۡرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزۡقٗاۖ قَالَ يَٰمَرۡيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَاۖ
قَالَتۡ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٍ ٣٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَذَرۡتُ لَكَ	برای تو قرار دادم.
مُحَرَّرٗا	خالص برای خدمت بیت المقدس.
أُعِيذُهَا	او را پناه می‌دهم.
ٱلرَّجِيمِ	طرد و رانده‌شده از رحمت الله.
ٱلۡمِحۡرَابَ	مکان عبادت.

عمل به آیات

۱. امروز غذادادن به گرسنه‌ای، یا کمک به نیازمندی یا هر کار خیر دیگری انجام بده؛ آن را حاضر در مقابل دیدگانت خواهی یافت. ﴿يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا﴾

۲. در قرآن سه سبب را که موجب محبت الله تعالی می‌شود جستجو کن، سپس در عملی‌کردنِ آن‌ها بکوش تا به محبت الله تعالی دست یابی. ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

۳. خود و فرزندان و خانواده‌ات را از شر شیطان رانده‌شده به الله پناه بده. ﴿وَإِنِّيٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ﴾

رهنمودها

۱. از بدی‌ها و اماکن بد دوری کن قبل از این‌که این کار را آرزو کنی اما نتوانی. ﴿وَمَا عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗا﴾

۲. پیروی از سنت صحیح رسول الله ﷺ، تنها راه دستیابی به محبت الله تعالی است. ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾

۳. فطرتاً مرد و زن مانند یکدیگر نیستند، مسئولیت‌هایی که الله مرد را به آن‌ها مکلف کرده، متناسب با طبیعت خلقتش است؛ و زن نیز چنین است. ﴿وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰ﴾

ترجمه آیات

[روز قیامت،] روزی [است] که هر کس آنچه را از کار نیک [و بد] انجام داده است حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و اعمال بدی که انجام داده است فاصلهٔ زیادی باشد؛ و الله شما را از [نافرمانی و کیفر] خود بر حذر می‌دارد؛ و الله نسبت به بندگان [خود] دلسوز است. (۳۰) [ای پیامبر،] بگو: «اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است» (۳۱) [ای پیامبر،] بگو: «از الله و پیامبر [او] اطاعت کنید»؛ پس اگر پشت کردند [و سرپیچی نمودند]، قطعاً الله کافران را دوست ندارد. (۳۲) به راستی که الله، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. (۳۳) فرزندانی که برخی از آنان، از [نسلِ] برخی دیگرند؛ [توحید، اعمال صالح، و اخلاق والا را از یکدیگر به میراث برده‌اند]؛ و الله شنوای داناست. (۳۴) [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که همسر عمران گفت: «پروردگارا، من آنچه را در شکم دارم برای تو نذر کردم که آزاد [از همه چیز، در خدمت بیت‌المقدس و عبادت‌کننده تو] باشد؛ پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی». (۳۵) پس هنگامی که او را به دنیا آورد، گفت: «پروردگارا، من او را دختر زاده‌ام ـ ولی الله به آنچه او به دنیا آورده بود، داناتر بود ـ و پسر همانند دختر نیست، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از [شرِ] شیطانِ رانده‌شده، در پناه تو قرار می‌دهم». (۳۶) آنگاه پروردگارش او [= مریم] را به نیکویی پذیرفت و [نهالِ وجودش را] به شیوهٔ شایسته‌ای پرورش داد و سرپرستی‌اش را به زکریا سپرد. هر گاه زکریا وارد عبادتگاه [او] می‌شد، نزدش غذایی می‌یافت [پس با شگفتی] می‌گفت: «ای مریم، این [غذا] از کجا برایت آمده است؟» [مریم] می‌گفت: «این [غذا] از جانب الله است. بی‌گمان، الله به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌بخشد». (۳۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ﴾

الله سبحانه و تعالی از کسی که از حد خود بگذرد و بنده‌بودن خویش را فراموش کند انتقام می‌گیرد. بقاعی: ۲/ ۶۱.

پرسش: ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥ﴾ چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥ﴾

الله سبحانه و تعالی به سبب مهربانی و رحمتی که به ما دارد تحذیر ما از خودش را تکرار فرمود؛ تا مبادا با گذشت زمانی طولانی، دل‌های‌مان سخت شود، و نیز به این هدف که برای ما میان دو چیز جمع کند: ترغیب که موجب امیدواری و عمل صالح است، و ترهیب که موجب ترس و ترک گناهان است. سعدی: ۱۲۸.

پرسش: چرا الله تعالی تحذیر ما از ذاتش سبحانه را تکرار فرمود؟

۳ ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾

این آیهٔ کریمه کسی را که ادعای محبت الله را دارد اما بر راه محمدی نیست محکوم می‌کند؛ زیرا چنین کسی در واقع دروغگوست مگر این‌که در تمام اقوال و افعالش از شریعت محمدی و دین نبوی پیروی کند. ابن کثیر: ۱/ ۳۳۸.

پرسش: این آیه بر اهمیت تحقیق از صحت احادیث نبوی دلالت دارد، توضیح دهید.

۴ ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾

زیرا رسول همان کسی است که به سوی آن‌چه الله دوست دارد دعوت می‌دهد، و هیچ‌چیز نیست که الله دوست داشته باشد مگر این‌که رسول به آن دعوت می‌دهد، و هیچ‌چیز نیست که رسول به سوی آن دعوت دهد مگر این‌که الله آن را دوست دارد؛ بنابراین محبوب پروردگار و مدعو رسول، متلازم یکدیگر هستند. ابن تیمیه: ۲/ ۶۰.

پرسش: چرا پیروی از رسول، نشانهٔ محبت الله تعالی است؟

۵ ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که مخالفت با راه رسول کفر است، و الله کسی را که چنین صفتی داشته باشد دوست ندارد، هر چند ادعا کند و بپندارد که دوستدار الله است و به سوی او تقرب می‌جوید، تا این‌که از رسول و نبی امی و خاتم رسولان پیروی کند. ابن کثیر: ۱/ ۳۳۸.

پرسش: مخالفت با پیامبر ﷺ خطر بسیار بزرگی به همراه داد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰۖ وَإِنِّي سَمَّيۡتُهَا مَرۡيَمَ﴾

آیه دلالت دارد بر: برتری‌داشتن پسر بر دختر؛ نامگذاری هنگام ولادت؛ و این‌که مادر در صورتی که پدر مخالف نباشد می‌تواند برای فرزند نام انتخاب کند. سعدی: ۱۲۹.

پرسش: برخی فواید آیه را بیان کنید.

۷ ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيۡهَا زَكَرِيَّا ٱلۡمِحۡرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزۡقٗاۖ قَالَ يَٰمَرۡيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَاۖ قَالَتۡ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٍ﴾

آیه بیان می‌دارد که غذای مریم نعمتی پیوسته و گسترده و منحصر به فرد و بی‌ایراد بوده است. بزرگ‌ترین سپاس‌گزاری از نعمتِ روزی این است که بنده بداند رزق و روزی، فقط از جانب الله تعالی به او می‌رسد. بقاعی: ۲/ ۷۵.

پرسش: بزرگ‌ترین سپاس‌گزاری از رزق و روزی الله سبحانه چیست؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٥)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨ فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ
يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ
مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٣٩ قَالَ رَبِّ
أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَقَدۡ بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞۖ قَالَ
كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ ٤٠ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ
قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر
رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٤١ وَإِذۡ قَالَتِ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ
عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي
وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣ ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ
وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ
وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٤٤ إِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى
ٱبۡنُ مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَّدُنكَ	نزد تو.
وَحَصُورٗا	به منظور پاکدامنی، به گناهان و شهوات نزدیک نمی‌شود.
عَاقِرٞ	نازا.
رَمۡزٗا	با اشاره.
يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ	تیرهای‌شان را برای قرعه‌کشی می‌افکندند.

عمل به آیات

۱. امروز این دعای نبوی را بر زبان جاری کن، ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾
۲. بر اذکار صبحگاه و شامگاه و پس از نمازهای فرض مراقبت کن، ﴿وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾
۳. امروز و در تمام احوال، بسیار تسبیح الله تعالی را بگو، ﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ كَثِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. هر گاه نعمتی از الله را برای دیگران دیدی، آن‌چه را که می‌خواهی از الله بخواه؛ زیرا زکریا عليه السلام هنگامی که کرامت الله تعالی به مردم را دید از الله فرزند خواست و دعایش اجابت شد، ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾

۲. نام‌هایی دارای معانی نیکو انتخاب و پسران و دخترانت را با آن‌ها نامگذاری کن، و نام‌های عجیب و ناپسند را رها کن، ﴿فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

۳. هر گاه الله بنده‌ای را برای وظیفه‌ای بزرگ برگزیند، وی باید با سپاس‌گزاری از الله به او تعالی روی آورَد، و از او بخواهد که بر انجام کامل آن کار به او یاری رسانَد و در برابر انجام آن وظیفه صبر به او عطا کند، ﴿وَإِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾

ترجمه آیات

آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا، از جانب خویش فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن [که] بی‌تردید، تو شنوندهٔ دعایی». (۳۸) پس در حالی که او [= زکریا] ایستاده در عبادتگاه [خود] نماز می‌خواند، فرشتگان او را ندا دادند که: «الله تو را به [ولادتِ] یحیی بشارت می‌دهد [که] تصدیق‌کنندهٔ کلمهٔ الله [= عیسی] است و [در علم و عبادت، بر قوم خویش] سرور است و پارساست [= به شهوات توجهی ندارد] و پیامبری از شایستگان است». (۳۹) [زکریا] گفت: «پروردگارا، چگونه فرزندی خواهم داشت، حال آنکه پیری به سراغم آمده و همسرم [نیز] نازاست؟» [الله] فرمود: «[امر آفرینش] چنین است [که] الله هر چه بخواهد، انجام می‌دهد». (۴۰) [زکریا] گفت: «پروردگارا، برایم نشانه‌ای قرار بده»؛ [الله] فرمود: «نشانه‌ات این است که سه [شبانه] روز، [بدون اینکه بیمار باشی] جز با اشاره، قادر به سخن گفتن با مردم نیستی [پس صبور باش] و پروردگارت را بسیار یاد کن و شامگاهان و صبحگاهان [او را] تسبیح گوی». (۴۱) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم، الله تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را [در عصرِ خودت،] بر زنان جهان برتری داده است. (۴۲) ای مریم، [همواره] عبادتگرِ پروردگار خویش باش و [برای او] سجده بگزار و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کن». (۴۳) [ای پیامبر،] این [خبر،] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم. و تو هنگامی که [علمای مذهبی یهود] قلم‌هایشان را [برای قرعه‌کشی به آب] می‌افکندند تا [تعیین کنند] کدام‌یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزدشان نبودی؛ و [نیز] وقتی که [بر سر این موضوع] با یکدیگر کشمکش می‌کردند، کنارشان حضور نداشتی. (۴۴) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم، الله تو را به کلمه‌ای از جانب خویش بشارت می‌دهد که نامش مسیح ـ عیسی پسر مریم ـ است؛ در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان [درگاه الهی] است. (۴۵)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾
درخواست زکریا با لفظ «هبه» آمد؛ زیرا هبه، احسان محض و بدون عوض است، و این تعبیر مناسب فرزندی است که پدر به سبب سن زیادش و مادر به سبب نازابودنش هیچ دخل و تصرفی در آن ندارند. آلوسی: ۳/ ۱۴۴.

پرسش: چرا درخواست زکریا با لفظ هبه آمد؟

❷ ﴿فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ﴾
در وجه تسمیهٔ این نوزاد به یحیی اختلاف شده است. ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: زیرا الله تعالی نازاییِ مادرش را با او احیا کرد و بهبود بخشید. قتاده گفته است: زیرا الله تعالی قلب او را با ایمان زنده کرد. بنابر قولی: به این سبب که شهید شد و شهدا زنده هستند، یحیی نامیده شد. بغوی: ۱/ ۳۴۸.

پرسش: چرا الله تعالی پیامبرش یحیی عليه السلام را با این اسم نامگذاری کرد؟

❸ ﴿ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗا﴾
یعنی نشانه‌ای بر وجود فرزند. یعنی زبانت بدون این‌که آسیب و آفتی ببیند از سخن‌گفتن بند می‌آید؛ بنابراین فقط با اشاره و رمز می‌توانی سخن بگویی. این نشانه‌ای بزرگ است که نتوانی سخن بگویی، و مناسبتی عجیب در آن وجود دارد؛ مثل این است که اسباب با این‌که وجود دارند اما از کار می‌افتند؛ زیرا او تعالی آن را بدون اسبابش به وجود می‌آورد؛ تا دلالت کند بر این‌که تمام اسباب در قضا و قدر الهی قرار دارد. سعدی: ۱۳۰.

پرسش: در بندآمدن زبان زکریا عليه السلام و تولد فرزندش بعد از نازایی، دو نشانه بر قدرت الله تعالی وجود دارد. این مطلب را توضیح دهید.

❹ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ﴾
الله تعالی مریم را به سبب عبادت زیاد، زهد، شرف، و پاکی‌اش از تیرگی‌ها و وسوسه‌ها برگزید. ابن کثیر: ۱/ ۳۴۲.

پرسش: مریم دختر عمران به چه سبب از جانب الله برگزیده شد؟

❺ ﴿يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾
منظور از رکوع، خشوع و تواضع است؛ به نظر می‌رسد الله تعالی مریم را به این مورد دستور داد تا او از وقوع در درهٔ تکبر حفاظت کند و درجه‌اش را به اندازهٔ شایستگی‌اش بالا ببَرد. آلوسی: ۳/ ۱۵۷.

پرسش: چرا مریم به سجده و رکوع فرمان یافت؟

❻ ﴿يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾
الله تعالی پس از این‌که مریم را از درجهٔ بالا و نزدیکی کامل او به الله باخبر ساخت، او را به مراقبت بر نماز سفارش فرمود، تا سست نشود و از عبادت غافل نگردد. آلوسی: ۳/ ۱۵۶.

پرسش: ﴿وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾ چه دلالتی دارد؟

❼ ﴿وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾
سجده و رکوع را به سبب فضیلتی که دارند و به این سبب که بر نهایت خضوع و فروتنی در برابر الله تعالی دلالت می‌کنند به صورت خاص بیان کرد. سعدی: ۱۳۰.

پرسش: چرا سجده و رکوع به طور خاص بیان شدند؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٦)

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٤٦
قَالَتۡ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكِ
ٱللَّهُ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ
٤٧ وَيُعَلِّمُهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ
٤٨ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن
رَّبِّكُمۡ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ
فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ
وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ
فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٤٩
وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم
بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡۚ وَجِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ٥٠ إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ
هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٥١ ۞ فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ
ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ
أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ٥٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَكۡمَهَ	کور مادرزاد.
ٱلۡحَوَارِيُّونَ	دوستان خالص عیسی ؈.

عمل به آیات

۱. اساساً علم، هبه و هدیه‌ای از جانب الله سبحانه و تعالی است، و بزرگ‌ترین علم، آگاهی از کتاب الله است، بنابراین از ذات بخشنده بخواه که علمی سودمند به تو هدیه و روزی دهد، ﴿وَيُعَلِّمُهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ﴾

۲. در آیات قرآن کریم دقت و تاملی طولانی کن تا حکمت به تو داده شود، ﴿وَيُعَلِّمُهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ﴾

۳. برای آشنایی با دوستانی که تو را بر فرمانبرداری از الله یاری می‌رسانند گام‌هایی بردار، ﴿فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از انگیزه‌های دعوتگر برای هدایت مَدعُوین، شفقت و مهربانی و خیرخواهی برای‌شان است، ﴿وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ﴾

۲. یکی از نشانه‌های حکمت داعی این است که یارانی داشته باشد و آنان را تربیت کند و به آنان علم بیاموزد، تا بار مسئولیت دعوت را همراه او به دوش بکشند، ﴿فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ﴾

۳. یکی از نشانه‌های دوستان الله تعالی، روشن‌بودن روش زندگی و اعلان صریح پیروی از دین الله تعالی و یاری‌رساندن به مصلحان است، ﴿قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ﴾

ترجمه آیات

او در گهواره [به اعجاز،] و در میانسالی [به وحی الهی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است». (۴۶) [مریم] گفت: «پروردگارا، چگونه فرزندی خواهم داشت در حالی که [هیچ] بشری به من دست نزده است؟» [فرشته] گفت: «الله بدین‌سان هر چه را بخواهد می‌آفریند [و] هر گاه چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: "باش" آنگاه آن [چیز بی‌درنگ] موجود می‌شود». (۴۷) و [نیز بشارت داد که الله] به او نوشتن و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. (۴۸) و پیامبری به سوی بنی‌اسرائیل است که [به آنان می‌گوید:] «من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام: من از گِل برایتان [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم؛ آنگاه در آن می‌دَمم و به فرمان الله [آن گِلِ بی‌جان، تبدیل به] پرنده‌ای می‌شود؛ و [همچنین] به فرمان الله، کورِ مادرزاد و مبتلایان به پیسی را بهبودی می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم. مسلماً اگر ایمان داشته باشید، در این [معجزات] نشانه‌ای برای شماست [که نبوّتم را باور کنید]. (۴۹) و [می‌گوید: «آمده‌ام تا] تصدیق‌کنندهٔ تورات باشم که پیش از من [نازل شده] است؛ و [فرستاده شده‌ام] تا برخی از چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، حلال کنم؛ و نشانه‌ای از طرف پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس از الله پروا نمایید و مرا اطاعت کنید. (۵۰) به راستی که الله، پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را عبادت کنید [که] راه راست این است». (۵۱) سپس چون عیسی به کفر آنان پی برد گفت: «چه کسانی یاوران من [در راه دعوت] به سوی الله هستند؟» حواریون گفتند: «ما یاوران [دینِ] الله هستیم؛ به الله ایمان آورده‌ایم و [تو نیز ای عیسی،] گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم. (۵۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَتۡ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ﴾

یکی از حکمت‌های باری تعالی این است که اخبار بندگان را به ترتیب شگفتی بیان می‌فرماید؛ چنان‌که وجود یحیی پسر زکریا ﷷ را از دو والد که یکی کهنسال و دیگری نازا بود بیان کرد، سپس به ذکر شگفت‌تر و عجیب‌تر از آن یعنی وجود عیسی ؈ از مادر و بدون پدر پرداخت؛ تا بندگانش راهنمایی شوند به این‌که او تعالی هر کاری را که اراده کند می‌تواند انجام دهد، آن‌چه بخواهد موجود می‌شود و آن‌چه که نخواهد به وجود نمی‌آید. سعدی: ۱۳۱.

پرسش: چرا قصهٔ یحیی ؈ قبل از قصهٔ عیسی ؈ بیان شد؟

۲ ﴿قَالَتۡ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ﴾

آفرینش عیسی ؈ توسط الله تعالی با فعل ﴿يَخۡلُقُ﴾ بیان شد؛ زیرا بر خلاف امثال خود، بدون اسباب عادی و طبیعی به وجود آمد؛ یعنی آفرینشی متفاوت و بدون به‌کارگیری اسباب آفرینش مردم بود، و فعل ﴿يَخۡلُقُ﴾ در این‌جا جایگاه خاص و مشخصی دارد؛ زیرا سازنده وقتی چیزی را از مواد عادی و به روشی عادی بسازد، نمی‌گوید: خَلَقْتُ (خلق کردم)، بلکه می‌گوید: صَنَعْتُ (ساختم). ابن عاشور: ۳/ ۲۴۹.

پرسش: چرا آیهٔ کریمه به جای فعل «یصنع»، فعل ﴿يَخۡلُقُ﴾ را آورد؟

۳ ﴿وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ﴾

بسیاری از علما گفته‌اند: الله تعالی هر یک از پیامبرانش را با معجزه‌ای متناسب با زمانش فرستاد... عیسی ؈ چون در زمان پزشکان و صاحبان دانش طبیعی فرستاده شد، آیاتی نزدشان آورد که هیچ‌کس توانایی انجامش را نداشت مگر این‌که از جانب شارع مورد تأیید باشد؛ پزشک چگونه بر زنده‌گردانیدن جمادات، یا بر درمان کور مادرزاد و پیسی و زنده‌کردن مرده‌ای که تا قیامت در قبرش گرو گذشته شده است تواناست. ابن کثیر: ۲/ ۳۷.

پرسش: یکی از حکمت‌های الله تعالی این است که مردم را با آن‌چه که می‌شناسند مورد خطاب قرار می‌دهد. این مطلب را بر اساس معجزهٔ عیسی ؈ توضیح دهید.

۴ ﴿وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ﴾

درمان این دو بیماری- کوری مادرزادی و پیسی- را به این سبب به عیسی ؈ اختصاص داد که بیماری‌های بی‌درمانی هستند؛ به‌علاوه، پزشکی در زمان عیسی ؈ غالب بود؛ بنابراین از همان جنس، به آنان معجزه نشان داد. بغوی: ۱/ ۳۵۴.

پرسش: چرا الله تعالی این معجزه را به عیسی ؈ اختصاص داد؟

۵ ﴿وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ﴾

اصل دین یهود، سختی‌ها و قید و بندهای دشواری در باب تحریمات دارد؛ از این رو، عیسی ؈ به آنان فرمود: ﴿وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ﴾. ابن تیمیه: ۲/ ۶۹.

پرسش: شریعت یهود با چه صفتی توصیف شده است؟

۶ ﴿وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡۚ وَجِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ﴾

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ﴾: ادب در برابر ذات بخشنده و محسن مورد تأکید است، و ترس از او، سزاوارتر و واجب‌تر است؛ تا مبادا احسانش قطع گردد و نعمت‌دادنش تغییر کند. بقاعی: ۲/ ۹۴.

پرسش: مقدم‌شدن احسان الله سبحانه بر امر به تقوا چه دلالتی دارد؟

۷ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾

شما را به چیزی دعوت نمی‌دهم مگر این‌که خودم ابتدا آن را انجام می‌دهم، و ادعا نمی‌کنم که معبودی هستم، و به عبادت غیر الله دعوت نمی‌دهم، آن‌گونه که بر اساس امتحانی از جانب الله تعالی بر بندگانش، دجال و سایر دروغگویان، امور خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند و آن‌ها را سبب برتری‌جویی در زمین و تکبر بر مردم قرار می‌دهند. بقاعی: ۲/ ۹۴.

پرسش: تقدیم ﴿رَبِّي﴾ بر ﴿رَبُّكُمۡ﴾ چه دلالتی دارد؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٧)

رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ
ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٣ وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ
٥٤ إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ
مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ
بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٥٥ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
فَأُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَمَا لَهُم
مِّن نَّٰصِرِينَ ٥٦ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٧ ذَٰلِكَ نَتۡلُوهُ
عَلَيۡكَ مِنَ ٱلۡأٓيَٰتِ وَٱلذِّكۡرِ ٱلۡحَكِيمِ ٥٨ إِنَّ مَثَلَ
عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ
كُن فَيَكُونُ ٥٩ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ
٦٠ فَمَنۡ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ فَقُلۡ تَعَالَوۡاْ
نَدۡعُ أَبۡنَآءَنَا وَأَبۡنَآءَكُمۡ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمۡ وَأَنفُسَنَا
وَأَنفُسَكُمۡ ثُمَّ نَبۡتَهِلۡ فَنَجۡعَل لَّعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰذِبِينَ ٦١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُتَوَفِّيكَ	برگیرندهٔ تو از زمین.
نَبۡتَهِلۡ	لعنت را برای هر یک از ما که دروغ بگوید قرار دهیم.

عمل به آیات

۱. یکی از نیازهایت را مشخص کن، سپس به عبادتی که بر آن پایبند هستی بنگر و با آن عبادت به الله تعالی متوسل شو تا نیازت را برآورده سازد، ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾

۲. احادیث مربوط به موضوع نشانه‌های قیامت کبری را از یکی از کتب حدیث صحیح بخوان، ﴿إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

۳. قضیه‌ای را که فهم آن بر تو مشکل است جستجو کن، سپس در قرآن کریم آیاتی را که در مورد آن موضوع بحث کرده‌اند جستجو کن، تا در آن قضیه به حقیقت برسی، ﴿ذَٰلِكَ نَتۡلُوهُ عَلَيۡكَ مِنَ ٱلۡأٓيَٰتِ وَٱلذِّكۡرِ ٱلۡحَكِيمِ﴾

رهنمودها

۱. از کثرت توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که علیه دین و پیروانش چیده می‌شود اندوه مدار؛ زیرا الله سبحانه نگهبان دین و دوستانش است، ﴿وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ﴾

۲. برحذر باش از این‌که در حالی که نعمت‌های الله به سوی تو سرازیر است مرتکب نافرمانی از الله شوی؛ زیرا این امر، تدبیر و اعطای مهلت برای نابودی است که از آن به الله پناه می‌بریم، ﴿وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ﴾

۳. بپرهیز از این‌که بدون دلیل خصومت و جدال کنی؛ زیرا در قبال این کار مورد محاسبه قرار می‌گیری، ﴿ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ﴾

ترجمه آیات

پروردگارا، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از فرستادهٔ [تو] پیروی نمودیم؛ پس ما را در زمرهٔ گواهان [به حق و مؤمنان به پیامبرت] بنویس». (۵۳) [پس از مدتی کافران بنی‌اسرائیل برای کشتن عیسی] مکر ورزیدند و الله [نیز در پاسخشان] تدبیر نمود و الله بهترینِ تدبیرکنندگان است. (۵۴) [یاد کن از] هنگامی که الله [به عیسی] فرمود: «ای عیسی، من تو را [از زمین] برمی‌گیرم و به سوی خویش بالا می‌برم و تو را از [آلایش و تهمتِ] کسانی که کفر ورزیدند، پاک می‌گردانم و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کردند [و به محمد ایمان آوردند]، برتر از کسانی قرار می‌دهم که کفر ورزیدند. سپس بازگشتتان به سوی من است؛ آنگاه در [مورد] آنچه در آن اختلاف می‌کردید، میانتان داوری می‌کنم. (۵۵) اما کسانی را که کفر ورزیدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت مجازات می‌کنم و یاورانی نخواهند داشت. (۵۶) و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، [الله] پاداششان را به طور کامل به آنان خواهد داد؛ و الله ستمکاران را دوست ندارد. (۵۷) [ای پیامبر،] اینها که [از ماجرای عیسی] بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها[ی روشن] است [که بر راستگوییِ تو] و [درستیِ این] اندرز حکمت‌آمیز [= قرآن] دلالت دارد. (۵۸) در حقیقت، مَثَل عیسی نزد الله، همچون مَثَل [خلقتِ] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس به او فرمود: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] موجود شد. (۵۹) [آنچه دربارهٔ عیسی بیان کردیم،] حقیقتی از جانب پروردگار توست؛ پس هرگز از تردیدکنندگان مباش. (۶۰) پس [ای پیامبر،] هر کس [از نصرانی‌های نَجْران] پس از آن دانشی که دربارهٔ او [= عیسی] برایت [حاصل] آمده است با تو بحث و جدل کند، [به آنها] بگو: «بیایید [همگی را] فرابخوانیم: پسران ما و پسران شما و زنان ما و زنان شما و خود ما و شما [نیز حاضر شویم]؛ سپس به [درگاه الهی تضرّع و] دعا کنیم و لعنتِ الله را بر دروغگویان قرار دهیم». (۶۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾

﴿مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾: یعنی با امت‌هایی که به حق گواهی می‌دهند. بنابر قولی یعنی با امت محمد ﷺ. ابن جزی: ۱/ ۱۴۷.

پرسش: چه کاری باید انجام دهی تا این دعا شامل حال تو شود؟

۲ ﴿وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ﴾

مکر الله تعالی این است که بندگانش را از جایی که نمی‌دانند، به تدریج گرفتار عذاب می‌کند... ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یعنی هر گاه گناهی ایجاد کردند، نعمت جدیدی به آنان دادیم.

پرسش: چه نوعی از مکر الله تعالی در برابر بنده در آیه بیان شده است؟

۳ ﴿وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

یعنی با حجت و اقامهٔ دلیل. بنابر قولی با عزت و پیروزی. قرطبی: ۵/ ۱۵۶.

پرسش: موحدان از چه نظر بر دیگران غالب می‌شوند؟

۴ ﴿وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ﴾

منظور از آنان، مسلمانان امت محمد ﷺ هستند که او را تصدیق و از دین او در توحید پیروی کردند؛ یعنی آنان با داشتن قدرت و عزت و دلیل، برتر از کافران قرار دارند و پیروز و چیره هستند. بغوی: ۱/ ۳۶۱.

پرسش: الله تعالی پیروزی و قدرت را به پیروان عیسی علیه السلام وعده فرمود، آیا این وعده شامل امت محمد ﷺ نیز می‌شود؟ توضیح دهید.

۵ ﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ﴾

این آیه دلالت دارد بر این‌که پاداش اعمال مومنان شامل اکرام، احترام، پیروزی و زندگی پاکیزه در دنیا برای‌شان حاصل می‌شود، و حق کامل خود را در روز قیامت به سبب کارهای نیکی که از پیش فرستادند حاضر و کامل می‌یابند؛ یعنی مزد هر عملی را می‌گیرند، و الله تعالی به فضل و کرم خویش، بر مزدشان می‌افزاید. سعدی: ۱۳۲.

پرسش: این آیه چگونه بر حصول مزد مومنان در دنیا و آخرت دلالت دارد؟

۶ ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ﴾

آیه دلیلی است بر این سخن نصارا که گفتند: چگونه فرزندی بدون پدر به وجود می‌آید؟ الله تعالی عیسی علیه السلام را به آدم علیه السلام مثال زد که الله او را بدون پدر و مادر آفرید، آفرینش آدم علیه السلام شگفت‌تر از آفرینش عیسی علیه السلام است که از آن تعجب کردند؛ بنابراین سخن‌شان را به طور کامل باطل می‌کند. ابن جزی: ۱/ ۱۴۷.

پرسش: در این آیه پاسخ دندان‌شکنی به نصارا داده شده است، به اختصار بیان کنید.

۷ ﴿ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ﴾

این آیه و آیات بعدی بر قاعدهٔ بزرگی دلالت دارند. این قاعده به این قرار است: هر یک از مسایل اعتقادی یا غیر اعتقادی که دلایل حق بودن آن وجود داشته باشد و بنده به آن یقین پیدا کند، این باور و یقین واجب می‌شود که هر آن‌چه در تعارض با آن مسأله باشد باطل است و هر شبهه‌ای که بر آن طرح گردد فاسد است؛ چه بنده بتواند این تعارض و شبهه را حل کند یا نه؛ زیرا ناتوانی انسان در حل شبهه، ایرادی بر آن‌چه که به آن علم دارد وارد نمی‌سازد؛ یعنی هر آن‌چه که مخالف حق باشد باطل است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ﴾. [یونس: ۳۲] «بعد از حق، چیزی جز گمراهی و ضلالت وجود دارد؟». بر اساس این قاعدهٔ شرعی، ایرادات زیادی که متکلمان و منطقیون مطرح می‌کنند برطرف می‌شود. انسان اگر این ایرادات را حل و برطرف کند تلاشی داوطلبانه از جانب خود انجام داده و در غیر این صورت، وظیفه دارد حق را با ادله‌اش آشکار گرداند و به سوی آن دعوت دهد. سعدی: ۱۳۳.

پرسش: مسلمان موحد در برابر شبهات مربوط به مسایل اعتقادی که قرآن و سنت دلالت واضح و صریحی بر آن‌ها دارند، باید چه رفتاری از خود نشان دهد؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٥٨)

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْقَصَصُ ٱلْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ
ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُفْسِدِينَ
﴿٦٣﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ
بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ
وَمَآ أُنزِلَتِ ٱلتَّوْرَىٰةُ وَٱلْإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعْدِهِۦٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
﴿٦٥﴾ هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ
تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ
لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾
إِنَّ أَوْلَى ٱلنَّاسِ بِإِبْرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِىُّ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ
لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَٰٓأَهْلَ
ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَلِمَةٍ سَوَآءٍ	سخنی یکسان [و عادلانه] و حقی که به آن پایبند هستیم.
حَنِيفًا	رویگردان از شرک، از روی قصد.

عمل به آیات

۱. امروز برنامه‌ای برای خودت به منظور خواندن قصص قرآن بریز، و پندها و عبرت‌های آن‌ها را گردآوری کن، ﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْقَصَصُ ٱلْحَقُّ﴾

۲. ترجمه و تفسیر این آیهٔ کریمه را از طریق اینترنت برای کافران و به زبان خودشان بفرست، ﴿قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾

۳. با بررسی آیات، مقاله‌ای در مورد آداب گفتگوی نیکو بنویس، و آن را برای دوستانت بفرست، ﴿هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه دیدی که فساد گمراهان وخیم گشته، و شرشان فراگیر شده است، به یاد داشته باش که الله تعالی تمام این موارد را می‌داند و سزای آنان را خواهد داد، ﴿فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُفْسِدِينَ﴾

۲. پیامبران در آن‌چه از جانب پروردگارشان ابلاغ می‌کنند معصوم هستند، و هر کس غیر از آنان ادعای عصمت کند دروغگوست و پیروانش او را به مقام ربوبیت رسانده‌اند، ﴿وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾

۳. فقط در آن‌چه که به آن علم داری جدل و مباحثه کن، اما در آن‌چه که به آن علم نداری نه مجادله کن و نه نزاع، ﴿هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ﴾

ترجمه آیات

این همان داستان حقیقی [مسیح] است، و هیچ معبودی [به‌حق] جز الله نیست و بی‌گمان، الله ذات شکست‌ناپذیر [و] حکیم است. (۶۲) پس اگر [از سخن حق] روی گرداندند، [بدان که] الله از [حال] مفسدان آگاه است. (۶۳) [ای پیامبر،] بگو: «ای اهل کتاب، به سوی سخنی بیایید که میان ما و شما عادلانه است [و انحرافی از حق در آن نیست:] که جز الله را عبادت نکنیم و چیزی را [در قدرت و تدبیر] با او شریک نسازیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای الله، معبود نگیرند». اگر آنان [از این دعوت] روی گرداندند، پس [ای مؤمنان، به آنان] بگویید: «گواه باشید که ما تسلیم [اوامر الهی] هستیم». (۶۴) ای اهل کتاب، چرا دربارهٔ ابراهیم مجادله می‌کنید؛ در حالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا نمی‌اندیشید؟ (۶۵) هان! شما [اهل کتاب] کسانی هستید که دربارهٔ آنچه نسبت به آن آگاهی و علم داشتید، بحث و ستیز می‌کردید؛ پس چرا [اینک] در مورد چیزی که به آن علم ندارید [و در کتاب‌هایتان نیامده است] بحث و ستیز می‌کنید؟ در حالی که الله [حقایق امور را] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۶۶) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه حق‌گرایی مسلمان بود و هرگز از زمرهٔ مشرکان نبود. (۶۷) به راستی، سزاوارترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند؛ و [از جمله] این پیامبر [شما محمد] و کسانی که [مسلمانند و به او] ایمان آورده‌اند؛ و الله [یار و] کارسازِ مؤمنان است. (۶۸) [ای مؤمنان،] گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کردند کاش شما را گمراه می‌کردند؛ در حالی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌کنند و[لی] نمی‌فهمند. (۶۹) ای اهل کتاب، چرا به آیات الله کافر می‌شوید، در حالی که خود [به درستیِ آن] گواهی می‌دهید؟ (۷۰)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾

شاید فایدهٔ این روش آن باشد که: وقتی شما این سخن را به اهل کتاب گفتید- در حالی که در حقیقت شما اهل علم هستید- این کار، افزون بر اقامهٔ حجت بر آنان باشد؛ مثل این‌که الله تعالی علما را بر معاندان گواه گرفته است. سعدی: ۱۳۴.

پرسش: دعوت اهل کتاب به سخنی یکسان و عادلانه چه فایده‌ای دارد؟

❷ ﴿قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾

توحید- با اینکه اساس صلاح و نیکوکاری است-، بزرگ‌ترین عدالت نیز است. ابن تیمیه: ۲/ ۸۰.

پرسش: توحید، بزرگ‌ترین عدالت است. این مطلب را توضیح دهید.

❸ ﴿وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾

در این آیه سخن روافض رد شده است که می‌گویند: پذیرش سخن امام بدون آشکارشدن مستندی شرعی واجب است، و این‌که امام می‌تواند آن‌چه را که الله حرام کرده است حلال گرداند بدون این‌که مستندی از شریعت بیان کند. قرطبی: ۵/ ۱۶۲.

پرسش: بر اساس آیه، چگونه پاسخ دندان‌شکنی به روافض داده می‌شود؟

❹ ﴿هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

این آیه دلالت دارد بر منع جدال توسط کسی که علم ندارد، یا بدون تحقیق و بررسی سخن می‌گوید. قرطبی: ۵/ ۱۶۵.

پرسش: چه کسی حق جدال و مناقشه در مسایل علمی را دارد؟

❺ ﴿مَا كَانَ إِبْرَٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ﴾

در این آیه، بر فراگیری علمِ تاریخ نیز تشویق شده است، و این‌که این علم، راهی است برای رد کردنِ بسیاری از اقوال باطل و ادعاهایی که مخالف رخدادهای مسلّم تاریخی هستند. سعدی: ۱۳۴.

پرسش: علم تاریخ برای کسانی که خواهانِ علم شرعی هستند چه اهمیتی دارد؟

❻ ﴿وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾

بنابر قولی: این‌که خودشان را گمراه می‌کنند، به معنای اصرار آنان بر گمراهی است به سبب آن‌چه که نفس‌های‌شان برای‌شان آراسته است، با این‌که به سبب وضوح دلایل، قادر بر پیروی از هدایت هستند. آلوسی: ۳/ ۱۹۹.

پرسش: انسان چگونه خودش را گمراه می‌کند؟

❼ ﴿وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ﴾

مسلماً کسی که چیزی را دوست داشته باشد، برای به دست آوردن آن می‌کوشد؛ این گروه از اهل کتاب نیز تمام سعی و تلاش خویش را در بازگرداندن مومنان و واردکردن شبهه بر آنان به هر طریق ممکن، به خرج می‌دهند. سعدی: ۱۳۴.

پرسش: اهل کتاب چه چیزی را در مورد مسلمانان می‌پسندند؟

سورة (آل عمران) الجزء (۳) صفحة (۵۹)

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ
وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامِنُواْ
بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكۡفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ
لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ
ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ يُحَآجُّوكُمۡ
عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ
وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٧٣﴾ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ
يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ
إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي
ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ
﴿٧٥﴾ بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ
﴿٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا
أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ
إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٧٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَلۡبِسُونَ	درمی‌آمیزید.
وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ	ابتدای روز.
بِقِنطَارٖ	مالی فراوان.
ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ	عرب‌ها؛ زیرا امتی امّی و بی‌سواد بودند.
خَلَٰقَ	سهم.

عمل به آیات

۱. فضل و رحمت الله را از او بخواه؛ زیرا فضل او تعالی فراتر و گسترده‌تر از آن چیزی است که گمان کنی، ﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾

۲. با یکی از مخالفانت گفتگو کن، و نظر صحیح و درستِ او را تایید کن تا خودت را بر انصاف و پذیرش سخن حق عادت دهی، ﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾

۳. امانتی را که نزدت هست به یاد بیاور، و به سرعت آن را به صاحبش بازگردان، ﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾

رهنمودها

۱. احقاق حق و بیان سخن درست دشمن، روشی اسلامی در رعایت انصاف در برابر دشمن است، ﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾

۲. تکبر و تحقیر دیگران یکی از اسباب خوردن اموال مردم به باطل است، ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ﴾

۳. برای معامله و دستیابی به سود، به الله سوگند یاد نکن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾

ترجمه آیات

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل می‌آمیزید و حقیقت [= پیامبریِ محمد] را پنهان می‌کنید در
حالی که خود می‌دانید؟ (۷۱)
گروهی از [علمای] اهل کتاب [به یکدیگر] گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده است ایمان بیاورید و در پایان [روز] کافر شوید؛ شاید آنان [نیز تردید کنند و از اسلام] برگردند. (۷۲)
و [اینکه] ایمان نیاورید مگر به کسی که از دین شما پیروی می‌کند». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «در حقیقت، هدایت [راستین]، هدایتِ الله است. [دوباره گفتند: «هرگز چیزی به مسلمانان نیاموزید و اجازه ندهید] به کسی نظیر آنچه به شما داده شده است، داده شود یا [دلیلی در اختیارشان نگذارید که بتوانند] در پیشگاه پروردگارتان با شما بحث کنند». [ای پیامبر،] بگو: «بی‌تردید، فضل [و برتری] به دست الله است؛ آن را به هر کس بخواهد می‌بخشد؛ و الله گشایشگرِ داناست. (۷۳)
رحمت خویش را به هر کس بخواهد اختصاص می‌دهد؛ و الله دارای بخشش بزرگ [و بی‌اندازه] است». (۷۴)
از اهل کتاب کسی هست که اگر مال فراوانی به او امانت دهی، آن را به تو بازمی‌گرداند؛ و از [میان] آنان کسی هست که اگر او را بر دیناری امین بشماری، آن را به تو بازنمی‌گردانَد؛ مگر آنکه پیوسته بر [دریافتِ] آن ایستادگی کنی. این به سبب آن است که آنان می‌گویند: «در مورد [خوردن اموالِ] امّیها [= غیر یهود]، گناهی بر ما نیست»؛ و [بدین گونه، آنان] در حالی که [حقیقت را] می‌دانند، بر الله دروغ می‌بندند. (۷۵)
آری، [این کار، گناه است؛ اما] هر کس به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید، [بداند که] بی‌تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد. (۷۶)
کسانی که پیمان الله [دربارهٔ اجرای احکام] و سوگندهای خود [دربارهٔ پیروی از محمد] را به بهای ناچیزی می‌فروشند، یقیناً بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و الله روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نمی‌نگرد و آنها را [از گناه] پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی [در پیش] دارند. (۷۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾
علما اگر حق را با باطل در هم آمیزند یعنی این دو را از یکدیگر جدا نسازند و امر را مبهم بگذارند و حقیقت را که اظهارش بر آنان واجب است کتمان کنند؛ حق پنهان می‌ماند و باطل ظهور می‌کند؛ در نتیجه، عوام که در جستجوی حق هستند حق را نمی‌شناسند تا به آن عمل کنند؛ حال آن‌که علما مأمور شده‌اند حق را برای مردم آشکار و اعلان کنند و آن را از باطل مشخص گردانند. سعدی: ۱۳۴- ۱۳۵.

پرسش: تلبیس و حقیقت‌پوشی عالِم در امور دین چه خطری به همراه دارد؟

۲ ﴿وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ يُحَآجُّوكُمۡ عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ﴾
تقدیر جمله چنین است: باور نکنید به کسی مثل آن‌چه به شما داده شده است داده شود، یعنی مسلمانان که کتابی آسمانی مانند تورات و پیامبری مرسل مانند موسی عليه‌السلام به آنان داده شد؛ و باور نکنید که بتوانند روز قیامت علیه شما استدلال کنند و با دلیل بر شما چیره شوند مگر پیروان خودتان [که سخن‌شان را باور کنید]. خلاصه این‌که آنان را از اظهار این دو امر مسلّم نهی کردند تا بر صلابت و پایبندی مسلمانان افزوده نگردد و مشرکان عرب نیز به اسلام تشویق نشوند. آلوسی: ۳/ ۲۰۰.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که تعصب و حسادت، گاهی مانع پذیرش حق می‌شود.

۳ ﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾
آیه خبر می‌دهد از این‌که اهل کتاب به دو گروهِ امانتدار و خائن تقسیم می‌شوند. قنطار را مثالی برای مالی کثیر بیان فرمود؛ یعنی اگر کسی آن را باز گرداند، کمتر از آن را نیز باز می‌گرداند. ابن جزی: ۱/ ۱۵۰.

پرسش: چگونگی انصاف قرآن کریم در مقابل مخالفانش از اهل ادیان دیگر را بیان کنید؟

۴ ﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾
امانتداری ارزش زیادی در دین دارد؛ یکی از نشانه‌های ارزشِ زیادِ امانتداری این است که به همراه صلهٔ رحم در دو طرف پل صراط می‌ایستند، چنان‌که در صحیح مسلم: ش ۱۹۵ آمده است، و فقط کسی می‌تواند از صراط عبور کند که امانت را رعایت کرده باشد. قرطبی: ۵/ ۱۷۸- ۱۷۹.

پرسش: بزرگی امانت، و خطر خیانت را به صورت مختصر بیان کنید.

۵ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ﴾
﴿لَيۡسَ﴾ بر آنان ﴿فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ﴾ یعنی در بازنگرداندن اموال عرب‌ها گناهی بر ما نیست. آنان بر اساس گمان باطل و رأی سست خود، عرب‌ها را بی‌نهایت حقیر می‌دانستند و خودشان را در اوج بزرگی می‌دیدند در حالی که خودشان از همه زبون‌تر و خوارتر بودند؛ بنابراین حرمتی برای عرب‌ها قایل نمی‌شدند و خوردن اموال‌شان را مجاز می‌دانستند. به عبارتی، آنان هم حرام را می‌خوردند و هم آن را حلال می‌دانستند که این امر، دروغ بر الله به شمار می‌رود. سعدی: ۱۳۵.

پرسش: دسترسی یهودیان بر اکثر ثروت‌های جهانی، بر مبنای قاعده‌ای فاسد است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ﴾
زیرا یهودیان گفتند: اموال عرب‌ها بر ما حلال است؛ زیرا آنان بر دین ما نیستند و در کتاب ما حرمتی ندارند. آنان ستم بر کسی را که در دین با آنان مخالف بود حلال می‌دانستند. بغوی: ۱/ ۳۷۱.

پرسش: ستم و نژادپرستی یهودیان به چه حدی رسیده است؟

۷ ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ﴾
وفا به عهود، بخشی از تقوایی است که الله تعالی آن را دوست دارد. به طور کلی به وفای به عهود امر شده است؛ زیرا واجب بر اساس دو چیز واجب شده است: یا بر اساس شرع و یا بر اساس شرط؛ و هر یک از این دو، افعالی هستند که به آن امر شده است، که فعل اوّل وفا به عهد الله و فعل دوم وفا به عهد بندگان است. ابن تیمیه: ۲/ ۸۵.

پرسش: وفا به عهود مذکور در آیه چه فضیلتی دارد؟

سورة (آل عمران) الجزء (۳) صفحة (۶۰)

وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ
مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ
عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ
وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ (۷۸) مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ
ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ (۷۹) وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن
تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ
إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ (۸۰) وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم
مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا
مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ
عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم
مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ (۸۱) فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡفَٰسِقُونَ (۸۲) أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ (۸۳)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَلۡوُۥنَ	کلام آسمانی را تحریف می‌کنند.
رَبَّٰنِيِّـۧنَ	حکما، فقها، معلمان.
إِصۡرِي	پیمان من.

عمل به آیات

۱. چگونگی وضو و پس از آن نماز را به یکی از افراد پیرامونت بیاموز؛ زیرا این کار، تربیت مردم به فراگیری علم کوچک قبل از فراگیری علم بزرگ است، ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

۲. مسأله‌ای را که آموخته‌ای مشخص و به آن عمل کن تا این‌که بر خط مردان الهی حرکت کنی، ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

۳. در پروژه‌ای که به دین الله تعالی یاری می‌رساند سهیم شو، ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥ﴾

رهنمودها

۱. جسارت یهودیان بر بستن دروغ بر الله و بر مردم، ﴿وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ﴾

۲. دعوتگر و طالب علم باید همیشه به یاد داشته باشد که فقط به سوی الله دعوت می‌دهد، نه برای خودش، ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾

۳. عالم و دعوتگر قبل از این‌که به آموزش علوم بزرگ بپردازد، باید ابتدا علوم کوچک را آموزش دهد، ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

ترجمه آیات

و گروهی از آنان [= یهود] هستند که زبان خود را به [هنگام تلاوت] کتاب [تورات] چنان می‌گردانند [و آن را تحریف می‌کنند] که گمان کنید [آنچه می‌خوانند واقعاً] از [مطالبِ آن] کتاب [آسمانی] است، در حالی که از آن کتاب نیست؛ و [باز به دروغ] می‌گویند: «آن [جملات] از جانب الله است»؛ در صورتی که از جانب الله نیست و بر الله دروغ می‌بندند، در حالی که خود [نیز حقیقت را] می‌دانند. (۷۸) برای هیچ بشری سزاوار نیست که الله به او کتاب و حُکم [= دانش و فهم] و پیامبری دهد، سپس او به مردم بگوید: «به جای الله، بندگان من باشید». بلکه [سزاوار است که پیامبران به مردم بگویند:] «به خاطر آنکه کتاب [تورات] را آموزش می‌دادید و از آنجا که [عقاید و احکام آن را] فرا می‌گرفتید، [فقیهان و دانشمندان] الهی باشید». (۷۹) و نه اینکه به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را [به جای الله،] صاحب‌اختیار [معبود] بگیرید. آیا [این شخص] شما را پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر فرمان می‌دهد؟ (۸۰) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که الله از پیامبران پیمان گرفت [و فرمود:] «هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم و آنگاه فرستاده‌ای [= محمد] به سویتان آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، باید به او ایمان آورید و یاری‌اش کنید». [آنگاه] فرمود: «آیا اقرار کردید و پیمان محکم مرا در این باره پذیرفتید؟» [آنان] گفتند: «اقرار کردیم». [الله] فرمود: «پس [بر خود و امت‌هایتان] گواه باشید و من [نیز] با شما از گواهانم». (۸۱) پس هر کس بعد از این [پیمان، از عهد خویش] روی بگرداند، آنانند که فاسقند. (۸۲) آیا [کافران، آیینی] جز دین الله را می‌جویند؟ حال آنکه هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است ـ خواه ناخواه ـ سر به فرمان او نهاده است و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوند. (۸۳)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ﴾

زیرا خواسته کتاب از [آن‌ها]: حفظ الفاظ و تغییر ندادن آن، و فهم منظور آن و فهمانیدنش [به دیگران] است. اما اینان قضیه را بر عکس کردند، و غیر منظور کتاب را، چه به صورت تلویحی و چه به تصریح، به خورد مردم دادند. سعدی: ۱۳۶.

پرسش: آیه نوعی از تحریف و بازی با کتاب الله را بیان می‌کند. توضیح دهید.

❷ ﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ﴾

افعال ﴿يَلۡوُۥنَ﴾ و ﴿يَقُولُونَ﴾، با صیغهٔ مضارع آمدند، تا بر تکرار این کار [در آینده] و این‌که عادت‌شان شده است، دلالت کند. ابن عاشور: ۳/ ۲۹۲.

پرسش: چرا افعال آیه با صیغهٔ مضارع بیان شدند؟

❸ ﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ﴾

تحریف به دو صورت آشکار شده است: تحریف تنزیل و تحریف تأویل. تحریف تأویل بسیار زیاد انجام شده و گروه‌هایی از این امت به آن مبتلا شده‌اند. بسیاری از مردم نیز به تحریف تنزیل دست یازیده‌اند؛ یعنی الفاظ رسول را تغییر می‌دهند و احادیث منکری روایت می‌کنند. ابن تیمیه: ۲/ ۸۶.

پرسش: تحریف وحی بر دو قسم است، این دو قسم را بیان کنید.

❹ ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

یعنی پیروان راه پروردگار و منسوبان به او با کمال علمِ آراسته به عمل؛ زیرا انسان ربانی، کسی است که به دین و طاعت الله سبحانه و تعالی بسیار چنگ می‌زند. بقاعی: ۲/ ۱۱۸.

پرسش: ربانیون چه صفاتی دارند؟

❺ ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

سعید بن جبیر می‌گوید: ربانی، عالمی است که به علمش عمل می‌کند... بنابر قولی: ربانیون بالاتر از احبار قرار دارند، احبار علما هستند، و ربانیون کسانی هستند که در کنار علم، بینش ریاست مردم را نیز دارند. بغوی: ۱/ ۳۷۵.

پرسش: چه عالمی، ربانی به شمار می‌رود؟

❻ ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾

زیرا فایدهٔ درس: علم، و فایدهٔ علم: عمل است، که بخشی از آن تشویق بر انجام کارِ خیر، و ترسیدن از آفریدگار است. بقاعی: ۲/ ۱۱۸.

پرسش: درس‌ها و طلب علم چه فایده‌ای دارند؟

❼ ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾

از بیش از یک نفر از سلف- علی و ابن عباس ﷺ و دیگران- روایت است که گفته‌اند: از زمان نوح ؑ، الله هر پیامبری را که مبعوث فرموده، این پیمان را از او گرفته که: اگر در زمان حیاتش، محمد ﷺ مبعوث شد، به او ایمان آورَد و یاری رساند، و به آن پیامبر فرمان داده که این میثاق را از امتش بگیرد که: اگر - در حال حیات آنان- محمد ﷺ مبعوث شد، به او ایمان آورند و یاری رسانند. ابن تیمیه: ۲/ ۸۸.

پرسش: پیامبر محمد ﷺ چه جایگاهی دارد؟

سورة (آل عمران) الجزء (٣) صفحة (٦١)

قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ
وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ
وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن
يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيۡفَ
يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ
ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ
عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ
بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ
كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ
ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٩١﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] بگو: «به الله و آنچه بر ما نازل شده است ایمان آوردیم و [همچنین به] آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و [پیامبرانی که از] نوادگان [یعقوب بودند] نازل گردیده است و آنچه به موسی و عیسی و [دیگر] پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است؛ میان هیچ‌یک از آنان فرقی نمی‌گذاریم و تسلیمِ او هستیم». (۸۴) هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است. (۸۵) چگونه الله قومی را هدایت می‌کند که بعد از ایمانشان و [پس از آنکه] گواهی دادند به اینکه پیامبر [اسلام] بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، کافر شدند؟ و قطعاً الله قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۸۶) جَزایشان این است که لعنتِ الله و فرشتگان و مردم، همگی بر آنهاست. (۸۷) در آن [لعنت،] جاودانه می‌مانند؛ نه عذاب از اینان کاسته می‌شود و نه مهلت [عذر و توبه] می‌یابند. (۸۸) مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و [با درستکاری، رفتارشان را] اصلاح نمودند؛ که بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۸۹) به راستی، کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند و بر کفر [خویش] افزودند، هرگز توبهٔ آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان قطعاً گمراهند. (۹۰) کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر زمین پر از طلا باشد و [بتوانند] آن را به عنوان فدیه [و کفّارهٔ اعمال بدِ خویش] بپردازند، هرگز از هیچ‌یک از آنها پذیرفته نخواهد شد و مجازاتی دردناک [در پیش] دارند و یاورانی نخواهند داشت. (۹۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾
این آیه، تمام ادیان غیر از اسلام را باطل می‌کند. ابن جزی: ۱/ ۱۵۱.

پرسش: چرا این سخن مردود است که گفته شود: یهودیت و نصرانیت ادیانی آسمانی هستند، بنابراین کسی را که به جای اسلام به این دو دین پایبند باشد تکفیر نمی‌کنیم؟

۲ ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾
الله تعالی بیان فرمود دینی- که از آن خوشنود است و آن را از بندگانش می‌پذیرد- فقط اسلام است، و دین فقط زمانی مقبول و مورد رضایت است که در کنار تصدیق، عمل نیز وجود داشته باشد. ابن تیمیه: ۲/ ۹۶.

پرسش: دین چه زمانی پذیرفته است؟

۳ ﴿كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ﴾
اینان، توفیق هدایت را کسب نمی‌کنند؛ زیرا امید هدایت از کسی می‌رود که حق را نشناخته باشد، و در جستجوی آن بکوشد؛ چنین کسی سزاوارتر است که الله اسباب هدایت را برایش فراهم آورد، و او را از اسباب گمراهی محافظت کند. سعدی: ۱۳۷.

پرسش: هدایت و ایمانِ چه کافرانی مورد انتظار است؟

۴ ﴿كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ﴾
یعنی: دلایل و براهین راستی آن‌چه که رسول نزدشان آورد بر آنان اقامه شد، و امر برای‌شان آشکار گشت، سپس به تاریکی شرک بازگشتند، پس چگونه بعد از این‌که هدایت را با گمراهی و خیره‌سری درآمیختند، سزاوار هدایت هستند؟

پرسش: چرا افراد مورد نظر آیه شایستگی هدایت را ندارند؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ﴾
یعنی موفق به توبه‌ای مقبول نمی‌شوند، بلکه الله آنان را در سرکشی‌شان می‌کشاند تا این‌که سرگردان شوند... چنین کسی در بریدن اسباب رحمت پروردگار از خود تلاش کرده، و درِ توبه را به روی خویش بسته است. سعدی: ۱۳۷.

پرسش: چرا توبهٔ افراد مذکور در آیه پذیرفته نمی‌شود؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ﴾
زیرا الله سبحانه و تعالی بر دل‌های‌شان مُهر می‌زند، در نتیجه توبه‌ای راستین و پایدار نمی‌کنند، و اعمال فاسدشان را اصلاح نمی‌گردانند، یا توبه‌ای را که مورد پذیرش قرار گیرد از آنان سر نمی‌زند؛ زیرا اینان بر خلاف گروه اول، عناد و سرکشی به خرج دادند. بقاعی: ۲/ ۱۲۳.

پرسش: چرا توبهٔ کسی که پس از ایمان، دوباره کفر می‌ورزد پذیرفته نخواهد شد؟

۷ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ﴾
از ابوعمران روایت است که گفت: از انس بن مالک رضی الله عنه شنیدم که پیامبر ﷺ فرمود: «يَقُولُ اللهُ تَعَالَى لِأَهْوَنِ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا يَوْمَ القِيَامَةِ: لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ أَكُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: أَرَدْتُ مِنْكَ أَهْوَنَ مِنْ هَذَا، وَأَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ: أَنْ لاَ تُشْرِكَ بِي شَيْئًا، فَأَبَيْتَ إِلَّا أَنْ تُشْرِكَ بِي» [صحیح بخاری: ۶۵۵۷] «الله تعالی در روز قیامت به کسی از اهل جهنم که سبک‌ترین عذاب را دارد می‌گوید: اگر تمام آن‌چه در روی زمین است اکنون مال تو بود آیا آن را برای نجات خویش می‌بخشیدی؟ او پاسخ می‌دهد: بله، آن‌گاه الله تعالی می‌فرماید: هنگامی که تو در پشت آدم بودی من چیزی بسیار آسان‌تر از آن را از تو خواستم، و آن این‌که هیچ‌چیز را شریک من قرار ندهی، اما تو شرک را کنار نگذاشتی». بغوی: ۱/ ۳۸۰.

پرسش: روز قیامت به شخصی جهنمی که سبک‌ترین عذاب را دارد چه گفته می‌شود؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلۡأَسۡبَاطِ	پیامبرانی که در قبایل دوازده‌گانهٔ بنی‌اسرائیل بودند.

عمل به آیات

۱. با وسایل ارتباطی جدید یا با سایر اسباب، یکی از کافران را به اسلام دعوت بده، ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾

۲. پیامی بفرست و در آن بر پیروان وحدت ادیان و آزادی تدین از طریق این آیهٔ کریمه ایراد وارد کن، ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾

۳. گناهی را که انجام داده‌ای به یاد بیاور، و بسیار از آن استغفار کن، سپس صدقه‌ای بده امید است که الله تعالی آن گناهت را ببخشد، ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

رهنمودها

۱. یکی از قواعد صریح که هرگز هیچ تأویل و تغییری نمی‌پذیرد به این قرار است: اسلام تنها دینی است که الله از بنده می‌پذیرد، ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾

۲. درِ توبه به روی هیچ نافرمانی، به هر درجه از کفر یا گناهان که رسیده باشد، بسته نشده است، ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

۳. چه زیباست توبه‌ای که اصلاح و دعوت را در پی داشته باشد، ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٢)

لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ
فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٩٢ ۞كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ
ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ
٩٣ فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩٤ قُلۡ صَدَقَ ٱللَّهُۗ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ
وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٩٥ إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ ٩٦ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ
إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ
مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ
٩٧ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَىٰ مَا تَعۡمَلُونَ ٩٨ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَأَنتُمۡ شُهَدَآءُۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٩٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا
مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ ١٠٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
إِسۡرَٰٓءِيلَ	پیامبر الله، یعقوب بن اسحاق عليه السلام.
بِبَكَّةَ	در مکه.
مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَ	سنگی که ابراهیم عليه السلام هنگام ساختن پایه‌های خانۀ کعبه بر روی آن می‌ایستاد.

عمل به آیات

۱. چیزی را که دوست داری مشخص و آن را در راه الله تعالی انفاق کن، امید است که به درجۀ ابرار برسی، ﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

۲. از الله یاری بخواه، و بسیار دعا کن، سپس گام‌هایی را مشخص کن که موانع رسیدن به بیت الله را در ادای عمره یا حج هموار می‌سازد؛ زیرا الله تعالی آن‌گونه می‌کند که بنده‌اش در مورد او گمان می‌کند، ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗا﴾

۳. با گذاشتن ریش و کوتاه‌کردن سبیل، با یهود و نصارا مخالفت کن، و لباست را بالای قوزک قرار بده. زنان باید با حجاب کامل زینتشان را از نامحرمان بپوشانند، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. بنده به مقام برّ (نیکوکاری) نمی‌رسد مگر این‌که از اموالی که آن‌ها را دوست دارد انفاق کند، ﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ﴾

۲. بازداشتن مردم از ایمان، کفر و گمراهی است، ﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ﴾

۳. از فرمانبرداری از کافران در دین و عقیده و کفر برحذر باش؛ زیرا آنان فقط مایۀ غفلت و فساد تو هستند، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ﴾

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] هرگز به [منزلت و ثواب] نیکوکاری دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و بی‌تردید، الله به آنچه انفاق می‌کنید داناست. (۹۲) همهٔ غذاها برای بنی‌اسرائیل حلال بود، مگر آنچه یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود. [ای پیامبر، به یهود] بگو: «اگر راست می‌گویید [و سخنم را باور ندارید]، تورات را بیاورید و آن را بخوانید». (۹۳) پس هر کس بعد از این، بر الله دروغ بندد، آنانند که ستمکارند. (۹۴) [ای پیامبر،] بگو: «الله [در مورد یعقوب و هر چه نازل فرموده است] راست گفت؛ پس از آیین ابراهیم پیروی کنید که حق‌گرا بود و هرگز در زمرهٔ مشرکان نبود». (۹۵) در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم قرار داده شد، همانی است که در مکه قرار دارد که پربرکت و [مایهٔ] هدایت جهانیان است. (۹۶) در آن [خانه،] نشانه‌های روشن، [از جمله] مقام ابراهیم است و [دیگر اینکه] هر کس وارد آن [حرم] شود، در امان خواهد بود؛ و بر مردم [واجب] است که برای [عبادتِ] الله قصد آن خانه کنند [البته برای] کسی که توانایی [مالی و جسمی] رفتن به سوی آن را دارد؛ و هر کس [به فریضهٔ حج] کفر ورزد، بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است. (۹۷) [ای پیامبر،] بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات الله کفر می‌ورزید؟ حال آنکه الله بر آنچه می‌کنید، گواه است». (۹۸) بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است از راهِ الله باز می‌دارید و آن را منحرف می‌خواهید؟ در حالی که شما [خود به درستیِ آن] گواهید؛ و الله از آنچه می‌کنید غافل نیست». (۹۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را پس از ایمانتان به کفر بازمی‌گردانند. (۱۰۰)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

محبوب‌ترین مال انسان وقتی که برای تقرب به سوی الله انفاق شود، برترین مالش به شمار می‌رود؛ هر چند از نظر قیمت با سایر اموال مساوی باشد. ابن تیمیه: ۲/ ۱۰۸.

پرسش: بهترین مال انسان که با آن به سوی الله تعالی تقرب می‌جوید کدام است؟

۲ ﴿كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

زجاج می‌گوید: این آیه بزرگ‌ترین دلالت را بر نبوت پیامبرمان محمد ﷺ دارد؛ به آنان خبر داد که این امر در کتاب‌شان نیست، و به آنان فرمان داد که تورات را بیاورند اما سر باز زدند؛ یعنی دانستند که محمد ﷺ این سخن را از طریق وحی می‌گوید. قرطبی: ۵/ ۲۰۴- ۲۰۵.

پرسش: دلیلی از این آیه بر نبوت پیامبرمان ﷺ بیان کن؟

۳ ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

قِدمَت موجب برتری است؛ زیرا اماکن عبادت، از جهت عبادت متفاوت نیستند- و در این مورد با هم مساوی هستند-؛ اما از جهت زمان‌های طولانی عبادت در آن‌ها، و بنیانگذار آن‌ها، و حُسن مقصد در این مورد با هم متفاوت هستند. ابن عاشور: ۴/ ۱۵.

پرسش: چرا قدمت کعبه نسبت به سایر مساجد، موجب برتری آن است؟

۴ ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

یعنی دارای خیر فراوان؛ زیرا ثواب عبادت در آن مضاعف می‌شود... بنابر قولی: به این سبب که هر کس حج آن را به جای آورَد و پیرامونش طواف کند و کنارش به اعتکاف بنشیند گناهانش بخشیده می‌شود. برکتش می‌تواند آن چیزی باشد که در این فرمودۀ الله تعالی بیان شده است: ﴿يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيۡءٖ﴾ [القصص: ۵۷]؛ «ثمرات (و فرآورده‌های) هر چیزی (از هر سو) به سوی آن آورده می‌شود». بنابر قولی دیگر: برکت مکه، عبارت از دوام و لزوم عبادت در آن است. آلوسی: ۴/ ۵.

پرسش: برخی از مظاهر برکت در بیت الحرام را بیان کن؟

۵ ﴿فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗا﴾

﴿فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗا﴾ این خانه نشانه‌های زیادی دارد؛ از جمله: سنگی که مقام ابراهیم عليه السلام است، یعنی سنگی که ابراهیم عليه السلام هنگام بالابردن پایه‌های خانه بر روی آن می‌ایستاد، و هر اندازه که بنا بالا می‌رفت، این سنگ ابراهیم عليه السلام را در فضا بالا می‌برد تا این‌که بنا را کامل کرد، و قدم‌های ابراهیم عليه السلام در این سنگ فرو می‌رفت، گویی گل است، و اثر قدم‌هایش تا امروزه نیز باقی است. پرندگان بر فراز کعبه پرواز نمی‌کنند؛ نابودی فیل‌داران و بازگرداندن گردنکشان از کعبه؛ جوشیدن زمزم برای هاجر مادر اسماعیل که جبریل پاشنهٔ پایش را بر زمین فشرد و این چشمه جوشید؛ حفر این چشمه توسط عبدالمطلب، بعد از ناپدیدشدن؛ و این‌که آب این چشمه به هر نوشنده‌ای فایده می‌رساند و... . ابن جزی: ۱/ ۱۵۳.

پرسش: برخی از نشانه‌های بیت الحرام را بیان کن؟

۶ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

هر کس با وجود توانایی، حج به جای نیاورَد، اگر معترف به وجوب حج باشد کفران نعمت کرده است، و اگر منکر این وجوب باشد، از دین خارج شده است. بقاعی: ۲/ ۱۲۸.

پرسش: منظور از کفر در مورد کسی که حج نگزارده است چیست؟

۷ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ﴾

مسلماً در تمام احکام الله تعالی، باید حکمت و مصلحتی وجود داشته باشد؛ اما نمی‌پذیریم که این مصلحت باید برای ما آشکار گردد؛ زیرا حکیم ملزم نیست که پایین‌تر از خود را از وجه حکمت آگاه کند. آلوسی: ۴/ ۱۱.

پرسش: آیا در تمام اوامر الله تعالی حکمت وجود دارد؟ و آیا لازم است که ما این حکمت را بدانیم؟

ترجمه آیات

و چگونه شما کافر می‌شوید در حالی که آیات الله بر شما خوانده می‌شود و پیامبرش میان شماست؟ و هر کس به [کتاب] الله [و سنت پیامبرش] تمسّک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است. (۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله ـآن گونه که شایستهٔ پروا کردن از اوستـ پروا کنید و جز در حال مسلمانی نمیرید. (۱۰۲) و همگی به ریسمان الله [= دین الله] چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت [بزرگِ] الله را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و به [لطف و برکتِ] نعمتش برادر [یکدیگر] شدید؛ در حالی‌که [پیش از آن، به خاطر کفرتان،] بر لبِ پرتگاه آتش قرار داشتید [که] الله شما را از آن نجات داد. الله اینچنین آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ باشد که هدایت یابید. (۱۰۳) و [ای مؤمنان،] باید گروهی از شما باشند که [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به [کارهای] شایسته فرمان دهند و از [امور] ناپسند بازدارند؛ و آنانند که رستگارند. (۱۰۴) و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، پراکنده شدند و اختلاف کردند. اینان عذابی سهمگین [در پیش] دارند. (۱۰۵) روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛ اما [به] کسانی که چهره‌هایشان سیاه شده است [گفته می‌شود:] «آیا بعد از ایمانتان کافر شدید؟ پس به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید». (۱۰۶) و اما کسانی که چهره‌هایشان سپید گشته است، در رحمتِ الله [در بهشتِ برین] جای می‌گیرند و در آن جاودانند. (۱۰۷) [ای پیامبر،] اینها آیات الله است که آن را به‌حق بر تو می‌خوانیم؛ و الله [هیچ گاه] ستمی برای جهانیان نمی‌خواهد. (۱۰۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾

سلف، یعنی ابن مسعود ﷺ و دیگران، مانند حسن، عکرمه، قتاده، و مقاتل گفته‌اند: «منظور از ﴿حَقَّ تُقَاتِهِۦ﴾، این است که فرمانبرداری شود و مورد نافرمانی قرار نگیرد، سپاس‌گزاری شود و مورد ناسپاسی قرار نگیرد، و یاد گردد و فراموش نشود». ابن تیمیه: ۲/ ۱۱۶.

پرسش: منظور از تقوای الله تعالی آن‌گونه که حق تقوایش است چیست؟

۲ ﴿وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾

یعنی: همیشه و در حال صحت و سلامتی بر اسلام مراقبت کنید تا این‌که در حال مسلمانی بمیرید؛ زیرا یکی از سنت‌های ذات کریم این است که به کَرَم خویش، هر کسی را که بر چیزی زندگی کرده باشد بر همان چیز می‌میراند، و هر کس بر چیزی بمیرد بر همان چیز حشر می‌شود. ابن کثیر: ۱/۳۶۶.

پرسش: چرا مهم‌ترین واجب در زندگی انسان، مبادرت بر پایبندی بر اسلام و مراقبت از آن است؟

۳ ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْ﴾

﴿جَمِيعٗا﴾: یعنی نگذارید که کسی از شما از آن فاصله بگیرد، بلکه هر گاه آگاه شدید که کسی از این ریسمان- حتی به اندازهٔ یک وجب- جدا شده است، او را به این ریسمان بازگردانید و کارش را به تأخیر نیندازید و از او غافل نشوید، وگرنه در این کار خلل وارد می‌شود و برای همیشه از آن بازمی‌مانید، بلکه همیشه و همگی با هم به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و هیچ‌یک از دیگری جدا نشود. بقاعی: ۲/ ۱۳۱.

پرسش: واژهٔ ﴿جَمِيعٗا﴾ در آیه چه دلالتی در امر به چنگ‌زدن به ریسمان الهی دارد؟

۴ ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْ﴾

این آیه بر تحریم اختلاف در فروع دلالت ندارد؛ زیرا اختلاف در فروع از نوع اختلاف ممنوع و حرام نیست، و اختلاف حرام و ممنوع آن است که اتحاد و همبستگی [مسلمانان] را [برهم زند و آن را] دشوار کند. اختلاف در مسایل اجتهادی به سبب استخراج احکام و تفاصیل مفاهیم شرعی است و صحابه با وجود این‌که همواره در احکام رویدادها با یکدیگر اختلاف می‌ورزیدند، با هم دوست و متحد بودند. قرطبی: ۵/ ۲۴۱.

پرسش: آیا هر اختلافِ دیدگاهی، پراکندگی و گروه گروه شدن مردم به شمار می‌رود؟

۵ ﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که الله دوست دارد بندگانش نعمت او را با قلب و زبان یاد کنند تا بر سپاس‌گزاری و محبت به او بیفزایند و در مقابل، او تعالی بیشتر به آنان احسان و بخشش کند. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الله که یاد می‌شود نعمت هدایت به اسلام است. سعدی: ۱۴۲.

پرسش: مومن چگونه نعمت پروردگارش را یاد می‌کند؟ این یادِ نعمت چه فایده‌ای دارد؟

۶ ﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

مردم در تغییر منکر و امر به معروف در چند مرتبه قرار دارند: سهم علما از امر به معروف و تغییر منکر عبارت است از آگاه‌سازی حکام و والیان و کشاندن آنان بر شاهراه علم؛ سهم والیان عبارت است از تغییر منکر به‌وسیلهٔ قدرت و تسلط‌شان... و سهم سایر مردم عبارت است از ارجاع امر به حکام و والیان بعد از این‌که نهی قولی را انجام دادند. آن‌چه گفته شد در مورد منکری است که استمرار دارد، اما اگر کسی شاهد وقوع منکری مانند دزدی و زنا به صورت ناگهانی بود باید بر اساس موقعیت و قدرت خودش آن را تغییر دهد. ابن عطیه: ۱/ ۴۸۶.

پرسش: مراتب مردم در امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید؟

۷ ﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾

﴿فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِ﴾ یعنی بهشت؛ از محل به حال تعبیر شد...دلیل این طرز بیان آن است که بیان دارد مومن حتی اگر تمام عمرش را در طاعت الله بگذراند به نعمت‌های بهشتی دست نمی‌یابد مگر به رحمت الله تعالی. آلوسی: ۴/ ۲۶.

پرسش: چرا ورود به بهشت به رحمت تعبیر شد؟

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٣)

وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمۡ
رَسُولُهُۥۗ وَمَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدۡ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٠١
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم
مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ
فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ
ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ
تَهۡتَدُونَ ١٠٣ وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ
بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٤
وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ
وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١٠٥ يَوۡمَ تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ
وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ
فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ١٠٦ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ
وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٠٧ تِلۡكَ ءَايَٰتُ
ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
شَفَا	لبه.

عمل به آیات

۱. پیامی در مورد فواید اتحاد و آسیب‌های اختلاف بنویس، ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا﴾

۲. از یکی از کسانی که به کار امر به معروف و نهی از منکر مشغول است و او را می‌شناسی تشکر و برایش دعا کن، ﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

۳. امروز بر امر به معروف و نهی از منکر بکوش تا در زمرهٔ بندگان رستگار الله قرار گیری، ﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. مداومت بر تلاوت و تدبر قرآن، و تأمل در سنت نبوی، و عمل به این دو، از بزرگ‌ترین اسباب ثبات و پایداری است، ﴿وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمۡ رَسُولُهُۥ﴾

۲. برحذر باش از این‌که در حالی بمیری که دین الله تعالی را تغییر و تبدیل کرده‌ای، و این دعا را زیاد تکرار کن: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دین خویش پایدار بدار»، ﴿وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾

۳. اختلاف مبنی بر هوا و هوس، سبب ایجاد شر بر فرد و جامعه است، ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٤)

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ
١٠٩ كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ
وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ
ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ
ٱلۡفَٰسِقُونَ ١١٠ لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمۡ
يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١١١ ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ
ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ
وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ
بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ١١٢ ۞ لَيۡسُواْ
سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ ١١٣ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ
ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ
وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٤ وَمَا
يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ١١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ثُقِفُوٓاْ	یافت شوند.
بِحَبۡلٖ	به پیمانی.
ٱلۡمَسۡكَنَةُ	فقر و خساستِ نفس.
فَلَن يُكۡفَرُوهُ	هرگز نزد الله تباه نخواهد شد.

عمل به آیات

۱. امروز به معروفی امر، یا از منکری نهی کن، ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾

۲. معصیتی را به یاد آور که در ترک آن کوتاهی می‌کنی، و از آن دوری گزین تا در خواری و بینوایی نیفتی، ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

۳. پیامی بفرست و در آن از اذیت و آزار رساندن به علما و صالحان برحذر دار؛ زیرا آنان وارثان پیامبران هستند، ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ﴾

رهنمودها

۱. به یاد داشته باش که برتری امت اسلامی، به سبب وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله است، ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ﴾

۲. شریعت به قضاوتِ منصفانه در مورد گروه‌ها و افراد فرمان داده است، ﴿وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾

۳. با شروع پیکار، ضعف دشمن آشکار می‌گردد، ﴿لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمۡ يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ﴾

ترجمه آیات

و هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است و [همهٔ] کارها به سوی الله بازگردانده می‌شود. (۱۰۹) [ای امت محمد،] شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار نیک فرمان می‌دهید و از کارِ ناپسند بازمی‌دارید و به الله ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب [نیز] ایمان می‌آوردند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و[لی] بیشتر آنان [فاسق و] نافرمانند. (۱۱۰) [فاسقان اهل کتاب] جز آزاری اندک [همچون طعنه و تمسخر] هرگز زیانی به شما نخواهند رساند و اگر با شما بجنگند، [شکست می‌خورند و] به شما پشت می‌کنند؛ آنگاه [نیز از سوی هیچ کس] یاری نمی‌شوند. (۱۱۱) [یهود] هر کجا یافت شوند، [داغِ ننگ و] خواری بر آنان زده شده است؛ جز در پناه الله یا پناه مردم، [امنیت نمی‌یابند]؛ و آنان به خَشمی از الله گرفتار شده‌اند و [داغِ] درماندگی [و بدبختی] بر آنان زده شده است. این به سبب آن بود که به آیات الله کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند؛ [و نیز] این [کیفر] به خاطر آن بود که نافرمانی کردند و از حدود [الهی] تجاوز می‌نمودند. (۱۱۲) [ولی همهٔ آنان] یکسان نیستند. گروهی از اهل کتاب هستند که درستکارند [و] در دل شب، در حالی که به نماز ایستاده‌اند، آیات الله را می‌خوانند، (۱۱۳) [برخی از] آنان به الله و روز قیامت ایمان دارند و [مردم را] به نیکی امر می‌کنند و از بدی باز می‌دارند و در [انجام] کارهای نیک می‌شتابند و آنان از زمرهٔ شایستگانند. (۱۱۴) و هر کار نیکی که انجام دهند، هرگز دربارهٔ آن ناسپاسی نخواهند دید [=نیکی‌هایشان نزد الله محفوظ است]؛ و الله به [حال] پرهیزگاران داناست. (۱۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾
هر کس می‌خواهد در این امت قرار گیرد باید شرطی را که الله بر این امت قرار داده است به جای آورَد... و هر کس که چنین صفتی نداشته باشد شبیه اهل کتاب است که الله این‌گونه آنان را سرزنش می‌کند: ﴿كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُ﴾ [المائدة: ۷۹]؛ «آن‌ها از کار زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند». ابن کثیر: ۱/ ۳۷۴.
پرسش: آیه کدام امتیاز امت اسلامی بر سایر امت‌ها را بیان کرده است؟

۲ ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ﴾
(معروف) اساساً هر چیزی است که انجام آن در نظر مومنانِ به الله، نیکو و پسندیده باشد. طاعت الله نیز به این سبب معروف نامیده می‌شود که مومنان انجام آن را نیکو می‌دانند و تقبیح نمی‌کنند. (منکر) نیز اساساً هر چیزی است که الله آن را ناپسند دانسته و مومنان انجام آن را زشت و قبیح می‌دانند. معصیت الله به این سبب منکر نامیده می‌شود که مومنانِ به الله، انجام آن را تقبیح می‌کنند و آن را گناه بزرگی برمی‌شمارند. طبری: ۷/ ۱۰۵.
پرسش: منظور از معروف و منکر چیست؟

۳ ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾
جهاد در برابر کافران به چند دلیل بهتر است از این‌که با عذابی آسمانی نابود شوند: دلیل اول: باعث افزایش پاداش و مزد و ارتقای درجات مومنان می‌شود؛ زیرا به این هدف در راه الله جهاد می‌کنند که سخن الله برتر قرار گیرد و تمام دین (طاعات و عبادات) برای الله باشد. دلیل دوم: این کار برای کافران نیز سودمندتر است؛ زیرا گاهی از ترس ایمان می‌آورند و کودکانی نیز که با آن‌ها به اسارت درآمده باشند مسلمان می‌شوند. این مطلب از معنای آیه به دست می‌آید که می‌فرماید: ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ﴾. ابوهریره ﷺ می‌گوید: «خَيْرُ النَّاسِ لِلنَّاسِ تَأْتُونَ بِهِمْ فِي السَّلَاسِلِ فِي أَعْنَاقِهِمْ، حَتَّى يَدْخُلُوا فِي الْإِسْلَامِ» [صحیح بخاری: ۴۵۵۷] «بهترین مردم برای مردم هستید؛ زیرا آنان را به بند و زنجیر می‌کشید تا به اسلام درآیند»، امت اسلام با این کار، بهترین امتی قرار گرفت که برای مردم پدیدار شده‌اند. ابن تیمیه: ۲/ ۱۲۲.
پرسش: جهاد مسلمانان در برابر کافران یکی از بهترین دلایل خوبی و نیکوکاری امت اسلامی است. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾
الله تعالی وقتی از این خواری یهودیان خبر داد در ادامه بیان کرد که در هر زمان و هر مکانی، رفتاری مخالف با خواستهٔشان با آنان انجام می‌شود؛ بنابراین به جای اشتیاق آنان بر ریاست، خواری و ذلت را همنشین آنان کرد و در عوض گرایش به مال، آنان را به فقر گرفتار ساخت. خبر داد که این قلاده تا پایان دنیا بر گردن‌شان باقی می‌ماند و هرگز از آنان جدا نمی‌شود. بقاعی: ۲/ ۱۳۶.
پرسش: یهودیان به سبب ارتکاب دو گناه، با خواری و تنگدستی مجازات شدند، این دو گناه چه بودند؟

۵ ﴿وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ﴾
یعنی: با پیامبران الله که بزرگ‌ترین نیکی را به آنان می‌کنند، بدترین عکس‌العمل یعنی قتل را دارند؛ آیا گستاخی و جنایتی بزرگ‌تر از این امر وجود دارد؟ سعدی: ۱۴۳.
پرسش: مقابله با مصلحان با بدی و آزار، صفت قدیمی مفسدان است؛ این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ﴾
شب‌زنده‌داری برای خواندن علمی که با آن خوشنودی الله جستجو می‌شود، مصداق این آیه است، انجام این کار توسط کسی که امید می‌رود با علمش به مسلمانان فایده برساند، از گزاردن نماز نافله بهتر است. ابن عطیه: ۱/ ۴۹۳.
پرسش: مذاکرهٔ مباحث علمی در شب، در چه صورتی از اقامهٔ نماز نفل شبانه بهتر است؟

۷ ﴿يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾
﴿وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾ یعنی بر انجام کارهای نیک و طاعات می‌شتابند از ترس این‌که مبادا به سببی مانند مرگ، آن‌ها را از دست بدهند، یا اعمال صالح را با رغبت و بدون تنبلی انجام می‌دهند چون از جایگاه و عاقبت نیکوی این اعمال آگاه هستند. این حالت، صفت جامعی است که تمام انواع فضیلت‌ها و نیکی‌ها را در برمی‌گیرد و بیان آن، به سستی و تنبلی یهود در انجامش اشاره دارد. آلوسی: ۴/ ۳۴.
پرسش: چه چیزی مومنان را به شتافتن بر انجام کارهای خیر برمی‌انگیزانَد؟

ترجمه آیات

بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، هرگز اموال و فرزندانشان چیزی از [عذاب] الله را از آنان دفع نخواهد کرد و آنان اهل آتشند [و] جاودانه در آن می‌مانند. (۱۱۶) مَثَل آنچه [کافران] در این زندگی دنیا انفاق می‌کنند، همانند بادی است که سرمای سختی با خود دارد و به کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند می‌رسد و نابودش می‌سازد. الله به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم کرده‌اند. (۱۱۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان [دوست و] همراز نگیرید. آنان از هیچ نابکاری [و شرّی] در حق شما کوتاهی نمی‌کنند [و] دوست دارند که شما در رنج و زحمت باشید. در حقیقت، [نشانه‌های] دشمنی، از گفتارشان آشکار است و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند بزرگ‌تر است. اگر بیندیشید، قطعاً [خواهید دانست که] ما نشانه‌ها[ی پندآموز و راه سعادت دنیا و آخرت] را برایتان به روشنی بیان کرده‌ایم. (۱۱۸) هان! شما [ای مؤمنان،] کسانی هستید که آنان را دوست دارید در حالی که آنها شما را دوست ندارند و شما به همهٔ کتاب[های آسمانی] ایمان دارید [ولی آنان به قرآن ایمان ندارند]؛ و چون با شما ملاقات می‌کنند می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم» و چون تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان [خود] را به دندان می‌گزند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «به خشمِ خود بمیرید». بی‌گمان، الله از [راز] درون سینه‌ها آگاه است. (۱۱۹) [ای مؤمنان،] اگر به شما نیکی [و خوشی] رسد، آنان را اندوهگین می‌سازد و اگر به شما بدی [و گزندی] رسد، به آن شادمان می‌شوند؛ و اگر [بر تقدیر الهی] صبر و پرهیزگاری نمایید، مکر و نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند؛ [چرا که] بی‌تردید، الله به آنچه می‌کنند احاطه دارد. (۱۲۰) و [ای پیامبر، به یاد آور] زمانی که [در جنگ احد،] بامدادان از خانه و کاشانه‌ات بیرون آمدی [و] مؤمنان را برای جنگیدن در سنگرهای نظامی مستقر می‌کردی؛ و الله شنوای داناست. (۱۲۱)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُ﴾

آیه از انتخاب دوست و همنشین کافر نهی می‌کند. به عمر گفته شد: یک مسیحی است که هیچ‌کس از او خوشنویس‌تر نیست، آیا می‌خواهی کاتب تو شود؟ عمر گفت: در این صورت همرازی غیر از مومنان گرفته‌ام. ﴿لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا﴾ یعنی در فاسدکردن شما کوتاهی نمی‌کنند. ابن جزی: ۱/ ۱۵۹.

پرسش: در مورد کسی که از میان دشمنان اسلام، مشاور یا کارمند استخدام می‌کند چه دیدگاهی داری؟ این کار چه سرانجامی دارد؟

❷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا﴾

عاقل کسی است که اگر به معاشرت با دشمن مبتلا شود، در ظاهر با او معاشرت می‌کند، اما او را از هیچ‌یک از امور باطنی‌اش آگاه نمی‌سازد، هر چند دشمن چاپلوسی کند و سوگند یاد کند که از دوستانش است. سعدی: ۱۴۴.

پرسش: برخی مسلمانان گاهی به معاشرت با غیر مسلمانان ناچار می‌شوند، در این صورت باید چگونه رفتار کنند؟

❸ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُ﴾

مشقت و زیان شدید شما را دوست دارند. قراین دشمنی با شما از لغزش‌های کلامی و مضمون سخنان‌شان آشکار شده و کینه‌ای که در دل‌های‌شان پنهان دارند بزرگ‌تر از آن چیزی است که آشکار کرده‌اند؛ زیرا دشمنی و کینهٔ آشکار آنان بر اثر لغزش کلامی مشخص شد که این امر به ندرت اتفاق می‌افتد. آلوسی: ۴/ ۳۸.

پرسش: چرا الله تعالی از انتخاب یاور از میان مشرکان نهی فرمود؟

❹ ﴿هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾

شگفت است که مومنان آنان را دوست دارند در حالی که آنان نسبت به مومنان کینه می‌ورزند. ابن عاشور: ۴/ ۶۵.

پرسش: چه امر شگفتی در آیهٔ کریمه وجود دارد؟

❺ ﴿إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَا﴾

کسی که دشمنی و کینهٔ زیادی نسبت به مومنان دارد و از نزول سختی‌ها بر آنان شاد شود، شایستگی دوستی را ندارد، به‌خصوص در امر مهم جهاد که ملاک دنیا و آخرت است. قرطبی: ۵/ ۲۸۱.

پرسش: منع انتخاب کافران و منافقان به عنوان دوست پنهانی، یعنی مشاور یا کارمند، چه حکمتی دارد؟

❻ ﴿وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ﴾

این صبر، شکیبایی در برابر امر مقدّر را شامل می‌شود و تقوا نیز انجام کار امرشده و ترک کار ممنوع را دربرمی‌گیرد. پس هر کس که هر دو مورد به او عطا شده باشد تمام خیر را دریافته است، بر خلاف کسی که عکس این حالت را دارد؛ یعنی از الله نمی‌ترسد و به پیروی از هوای نفسش، از طاعت الله دست می‌کشد، به قضا و قدر اعتراض می‌کند، هنگام مصیبت صبر پیشه نمی‌دارد و خودش را به قضا و قدر نمی‌سپارد. بدبختان چنین حالتی دارند. ابن تیمیه: ۱۳۳/۲.

پرسش: حال کسی که الله تعالی صبر و تقوا را به او روزی داده و حال کسی که او را از این دو نعمت محروم گردانیده است توضیح بده.

❼ ﴿وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِ﴾

یعنی: آن‌ها را جای می‌دادی و منظم می‌کردی؛ به‌گونه‌ای که هر یک در محل مناسب خودش قرار می‌گرفت. پیامبر ﷺ در این‌جا به بهترین نحو مورد تمجید و تحسین قرار گرفته است؛ زیرا خودش به طور مستقیم اصحابش را در مواضع جنگ مدیریت می‌کند و سامان می‌دهد که این امر فقط به سبب علم و رأی کامل و نظر صحیح و همت بالایش امکان‌پذیر می‌گردد؛ چون که این کارها را بدون واسطه و با شجاعت کامل انجام می‌دهد. سعدی: ۱۴۵.

پرسش: پیامبر ﷺ در آیه مدح شده است. این مطلب را توضیح دهید.

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٥)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ
ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١١٦
مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا
صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا
ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا
وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي
صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ
١١٨ هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ
كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ
ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ١١٩ إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ
سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ
شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ١٢٠ وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ
تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٢١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
صِرٌّ	سرمای شدید.
لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا	در فاسدکردن حال شما کوتاهی نمی‌کنند.
وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ	دوست دارند که شما در مشقت شدیدی بیفتید.
أُوْلَآءِ	آنان.
غَدَوۡتَ	ابتدای روز خارج شدی.
تُبَوِّئُ	جای می‌دادی.

عمل به آیات

۱. پیامی در مورد اموال و حامیان مشرکان و این‌که این موارد ذره‌ای آنان را بی‌نیاز نمی‌سازد بنویس، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا﴾

۲. امروز همنشینانت را ارزیابی کن، آن‌گاه به کسی که تو را بر عبادت الله یاری می‌رساند رابطه‌ای صمیمی‌تر برقرار کن، و به جای کسی که تو را از یاد الله دور می‌سازد همنشینی دیگر جایگزین کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا﴾

۳. برای برادر مسلمانی که نعمتی به او رسیده است شادمان باش، و برای برادر مسلمانی که به مصیبتی گرفتار شده است غمگین باش، که این صفت مومنان است، بر عکس منافقان، ﴿إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَا﴾

رهنمودها

۱. گناهان، سبب نزول مصیبت‌ها هستند، ﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

۲. مسلمان عاقل فقط از مومنان راستین نصیحت می‌خواهد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا﴾

۳. همیشه به یاد داشته باش که پیروزی بر دشمنان و ایمن‌ماندن از مکرشان، مشروط به تقوا و صبر است، ﴿وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٌ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٦)

إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَاۗ وَعَلَى ٱللَّهِ
فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ
أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ
مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ
هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ
﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ
وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا
مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾
لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ أَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَإِنَّهُمۡ
ظَٰلِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن
يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٢٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ
لِلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَن تَفۡشَلَا	بترسند و ضعیف شوند.
فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا	در همین ساعت.
مُسَوِّمِينَ	خودشان و اسب‌های‌شان را با نشانه‌های واضح نشان‌دار می‌کنند.
يَكۡبِتَهُمۡ	آنان را خوار و ذلیل می‌کند.

عمل به آیات

۱. گام‌هایی در اصلاح میان دو شخص یا دو گروه متخاصم بردار، ﴿إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَا﴾

۲. خبری مسرت‌بخش به یک مسلمان برسان، ﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦ﴾

۳. با ارسال پیامی، مسلمانان را از خطرهای ربا هشدار بده، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. تقوای الهی با عمل به اوامر و ترک نواهی‌اش، به جا آوردن همان شکری است که بر بندگان واجب است، ﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

۲. صبر و تقوای الهی پیشه کن که الله با اسبابی که دارد و بر تو پنهان است به تو یاری می‌رساند، ﴿بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾

۳. از ربا و انواع آن پرهیز کن و افراد پیرامونت را از این گناه بزرگ برحذر دار، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

ترجمه آیات

و [به یاد آور] هنگامی که دو گروه از شما [= بنی‌سَلِمه و بنی‌حارثه] خواستند سستی ورزند [و همراه منافقان به مدینه بازگردند]؛ ولی الله یاور [و نگهدار] آنان بود؛ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند. (۱۲۲) و [ای مؤمنان،] بی‌گمان، الله شما را در [جنگ] بدر در حالی یاری کرد که [به سبب کمبود افراد و اسلحه] ناتوان بودید؛ پس از الله پروا کنید؛ باشد که شکر [نعمت‌هایش را] به جای آورید. (۱۲۳) [ای پیامبر، به یاد آور] آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا برایتان کافی نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که [از آسمان] فرود می‌آیند یاری کند؟» (۱۲۴) آری، اگر شکیبایی و پارسایی کنید و دشمنان در این [هیجان و] شتاب خویش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشتهٔ نشاندار یاری خواهد کرد. (۱۲۵) و الله آن [وعده یاری] را جز بشارتی برای [پیروزی] شما قرار نداد تا [به وسیله آن] دل‌هایتان به آن آرامش گیرد؛ و [گرنه] پیروزی جز از جانب الله شکست‌ناپذیرِ حکیم نیست. (۱۲۶) [این پیروزی، برای آن بود] تا [الله] گروهی از کسانی را که کفر ورزیدند، هلاک سازد یا خوار و مغلوبشان نماید تا مأیوس [و خوار به مکه] بازگردند. (۱۲۷) [ای پیامبر،] هیچ چیزی از کار [بندگان] در دست تو نیست؛ یا [الله] توبهٔ آنان [= مشرکان] را می‌پذیرد [و از گناهشان درمی‌گذرد] یا عذابشان می‌کند؛ زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۸) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است. او تعالی هر کس را که بخواهد [به رحمت] می‌آمرزد و هر کس را بخواهد [به عدالت] عذاب می‌کند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است. (۱۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سودِ] چندبرابر نخورید و از الله پروا کنید؛ باشد که رستگار شوید. (۱۳۰) و از آتشی که برای کافران آماده شده است بپرهیزید. (۱۳۱) و از الله و پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت [الله] قرار گیرید. (۱۳۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾
الله تعالی در ادامهٔ قصهٔ احد، قصهٔ بدر را به این دلیل بیان کرد که هر چند مسلمانان در روز بدر از نظر افراد و تجهیزات کاملاً ضعیف بودند و کافران در اوج قدرت و نیرومندی قرار داشتند، الله تعالی مسلمانان را بر کافران پیروز گرداند و این امر بهترین دلیل است بر این‌که ثمرهٔ توکل بر الله تعالی و صبر و تقوا عبارت است از پیروزی و یاری‌شدن و توفیق. قاسمی: ۲/ ۴۰۲.
پرسش: ذکر غزوهٔ بدر پس از مبحث غزوهٔ احد چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾
بیان فرمود که اگر صبر و تقوا داشته باشند، الله توسط فرشتگان به آنان یاری می‌رساند و در جنگ آنان را در برابر دشمنان پیروز می‌گرداند. ابن تیمیه: ۲/ ۱۳۵.
پرسش: توضیح دهید که صبر و تقوا چگونه سبب نزول فرشتگان برای یاری مومن می‌شود؟

۳ ﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾
یعنی: الله تعالی فقط به این هدف فرشتگان را فرستاد و شما را از این امر آگاه کرد تا بشارتی برای شما و مایهٔ پاکیزگی و آرامش دل‌های‌تان باشد، وگرنه پیروزی فقط از جانب الله است که اگر بخواهد بدون شما و بدون نیاز به پیکار شما، از دشمنانش انتقام می‌گیرد؛ چنان‌که پس از فرمان‌دادن مومنان به پیکار، می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَۖ وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم بِبَعۡضٖ﴾ [محمد: ۴]؛ «و اگر الله می‌خواست از آن‌ها انتقام می‌گرفت و لیکن (می‌خواهد) بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید». ابن کثیر: ۱/ ۳۸۰.
پرسش: آیا پروردگارمان سبحانه و تعالی نیازی به مجاهدان دارد؟ مجاهد چه فایده‌ای از پاسخ این سؤال به دست می‌آورد؟

۴ ﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾
﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ﴾ یعنی: الله این وعده و مدد را قرار نداد، ﴿إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ﴾ جز بشارتی برایتان که به آن شاد شوید، ﴿وَلِتَطۡمَئِنَّ﴾ و تا آرامش گیرد ﴿قُلُوبُكُم بِهِۦ﴾ دل‌هایتان به آن و بر اثر فراوانی افراد دشمن و کمی افراد خودتان بی‌قرار نشوید، ﴿وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾ یعنی پیروزی را به فرشتگان و لشکریان ارجاع ندهید؛ بلکه پیروزی فقط از جانب الله است، پس از او یاری بخواهید و بر او توکل کنید که قدرت و حکومت، از آنِ اوست. بغوی: ۱/ ۴۱۵.
پرسش: تنها منشأ پیروزی چیست؟

۵ ﴿وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾
به اسبابی که دارید تکیه نکنید؛ چون اسباب برای آرامش قلبی شماست. ارادهٔ الله برای پیروزی هر یک از بندگانش که بخواهد پیروزی حقیقی است و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد؛ زیرا او تعالی اگر بخواهد کسی را که اسباب در اختیار دارد پیروز می‌کند و این سنتِ او تعالی در مورد مخلوقاتش است، و اگر بخواهد خوارترین ضعیفان را پیروز می‌گرداند؛ تا برای بندگانش آشکار کند تمام امور به دست اوست و به سوی او بازمی‌گردد. سعدی: ۱۴۶.
پرسش: رساندن این خبر به مسلمانان که پیروزی فقط از جانب الله سبحانه و تعالی است چه فایده‌ای دارد؟

۶ ﴿لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ﴾
آیه دلالت دارد بر این‌که اختیار الله بر اختیار بندگان چیره است و بنده- هر چند درجه و جایگاه بالایی داشته باشد- گاهی کاری را انتخاب می‌کند در حالی که خیر و مصلحت در کار دیگری است. وقتی که رسول الله ﷺ هیچ اختیاری در کار بندگان ندارد پس دیگران به طریق اولی چنین اختیاری نخواهند داشت. این آیه، بهترین پاسخ است برای کسانی که به پیامبران یا سایر افراد صالح و دیگران متوسّل می‌شوند و بیانگر آن است که این کار، شرک در عبادت و کم‌خردی است؛ زیرا ذاتی را که اختیار تمام کارها به دست اوست رها می‌کنند و کسی را می‌خوانند که حتی به اندازهٔ ذره‌ای اختیار هیچ کاری را ندارد. سعدی: ۱۴۷.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید چرا کار کسانی که به جای الله، به پیامبران و صالحان متوسل می‌شوند مردود است؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾
با رویگردانی کامل از محبت و گرایش به دنیا، سپری میان خودتان و مخالفت با نهی الله از ربا قرار دهید؛ تا به دستیابی بر اهداف امیدوار باشید؛ زیرا مالک و فرمانروای هستی، این شایستگی را دارد که اگر پرهیزگاری کنید از مُلک خویش به شما ببخشاید و اگر کوتاهی کنید شما را محروم کند. بقاعی: ۲/ ۱۵۲.
پرسش: چه رابطه‌ای میان نهی از ربا و امر به تقوا وجود دارد؟

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٧)

* وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ
فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ
عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ
فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ
لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا
فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن
رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ
أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ١٣٦ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ
١٣٧ هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ١٣٨
وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ
١٣٩ إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ
ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٠

ترجمه آیات

و به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی بشتابید که گسترهٔ آن [به اندازهٔ] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران مهیا شده است. (۱۳۳) آن کسانی که در [هنگام] توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم درمی‌گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳۴) و [همان] کسانی که چون مرتکب کار زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند ـ و جز الله چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ـ و بر آنچه کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند در حالی که می‌دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه‌پذیر است]. (۱۳۵) پاداش اینان، آمرزشی از [جانب] پروردگارشان است و باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و پاداش [نیکوکاران و] اهل عمل چه نیکوست! (۱۳۶) [ای آسیب‌دیدگانِ اُحُد،] بی‌تردید، پیش از شما [نیز مؤمنانی بوده‌اند که رنج کشیدند و] سنت‌هایی گذشته است؛ پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجامِ تکذیب‌کنندگان [آیات الهی] چگونه بوده است. (۱۳۷) این [قرآن،] بیانی آشکار برای مردم و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران است. (۱۳۸) و [ای مؤمنان، از جهاد در راه الله] سست [و ضعیف] نشوید و اندوهگین نگردید؛ و [بدانید که] اگر ایمان داشته باشید، شما برترید. (۱۳۹) اگر [در اُحد] به شما جراحت [و آسیبی] رسید، به دشمنان شما نیز [در جنگ بدر به همان شکل] آسیب رسید [پس مقاومت کنید]. ما این روزها[ی شکست و پیروزی] را میان مردم می‌گردانیم تا الله، مؤمنان [واقعی] را معلوم کند و از میان شما [مؤمنان]، شهیدانی برگیرد؛ و الله ستمکاران را دوست ندارد. (۱۴۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

پس از بیان دشوارترین چیزی که رها و بخشیده می‌شود یعنی مال، دشوارترین چیزی که بازداشته می‌شود را بیان کرد و فرمود: ﴿وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ﴾ یعنی پس از این‌که از خشم سرشار شدند آن را بازمی‌دارند تا آشکار نشود. بقاعی: ۲/ ۱۵۷.

پرسش: بیان فروخوردن خشم بعد از انفاق، چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

فروخورندهٔ خشم و عفوکنندهٔ مردم، هم به خودش نیکی می‌کند و هم به مردم؛ زیرا این کار، عملی نیکو در برابر خود و در برابر مردم است و هر کس به مردم نیکی کند در واقع به خودش نیکی کرده است... . الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَا﴾ [الإسراء: ۷]؛ «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید، باز به خود بد کرده‌اید». ابن تیمیه: ۲/ ۱۴۰- ۱۴۱.

پرسش: فروخوردن خشم و عفو مردم، ابتدا به چه کسی فایده می‌رساند؟ چرا؟

۳ ﴿وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

یعنی: فروخورندگان خشم، پس از این‌که وجودشان از خشم سرشار گشت. وقتی کسی خشمش را فرو خورد و خودش را از انجام کاری که می‌تواند آن را انجام دهد حفظ کند، گفته می‌شود: «کظم فلان غیظه: فلانی خشمش را فرو خورد». طبری: ۷/ ۲۱۴.

پرسش: یکی از صفات کسانی را که به سوی مغفرت و بهشت می‌شتابند از آیه استخراج کن؟

۴ ﴿قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾

آیه بر اهمیت علم تاریخ دلالت دارد؛ زیرا شامل فایدهٔ سیر در زمین است؛ یعنی شناخت اخبار پیشینیان و گذشتگان، و اسباب صلاح و فساد امت‌ها. ابن عاشور: ۴/ ۹۷.

پرسش: خواندن تاریخ و شناخت احوال امت‌ها، اهمیت به‌سزایی دارد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ﴾

این بیان، شامل تمام کسانی می‌شود که قرآن را بفهمند، و هدایت و پندی برای پرهیزگاران است. ابن تیمیه: ۲/ ۱۴۳.

پرسش: این بیان برای تمام مردم است، و هدایت و موعظه فقط برای پرهیزگاران است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

﴿وَلَا تَهِنُواْ﴾ یعنی در جهاد با دشمنان‌تان که دشمنان الله هستند سستی نکنید؛ زیرا الله همراه شما و علیه آنان است، و اگر در روز احد به نوعی پیروز شدند به این دلیل بود تا بدانید کارها به سوی چه کسی بازمی‌گردد، ﴿وَلَا تَحۡزَنُواْ﴾ یعنی بر مصیبتی که از آنان به شما رسید و سایر مصیبت‌هایی که ممکن است به آن‌ها مبتلا شوید اندوهگین نشوید، در حالی که ﴿وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ﴾ یعنی: در دنیا و آخرت برتر هستید، ﴿إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾. بقاعی: ۲/ ۵۹.

پرسش: آیا شکست موقّتیِ مومنان، منافاتی با برتری آنان دارد؟ توضیح دهید.

۷ ﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

بر اساس این آیه، تا زمانی که مسلمانان قدرت داشته باشند نباید با دشمن سازش کرد؛ اما اگر مسلمانان در سرزمینی قدرت نداشتند، امام باید بنگرد که کدام یک برای‌شان بهتر است؛ سازش یا عدم سازش. ابن عطیه: ۱/ ۵۱۳.

پرسش: سازش و آشتی مسلمانان با کافران در چه صورتی صحیح است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ	توانگری و تنگدستی.
وَلَا تَهِنُواْ	سست و ضعیف نشوید.
قَرۡحٞ	جراحت و زخم.
نُدَاوِلُهَا	می‌گردانیم.

عمل به آیات

۱. امروز در انجام عملی صالح از دیگران پیشی گیر، امید است که مشمول این آیه شوی، ﴿وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ﴾

۲. به فردی صدقه‌ای بده؛ فرقی نمی‌کند که خودت ثروتمند و بی‌نیاز هستی یا فقیر و نیازمند، ﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ﴾

۳. هفتاد بار در شبانه‌روز از الله طلب آمرزش کن، ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ﴾

رهنمودها

۱. پرهیزگاران ساکن بهشت هستند، پس بکوش که صفات آنان را به دست آوری، ﴿أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ﴾

۲. عفو و بخشیدن مردم فضیلت بالایی دارد، ﴿وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۳. از خواری و ذلت بپرهیز؛ زیرا مومن به سبب دین اسلام، عزتمند است، ﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٦٨)

وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمْحَقَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ
حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ ٱلْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ
مِنكُمْ وَيَعْلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن
قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ
إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ
ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ
ٱللَّهَ شَيْـًٔا وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ
لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ
ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلْءَاخِرَةِ نُؤْتِهِۦ مِنْهَا
وَسَنَجْزِى ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِىٍّ قَٰتَلَ مَعَهُۥ
رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ
وَمَا ٱسْتَكَانُواْ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّآ أَن
قَالُواْ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِىٓ أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ
ٱلدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ ٱلْءَاخِرَةِ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ	از دین‌تان بازمی‌گردید.
رِبِّيُّونَ	گروه‌های زیادی از مردم.

عمل به آیات

۱. از اعماق دل شهادت را از الله تقاضا کن، ﴿وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ﴾

۲. در موضوع مرگ، به یک سخنرانی گوش کن یا کتابی بخوان، ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًا﴾

۳. این آیه را بخوان، سپس برنامهٔ زندگی‌ات را تعیین کن، ﴿وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلْءَاخِرَةِ نُؤْتِهِۦ مِنْهَا﴾

رهنمودها

۱. یکی از حکمت‌های الله تعالی در نزول مصیبت‌ها، آزمایش و جداسازی ناپاک از پاک است، ﴿وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمْحَقَ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

۲. آسایش و ناز و نعمت ابدی تنها با کوشش و ترک تن‌پروری به دست می‌آید، ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ ٱلْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمْ وَيَعْلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

۳. جهاد و رفتن به میدان کارزار، اجل بنده را به تعجیل نمی‌اندازد، و فرار از جهاد نیز اجل را به تأخیر نمی‌اندازد، ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًا﴾

ترجمه آیات

و [ماجرای اُحُد وسیلهٔ امتحان بود] تا الله کسانی را که ایمان آورده‌اند [از گناهانشان پاک کند] و خالص گرداند و کافران را نابود سازد. (۱۴۱) [ای اصحاب محمد،] آیا پنداشته‌اید که [تنها با ادعای ایمان،] به بهشت می‌روید، حال آنکه الله هنوز جهادگران و شکیبایان شما را معلوم نکرده است؟ (۱۴۲) و [ای مؤمنان،] به راستی که پیش از روبه‌روشدن با مرگ [در غزوهٔ اُحُد]، آرزوی شهادت داشتید. سرانجام آن [معرکهٔ جنگ] را دیدید و [اکنون پیش روی شماست و] به آن می‌نگرید. (۱۴۳) و محمد جز فرستاده‌ای نیست که پیش از او [نیز] رسولانی [بودند و] گذشتند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، به عقب بازمی‌گردید [و دین خود را رها می‌کنید]؟ و هر کس [از عقیدهٔ راستین خود] بازگردد، [بداند که] هرگز به الله زیانی نمی‌رساند و [به زودی] الله سپاسگزاران را پاداش خواهد داد. (۱۴۴) و هیچ کسی جز به فرمان الله نمی‌میرد [چرا که مرگ،] سرنوشتی است زماندار [و معین]؛ و هر کس پاداش این دنیا را بخواهد، نصیبش می‌کنیم و هر کس پاداش آخرت را بخواهد [نیز] نصیبش خواهیم کرد و [به زودی] سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۵) و چه بسیار پیامبرانی که توده‌های انبوهی همراهشان نبرد کردند؛ آنان هیچ‌گاه در برابر [سختی‌ها و] آنچه که در راه الله به ایشان رسید سستی نورزیدند و [در مقابل دشمن] درمانده نشدند؛ و الله شکیبایان را دوست دارد. (۱۴۶) و سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا، گناهانمان را بیامرز و از زیاده‌رویِ ما در کارمان [درگذر] و گام‌هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان». (۱۴۷) پس الله، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که آرزوی شهادت، مکروه و ناپسند نیست؛ زیرا الله تعالی آرزوی‌شان را برای‌شان بیان کرد و بر آن ایراد نگرفت، بلکه به سبب عمل‌نکردن به مقتضای این آرزو بر آنان ایراد گرفت. سعدی: ۱۵۰.

پرسش: آیا آرزوی شهادت مانند آرزوی مرگ است؟ این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ﴾

این آیه بزرگ‌ترین دلیل است بر فضیلت صدیق اکبر ﷺ و اصحابش که بعد از رسول الله ﷺ با مرتدان جنگیدند. سعدی: ۱۵۱.

پرسش: در قتال ابوبکر و اصحاب همراهش با مرتدان، دلیلی بر فهم عظیم و حکمت وجود دارد، این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ﴾

الله تعالی در این آیه بندگانش را راهنمایی می‌کند به این‌که مبادا فقدان رئیس - حتی اگر بزرگ باشد- آنان را در مورد ایمان‌شان یا برخی از لوازم ایمان بلرزاند. این وضعیّت فقط در صورتی حاصل می‌شود که برای هر یک از امور دین تعدادی افراد شایسته، تربیت و آماده شوند که اگر یکی از آنان نبود دیگری جایگزین گردد. سعدی: ۱۵۱.

پرسش: این آیه به قاعده‌ای مهم در بحث ریاست و رهبری اشاره کرده است. این قاعده را توضیح دهید.

۴ ﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِىٓ أَمْرِنَا﴾

صبر و استغفار را با هم آورد، این همان چیزی است که هنگام مصیبت‌ها به آن امر شده است؛ یعنی: صبر بر مصیبت و استغفار از گناهانی که سبب مصیبت شده‌اند. ابن تیمیه: ۲/ ۱۵۶.

پرسش: هنگام مصیبت‌ها به چه چیزی امر شده است؟

۵ ﴿وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِىٓ أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

دانستند که گناهان و اسراف از بزرگ‌ترین اسباب محرومیت از یاری الله است، و پاک‌بودن از گناهان و اسراف، سبب پیروزی است، پس مغفرت پروردگارشان را از او تعالی خواستند. سعدی: ۱۵۱.

پرسش: چرا مجاهدان آمرزش از گناهان و اسراف، را خواستند؟

۶ ﴿وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِىٓ أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ﴾

ابتدا طلب آمرزش کردند تا به سبب پاکیزه‌شدن از گناهان، شایستگی طلب پیروزی بر کافران را که محصور در گناهان هستند پیدا کنند. درخواست پیروزی از جانب آنان- با وجود فراوانی افرادشان که عبارات قبلی بر آن دلالت دارد- بیانگر این امر است که آنان به کثرت افرادشان نظر و تکیه نمی‌کردند، بلکه استواری و ثابت‌قدمی‌شان را به الله نسبت می‌دادند و اعتقاد داشتند که پیروزی فقط از جانب الله تعالی است. آلوسی: ۴/ ۸۵.

پرسش: چرا مجاهدان قبل از طلب نصرت، استغفار می‌کردند؟ و چرا با وجود شمار زیادشان، پیروزی را از الله می‌خواستند؟

۷ ﴿فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ ٱلْءَاخِرَةِ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ﴾

﴿فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ﴾ یعنی الله که به علم و قدرتش فراگیر است ﴿ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا﴾ پاداش دنیوی را به آنان عطا کرد؛ یعنی: دعای آنان مبنی بر پیروزی، توانگری با غنایم و ...، یاد نیکو، گشایش سینه و زدودن شبهات ناپسند را پذیرفت. از آن‌جا که ثواب دنیا- هر چه که باشد- ناگزیر آلوده با غم و اندوه و همراه با مصیبت است- چرا که دنیا سرای غم و اندوه است- آن را بدون صفت حُسن آورد و این صفت را به ثواب آخرت اختصاص داد و فرمود: ﴿وَحُسْنَ ثَوَابِ ٱلْءَاخِرَةِ﴾ . بقاعی: ۲/ ۱۶۴.

پرسش: چرا صفت حُسن فقط با ثواب آخرت آمد و به ثواب دنیا اضافه نشد؟

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ
١٤٩ بَلِ ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ١٥٠ سَنُلۡقِي
فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ
مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗاۖ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَبِئۡسَ
مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥١ وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ
وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ
وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم
مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن
يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ
وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
١٥٢ ۞ إِذۡ تُصۡعِدُونَ وَلَا تَلۡوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٖ
وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ فِيٓ أُخۡرَىٰكُمۡ فَأَثَٰبَكُمۡ
غَمَّۢا بِغَمّٖ لِّكَيۡلَا تَحۡزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا
مَآ أَصَٰبَكُمۡۗ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٥٣

ترجمه آیات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را [به کفر] بازمی‌گردانند، آنگاه [در دنیا و آخرت] زیانکار می‌گردید. (۱۴۹) [بر کافران تکیه نکنید] بلکه، الله [یار و] کارسازِ شماست و او بهترینِ یاریگران است. (۱۵۰) به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند بیم و هراس خواهیم افکند؛ به خاطر اینکه چیزی را شریک الله قرار داده‌اند که هیچ دلیلی بر [حقانیتِ] آن نازل نکرده است؛ و جایگاهشان آتش است و جایگاه ستمکاران چه بد است! (۱۵۱) و آنگاه که در [آغاز جنگ احد،] به فرمان او، آنان [= کافران] را می‌کشتید، به راستی الله وعدهٔ خود با شما را تحقق بخشید تا [اینکه در حفظ موقعیتِ خود] سست شدید و در کار [جنگ و جمع‌آوری غنیمت] با یکدیگر به نزاع پرداختید؛ و پس از آنکه [الله] آنچه را دوست می‌داشتید [= پیروزی] به شما نشان داد، [از دستور پیامبر] سرپیچی کردید؛ برخی از شما خواهان دنیا بودند و برخی خواهان آخرت. سپس [الله] برای آنکه شما را بیازماید، از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد [و پیروزیتان به شکست انجامید] و [چون از گناه و کوتاهی خود در نافرمانی از رسول پشیمان شدید] از شما درگذشت؛ و الله نسبت به مؤمنان بخشش [بسیار] دارد. (۱۵۲) و [ای مؤمنان، به یاد آورید] هنگامی که [از میدان جنگ] می‌گریختید و [چنان ترسیده بودید که] به هیچ کس توجه نمی‌کردید و پیامبر [که در میدان جنگ مقاومت می‌کرد] از پشت سرتان شما را صدا می‌زد [که: «ای بندگان الله، به سوی من بشتابید»؛ ولی شما توجه نمی‌کردید]؛ پس [الله نیز] با اندوهی در پی اندوهی [دیگر] شما را مجازات کرد. این به سبب آن بود که بر آنچه از دست داده‌اید [= پیروزی و غنیمت] و آنچه بر سرتان آمده است [= شکست و ترس] اندوهگین نشوید و [بدانید که] الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۵۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ﴾
الله تعالی با بیان ضرر پیروی از کافران، مومنان را از این کار نهی می‌کند و آنان را با صفت ایمان مورد خطاب قرار می‌دهد تا این صفت را که با اطاعت از کافران منافات دارد به یادشان آوَرَد؛ بنابراین نهی با کامل‌ترین وجه صورت گرفته است. روح المعانی: ۴/ ۸۷.
پرسش: چرا الله تعالی مومنان را هنگام برحذرداشتن آن‌ها از طاعت کافران، با واژهٔ ایمان مورد خطاب قرار داد؟

۲ ﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا﴾
ترساندن و ارعاب کافران و منافقان از جانب الله، نصرتی برای مومنان است. ابن تیمیه: ۲/ ۱۵۷- ۱۵۸.
پرسش: برخی از لشکریان الله را که در آیه ذکر شده بیان کنید؟

۳ ﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا﴾
﴿بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ﴾ یعنی به سبب این‌که شرک ورزیدند، رعب و وحشت بر دل‌شان افتاد. قرطبی: ۵/ ۳۵۷.
پرسش: شرک، چگونه سبب ترس و رعب است؟

۴ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ﴾
﴿وَتَنَٰزَعۡتُمۡ﴾ این اختلاف میان تیراندازان واقع شد؛ چنان‌که گروهی طبق فرمان ایستادند و مقاومت کردند اما برخی مکان‌شان را ترک کردند، ﴿وَعَصَيۡتُم﴾ یعنی: با دستور ماندن در مکان‌تان مخالفت کردید. - اگر چه برخی از مومنان مخالفت کردند- اما همگی مورد خطاب قرار گرفتند تا همگی پند بگیرند و از گناه کسانی که این کار را انجام دادند پرده‌پوشی شود. ابن جزی: ۱/ ۱۶۱.
پرسش: چرا با وجود این‌که برخی از مومنان مخالفت کردند، همگی در آیه مورد خطاب قرار گرفتند؟

۵ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم﴾
پس از بیان شکست، سبب متداولِ شکست یعنی تنازُع و معصیت را بر آن عطف کرد. بقاعی: ۲/ ۱۶۸.
پرسش: چرا تنازع و معصیت را بر شکست عطف کرد؟

۶ ﴿وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ﴾
یعنی بر خلاف مقتضای همّت‌های بلند، با گرایش به سوی غنیمت سستی و کوتاهی کردید... . عرب با وجود جاهلیتی که داشتند به شمشیر و نیزه‌زدن در نبردگاه‌ها و رویگردانی از غنایم افتخار می‌کردند. بقاعی: ۲/ ۱۶۶.
پرسش: بر اساس آیه، توضیح دهید که چه چیزی مسیر کارزار احد را از پیروزی مسلمانان به شکست آنان تغییر داد؟

۷ ﴿وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
یکی از بخشش‌های الله بر مومنان این است که هیچ خیر و مصیبتی را برای‌شان مقدر نمی‌کند مگر این‌که برای‌شان خیر است؛ به عبارتی دیگر، اگر گشایشی را به آنان برساند و آنان سپاس‌گزاری کنند، جزای سپاس‌گزاران را به آنان می‌دهد، و اگر آسیبی به آنان برساند و آنان صبر کنند، جزای شکیبایان را به آنان می‌رساند. سعدی: ۱۵۲.
پرسش: چرا آیاتی که مصیبت مومنان در آن‌ها ذکر شده، با بیان فضل الله سبحانه به پایان می‌رسد.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَحُسُّونَهُم	آنان را می‌کشتید.
تُصۡعِدُونَ	برای فرار، از کوه بالا می‌رفتید.
وَلَا تَلۡوُۥنَ	توجه نمی‌کردید.

عمل به آیات

۱. امروز سه مورد از مظاهر تقلید و پیروی از کافران را که بعضی مردم انجام می‌دهند مشخص کن، و آنان را با ارسال پیامی از این کارشان برحذر دار، ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ﴾

۲. با ارسال پیامی از این امر برحذر دار که مشاهدهٔ مال، آزمایشی برای پایداری بر دین و اصول، و سبب اختلاف و تنازع میان مسلمانان در طی قرون بوده است، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ﴾

۳. میان افرادِ درگیر، سازش برقرار کن، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾

رهنمودها

۱. شرک به الله، سبب ترس و نگرانی و زندگی سخت است، ﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا﴾

۲. خودت را از فتنه و وقوع در معصیت، ایمن ندان؛ زیرا الله تعالی حتی در مورد صحابه فرموده است: ﴿مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَ﴾

۳. صحابه چنان جایگاهی نزد الله دارند که او تعالی خبر داده آن‌ها را مورد عفو قرار می‌دهد و به ایمان آنان گواهی داده است؛ هر چند این قضیه دشمنان‌شان، یعنی منافقان و پیروان‌شان را بسیار خشمگین می‌سازد، ﴿وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٠)

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً
مِّنكُمْ ۖ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيْرَ
ٱلْحَقِّ ظَنَّ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَىْءٍ ۗ
قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِىٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ
يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا ۗ قُل لَّوْ كُنتُمْ
فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۖ
وَلِيَبْتَلِىَ ٱللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ ۗ
وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ
يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ
مَا كَسَبُوا۟ ۖ وَلَقَدْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَقَالُوا۟ لِإِخْوَٰنِهِمْ إِذَا
ضَرَبُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُوا۟ غُزًّى لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟
وَمَا قُتِلُوا۟ لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِى قُلُوبِهِمْ ۗ وَٱللَّهُ يُحْىِۦ
وَيُمِيتُ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ
ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَمَنَةً	امنیت و نبودنِ ترس.
مَضَاجِعِهِمْ	قتلگاه‌های‌شان.
غُزًّى	عزیمت‌کنندگان به جهاد.

عمل به آیات

۱. به بعضی از مصیبت‌دیدگان متذکر شد که گمان نیک به الله تعالی داشته باشند و این‌که در آینده خواهند فهمید الله در مورد آنان ارادهٔ خیر داشته است، ﴿يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ ظَنَّ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ﴾

۲. امروز هفتاد بار استغفار کن، و سرانجام نیکو را از الله بخواه؛ زیرا مرگ گاهی به صورت ناگهانی و در مکان و زمانی که انتظارش را نداری فرا می‌رسد، ﴿قُل لَّوْ كُنتُمْ فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾

۳. چه بسا تقصیر و دوری تو از الله تعالی به سبب گناهی باشد که مرتکب شده‌ای، پس امروز بسیار صدقه بده و بسیار استغفار و توبه کن، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا۟﴾

رهنمودها

۱. یکی از وجوه اکرام الله تعالی به دوستانش این است که هنگام نیاز، آرامش را در دل‌های‌شان می‌افکند، ﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنكُمْ﴾

۲. گناه، گناهی دیگر به همراه دارد، و بدی بدی می‌آورد؛ این امر توبهٔ سریع از گناه را موجب می‌طلبد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا۟﴾

۳. ارتکاب گناهان در هنگام آسایش، سبب لغزیدن قدم هنگام سختی است، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا۟﴾

ترجمه آیات

سپس [الله] بعد از آن اندوه، آرامشی بر شما فروفرستاد [به گونه‌ای] که گروهی از شما را [به سبب اطمینان و آرامشی که در دل‌هایشان بود] خوابی سبک فراگرفت و گروهی دیگر [= منافقان] تنها در فکر جان خود بودند و دربارهٔ الله گمان‌های ناروا [و باطلی] همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت داشتند. آنان می‌گفتند: «آیا ما در این کار اختیاری داریم؟» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «همهٔ کارها [و شکست و پیروزی] به دست الله است». آنها چیزی را در دل‌هایشان پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند [و] می‌گویند: «اگر ما در این کار اختیار داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شدیم». بگو: «اگر شما در خانه‌های خود نیز بودید، کسانی که کشته‌شدن بر آنان مقرر شده بود، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند». و [این رویدادها] برای آن است که الله آنچه را در سینه‌هایتان [پنهان] دارید [در عمل] بیازماید و آنچه را در دل‌هایتان است پاک گرداند؛ و الله از [راز] درون سینه‌ها آگاه است. (۱۵۴) [ای اصحاب پیامبر،] افرادی از شما که در روز برخورد دو گروه [مسلمانان و کافران در جنگ احد] فرار کردند، در حقیقت، شیطان آنان را به سبب بعضی از کردار [و گناهانی] که مرتکب شده بودند دچار لغزش نمود و قطعاً الله از آنان درگذشت. بی‌گمان، الله آمرزندهٔ بردبار است. (۱۵۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند افرادی نباشید که کفر ورزیدند و دربارهٔ برادرانشان ـ هنگامی که [در پی کسبِ روزی] به سفر رفتند [و مُردند] یا در جنگ شرکت کردند [و کشته شدند]ـ گفتند: «اگر آنان نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند». [این اعتقاد، در وجودشان نهاده شد] تا [این گونه،] الله [اندوه و] حسرتی در دل‌هایشان قرار دهد؛ و الله [است که] زنده می‌کند و می‌میراند؛ و الله به آنچه می‌کنید، بیناست. (۱۵۶) و اگر در راه الله کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش و رحمت الله بهتر است از [تمام] آنچه آنان [= دنیادوستان] جمع‌آوری می‌کنند. (۱۵۷)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنكُمْ﴾

با این خواب سبک، نشاطشان را بازیافتند و اندوه‌شان را فراموش کردند؛ زیرا اندوه، پس از اولین خواب به تدریج سبک می‌شود و این امر در مواردی مانند اندوهِ مرگ [نزدیکان و دوستان] مشهود است. ابن عاشور: ۴/ ۱۳۳.

پرسش: نزول خواب سبک، چه سودی به مجاهدان رساند؟

۲ ﴿وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ﴾

هدف منافقان، دفاع از دین نبود؛ بلکه خواهان نجات خودشان بودند؛ به این سبب مجازات شدند و امنیت مذکور برای‌شان حاصل نشد. بقاعی: ۲/ ۱۶۹.

پرسش: چرا اطمینان و آرامشی که به مومنان رسید برای منافقان حاصل نشد؟

۳ ﴿قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ﴾

به جای این‌که پیروزی را به دوستان الله نسبت دهد آن را پیروزی الله تعالی نامید؛ زیرا آنان از جانب الله به این جایگاه رسیده‌اند یا به این دلیل که حکم یا تدبیر، مخصوص الله است و هیچ‌کس در این مورد با او تعالی شریک نیست؛ پس هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد. آلوسی: ۴/ ۹۵.

پرسش: عبارت ﴿قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ﴾ چه دلالتی دارد؟

۴ ﴿يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا﴾

این سخن آنان، تکذیب و اعتراض بر تقدیر الله و اشتباه‌دانستن نظر رسول الله ﷺ و اصحابش و تزکیهٔ خودشان است؛ پس الله این‌گونه به آنان پاسخ داد: ﴿قُل لَّوْ كُنتُمْ فِى بُيُوتِكُمْ﴾ که دورترین حالت از احتمال کشته‌شدن است ﴿لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾ زیرا اسباب - هر چند بزرگ باشد- فقط زمانی فایده می‌رساند که قضا و قدر در تعارض با آن نباشد. سعدی: ۱۵۳.

پرسش: سخن منافقان که در آن روز از آنان سر زد تا چه حد زشت است؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا۟﴾

پیکار در جهاد، فقط با اعمال است؛ بنابراین هر کس در انجام طاعات شکیباتر باشد، در پیکار با کافران سرسخت‌تر است. بقاعی: ۲/ ۱۷۱.

پرسش: آیا رابطه‌ای میان ترک جهاد و گناهان وجود دارد؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَقَالُوا۟ لِإِخْوَٰنِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُوا۟ غُزًّى لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟ وَمَا قُتِلُوا۟ لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِى قُلُوبِهِمْ﴾

الله تعالی مومنان را نهی کرد از این‌که همانند کافران و منافقان بر این باور باشند که: هر کس در راه مسافرت برای تجارت و مانند آن یا رفتن به جهاد کشته شود، اگر در خانه‌اش می‌نشست زنده بود و در سفر یا پیکار کشته نمی‌شد. ابن عطیه: ۱/ ۵۳۰.

پرسش: غافلان وقتی خبر کشته‌شدن مجاهدان را بشنوند ایمان‌شان به قضا و قدر ضعیف می‌شود، این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾

﴿وَلَئِن قُتِلْتُمْ﴾ ای مومنان اگر در راه الله- یعنی جهاد- کشته شوید یا در حالی که در جهاد هستید یا نیت جهاد دارید به مرگ طبیعی بمیرید، ﴿لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ از منافع و خوشی‌های دنیا که کافران در طول عمرشان به دست می‌آورند بهتر است. این آیه مؤمنان را به جهاد تشویق می‌کند و این‌که باید در این زمینه از همدیگر سبقت بگیرند و همچنین تسلیتی است برای مؤمنانی که در جهاد به آنان گزندی رسیده است و در ضمن موانعی را که آنان را از نصرت دین باز می‌دارد، از میان برداشته است. آلوسی: ۴/ ۱۰۴.

پرسش: نشانهٔ ارادهٔ خیر برای انسان چیست؟ بر اساس آیه توضیح دهید.

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧١)

وَلَئِن مُّتُّمۡ أَوۡ قُتِلۡتُمۡ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحۡشَرُونَ ١٥٨ فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ
لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ
فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِۖ فَإِذَا عَزَمۡتَ
فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ ١٥٩ إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ
فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ
بَعۡدِهِۦۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٦٠ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن
يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ بِمَا غَلَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ
نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٦١ أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ
ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ
١٦٢ هُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ١٦٣ لَقَدۡ
مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ
يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ١٦٤ أَوَلَمَّآ
أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ
قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٦٥

ترجمه آیات

و اگر بمیرید یا [در عرصهٔ جهاد] کشته شوید، یقیناً به سوی الله محشور می‌شوید. (۱۵۸) [ای پیامبر،] به [برکتِ] رحمت الهی است که تو با آنان [= اصحاب،] نرم‌خو [و مهربان] شدی؛ و اگر تندخو و سنگدل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و آنگاه که تصمیم [بر انجام کاری] گرفتی، بر الله توکل کن؛ [چرا که] بی‌تردید، الله توکل کنندگان را دوست دارد. (۱۵۹) اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و[لی] اگر شما را به خود واگذارد، کیست که پس از او یاری‌تان کند؟ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند. (۱۶۰) و سزاوار نیست هیچ پیامبری [با گرفتن سهمی اضافی از غنایم، به اصحابش] خیانت کند؛ و هر کس خیانت کند، روز قیامت، با آنچه [در آن] خیانت کرده است می‌آید؛ سپس به هر کس [جزای] آنچه [از نیک و بد] کرده است به طور کامل داده می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۱۶۱) آیا کسی که در پیِ رضایتِ الله است، همانند کسی است که دچار خشمی از جانب الله گشته و جایگاهش دوزخ است؟ و [دوزخ] چه بد جایگاهی است! (۱۶۲) [هر یک از] اینان، درجاتی [متفاوت] نزد الله دارند و الله به آنچه می‌کنند بیناست. (۱۶۳) به راستی، الله بر مؤمنان منت نهاد که میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او [= قرآن] را برایشان بخوانَد و [از گناه] پاکشان گردانَد و به آنان کتاب [= قرآن] و حکمت [= سنت] بیاموزد؛ و قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۴) [ای مؤمنان،] آیا چون [در جنگ اُحُد] به شما مصیبتی رسید ـ [با آنکه در جنگ بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید ـ گفتید: «این [مصیبت] از کجا [به ما] رسید؟» [ای پیامبر،] بگو: «آن [شکست] از جانب خودتان [و نتیجهٔ نافرمانی از دستور پیامبر] است». بی‌گمان، الله بر هر کاری تواناست. (۱۶۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَ﴾

شاید منظور از این رحمت آن باشد که الله سبحانه و تعالی قلب پیامبر ﷺ را شکیبا و استوار گردانیده و اخلاق والا را به او اختصاص داده و این مهربانی و نرم‌خویی، نتیجهٔ همان خویشتن‌داری و استواری است؛ زیرا هر کس که خودش را هنگام خشم کنترل کند، شجاع کامل است. آلوسی: ۴/ ۱۰۵.

پرسش: نشانهٔ رحمت الله به بنده‌ای که در آیه از او یاد شده، چیست؟

۲ ﴿وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾

گفته شده: الله تعالی این فرمان را به پیامبرش ﷺ داد تا با مشورت با اصحابش، دل‌های آنان را به دست آورَد، و در مواردی از امور جنگی و امور جزئی که وحیی در مورد آن نازل نشده است نظر آنان را بگیرد، و همچنان زمامداران مسلمان پس از پیامبر ﷺ باید به ایشان اقتدا کنند [و با یاران خود مشورت کنند]، زیرا دیگران نسبت به پیامبر ﷺ سزاوارتر به مشورت هستند. ابن تیمیه: ۲/ ۱۶۱.

پرسش: برخی از حکمت‌های فرمان به پیامبر ﷺ برای مشورت با اصحابش را بیان کنید؟

۳ ﴿وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾

این عبارت، جایگاه صحابه، و این‌که تمام آنان مجتهد هستند، و باطن آنان مورد رضای الله تعالی است را می‌رساند. آلوسی: ۴/ ۱۰۷.

پرسش: این آیه پاسخ دندان‌شکنی می‌دهد به گروه‌هایی که در مورد صحابه گمراه شدند. این مطلب را توضیح دهید.

۴ ﴿فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ﴾

توکل عبارت است از اعتماد بر الله در تحصیل منافع، یا حفظ منافع بعد از این‌که حاصل شدند، و در دفع آسیب‌ها و رفع آن‌ها پس از این‌که واقع شدند. توکل از دو جهت از برترین مقام‌هاست؛ جهت اول: ﴿فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ﴾ و جهت دوم: ضمانتی که در این فرمودهٔ الله تعالی وجود دارد: ﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ﴾ [الطلاق: ۳]؛ «و هر کس بر الله توکل کند، پس همان او را کافی است». ابن جزی: ۱/ ۱۶۴.

پرسش: چرا توکل بر الله از برترین مقام‌هاست؟

۵ ﴿إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦ﴾

﴿وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ﴾ اگر شما را به خودتان واگذارد ﴿فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦ﴾ ناگزیر تنها و شکست‌خورده می‌شوید، حتی اگر تمام مردم به شما کمک کنند. در ضمن این آیه، به یاری‌خواستن از الله و اعتماد بر او و برائت از توکل بر نیرو و قدرت فرمان داده شده است. سعدی: ۱۵۴.

پرسش: آیا کمک قدرتمندان، تو را از اعتماد و توکل بر الله سبحانه بی‌نیاز می‌گرداند؟

۶ ﴿لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾

تلاوت به این سبب مقدم شد که از باب مقدمه است، سپس تزکیه آمد چون بعد از تلاوت حاصل می‌شود و نخستین صفتی است که مومنان به تن می‌کنند. این ترتیب، از قبیل مقدم‌بودن مقام تخلیه [= پاکسازی نفس از اخلاق ناپسند و صفات زشت] بر مقام تحلیه [= آراستن نفس به اخلاق والا و صفات پسندیده] است؛ زیرا دفع مفسده مقدم بر جلب مصلحت است. «تعلیم» در مرحلهٔ بعدی قرار دارد چون مومن پس از ایمان، به آن نیاز دارد. آلوسی: ۴/ ۱۱۴.

پرسش: رعایت ترتیب در بیان تلاوت، تزکیه و تعلیم چه حکمتی در بر دارد؟

۷ ﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

خبر داد که پیروزی دشمن و سایر مصیبت‌هایی که به شما می‌رسد، فقط به سبب گناهان‌تان است؛ بنابراین الله تعالی در مورد روز احد فرمود: ﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡ﴾. ابن تیمیه: ۲/ ۱۶۷.

پرسش: به چه سببی، مصیبت‌ها بر فرد و جامعه وارد می‌شود؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَظًّا	بداخلاق.
يَغُلَّ	قبل از تقسیم غنیمت، از آن بردارد.
بَآءَ	بازگشته است.

عمل به آیات

۱. از الله سبحانه بخواه که مهربانی و نرمی با برادر مسلمانت را به تو روزی دهد، و در بعضی امور با آنان مشورت کن، و خودت را به این صفات عادت بده، ﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾

۲. امروز اموری را که سبب نگرانی تو در زندگی می‌شوند مشخص کن، سپس در آن دسته از صفات الله که با امور مورد نظر، مناسبت دارد بسیار بیندیش؛ تا برایت انگیزهٔ توکل بر الله سبحانه باشد، ﴿فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ﴾

۳. وردی روزانه از قرآن کریم برای خودت مشخص کن، ﴿لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ﴾

رهنمودها

۱. مهربانی، عفو، فروتنی، و نرمی از مهم‌ترین صفات دعوتگر هستند، ﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَ﴾

۲. به یاد داشته باش که طلب یاری از غیر الله خواری و ذلت است، پیروز کسی است که الله به او یاری رساند، و مغلوب کسی است که الله دست از یاری او بکشد، ﴿إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦ﴾

۳. هرگز فراموش نکن که گناهان و معاصی، سبب خسران و شکست و عدم موفقیت است، ﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٢)

وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
﴿١٦٦﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ
أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ
وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ
لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ
ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم
مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ ۞ يَسۡتَبۡشِرُونَ
بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٧١﴾ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ
ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ أَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾
ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ
فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡقَرۡحُ	جراحت، درد.
حَسۡبُنَا	برای ما کافی است.

عمل به آیات

۱. هر گاه در منابع خبری، خبری ناخوشایند از احوال مسلمانان خواندی یا شنیدی، بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»، ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. در مورد فضیلت شهادت در راه الله کتابی بخوان یا به یک سخنرانی گوش بده، ﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ﴾

۳. سه مورد از شبهاتی را که بر دعوتگران یا مجاهدان وارد می‌شود مشخص کن، و از طریق آیات قرآن به آن‌ها پاسخ بده، ﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

رهنمودها

۱. به یقین بدان تمام حوادثی که در جهان رخ می‌دهد، علم الله تعالی بر آن‌ها پیشی داشته است، و هرگز بدون اذن او اتفاق نمی‌افتند، و حکمت‌های بزرگی دارند، ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. درنگ‌کنندگان در کار خیر، روی‌آورندگان به دنیا، و مشتاقان در مصالحِ شخصی، را از کارشان برحذر دار، ﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْ﴾

۳. مومن صالح، هنگام مرگ هیچ ترس و اندوهی ندارد، ﴿فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

ترجمه آیات

و روزی که [در جنگ احد] دو گروه [مؤمنان و کافران] با هم برخورد کردند، آنچه به شما رسید، به فرمانِ الله بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم نماید. (۱۶۶) و کسانی را که نفاق ورزیدند [نیز] معلومَ نماید که [چون] به ایشان گفته شد: «بیایید در راه الله بجنگید یا [از خانواده و قبیله‌تان] دفاع کنید». گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، حتماً از شما پیروی می‌کردیم». آنان در آن هنگام به کفر نزدیک‌تر بودند تا ایمان؛ به زبان خویش چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و الله به آنچه [در دل] پنهان می‌کنند، آگاه‌تر است. (۱۶۷) کسانی که [خود در خانه] نشستند [از جهاد سر باز زدند] و دربارهٔ برادران شان گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می‌کردند، کشته نمی‌شدند». [ای پیامبر، به این منافقان] بگو: «اگر راست می‌گویید، پس مرگ را از خود دور سازید». (۱۶۸) هرگز کسانی را که در راه الله کشته شده‌اند مُرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند [و] نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (۱۶۹) آنان به آنچه الله از فضل خود برایشان داده است شادمانند و برای [سرانجامِ نیک] کسانی که [راه] آنان را پی گرفته‌اند و [هنوز] به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند؛ چرا که [هیچ یک از] اینان ترس و اندوهی نخواهند داشت. (۱۷۰) [همچنین] به نعمت و فضل الله شادمانند و اینکه [می‌بینند] الله پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند. (۱۷۱) کسانی که دعوت الله و پیامبر را ـ پس از آنکه [در غزوهٔ احد] به آنان جراحت [و سختی بسیار] رسید ـ اجابت کردند [و برای تعقیب مشرکان به سوی «حَمراء الاسد» رفتند]، برای [آن عده از] اینان که نیکی و پرهیزگاری کردند، پاداش بزرگی [در پیش] است. (۱۷۲) همان کسانی که برخی [از مشرکان] به آنان گفتند: «مردم [مکه] برای [جنگ با] شما گِرد آمده‌اند؛ پس از آنها بترسید» و[لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «الله برای [محافظت از] ما بس است و [او] بهترین [مراقب و] کارساز است». (۱۷۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ﴾
خبر می‌دهد از این‌که قتل و شکستی که در روز برخورد دو گروه- گروه مسلمانان و گروه مشرکان در احد- به مسلمانان رسید، به اذن و قضا و قدر الله و قطعی بود و باید انجام می‌گرفت. امر مقدّرشده وقتی اجرا شود راهی جز تسلیم در برابر آن باقی نمی‌ماند. الله تعالی این شکست را با حکمت‌هایی مهم و فوایدی بزرگ مقدّر فرمود و نیز به این هدف انجام شد که مومن از منافق شناخته شود. سعدی: ۱۵۶.
پرسش: مسلمانان از شکست روز احد چه بهره‌ای بردند؟

۲ ﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾
﴿لَوۡ أَطَاعُونَا﴾ یعنی اگر به سوی قریش نمی‌رفتند. ﴿وَقَعَدُواْ﴾ یعنی: این سخن را گفتند و خودشان دست از جهاد کشیدند، پس الله در پاسخ آنان فرمود: ﴿قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ یعنی: ای محمد به آنان بگو: اگر راست می‌گویید مرگ را از خودتان دفع کنید. «درء» به معنای دفع است. این‌گونه بیان فرمود که احتیاط، سودی در برابر تقدیر نمی‌رساند و مقتول با فرارسیدن اجلش کشته می‌شود و هر آن‌چه که الله از آن خبر دهد قطعاً رخ می‌دهد. قرطبی: ۵/ ۴۰۵.
پرسش: آیا جهاد اثری در تعیین وقت مرگ انسان دارد؟

۳ ﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ﴾
﴿بَلۡ أَحۡيَآءٌ﴾ بیانگر این امر است که شهدا مانند زندگان از روزی‌های بهشت بهره‌مند می‌شوند؛ بر خلاف سایر امواتِ مومنان که تا وقتی روز قیامت وارد بهشت نشوند از این روزی‌ها برخوردار نمی‌گردند. ابن جزی: ۱/ ۱۶۶.
پرسش: زنده‌بودن شهدا بعد از این‌که کشته شدند به چه صورت است؟

۴ ﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ﴾
قید ﴿عِندَ رَبِّهِمۡ﴾ درجات بالا و نزدیکی آنان به پروردگارشان را می‌رساند. ﴿يُرۡزَقُونَ﴾ از نعمت‌های گوناگونی روزی داده می‌شوند که هیچ‌کس از کیفیت آن‌ها آگاه نیست مگر ذاتی که این نعمت‌ها را بر آنان ارزانی داشته است. با این وجود، ﴿فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ﴾ یعنی: به سبب نیکویی و فراوانی و بزرگی این نعمت‌ها و لذت کامل در رسیدن به آن، و نبودِ هیچ امر ناگواری، شادمان و مسرورند، چشمان‌شان روشن شده و جان‌های‌شان غرق در شادی است؛ بنابراین الله تعالی هم نعمت‌های بدنی را با روزی و هم نعمت‌های قلبی و روحی را با شادی و سروری که از فضل خویش برای‌شان بخشیده، به آنان داده و نعمت و شادمانی را برای‌شان کامل گردانیده است. سعدی: ۱۵۶.
پرسش: توضیح دهید که الله تعالی چگونه نعمت‌های بدنی و نعمت‌های قلبی و روحی را یک‌جا به شهید عطا می‌فرماید؟

۵ ﴿فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
چیزی از دست نداده‌اند مگر زندگی تیره و تاریکی که هیچ‌کس بر بقای آن طمع نمی‌ورزد- هر چند مدت طولانی شود- و زندگی خوش و پاکیزه‌ای برای‌شان باقی مانده است که هرگز از آن خارج نمی‌شوند و نعمت‌هایش پایان نمی‌یابد، هیچ مصیبت و اندوهی به آنان نمی‌رسد و نه در زمان حشر و نه در هیچ وقتِ دیگری حیران و بی‌قرار نمی‌شوند. بقاعی: ۲/ ۱۸۰.
پرسش: کسانی که در راه الله تعالی کشته می‌شوند چه حالی دارند؟

۶ ﴿وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾
از برادران‌شان که آنان را زنده در دنیا بر منهج ایمان و جهاد رها کردند؛ زیرا می‌دانند هر گاه شهید شوند و به آنان ملحق گردند، و به کرامتی که به آنان رسیده است دست یابند؛ از آن شادمان خواهند شد. بغوی: ۱/ ۴۴۸.
پرسش: چرا شهدا از حال برادران‌شان در دنیا شادمانند؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾
﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾ سخنی است که امور ترسناک و ناگوار با آن دفع می‌شوند. ابراهیم عليه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد این سخن را گفت. ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ﴾: یعنی الله به تنهایی برای‌مان کافی است؛ و از غیر او نمی‌ترسیم. ﴿وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾ ستایش بر الله است و این‌که او تعالی بهترین کسی است که بنده به او توکل می‌کند و پناه می‌برد. ﴿فَٱنقَلَبُواْ﴾: یعنی به نعمت سلامتی و فضیلت اجر بازگشتند. ابن جزی: ۱/ ۱۶۷.
پرسش: ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾ به چه معناست؟

ترجمه آیات

پس به نعمت و فضل الله [از حمراء الاسد به مدینه] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان در پیِ [کسبِ] رضایتِ الله بودند؛ و الله فضل و بخشش بزرگی دارد. (۱۷۴) در حقیقت، این شیطان است که [شما را از هیبت پوشالیِ] دوستانش می‌ترساند؛ پس اگر ایمان دارید، از آنان [=مشرکان] نترسید و از من بترسید. (۱۷۵) و [ای پیامبر،] کسانی که در [یاری کردنِ] کفر می‌شتابند، تو را اندوهگین نسازند. یقیناً آنان هرگز زیانی به الله نمی‌رسانند. الله می‌خواهد که بهره‌ای برایشان در آخرت قرار ندهد و عذابی بزرگ [در پیش] دارند. (۱۷۶) به راستی، کسانی که کفر را به [بهای] ایمان خریدند، هرگز به الله زیانی نمی‌رسانند و عذابی دردناک [در پیش] دارند. (۱۷۷) و کسانی که کافر شدند، مپندارند که چون [با زندگی طولانی] به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است. جز این نیست که به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند. (۱۷۸) [ای مؤمنان،] چنین نبود [و از حکمت الهی نیست] که الله، مؤمنان را بر این حال که شما هستید [واگذارد و مؤمن و منافق را در کنار یکدیگر] رها سازد [بلکه شما را با تکالیف و آزمایش‌های گوناگون می‌آزماید] تا پلید را از پاک متمایز کند؛ و چنین نبود که الله [برای مشخص‌نمودن مؤمنان از منافقان،] شما را از [اسرارِ] غیب آگاه کند؛ ولی الله از میان رسولانش هر کس را بخواهد برمی‌گزیند [و او را بر بخشی از غیب آگاه می‌کند]؛ پس به الله و رسولانش ایمان بیاورید؛ و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برایتان [در پیش] است. (۱۷۹) و کسانی که به آنچه الله از فضل خویش به آنان داده است بخل می‌ورزند، گمان نکنند که آن [بخل] برایشان خیر است؛ بلکه برایشان شر است. در روز قیامت، آنچه به آن بخل می‌ورزیدند، طوق گردنشان خواهد شد [و با آن عذاب می‌شوند]؛ و میراث آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۸۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ﴾
وقتی که امورشان را به الله واگذار و قلباً بر او اعتماد کردند؛ الله چهار عطیه به آنان بخشید: نعمت، فضل، دفعِ آسیب و پیروی از خوشنودی الله، که آنان را از خود خوشنود گرداند و از آنان خوشنود شد. قرطبی: ۱۶/ ۴۱۷.

پرسش: چهار بخششی که مومنان وقتی کارشان را به پروردگار خویش سبحانه واگذار کردند به آن‌ها دست یافتند چه بود؟

۲ ﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾
ترسیده از الله تعالی کسی است که از کیفر او تعالی، چه در دنیا و چه در آخرت می‌ترسد؛ از این رو، گفته شده است: ترسیده، کسی نیست که می‌گرید و چشمانش را می‌مالد، بلکه کسی است که آن‌چه را که می‌ترسد از آن می‌ترسد در قبال آن عذاب شود ترک کند. قرطبی: ۵/ ۴۲۸.

پرسش: ترسیدهٔ واقعی از عذاب الله تعالی چه کسی است؟

۳ ﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾
دوستان رحمان اگر به خاطر الله پایداری کنند الله پیروزی بر دوستان شیطان را که به آنان وعده داده است عملی می‌کند، و هر کسی که از تهدید شیطان بترسد و به موجب ترسش عمل کند در این مورد با او دوستی دارد. بقاعی: ۲/ ۱۸۵.

پرسش: کسی که از شیطان می‌ترسد و به موجب این ترس عمل می‌کند، چگونه توصیف شده است؟

۴ ﴿وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾
﴿إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗا﴾ برای بزرگداشتن مومنان، و اعلام این‌که زیانِ آنان به منزلهٔ زیان الله سبحانه و تعالی است، نفی ضرر به الله تعالی نسبت داده شد.

پرسش: چرا الله تعالی نفی ضرر را به خودش نسبت داد؟

۵ ﴿مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ﴾
الله تعالی بر آن نیست که مومنان را آمیخته با منافقان رها کند، بلکه این دو گروه را با اقوال و افعالی که دلالت بر ایمان یا نفاق دارند و در غزوهٔ خیبر آشکار شد از یکدیگر متمایز ساخت. ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ﴾ یعنی الله بر آن نیست که شما را از ایمان و نفاق قلب‌ها آگاه سازد. ابن جزی: ۱/ ۱۶۸.

پرسش: چه حکمت بزرگی برای مسلمانان از طریق شکست احد در آیه بیان شده است؟

۶ ﴿مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ﴾
﴿حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ﴾ به این نحو که فریبکار را - هر چند پنهانکاری‌اش طولانی شود- با تکالیف دشوار و احوال سخت که فقط بندگان مخلص از نظر اعتقاد در برابر آن‌ها شکیبایی می‌کنند، رسوا می‌کند. بقاعی: ۲/ ۱۸۷.

پرسش: الله چگونه ناپاک را از پاک جدا می‌سازد؟

۷ ﴿وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ﴾
الله تعالی از بقای خویش و دوام پادشاهی‌اش خبر داد، و این‌که او تعالی در ابد از جهانیان بی‌نیاز است، چنان‌که در ازل از آن‌ها بی‌نیاز بوده است؛ بنابراین زمین را پس از نابودی مخلوقاتش و زوال املاک‌شان به ارث می‌برد، آن‌گاه املاک و اموال، بدون مدّعی باقی می‌مانند. قرطبی: ۵/ ۴۴۲.

پرسش: عظمت آفریدگار و حقارتِ مخلوقات را بیان کنید؟

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٣)

فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ
رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ١٧٤ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧٥
وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ
شَيۡـٔٗاۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ١٧٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ
شَيۡـٔٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٧ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا
نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ
عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٧٨ مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ
عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ
عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ
وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٧٩ وَلَا يَحۡسَبَنَّ
ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ
بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ
مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٨٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَٱنقَلَبُواْ	بازگشتند.
نُمۡلِي	با زندگانی طولانی به آنان مهلت می‌دهیم.
يَجۡتَبِي	برمی‌گزیند.

عمل به آیات

۱. در سه مورد از انواع راحتی و آسایشی که دولت‌های کافر در آن زندگی می‌کنند بیندیش تا با چگونگی نزدیک‌کردن تدریجی آنان به سوی عذاب توسط الله تعالی آشنا شوی، ﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

۲. در سه مورد از راه‌های شیطان در فریب‌دادن و گمراه‌کردن تامل کن، ﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

۳. امروز با مال یا مقامت یا با هر وسیلهٔ ممکنِ دیگری، به یک نفر کمک کن و به یاد داشته باش که الله تعالی به کارت برکت می‌دهد، ﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡ﴾

رهنمودها

۱. بنده به هر اندازه که ایمان داشته باشد به همان اندازه از الله می‌ترسد، ﴿وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

۲. مراقب مهلتی که الله به تو داده باش؛ زیرا سبب افزایش گناهان می‌شود، و به سرعت از هر گناهی توبه کن، ﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ﴾

۳. یکی از حکمت‌های تکلیف، جداسازی مومن صادق از مومن کاذب است، ﴿مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٤)

لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ
سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ
ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ
وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ
عَهِدَ إِلَيْنَآ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ
تَأْكُلُهُ ٱلنَّارُ ۗ قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِى بِٱلْبَيِّنَٰتِ
وَبِٱلَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ
﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَآءُو
بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ
ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ
فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا
ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ ۞ لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ
أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ أَذًى كَثِيرًا ۚ
وَإِن تَصْبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِقُرْبَانٍ	صدقه‌ای که با آن به سوی الله نزدیکی جسته می‌شود.
وَٱلزُّبُرِ	کتاب‌هایی که تاریکی‌ها را آشکار می‌کنند.
زُحْزِحَ	دور نگهداشته شود.

عمل به آیات

۱. امروز خودت را ملزم کن فقط سخنی بگویی که الله را خوشنود می‌سازد، و این آیه را به یاد داشته باش: ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ﴾

۲. امروز به یک سخنرانی در مورد مرگ گوش بده یا کتابی در این موضوع بخوان، یا به زیارت قبور برو، و این کار را هر چند وقت یک‌بار انجام بده، ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ﴾

۳. زندگی یکی از آشنایانت را که به مصیبت سختی گرفتار شده است در ذهن خویش حاضر و سه نکته از آن استخراج کن، ﴿لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ﴾

رهنمودها

۱. چه بزرگ است بردباری و صبر الله تعالی در برابر آزار و اذیت‌های بندگانش، ﴿لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ﴾

۲. خوشبخت‌ترین مردم کسی است که به آرزویش رسیده و الله تعالی او را از آتش جهنم نجات داده و به بهشت درآورده است، ﴿فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾

۳. منظور از دنیا، سواری و مسکن و پوشاک و خوراک است و تلاش تو بر این‌که در این موارد برتر از دیگران قرار بگیری، آغاز غفلت و در پی آن، غرور و هلاکت است، ﴿وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ﴾

ترجمه آیات

بی‌تردید، الله سخن کسانی را شنید که گفتند: «الله فقیر است و [از ما قرض می‌خواهد و] ما بی‌نیازیم». [ما این] گفتارشان و [نیز] قتل ناحق پیامبران را خواهیم نوشت و [روز قیامت به آنان] می‌گوییم: «عذاب سوزان [دوزخ] را بچشید». (۱۸۱) [ای یهودیان،] این [مجازات،] به خاطر کردار پیشین شماست؛ و [گرنه] الله هرگز به بندگان [خود] ستمکار نیست. (۱۸۲) [این یهودیان، همان] کسانی هستند که گفتند: «الله به ما سفارش کرده که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا [پیامبری همراه خود] برایمان قربانی‌ای بیاورد که آتش [ناشی از صاعقه،] آن را [به نشانهٔ پذیرش بسوزانَد و] ببلعد». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «قطعاً پیش از من پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را همراه آنچه گفتید برایتان آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» (۱۸۳) پس اگر [یهود و کافران] تو را تکذیب کردند، [غمگین مباش و بدان] پیامبرانی که پیش از تو بودند و معجزات و نوشته‌ها و کتاب‌های روشنگر آورده بودند [نیز] تکذیب شدند. (۱۸۴) هر جانداری چشندهٔ [طعم] مرگ است و یقیناً روز قیامت پاداش‌هایتان را به صورت کامل دریافت خواهید کرد؛ پس هر که را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً رستگار شده است؛ و زندگی دنیا چیزی جز مایهٔ فریب نیست. (۱۸۵) [ای مؤمنان،] بی‌تردید شما در [مورد بذلِ] اموال و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید و [همچنین] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [آسمانی] داده شده است [= یهود و نصاری] و [نیز] از کسانی که شرک ورزیدند سخنان آزاردهندهٔ بسیاری خواهید شنید؛ و[لی] اگر صبر کنید و تقوا پیشه سازید، [شایسته‌تر است؛ زیرا] این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست. (۱۸۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ﴾

الله متعال با بیان خبر تکذیب رسولان پیشین توسط تکذیب‌کنندگان، پیامبر گرامی‌اش محمد ﷺ را دلداری داد تا به رسولان پیشین اقتدا کند؛ زیرا وفات و قتل پیامبر گرامی ﷺ همانند رسولان قبل از او ممکن است. خبر را با این عبارت به پایان رساند که بسیاری از رسولان کشته شده‌اند، این امر قطعی است و به وقوع پیوسته و هیچ خاص و عامی از مرگ در امان نیست. بقاعی: ۲/ ۱۹۲.

پرسش: خبردادن از قتل پیامبران چه حکمتی دارد؟

۲ ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ﴾

چون به قتل پیامبران که پیشینیانِ آنان مرتکب شدند راضی بودند و همانند آنان این کار را حلال و جایز می‌دانستند، الله تعالی این کار را به همگی نسبت داد؛ زیرا پیرو یک دین و آیین هستند و همگی به این کار راضی بودند. طبری: ۷/ ۴۴۶.

پرسش: چرا قتل پیامبران به یهودیان معاصر نسبت داده شد، در حالی که پیشینیانِ آنان مرتکب این کار شده بودند؟

۳ ﴿وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾

﴿بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ منظور از این قید آن است که آنان با علم به این‌که قتل پیامبران کار بسیار زشتی است آن را مرتکب شدند، نه از روی جهل و گمراهی، بلکه از روی دشمنی و گردنکشی، این کار را انجام می‌دادند. سعدی: ۱۵۹.

پرسش: چرا الله تعالی قتل پیامبران توسط یهودیان را با قید «ناحق» توصیف کرد؟

۴ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ﴾

شخص فریب‌خورده از کالایی که با آن فریب خورده است پشیمان می‌شود، بنابراین خوشبخت کسی است که بکوشد مرگش در خوشنودی مولایش باشد. بقاعی: ۲/ ۱۹۳.

پرسش: سرانجامِ نیکو، چه نشانه‌ای دارد؟

۵ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾

الله سبحانه و تعالی با بیان سرگذشت رسولان به رسولش دلداری داد - همان کسانی که بر صبر و تلاش در طاعت پایدار ماندند- تا این‌که هم خودشان و هم امت‌های‌شان از دنیا رفتند و آن‌چه را که داشتند ناگزیر به جای گذاشتند و فقط فرمانروایی الله باقی ماند؛ هر دو گروه منتظر جزا هستند- یعنی رسولان، فتح و پیروزی کامل و کافران، نابودی کامل را انتظار می‌کشند-، در ادامه خبر داد که هر نفسی چنین سرنوشتی دارد؛ تا فرمانبردار بیشتر تلاش کند و نافرمان از کارش دست بکشد. بقاعی: ۲/ ۱۹۲.

پرسش: معیار مومنان و منافقان بر رستگاری در دنیا چیست؟

۶ ﴿لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ أَذًى كَثِيرًا﴾

به آنان خبر داد تا خودشان را برای تحمل و رویارویی با این امر آماده کنند و با صبر و استقامت نیکو با آن روبه‌رو شوند؛ زیرا هجوم مصیبت، این را می‌طلبد که احتیاط بیشتری صورت گیرد و آمادگی در برابر سختی، از غم و اندوه آن می‌کاهد. آلوسی: ۴/ ۱۴۷.

پرسش: چرا الله سبحانه و تعالی به دعوتگران و مومنان خبر داد که آزمایش خواهند شد؟

۷ ﴿وَإِن تَصْبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ﴾

زیرا تقوا، دربرگیرندهٔ دو چیز است: انجام اوامر و ترک نواهی. و صبر دربرگیرندهٔ شکیبایی در برابر امر مقدّر است. ابن تیمیه: ۲/ ۱۸۵.

پرسش: تقوا و صبر مذکور در آیه، دربرگیرندهٔ چه مواردی است؟

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٥)

وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ
وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا
قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ
أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم
بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ
لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا
وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾
رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ
أَنصَارٖ ﴿١٩٢﴾ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ
ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَـَٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا
سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ
رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

ترجمه آیات

و [ای پیامبر، یاد کن] هنگامی که الله از کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده بود پیمان گرفت که: «حتماً [آموزه‌های هدایت‌بخش] آن را برای مردم بیان نمایید و [آنچه را که از نبوت محمدﷺ خبر می‌دهد] کتمانش نکنید»؛ و[لی] آن [عهد] را پشت سر خویش انداختند [به آن توجهی نکردند] و به بهای اندکی [همچون مال و مقام] فروختند. چه بد است آنچه می‌خرند! (۱۸۷) کسانی که از اعمال [زشت] خود خشنود می‌گردند و دوست دارند در ازای کار [نیکی] که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، گمان مبر که از عذاب [الهی] برکنارند؛ [بلکه] برای آنان عذاب دردناکی [در پیش] است. (۱۸۸) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ الله است و الله بر هر چیزی تواناست. (۱۸۹) به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز، نشانه‌های [آشکاری] برای خردمندان است. (۱۹۰) [همان] کسانی که الله را [در همهٔ احوال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند:] «پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزّهی تو؛ پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگاه دار. (۱۹۱) پروردگارا، کسی را که تو به آتش [دوزخ] درآوری، یقیناً خوار و رسوایش کرده‌ای و ستمکاران [هیچ] یاوری ندارند. (۱۹۲) پروردگارا، ما [ندای] دعوتگری [= پیامبرت محمدﷺ] را شنیدیم که به ایمان فرامی‌خوانَد که: "به پروردگار خود ایمان آورید"؛ پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس گناهانمان را ببخش و بدی‌هایمان را بپوشان و ما را در زمرهٔ نیکان بمیران. (۱۹۳) پروردگارا، آنچه را که به وسیلهٔ رسولانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و در روز قیامت رسوایمان مگردان. بی‌تردید، تو خلاف وعده نمی‌کنی». (۱۹۴)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ﴾

حسن و قتاده گفته‌اند: این پیمان از هر کسی که به بخشی از کتاب علم داشته باشد گرفته شده است؛ یعنی اگر کسی چیزی می‌داند باید آن را به دیگران بیاموزاند، از کتمان علم بپرهیزید که نابودگر است. محمد بن کعب می‌گوید: برای هیچ عالمی جایز نیست که دربارهٔ علمش سکوت اختیار کند [و آن را به دیگران نرسانَد] و برای هیچ جاهلی نیز جایز نیست که برای برطرف کردنِ جهلش سکوت اختیار کند [و سوال نکند]؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ﴾ و ﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳]. ابوهریره رضی الله عنه گفت: اگر الله از اهل کتاب پیمان نگرفته بود شما را از هیچ‌چیز باخبر نمی‌کردم، سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ﴾. قرطبی: ۵/ ۴۵۸.

پرسش: الله تعالی به جای این‌که بفرماید «أخذوا الکتاب» فرمود ﴿أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ﴾؛ این عبارت، چه دلالت و نتایجی دارد؟

❷ ﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾

ذکر را بر تفکرِ مداوم مقدم کرد تا بگوید عقل تا زمانی که به نور ذکر و هدایت الله تعالی منور نشود، برای هدایت کافی نیست؛ پس تفکرکننده باید به سوی الله تعالی رجوع کند. آلوسی: ۴/ ۱۵۹.

پرسش: چرا ذکر بر تفکر مقدم شد؟

❸ ﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ﴾

با این عبارت، مداومت بر ذکر در تمام احوال اراده شده است.

پرسش: منظور الله تعالی از توصیف خردمندان به ذکر در سه حالت مذکور چیست؟

❹ ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾

به أُمّ درداء گفته شد: ابودرداء چه حالی دارد؟ گفت: در بیشتر احوال تفکر می‌کند، به او گفته شد: آیا تفکر را یکی از اعمال می‌پنداری؟ گفت: بله، [تفکر کردن، همان] یقین است. ابن عاشور: ۴/ ۱۹۶.

پرسش: آیه یکی از وسایل رسیدن به یقین را بیان کرده است، آن وسیله چیست؟

❺ ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ﴾

ابن عون می‌گوید: تفکر، غفلت را از بین می‌برد و خشیت را در دل می‌اندازد؛ چنان‌که آب، سبب رشد گیاه می‌گردد. هیچ‌چیز مانند غم و اندوه، دل را صیقل نمی‌دهد و هیچ‌چیز مانند تفکر، به آن روشنایی نمی‌بخشد. بغوی: ۱/ ۴۶۵.

پرسش: اهمیت و فایدهٔ تفکر را بیان کنید؟

❻ ﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾

ابودرداء می‌گوید: الله تا زمانی که مومنان «ربنا» «ربنا» می‌گویند [و به درگاه او دعا می‌کنند] به آنان رحمت می‌فرستد، تا این‌که اجابت شوند. ابن عطیه: ۱/ ۵۵۶.

پرسش: سبب استجابت دعای مومنانی که ابودرداء به آن اشاره کرده است چیست؟

❼ ﴿رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ﴾

به جای این‌که بگویند «أبراراً»، گفتند: ﴿مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ﴾، یعنی این‌که ما نیک نیستیم؛ پس ما را در زمرهٔ نیکان قرار بده، و ما را پیروان آنان بگردان؛ این نوع سخن‌گفتن، فروتنی و ادب نیکو را می‌رساند. آلوسی: ۴/ ۱۶۵.

پرسش: چرا به جای ﴿مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ﴾ نفرمود «توفّنا أبراراً»؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَكَفِّرۡ	بپوشان.

عمل به آیات

۱. امروز یک نفر را که از احکام وضو و نماز آگاهی ندارد، یا سوره‌های کوچک را حفظ نیست پیدا کن و آن‌ها را به او بیاموز، ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ﴾

۲. امروز بر اذکار صبحگاه و شامگاه کوشا باش، و خودت را عادت بده به این‌که الله را در تمام احوال، ایستاده، نشسته و به پهلو آرمیده، یاد کنی، ﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ﴾

۳. امشب به آسمان و به طلوع و غروب خورشید بنگر، و از هر یک، دلیلی بر قدرت الله سبحانه و تعالی استخراج کن، ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾

رهنمودها

۱. هر گاه علما حقیقت را کتمان کنند تا به خوشنودی مردم، یا منافع دنیوی، یعنی مال یا مقام یا قدرتی، دست یابند جامعه نابود می‌شود، ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ﴾

۲. حق جامعه بر عالِم این است که علمش را منتشر گرداند و آن را کتمان نکند، ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ﴾

۳. برحذر باش از این‌که حبِّ مدح و ستایش در قلبت نفوذ کند، و بدتر از آن، این است که دوست داشته باشی در مقابل کاری که انجام نداده‌ای مدح و ستایش شوی، ﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

سورة (آل عمران) الجزء (٤) صفحة (٧٦)

فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن
ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ
مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ
عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ١٩٥
لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ
ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٩٧ لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ
رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا
نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ ١٩٨ وَإِنَّ مِنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ
وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ
سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ
وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٢٠٠

سُورَةُ النِّسَاءِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَقَلُّبُ	زندگی فراخ و رفت و آمد و تصرف زیاد.
ٱلۡمِهَادُ	بستر.
نُزُلًا	پذیرایی و میهمانی.
وَرَابِطُواْ	در جهاد با دشمن تان استقامت کنید.

عمل به آیات

۱. امروز با دعاهایی که در آیات آمده است دعا کن، امید است که مستجاب شود، ﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم﴾

۲. امروز به منظور تقوای الهی و صبر بر معصیت، بسیار تلاش کن که از نگاه حرام پرهیز کنی، ﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ﴾

۳. عباراتی زیبا یا یک قصه در فضیلت و ثواب بزرگ صبر انتخاب و آن را در پیامی ارسال کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. برتری و قدرت کافران در زندگی دنیا تو را نفریبد؛ زیرا پشت این امر، حکمت‌هایی وجود دارد که الله سبحانه و تعالی اراده کرده است، ﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ﴾

۲. هدفت از حفظ و تدبر و عمل به قرآن، دستیابی به منافع دنیوی نباشد، ﴿لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًا﴾

۳. صبر و شکیبایی و جهاد و تقوا، برای دستیابی به رستگاری و پیروزی در دنیا و کامیابی در آخرت اهمیت دارد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾.

ترجمه آیات

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود:] «من [پاداش] عمل هیچ صاحبْ‌عملی از شما را ـ چه مرد و چه زن ـ که همنوعِ یکدیگرید تباه نمی‌کنم؛ پس کسانی که [از وطن خود] هجرت کرده‌اند و [یا] از خانه‌های خود رانده شده‌اند و در راه من آزار دیده‌اند و جنگیده‌اند و کشته شده‌اند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و [به عنوان] پاداشی از جانب الله، آنان را در باغ‌هایی درمی‌آورم که از زیرِ [درختان] آن جویبارها جاری است؛ و الله است که پاداش نیکو نزد اوست. (۱۹۵) [ای پیامبر،] رفت و آمدِ کافران [برای تجارت] در شهرها [و مال و مقام آنان] تو را نفریبد. (۱۹۶) [این] بهره‌مندی ناچیزی است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است! (۱۹۷) اما کسانی که از پروردگارشان پروا کرده‌اند، [در بهشت] باغ‌هایی دارند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است [و] جاودانه در آن می‌مانند. [این] محلّ پذیرایی از جانب الله [برای آنان مهیّا شده] است و آنچه نزد الله است، برای نیکوکاران بهتر است. (۱۹۸) و کسانی از اهل کتاب هستند که به الله و آنچه بر شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل شده است ایمان دارند؛ در برابر الله فروتن هستند و آیات الله را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. اینانند که پاداششان نزد پروردگارشان [محفوظ] است. به راستی که الله در حسابرسی سریع است. (۱۹۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [بر تکالیف دینی و رنج‌های دنیوی] شکیبایی ورزید و [در برابر دشمنان] پایدار باشید و مرزها[ی سرزمین اسلامی] را نگهبانی کنید و پرهیزگاری پیشه کنید؛ باشد که رستگار شوید. (۲۰۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ﴾

﴿فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ﴾ یعنی سرزمین شرک را ترک کردند و به سرزمین ایمان درآمدند و از دوستان و نزدیکان و برادران و همسایگان‌شان جدا شدند. ﴿وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ﴾ یعنی: مشرکان با آزار و اذیت، عرصه را بر آنان تنگ کردند تا این‌که مجبور به خروج از میان آنان شدند؛ به همین منظور فرمود: ﴿وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي﴾ یعنی: تنها گناه‌شان در نظر مردم این بود که به الله یگانه ایمان آورده بودند؛ ﴿وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٨﴾ [البروج: ۸]؛ «و هیچ ایرادی از آنان نگرفتند، جز این‌که به الله پیروزمند ستوده ایمان آورده بودند». ﴿وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ﴾ بزرگ‌ترین مقام این است که انسان در راه الله کشته شود. ابن کثیر: ۱/ ۴۱۸.

پرسش: کسی که در راه الله مهاجرت کند، یا از سرزمینش اخراج گردد، یا آزار ببیند، یا کشته شود، چه جزایی دارد؟

۲ ﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾

دلالت دارد بر این‌که کافران در دنیا از نعمت برخوردار نمی‌شوند؛ زیرا نعمت واقعی آن است که از شوائب زیان دنیوی و اخروی خالی باشد، در حالی که نعمت‌های کافران با دردها و کیفرها آغشته است؛ مانند کسی که عسلی آغشته به زهر را در برابر دیگری قرار دهد که این شخص هر چند از خوردن عسل لذت ببرد اما گفته نمی‌شود که به او احسان شده است؛ زیرا این بخشش سبب نابودی جانش است. قرطبی: ۵/ ۴۸۱.

پرسش: آیا کافران در دنیا از نعمت برخوردار می‌شوند؟

۳ ﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾

مُغتَر (فریب‌خورده)، کسی است که به چیزی که با آن فریب خورده شادمان است؛ یعنی کافران از رفت و آمد و زندگی فراخ خویش شادمانند و مومنان از این امر اندوهگین هستند. اما شاید این فکر در قلب مومن بیفتد که این اعطای مهلت به کافران، خیری برای‌شان در پیش دارد و این امر به نوعی باعث ایجاد گرایش به حال آنان و فریب را به همراه داشته باشد؛ از این رو به درستی فرمود: ﴿لَا يَغُرَّنَّكَ﴾ ... . هیچ مؤمن و کافری نیست مگر این‌که مرگ برایش خوب است؛ کافر به این دلیل که گناه بیشتری مرتکب نشود و مومن به این دلیل که آن‌چه نزد الله وجود دارد برای نیکوکاران بهتر است. ابن عطیه: ۱/ ۵۵۸.

پرسش: به چه سبب، واژۀ غرور در این‌جا به کار رفت؟

۴ ﴿نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ﴾

«ابرار» جمع بار و بر است، یعنی: عاملان به نیکی، که غایت تقوا و عمل صالح است. برخی گفته‌اند: ابرار کسانی هستند که به هیچ‌کس آزار نمی‌رسانند. ابن جزی: ۱/ ۱۷۰.

پرسش: منظور از ابرار چه کسانی هستند؟

۵ ﴿وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ﴾

از آن‌جا که ایمان‌شان فراگیر و واقعی بود، سودمند واقع شد و خشیت الله را برای‌شان به ارمغان آورد... یکی از نشانه‌های خشیت و فروتنیِ کاملِ آنان در برابر الله این است که ﴿لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًا﴾؛ دنیا را بر دین مقدم نمی‌کنند آن‌گونه که منحرفان چنین کاری انجام دادند، یعنی کسانی که آن‌چه را الله نازل کرده بود پنهان می‌کردند و بهای اندکی را در قبال آن می‌گرفتند. اما اینان امر را به صورت حقیقی شناختند و دانستند که بزرگ‌ترین زیان، آن است که انسان به جای دین، به دنیای پست راضی شود. سعدی: ۱۶۲.

پرسش: ایمان واقعی چه نشانه‌ای دارد؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

الله تعالی سوره را با مضامین این آیه که دهمین مورد از مجموع سفارشاتی است که پیروزی بر دشمنان در دنیا و دستیابی به نعمت‌های آخرت را گرد آورده است به پایان رسانید؛ بنابراین بر صبر بر انجام طاعات و ترک شهوات تشویق کرد. منظور از صبر در این‌جا خویشتنداری است. قرطبی: ۵/۴۸۵.

پرسش: آیه چه شروطی برای پیروزی بر دشمنان و رستگاری در آخرت بیان فرموده است؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾

این آیه شرط استجابت دعای پیروزی بر کافران را آموزش می‌دهد و خردمندان را به ترس از ذات واحد و همیشه زنده و پابرجا یادآوری می‌کند. بقاعی: ۲/ ۲۰۳.

پرسش: الله تعالی به چه شرطی، دعای پیروزی مومنان را استجابت می‌کند؟